



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



بورڈ آف ٹیکنیکل ایجوکیشن  
(BTE)



۱۱  
جلد

پتھر کے ٹیبلٹوں پر لکھی ہوئی  
سال ۱۹۹۸ء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه مقالات کنگره بازخوانی ابعاد شخصیتی امیرالمومنین علی علیه السلام

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

دانشگاه آزاد اسلامی (تهران)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۹	مجموعه مقالات کنگره بازخوانی ابعاد شخصیتی امیرالمؤمنین، امام علی (علیه السلام) جلد ۱۱
۱۹	مشخصات کتاب
۲۰	اشاره
۲۲	فهرست
۴۱	مقدمه دبیر علمی کنگره
۴۱	درآمد
۴۱	اشاره
۴۲	اول: ضرورت موضوع کنگره
۴۲	دوم: پیشینه کنگره
۴۳	سوم: ساختار کنگره
۴۳	الف: شورای سیاست گذاری
۴۴	ب: شورای علمی
۴۶	ج: کمیته اجرایی
۴۶	د: کارگزاران
۴۸	چهارم: برونداد کنگره
۴۸	الف: کتاب مجموعه مقالات
۴۸	ب: نرم افزار
۴۸	ج: نشریات و وبگاه
۵۰	د: لیست آثار رسیده (۷۵۹ اثر)
۵۰	پنجم: مراکز و تشکل های همکار
۵۲	ششم: پیش نشست ها
۵۴	هفتم: ارزیابان
۵۴	هشتم: ویراستاران

۵۵	.....	نهم: ملیت های شرکت کننده
۵۶	.....	مقدمه رئیس شورای سیاست گذاری
۶۰	.....	۱. سیاست های اقتصادی حکومت علوی
۶۰	.....	اشاره
۶۲	.....	چکیده
۶۴	.....	پیشینه
۶۵	.....	۱. اقدام جهت اجرای اصلاحات مالی و اقتصادی
۶۵	.....	اشاره
۶۵	.....	الف. استرداد اموال عمومی
۶۶	.....	ب. نظارت بر کارگزاران بیت المال
۶۹	.....	ج. تقسیم بالسویه بیت المال
۷۰	.....	د. احتیاط در مصرف بیت المال
۷۱	.....	هـ. عدم تأخیر در تقسیم اموال عمومی
۷۲	.....	۲. رهنمودهای عملیاتی اقتصادی
۷۲	.....	اشاره
۷۳	.....	الف. ارائه الگوی عملی به مردم
۷۳	.....	ب. تلاش در جهت عمران و آبادی
۷۶	.....	ج. اهمیت دادن به تولید
۷۸	.....	د. تلاش در راستای رونق بخشی به بازار
۸۱	.....	۳. برآیند اقدامات اقتصادی
۸۱	.....	اشاره
۸۱	.....	الف. استقرار عدالت
۸۲	.....	ب. ایجاد رفاه عمومی
۸۳	.....	ج. پیام عدالت خواهی
۸۵	.....	د. پیام سیاست های اقتصادی حکومت علوی برای دوران معاصر
۸۷	.....	نتیجه

منابع	۸۸
۲. سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی در عرصه استقلال با نگاهی به آموزه های علوی	۹۱
اشاره	۹۱
چکیده	۹۳
مقدمه	۹۴
پیشینه	۹۶
تعریف و اصول اقتصاد مقاومتی	۹۶
سیاست های کلی در جهت تحقق استقلال اقتصادی	۹۷
۱. استقلال	۹۷
۲. حمایت از تولید، با بهبود فضای کسب و کار	۱۰۰
۳. روحیه و فرهنگ جهادی	۱۰۳
اشاره	۱۰۳
عنصر اول: تلاش فراوان	۱۰۵
عنصر دوم: کار برای خدا	۱۰۷
اقتصاد دانش بنیان	۱۰۹
الگوی مصرف	۱۱۱
مؤلفه های الگوی مصرف	۱۱۲
مراعات صرفه جویی و مبارزه با اسراف	۱۱۵
قناعت و مقابله با تجمل گرایی	۱۱۷
مبارزه با فساد اقتصادی	۱۱۹
پیش گیری از فساد	۱۲۲
انتصاب مسئولان متعهد	۱۲۲
برخورد قاطع با زمینه سازان فساد	۱۲۳
نظارت دقیق و جامع	۱۲۳
اشاره	۱۲۳
الف) نظارت ویژه در امور محرومین	۱۲۳

- ب) ارتباط مستقیم با مردم ..... ۱۲۳
- ج) پنهان نشدن از مردم ..... ۱۲۴
- د) گم‌کردن جاسوس ..... ۱۲۴
- مقابله جدی با فساد ..... ۱۲۴
- تحمل فشارهای ناشی از مبارزه ..... ۱۲۶
- نتیجه ..... ۱۲۷
- منابع ..... ۱۲۹
۳. آموزه های اقتصادی امام علی (علیه السلام) برای تحقق اقتصاد مقاومتی ..... ۱۳۲
- اشاره ..... ۱۳۲
- چکیده ..... ۱۳۴
- مقدمه ..... ۱۳۵
- پیشینه پژوهش ..... ۱۳۵
- ادبیات نظری پژوهش ..... ۱۳۷
- مبانی اقدامی اقتصاد مقاومتی ..... ۱۳۷
- اشاره ..... ۱۳۷
- الف. تبیین و فرهنگ سازی اقتصاد مقاومتی (رویکرد تئوری) ..... ۱۳۸
- ب. تبیین اجرائی کردن راهکارهای اقدامی اقتصاد مقاومتی (رویکرد عملی) ..... ۱۳۸
- راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی ..... ۱۳۸
- اشاره ..... ۱۳۸
- الف. مؤلفه های اقدامی جهت اشتغال زائی و تولید ..... ۱۳۹
- اشاره ..... ۱۳۹
- یک. توسعه فرهنگ تلاش و کوشش ..... ۱۳۹
- دو - توجه به تولید و نقش اقتصادی آن ..... ۱۴۱
- مؤلفه های اقدامی جهت رفع آسیب های اقتصادی ..... ۱۴۴
- اشاره ..... ۱۴۴
- الف) مبارزه با مفاسد اقتصادی ..... ۱۴۴



- ب) نهی استفاده از کالاهای قاچاق ..... ۱۴۵
- ج) فرهنگ سازی استفاده بهینه از نعمت های الهی ..... ۱۴۷
- مؤلفه های اقدامی جهت ریشه کن کردن فقر و فاصله طبقاتی ..... ۱۴۹
- اشاره ..... ۱۴۹
- الف) اجرای عدالت اقتصادی ..... ۱۴۹
- ب) قرض الحسنه ..... ۱۵۰
- ج) حمایت اقتصادی از اقشار آسیب پذیر ..... ۱۵۱
- مؤلفه های اقدامی جهت استقلال و اقتدار اقتصادی ..... ۱۵۳
- اشاره ..... ۱۵۳
- الف) برنامه ریزی اقتصادی ..... ۱۵۴
- ب) تشویق بر استقلال و اقتدار اقتصادی ..... ۱۵۵
- نتیجه ..... ۱۵۸
- منابع ..... ۱۶۰
۴. تحلیل سیاست های اقتصادی حضرت علی (علیه السلام) خطاب به کارگزاران ..... ۱۶۶
- اشاره ..... ۱۶۶
- چکیده ..... ۱۶۸
- مقدمه ..... ۱۶۹
- پیشینه ..... ۱۶۹
۱. مفهوم شناسی ..... ۱۷۱
- الف. سیاست ..... ۱۷۱
- ب. اقتصاد ..... ۱۷۲
۲. سیاست های اقتصادی حکومت علوی ..... ۱۷۲
- اشاره ..... ۱۷۲
- الف. امنیت اقتصادی ..... ۱۷۳
- ب. مدیریت اقتصادی ..... ۱۷۶
- ج. مسئولیت دولت در مبارزه با ظلم اقتصادی ..... ۱۷۸

۱۷۸	..... اشاره
۱۷۹	..... یک. توصیه های ایشان در مورد اخلاق اجتماعی کارگزاران اقتصادی
۱۷۹	..... دو. توصیه های رفتاری و کرداری به کارگزاران
۱۸۰	..... نتیجه
۱۸۲	..... منابع
۱۸۴	..... ۵. رونق تولید در سیره و گفتار امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام)
۱۸۴	..... اشاره
۱۸۶	..... چکیده
۱۸۸	..... مقدمه
۱۸۹	..... پیشینه
۱۸۹	..... مفهوم شناسی
۱۹۰	..... رونق تولید در قرآن کریم
۱۹۱	..... پیامبران الهی و رونق تولید
۱۹۱	..... زنبور عسل و رونق تولید
۱۹۲	..... ضرورت تأسی به سیره امام علی(علیه السلام)
۱۹۳	..... امام علی(علیه السلام) و رونق تولید
۱۹۵	..... فرهنگ کار در بینش علوی
۱۹۵	..... بی زاری از تنبلی در بینش علوی
۱۹۸	..... ظرفیت تولید و رونق آن در عرصه های گوناگون زندگی
۱۹۹	..... رونق تولید در عرصه های بازرگانی و صنعت
۱۹۹	..... بستر سازی لازمه رونق تولید
۲۰۰	..... وظیفه دولت کمک به رونق تولید
۲۰۰	..... تدوین و تألیف کتب علمی
۲۰۱	..... رونق تولید با احداث مساجد
۲۰۲	..... رونق تولید با احداث مسکن
۲۰۲	..... رونق تولید با احداث و حفر چاه

۲۰۳	رونق تولید با تأسیس آسیاب آبی
۲۰۳	رونق تولید با احداث اسکله و کارخانه کشتی سازی
۲۰۴	حمایت از اقشار ضعیف با رونق تولید
۲۰۴	شکوفایی و رفاه جامعه با رونق تولید
۲۰۶	نتیجه
۲۰۸	منابع
۲۱۱	۶. اصلاحات نرم افزاری امام علی (علیه السلام) در رونق بخشی به نظام تولید
۲۱۱	اشاره
۲۱۳	چکیده
۲۱۳	مقدمه
۲۱۵	پیشینه
۲۱۵	۱. سیره تولیدی امام علی (علیه السلام)
۲۱۵	اشاره
۲۱۶	الف) ایجاد فرهنگ کار
۲۱۷	ب) ایجاد روحیه برادری دینی
۲۲۰	ج) الگوبخشی امام (علیه السلام) به سیره رفتاری خود
۲۲۵	۲. الگوی تولید
۲۲۵	اشاره
۲۲۵	الف) بایسته های تولیدی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)
۲۲۵	اشاره
۲۲۶	یک - مهندسی تولید
۲۲۷	دو - تولید کالا بر اساس نیازسنجی
۲۲۹	ب) اولویت دادن به تولیدات مناسب با محیط و اقلیم جغرافیایی
۲۳۱	نتیجه
۲۳۳	منابع
۲۳۵	۷. نگاهی به جایگاه کار در سیره امام علی (علیه السلام)

۲۳۵	.....	اشاره
۲۳۷	.....	چکیده
۲۳۸	.....	مقدمه
۲۳۸	.....	۱. پیشینه
۲۳۹	.....	۲. مفهوم شناسی کار
۲۳۹	.....	۳. جایگاه و ارزش کار در اسلام
۲۴۲	.....	۴. جایگاه شغل و حرفه از دیدگاه امام علی(علیه السلام)
۲۴۲	.....	۵. سیره عملی امام علی(علیه السلام)
۲۴۲	.....	اشاره
۲۴۳	.....	الف) تأمین نیاز خانواده
۲۴۳	.....	ب) کمک به همسر در کارهای منزل
۲۴۳	.....	ج) اهمیت حلال بودن کار
۲۴۴	.....	د) کار برای تأمین نیاز مستمندان
۲۴۴	.....	۶. عوامل موفقیت در کار از دیدگاه امام علی(علیه السلام)
۲۴۴	.....	الف) ایمان به کار
۲۴۵	.....	ب) مشورت
۲۴۵	.....	ج) عاقبت اندیشی و تدبیر
۲۴۵	.....	د) پشتکار و جدیت
۲۴۶	.....	هـ) دقت و ایمان
۲۴۶	.....	و) برنامه ریزی، نظم و سازماندهی
۲۴۶	.....	ز) همکاری
۲۴۷	.....	ح) نکوهش بی کاری
۲۴۷	.....	ط) وقت شناسی
۲۴۸	.....	۷. اهداف و اثرات مادی کار در بعد فردی
۲۴۸	.....	اشاره
۲۴۸	.....	الف) کسب درآمد و تأمین نیازهای زندگی خود و خانواده

- ۲۴۹ ..... (ب) فعلیت یافتن استعدادهای بالقوه افراد
- ۲۴۹ ..... (ج) سربلندی، شخصیت و عزت در سایه کار و تلاش
- ۲۵۰ ..... (د) رشد علمی و عقلی
- ۲۵۱ ..... ه- ( سلامت و آرامش روحی
- ۲۵۱ ..... (و) ارزش ذاتی کار
- ۲۵۲ ..... ۸. اهداف و اثرات مادی کار در بُعد اجتماعی
- ۲۵۲ ..... الف) بی نیاز ساختن جامعه
- ۲۵۲ ..... (ب) کمک به نیازمندان
- ۲۵۳ ..... (ج) کسب احترام اجتماعی
- ۲۵۳ ..... (د) رشد فضائل و کاهش و مفسد در جامعه
- ۲۵۴ ..... ۹. اهداف و اثرات معنوی کار
- ۲۵۴ ..... الف) رضای خداوند
- ۲۵۴ ..... (ب) واجب دینی
- ۲۵۴ ..... (ج) آمرزش الهی
- ۲۵۴ ..... (د) حفظ و یاری دین فرد
- ۲۵۵ ..... نتیجه
- ۲۵۷ ..... منابع
- ۲۵۹ ..... ۸. مصادیق احسان و نیکوکاری در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۲۵۹ ..... اشاره
- ۲۶۱ ..... چکیده
- ۲۶۱ ..... بیان مسئله
- ۲۶۳ ..... پیشینه و ضرورت تحقیق
- ۲۶۴ ..... ۱- اهمیت تبعیت از سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۲۶۶ ..... ۲- مصادیق احسان و نیکوکاری امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- ۲۶۶ ..... اشاره
- ۲۶۷ ..... الف) احسان های اقتصادی

- ۲۶۷ ..... اشاره
- ۲۶۷ ..... یک - ولّی صدقه دهندگان
- ۲۶۷ ..... دو - انفاق کننده دارایی در شب و روز، نهان و آشکارا
- ۲۶۸ ..... سه - پیشوای صدقه دهندگان
- ۲۶۸ ..... چهار - بخشیدن لباس
- ۲۶۹ ..... پنج - بخشیدن زره
- ۲۶۹ ..... شش - بخشیدن حَلّه
- ۲۷۰ ..... هفت - جوان مردی و بخشیدن شمشیر
- ۲۷۰ ..... هشت - بخشیدن خانه و نزول سوره لیل
- ۲۷۲ ..... نُه - بخشیدن بند کفش
- ۲۷۳ ..... ده - مواسات علی (علیه السلام)
- ۲۷۳ ..... یازده - آزاد کردن بردگان
- ۲۷۴ ..... دوازده - پرداخت بدهی
- ۲۷۴ ..... دوازده - پردازنده بدهی پیامبر
- ۲۷۵ ..... سیزده - اطعام
- ۲۷۵ ..... اشاره
- ۲۷۵ ..... اول) اطعام مستمند، یتیم و اسیر
- ۲۷۶ ..... دوم) تقسیم گوشت بین مردم
- ۲۷۶ ..... سوم) خوراندن عسل به یتیمان
- ۲۷۷ ..... چهارم) سیر کردن کودکان و بازی با آن ها
- ۲۷۸ ..... پنجم) سینی در دست و کیسه ای بر پشت
- ۲۷۸ ..... ششم - رسیدگی به خوبشاوندان
- ۲۷۹ ..... چهارده - موقوفات
- ۲۷۹ ..... اشاره
- ۲۷۹ ..... اول) چاه ها، چشمه ها، نخلستان ها و مزارع
- ۲۸۰ ..... دوم) مساجد وقفی حضرت علی (علیه السلام)

۲۸۱	سوم) خانه موقوفه حضرت علی(علیه السلام)-----
۲۸۱	ب) احسان هایی با جنبه خدماتی ..-----
۲۸۱	اشاره -----
۲۸۱	یک - بنیاد نهادن صندوق شکایات -----
۲۸۲	دو - بردن مشک آب و پخت نان -----
۲۸۳	سه - نیکی در حق زن ستمدیده -----
۲۸۶	نتیجه -----
۲۸۷	منابع -----
۲۸۹	۹. امام علی (علیه السلام) و سنت حسنه وقف ..-----
۲۸۹	اشاره -----
۲۹۱	چکیده -----
۲۹۱	مقدمه -----
۲۹۳	۱. پیشینه تحقیق ..-----
۲۹۳	۲. مفهوم شناسی ..-----
۲۹۴	۳. وقف در قرآن و سیره معصومین(علیهم السلام) ..-----
۲۹۶	۴. سیاست های امام علی(علیه السلام) در عمل به سنت وقف ..-----
۲۹۶	اشاره -----
۲۹۶	الف) فقرزدایی و ایجاد استقلال اقتصادی ..-----
۲۹۹	ب) استقرار عدالت اجتماعی ..-----
۳۰۲	ج) تقویت ارزش های معنوی و توسعه فرهنگی ..-----
۳۰۶	نتیجه -----
۳۰۷	منابع -----
۳۱۰	۱۰. تحلیل موقوفات امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) -----
۳۱۰	اشاره -----
۳۱۲	چکیده -----
۳۱۲	مقدمه -----

- پیشینه ..... ۳۱۵
- وقف و امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ..... ۳۱۵
- علی (علیه السلام) و وقف عبادی ..... ۳۱۶
- علی (علیه السلام) و وقف اجتماعی ..... ۳۱۷
- رکن اوقاف امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ..... ۳۱۷
- اشاره ..... ۳۱۷
- رکن اول انعقاد وقف ..... ۳۱۸
- رکن دوم واقف ..... ۳۱۹
- رکن سوم مال یا ثروت موقوفه ..... ۳۲۱
- اشاره ..... ۳۲۱
- الف) موقوفات یُنْبَع ..... ۳۲۱
- اشاره ..... ۳۲۱
- بغیغات ..... ۳۲۲
- عین ابو نُبُزَر ..... ۳۲۲
- اموال دیگری ..... ۳۲۳
- ب) موقوفات وادی القرى ..... ۳۲۴
- ج) موقوفات دیمه ..... ۳۲۵
- اشاره ..... ۳۲۵
- اما ترعه کجاست؟ ..... ۳۲۵
- د) موقوفات اُدَینه ..... ۳۲۷
- هـ) موقوفات فُقَیران ..... ۳۲۸
- و) موقوفات متفرقه ..... ۳۳۰
- رکن چهارم موقوف علیهم ..... ۳۳۱
- نتیجه ..... ۳۳۲
- منابع ..... ۳۳۴
۱۱. راهکارهای صیانت از بیت المال از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه ..... ۳۳۶



- ۳۳۶ ..... اشاره
- ۳۳۸ ..... چکیده
- ۳۳۸ ..... مقدمه
- ۳۴۰ ..... پیشینه
- ۳۴۰ ..... ۱. مفهوم شناسی
- ۳۴۰ ..... الف. راهکار
- ۳۴۱ ..... ب. صیانت
- ۳۴۱ ..... ج. بیت المال
- ۳۴۲ ..... ۲. نقش بیت المال
- ۳۴۲ ..... اشاره
- ۳۴۲ ..... الف. اصلاح امور
- ۳۴۳ ..... ب. رفع نیاز مردم
- ۳۴۳ ..... ج. دوام حکومت
- ۳۴۴ ..... د. اصلاح و تقویت نیروهای مسلح
- ۳۴۴ ..... ۳. پی آمدهای خیانت به بیت المال
- ۳۴۴ ..... اشاره
- ۳۴۵ ..... الف. سلب برکت
- ۳۴۶ ..... ب. فروریختن اعتماد مردم
- ۳۴۷ ..... ج. رسوایی در دنیا
- ۳۴۷ ..... د. شورش عمومی
- ۳۴۸ ..... ۴. راهکارهای حفاظت از بیت المال
- ۳۴۸ ..... اشاره
- ۳۴۸ ..... الف. راهکارهای فرهنگی
- ۳۴۸ ..... اشاره
- ۳۴۸ ..... یک. ارائه الگو
- ۳۴۹ ..... دو. افزایش ایمان، تقوا و خودکنترلی

۳۵۰ ..... ب. راهکارهای سیاسی

۳۵۰ ..... یک. عزل و نصب متولیان امور مالی

۳۵۰ ..... دو. نظارت دقیق و پی گیری گزارش ها

۳۵۱ ..... سه. بستن روزنه های فساد

۳۵۲ ..... ج. راهکارهای اقتصادی

۳۵۲ ..... یک. توجه به معیشت کارگزاران

۳۵۳ ..... دو. برخورد قاطعانه با سارقان اموال دولتی

۳۵۴ ..... نتیجه

۳۵۵ ..... منابع

۳۵۸ ..... درباره مرکز

سرشناسه: کنگره بازخوانی ابعاد شخصیت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام (1398: قم)

عنوان و نام پدیدآور: مجموعه مقالات کنگره بازخوانی ابعاد شخصیتی امیرالمؤمنین علی علیه السلام/تالیف جمعی از محققان؛ با نظارت محمدعلی رضایی اصفهانی.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: دانشگاه آزاد اسلامی، پژوهشکده قرآن و عترت(ع)؛ اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان، 1398.

مشخصات ظاهری: 14 ج.

شابک: دوره: 4-6060-10-964-978 ؛ ج. 1: 0-6068-10-964-978 ؛ ج. 2: 7-6069-10-964-978 ؛ ج. 3: 978-964-10-964-978-3 ؛ ج. 4: 0-6071-10-964-978 ؛ ج. 5: 7-6072-10-964-978 ؛ ج. 6: 4-6073-10-964-978 ؛ ج. 7: 1-6074-10-964-978 ؛ ج. 8: 8-6075-10-964-978 ؛ ج. 9: 5-6076-10-964-978 ؛ ج. 10: 964-978-10-964-978-10 ؛ ج. 11: 9-6078-10-964-978 ؛ ج. 12: 6-6079-10-964-978 ؛ ج. 13: 2-6080-10-964-978 ؛ ج. 14: 9-106081-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فیا

مندرجات: ج. 1. قرآن و امام علی علیه السلام. -- ج. 2. قرآن و امام علی علیه السلام. -- ج. 3. ولایت و امامت. -- ج. 4. امام علی علیه السلام و نهج البلاغه. -- ج. 5. امام علی علیه السلام از منظر دانشمندان و مستشرقان. -- ج. 6. امام علی علیه السلام در آینه شعر و ادب. -- ج. 7. امام علی و علوم انسانی (1) - تاریخ. -- ج. 8. امام علی و علوم انسانی (2) - تربیت. -- ج. 9. امام علی و علوم انسانی (3) - اخلاق و عرفان. -- ج. 10. امام علی و علوم انسانی (4) - اجتماعی. -- ج. 11. امام علی و علوم انسانی (5) - اقتصاد. -- ج. 12. امام علی علیه السلام و علوم انسانی (6) - مدیریت و سیاست. -- ج. 13. مقالات غیر فارسی (عربی، اردو، آذری و اسپانیولی)

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40 ق. -- کنگره ها

موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 -- Congresses

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40 ق. -- نقد و تفسیر -- کنگره ها

موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 --- Criticism and interpretation -- Congresses

شناسه افزوده: رضایی اصفهانی، محمدعلی، 1341 -

شناسه افزوده: Rezae Esfahani, Mohammad Ali

شناسه افزوده: دانشگاه آزاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات

Islamic Azad University Publication: شناسه افزوده:

شناسه افزوده: دانشگاه آزاد اسلامی. پژوهشکده قرآن و عترت (ع)

شناسه افزوده: دانشگاه آزاد اسلامی. واحد خوراسگان

رده بندی کنگره: BP37/7

رده بندی دیویی: 297/951

شماره کتابشناسی ملی: 6026010

ص: 1

**اشاره**

مجموعه مقالات کنگره بازخوانی ابعاد شخصیتی امیرالمؤمنین، امام علی (علیه السلام)، جلد 11- امام علی (علیه السلام) و علوم انسانی  
(5) - اقتصاد

جمعی از محققان: زیر نظر دبیر علمی، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

سرپرستار: علی اکبر فراهی بخشایش

ناشر دبیرخانه کنگره بازخوانی ابعاد شخصیتی امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام)

چاپ

تیراژ 500 جلد

قیمت اهدایی به ساحت مقدس امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام)

نوبت نشر اول

شابک

ارتباط با ما اصفهان، خیابان نشاط، ابتدای خیابان فرشادی، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (علیهم السلام)، دبیرخانه کنگره

ص: 2

فهرست 3

مقدمه

دبیر علمی کنگره 13

مقدمه

رئیس شورای سیاستگذاری کنگره 23

1. سیاست های اقتصادی حکومت علوی 27

چکیده 29

مقدمه 29

پیشینه 31

1. اقدام جهت اجرای اصلاحات مالی و اقتصادی 32

الف. استرداد اموال عمومی 32

ب. نظارت بر کارگزاران بیت المال 33

ج. تقسیم بالسویه بیت المال 36

د. احتیاط در مصرف بیت المال 37

هـ. عدم تأخیر در تقسیم اموال عمومی 38

2. رهنمودهای عملیاتی اقتصادی 39

الف. ارائه الگوی عملی به مردم 40

ب. تلاش در جهت عمران و آبادی 40

ج. اهمیت دادن به تولید 43

د. تلاش در راستای رونق بخشی به بازار 45



3. برآیند اقدامات اقتصادی 48

الف. استقرار عدالت 48

ب. ایجاد رفاه عمومی 49

ج. پیام عدالت خواهی 50

د. پیام سیاست های اقتصادی حکومت علوی برای دوران معاصر 52

نتیجه 54

2. سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی در عرصه استقلال با نگاهی به آموزه های علوی 57

چکیده 59

مقدمه 60

پیشینه 62

تعریف

و اصول اقتصاد مقاومتی 62

سیاست های

کلی در جهت تحقق استقلال اقتصادی 63

1. استقلال 63

2. حمایت از تولید، با بهبود فضای کسب و کار 66

3. روحیه و فرهنگ جهادی 69

اقتصاد

دانش بنیان 75

الگوی

مصرف 77



الگوی مصرف 78

مراعات صرفه جویی و مبارزه با اسراف 81

قناعت و مقابله با تجمل گرایی 83

مبارزه با فساد اقتصادی 85

پیش گیری از فساد 88

انتصاب مسئولان متعهد 88

برخورد قاطع با زمینه سازان فساد 89

نظارت دقیق و جامع 89

الف) نظارت ویژه در امور محرومین 89

ب) ارتباط مستقیم با مردم 89

ج) پنهان نشدن از مردم 90

ص: 4

گماردن جاسوس 90

مقابله جدی با فساد 90

تحمل فشارهای ناشی از مبارزه 92

نتیجه 93

3. آموزه های اقتصادی امام علی (علیه السلام) برای تحقق اقتصاد مقاومتی 97

چکیده 99

مقدمه 100

پیشینه پژوهش 100

ادبیات نظری پژوهش 102

مبانی اقدامی اقتصاد مقاومتی 102

الف. تبیین و فرهنگ سازی اقتصاد مقاومتی (رویکرد تئوری) 103

ب. تبیین اجرایی کردن راهکارهای اقدامی اقتصاد مقاومتی (رویکرد عملی) 103

راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی 103

الف. مؤلفه های اقدامی جهت اشتغال زائی و تولید 104

یک. توسعه فرهنگ تلاش و کوشش 104

دو - توجه به تولید و نقش اقتصادی آن 106

مؤلفه های اقدامی جهت رفع آسیب های اقتصادی 109

الف) مبارزه با مفسد اقتصادی 109

ب) نهی استفاده از کالاهای قاچاق 110

ج) فرهنگ سازی استفاده بهینه از نعمت های الهی 112

مؤلفه های اقدامی جهت ریشه کن کردن فقر و فاصله طبقاتی 114

الف) اجرای عدالت اقتصادی 114

ب) قرض الحسنه 115

ج) حمایت اقتصادی از اقشار آسیب پذیر 116

مؤلفه های اقدامی جهت استقلال و اقتدار اقتصادی 118

الف) برنامه ریزی اقتصادی 119

ب) تشویق بر استقلال و اقتدار اقتصادی 120

نتیجه 123

ص: 5

4. تحلیل سیاست های اقتصادی حضرت علی (علیه السلام) خطاب به کارگزاران 129

چکیده 131

مقدمه 132

پیشینه 132

1. مفهوم شناسی 134

الف. سیاست 134

ب. اقتصاد 135

2. سیاست های اقتصادی حکومت علوی 135

الف. امنیت اقتصادی 136

ب. مدیریت اقتصادی 139

ج. مسئولیت دولت در مبارزه با ظلم اقتصادی 141

یک. توصیه های ایشان در مورد اخلاق اجتماعی کارگزاران اقتصادی 142

دو. توصیه های رفتاری و کرداری به کارگزاران 142

نتیجه 143

منابع 145

5. رونق تولید در سیره و گفتار امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) 147

چکیده 149

مقدمه 151

پیشینه 152

مفهوم شناسی 152

رونق تولید در قرآن کریم 153

پیامبران الهی و رونق تولید 154

زنبور عسل و رونق تولید 154

ضرورت تأسی به سیره امام علی (علیه السلام) 155

امام علی (علیه السلام) و رونق تولید 156

فرهنگ کار در بینش علوی 158

بی زاری از تبلی در بینش علوی 158

ظرفیت تولید و رونق آن در عرصه های گوناگون زندگی 161

ص: 6

رونق تولید در عرصه های بازرگانی و صنعت 162

بستر سازی لازمه رونق تولید 162

وظیفه دولت کمک به رونق تولید 163

تدوین و تألیف کتب علمی 163

رونق تولید با احداث مساجد 164

رونق تولید با احداث مسکن 165

رونق تولید با احداث و حفر چاه 165

رونق تولید با تأسیس آسیاب آبی 166

رونق تولید با احداث اسکله و کارخانه کشتی سازی 166

حمایت از اقشار ضعیف با رونق تولید 167

شکوفایی و رفاه جامعه با رونق تولید 167

نتیجه 169

6. اصلاحات نرم افزاری امام علی (علیه السلام) در رونق بخشی به نظام تولید 173

چکیده 175

مقدمه 175

پیشینه 177

1. سیره تولیدی امام علی (علیه السلام) 177

الف) ایجاد فرهنگ کار 178

ب) ایجاد روحیه برادری دینی 179

ج) الگوبخشی امام (علیه السلام) به سیره رفتاری خود 182

2. الگوی تولید 187

الف) بایسته های تولیدی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) 187

یک - مهندسی تولید 188

دو - تولید کالا بر اساس نیازسنجی 189

ب) اولویت دادن به تولیدات مناسب با محیط و اقلیم جغرافیایی 191

نتیجه 193

ص: 7

7. نگاهی به جایگاه کار در سیره امام علی (علیه السلام) 197

چکیده 199

مقدمه 200

1. پیشینه 200

2. مفهوم شناسی کار 201

3. جایگاه و ارزش کار در اسلام 201

4. جایگاه شغل و حرفه از دیدگاه امام علی (علیه السلام) 204

5. سیره عملی امام علی (علیه السلام) 204

الف) تأمین نیاز خانواده 205

ب) کمک به همسر در کارهای منزل 205

ج) اهمیت حلال بودن کار 205

د) کار برای تأمین نیاز مستمندان 206

6. عوامل موفقیت در کار از دیدگاه امام علی (علیه السلام) 206

الف) ایمان به کار 206

ب) مشورت 207

ج) عاقبت اندیشی و تدبیر 207

د) پشتکار و جدیت 207

هـ) دقت و ایمان 208

و) برنامه ریزی، نظم و سازماندهی 208

ز) همکاری 208

ح) نکوهش بی کاری 209



7. اهداف و اثرات مادی کار در بعد فردی 210

الف) کسب درآمد و تأمین نیازهای زندگی خود و خانواده 210

ب) فعلیت یافتن استعدادهای بالقوه افراد 211

ج) سربلندی، شخصیت و عزت در سایه کار و تلاش 211

د) رشد علمی و عقلی 212

هـ) سلامت و آرامش روحی 213

ص: 8

و) ارزش ذاتی کار 213

8. اهداف و اثرات مادی کار در بُعد اجتماعی 214

الف) بی نیاز ساختن جامعه 214

ب) کمک به نیازمندان 214

ج) کسب احترام اجتماعی 215

د) رشد فضائل و کاهش و مفسد در جامعه 215

9. اهداف و اثرات معنوی کار 216

الف) رضای خداوند 216

ب) واجب دینی 216

ج) آمرزش الهی 216

د) حفظ و یاری دین فرد 216

نتیجه 217

8. مصادیق احسان و نیکوکاری در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام) 221

چکیده 223

بیان مسئله 223

پیشینه و ضرورت تحقیق 225

1- اهمیت تبعیت از سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام) 226

2- مصادیق احسان و نیکوکاری امیرالمؤمنین (علیه السلام) 228

الف) احسان های اقتصادی 229

یک - ولی صدقه دهندگان 229

دو - انفاق کننده دارایی در شب و روز، نهان و آشکارا 229

سه - پیشوای صدقه دهندگان 230

چهار - بخشیدن لباس 230

پنج - بخشیدن زره 231

شش - بخشیدن حُلّه 231

هفت - جوان مردی و بخشیدن شمشیر 232

هشت - بخشیدن خانه و نزول سوره لیل 232

نُه - بخشیدن بند کفش 234

ص: 9

ده - مواسات علی (علیه السلام) 235

یازده - آزاد کردن بردگان 235

دوازده - پرداخت بدهی 236

دوازده - پردازنده بدهی پیامبر 236

سیزده - اطعام 237

چهارده - موقوفات 241

ب) احسان هایی با جنبه خدماتی 243

یک - بنیاد نهادن صندوق شکایات 243

دو - بردن مشک آب و پخت نان 244

سه - نیکی در حق زن ستمدیده 245

نتیجه 248

9. امام علی (علیه السلام) و سنت حسنه وقف 251

چکیده 253

مقدمه 253

1. پیشینه تحقیق 255

2. مفهوم شناسی 255

3. وقف در قرآن و سیره معصومین (علیهم السلام) 256

4. سیاست های امام علی (علیه السلام) در عمل به سنت وقف 258

الف) فقرزدایی و ایجاد استقلال اقتصادی 258

ب) استقرار عدالت اجتماعی 261

ج) تقویت ارزش های معنوی و توسعه فرهنگی 264

10. تحلیل موقوفات امیرالمؤمنین امام علی (علیہ السلام) 271

چکیدہ 273

مقدمہ 273

پیشینہ 276

وقف و امیر مؤمنان علی (علیہ السلام) 276

ص: 10

علی (علیه السلام) و وقف عبادی 277

علی (علیه السلام) و وقف اجتماعی 278

ارکان اوقاف امیر مؤمنان علی (علیه السلام) 278

رکن اول انعقاد وقف 279

رکن دوم واقف 280

رکن سوم مال یا ثروت موقوفه 282

الف) موقوفات یَنْبُع 282

بغیغات 283

عین ابو نِیَّر 283

اموال دیگری 284

ب) موقوفات وادی القری 285

ج) موقوفات دیمه 286

اما ترعه کجاست؟ 286

د) موقوفات اُذَیْنَه 288

هـ-) موقوفات فُقَیْران 289

و) موقوفات متفرقه 291

رکن چهارم موقوف علیهم 292

نتیجه 293

11. راهکارهای صیانت از بیت المال از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه 297

چکیده 299

مقدمه 299

1. مفهوم شناسی 301

الف. راهکار 301

ب. صیانت 302

ج. بیت المال 302

2. نقش بیت المال 303

الف. اصلاح امور 303

ص: 11

ب. رفع نیاز مردم 304

ج. دوام حکومت 304

د. اصلاح و تقویت نیروهای مسلح 305

3. پیآمدهای خیانت به بیت المال 305

4. راهکارهای حفاظت از بیت المال 309

الف. راهکارهای فرهنگی 309

یک. ارائه الگو 309

دو. افزایش ایمان، تقوا و خودکنترلی 310

ب. راهکارهای سیاسی 311

یک. عزل و نصب متولیان امور مالی 311

دو. نظارت دقیق و پیگیری گزارشها 311

سه. بستن روزنه های فساد 312

ج. راهکارهای اقتصادی 313

یک. توجه به معیشت کارگزاران 313

دو. برخورد قاطعانه با سارقان اموال دولتی 314

نتیجه 315

منابع 316

ص: 12



قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ»

چهارده قرن قبل، نور اسلام بر جهان تابید و وحی قرآن قلب پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله) را منور ساخت و این نور بر قلب یار و همراه ایشان حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) منعکس گردید و در قالب امامت و ولایت او بر جهانیان عرضه شد. در قرآن کریم بیش از هفتصد آیه در مورد امام علی (علیه السلام) تفسیر، تأویل و یا تطبیق شده است که پیوند عمیق ایشان را با وحی قرآن نشان می دهد.

امام علی (علیه السلام) نوری الهی است که بعد از پیامبر (صلى الله عليه وآله) برای هدایت بشر جلوه گر شد و در ابعاد معنوی، علمی و... راه بشر را روشن کرده و او را به سعادت رهنمون می شود.

نهج البلاغه اوست که شیوه های تربیت انسان، روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و... را به صورت کلی و راهبردی (و گاهی به صورت جزئی) بیان کرده است. رهنمودهای امام علی (علیه السلام) به علوم بشری، به ویژه علوم انسانی جهت دهی می کند تا از این طریق هدایت همه جانبه انسان را محقق سازد و از انحرافات جلوگیری کند که در اثر علم ناقص بشری حاصل می شود؛ همان طور که ولایت باطنی و معنوی امام علی (علیه السلام) و فرزندان معصومش دست انسان ها را می گیرد و در ساحت های مختلف زندگی معنوی راهبری می کند تا انسان به سعادت و کمال نهایی خود برسد.

## اول: ضرورت موضوع کنگره

بعد از گذشت چهارده قرن از شهادت امام علی (علیه السلام) هنوز نور ولایت و امامت او بر جهانیان می تابد، از این رو ضرورت دارد که علل و عوامل این ماندگاری بررسی شود و ابعاد وجودی این شخصیت ملکوتی بازخوانی و بار دیگر با زبان روز بر جهانیان عرضه شود.

در این راستا مهم ترین دلایل ضرورت این کنگره عبارت اند از:

1- شناخت مجدد امام علی (علیه السلام) برای تبیین ابعاد ناشناخته وجودی ایشان؛

2- بازخوانی و عرضه ابعاد وجودی آن حضرت با زبان روزآمد؛

3- تبیین رهنمودهای امام علی (علیه السلام) در عرصه های جدید ابعاد زندگی بشر همچون علوم انسانی در راستای تحول در این علوم؛

4- بهره مندی بیشتر جامعه بشری از نور ولایت و امامت آن حضرت با ارائه کتاب ها، مقالات و آثار هنری؛

5- تجلیل از خادمان علمی و عملی امام علی (علیه السلام)؛

6- گسترش معارف ناب علوی در قالب نگارش مقالات و کتاب ها و آثار هنری؛

7- ترجمه آثار برجسته پدید آمده در کنگره به زبان های دیگر در راستای نشر معارف و آموزه های علوی در کشورهای دیگر.

## دوم: پیشینه کنگره

ایده کنگره در مراسم حج سال 1397 ش بین فرهیختگان اصفهانی حاضر در حج بیان شد. سپس با ابتکار و پشتکار دوست ولایتمدار و خیراندیش جناب آقای حاج سید حسین رضازاده (زید عزه) مقدمات آن فراهم شد و از بهار 1398 ش کار کنگره با جلساتی در موسسه اهل بیت (علیهم السلام) شروع گردید و با همکاری دوست دانشمند ما، جناب حجت الاسلام والمسلمین سجادی راه کمال در پیش گرفت و در نهایت توفیق علوی شامل حال ما شد و از خرداد 1398 ش مسئولیت دبیر علمی کنگره را پذیرفتم. سپس در قم،

جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر فراهی بخشایش یار و همراه ما شد و امور علمی کنگره با همکاری اساتید تکمیل گردید و نویسندگان زیادی از مراکز علمی داخل و خارج کشور به ویژه در قم (مانند مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه، مرکز تخصصی شیعه شناسی و بنیاد نهج البلاغه و...) وارد صحنه شدند و اقدام به برگزاری پیش نشست ها و نگارش مقالات و ارزیابی آثار کردند و حتی مراجع معظم تقلید پیام هایی برای کنگره فرستادند. کم کم کنگره ای عظیم به برکت یاد امام علی علیه السلام شکل گرفت که بسیاری از افراد باور نمی کردند، این همه آثار و برکات علمی، معنوی و هنری به دنبال داشته باشد. از این رو در روزهای آخر دریافت آثار کنگره، استقبال از آن به شدت افزایش یافت و حتی چند بار زمان دریافت آثار تمدید شد.

امید است برگزاری این کنگره زمینه ساز کنگره های بزرگ تر و کامل تر بعدی در سال های آینده شود و مورد قبول خدای متعال و مورد عنایت خاص امام علی (علیه السلام) و فرزندش حجت ابن الحسن قرار گیرد.

### سوم: ساختار کنگره

### الف: شورای سیاست گذاری

- 1- آقای حاج سید حسن رضازاده، رئیس شورای سیاست گذاری؛
- 2- حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید احمد سجادی؛
- 3- حجت الاسلام والمسلمین علی اصغر بیگی؛
- 4- حجت الاسلام والمسلمین جعفر عمادی؛
- 5- دکتر حمیدرضا چاکری؛
- 6- دکتر مجتبی بهرام پور؛
- 7- حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی؛
- 8- دکتر احسان مشکالانی؛
- 9- مهندس حمید نیلفروشان؛

10- حجت الاسلام والمسلمين سيد مصطفى ميرلوحى؛

11- حجت الاسلام والمسلمين دكتور ابراهيم كلانترى؛

12- دكتور عبدالمجيد طالب تاش؛

13- دكتور عليرضا هزار.

## ب: شورای علمی

حجت الاسلام والمسلمين دكتور محمدعلي رضايي اصفهاني؛

حجت الاسلام والمسلمين دكتور ناصر رفيعى محمدى؛

حجت الاسلام والمسلمين دكتور نعمت الله صفرى فروشاني؛

حجت الاسلام والمسلمين دكتور عبدالمحمدى؛

حجت الاسلام والمسلمين دكتور محمدجواد اسكندرلو؛

حجت الاسلام والمسلمين محمد فاکر ميبدى؛

حجت الاسلام والمسلمين حسين علوى مهر؛

حجت الاسلام والمسلمين دكتور سيد عيسى مسترحمى؛

دكتور سيد محمدتقى طيب؛

دكتور اصغر منتظر القائم؛

دكتور حميدرضا چاکرى؛

دكتور مهدى مظاهرى؛

دكتور محمدرضا ستوده نيا؛

دكتور محمد حسين رياحى؛

دكتور محمد صالح طيب نيا؛

حجت الاسلام والمسلمين دكتور سيد احمد سجادى؛

دکتر سید مهدی مرتضوی؛

حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ مهدی انصاری قمی؛

حجت الاسلام والمسلمین جعفر عمادی؛

ص: 16

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی مهدوی راد؛

حجت الاسلام والمسلمین علی اصغر بیگی.

### ج: کمیته اجرایی

سید حسین رضازاده، دبیر اجرایی و رئیس شورای سیاست گذاری کنگره؛

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی رضایی، دبیر علمی کنگره؛

حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی اکبر فراهی بخشایش، معاون علمی - پژوهشی کنگره؛

حجت الاسلام والمسلمین حسن صادقی زفره، مسئول برگزاری پیش نشست ها؛

دکتر حمیدرضا چاکری، دبیر شورای راهبردی کنگره؛

مهندس حمید نیلفروشان، معاون علمی - پژوهشی مؤسسه اهل البيت (علیهم السلام)؛

مهندس سعید گودرزی، مسئول انفورماتیک مؤسسه اهل البيت (علیهم السلام)؛

مهندس محمد رضایی، مسئول آماده سازی متون؛

خانم مهندس الهام صفائی، مسئول دبیرخانه کنگره؛

خانم مهندس فرزانه صفائی، مسئول سایت کنگره؛

خانم آزاده فخاری، مسئول روابط عمومی کنگره؛

### د: کارگزاران

دبیر علمی کنگره:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، عضو هیئت علمی و استاد تمام جامعه المصطفی العالمیه

دبیر اجرایی کنگره:

آقای حاج سید حسین رضازاده

معاون علمی - پژوهشی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی اکبر فراهی بخشایش

معاون اجرایی: سرکار خانم مهندس الهام صفائی



**الف: کتاب مجموعه مقالات**

- 1- قرآن و امام علی (علیه السلام) (1)؛
- 2- قرآن و امام علی (علیه السلام) (2)؛
- 3- ولایت و امامت؛
- 4- امام علی (علیه السلام) و نهج البلاغه؛
- 5- امام علی (علیه السلام) از منظر دانشمندان و مستشرقان؛
- 6- امام علی (علیه السلام) در آینه شعر و ادب؛
- 7- امام علی (علیه السلام) و علوم انسانی (1) - تاریخ؛
- 8- امام علی (علیه السلام) و علوم انسانی (2) - تربیت؛
- 9- امام علی (علیه السلام) و علوم انسانی (3) - اخلاق و عرفان؛
- 10- امام علی (علیه السلام) و علوم انسانی (4) - اجتماعی؛
- 11- امام علی (علیه السلام) و علوم انسانی (5) - اقتصاد؛
- 12- امام علی (علیه السلام) و علوم انسانی (6) - مدیریت و سیاست؛
- 13- مقالات غیرفارسی (عربی، آذری، اردو و اسپانیولی)؛
- 14- چکیده مقالات فارسی کنگره.

**ب: نرم افزار**

- 1- مجموعه مقالات کنگره بازخوانی ابعاد شخصیتی امیرالمؤمنین امام علی (ع)؛
- 2- تیزر، پنل های تخصصی و فیلم گزارش برگزاری کنگره در سالن اصلی و دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

**ج: نشریات و وبگاه**





## د: لیست آثار رسیده (759 اثر)

1. تعداد کل مقالات رسیده: 460؛ تعداد مقالات مورد قبول: 198.
2. تعداد کل کتاب های رسیده: 69؛ تعداد کتاب های برتر: 3.
3. تعداد کل پایان نامه های رسیده: 73؛ تعداد پایان نامه های برتر: 3.
4. تعداد کل هنری های تجسمی رسیده: 34؛ تعداد برتر: 3.
5. تعداد کل اشعار رسیده: 123؛ تعداد اشعار مورد قبول: 35.

## پنجم: مراکز و تشکل های همکار

1. معاونت فرهنگی - اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی؛
2. پژوهشکده قرآن و عترت دانشگاه آزاد اسلامی؛
3. دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)؛
4. جامعه المصطفی العالمیه؛
5. مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان؛
6. استانداری اصفهان؛
7. شهرداری اصفهان؛
8. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان؛
9. مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی؛
10. سازمان فرهنگی آستان قدس رضوی؛
11. بنیاد بین المللی نهج البلاغه؛
12. بنیاد بین المللی غدیر استان اصفهان؛
13. نهاد رهبری در دانشگاه های استان اصفهان؛
14. دانشگاه امام صادق (علیه السلام)؛

15. دانشگاه معارف قرآن و عترت؛

ص: 19

16. دانشگاه اصفهان؛

17. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور (سمیم نور)؛

18. حوزه علمیه اصفهان؛

19. موسسه نهج البلاغه اصفهان؛

20. مجامع ادبی استان اصفهان؛

21. سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان؛

22. مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی؛

23. مرکز تخصصی قرآن کریم امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)؛

24. مرکز تخصصی کنفرانس های ایران (سیویلیکا)؛

25. مجمع عالی حکمت اسلامی؛

26. دانشگاه صنعتی اصفهان؛

27. مرکز تخصصی شیعه شناسی؛

28. پایگاه استنادی جهان اسلام؛

29. انجمن علمی دانش پژوهان علوم قرآن مدرسه عالی قرآن و حدیث؛

30. انجمن علمی دانش پژوهان علوم حدیث مدرسه عالی قرآن و حدیث؛

### **ششم: پیش نشست ها**

1. پیش نشست کنگره در مدرسه عالی تفسیر مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه؛

موضوع: نقش امام علی (علیه السلام) در گسترش علوم اسلامی؛

2. پیش نشست کنگره در مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه؛

موضوع: بررسی نظریه اشارات ولایی قرآن؛

3. پیش نشست کنگره در مرکز تخصصی شیعه شناسی؛



موضوع: امام علی (علیه السلام) از دیدگاه مستشرقین؛

4. پیش نشست کنگره در جامعه المصطفی العالمیه واحد اصفهان؛

موضوع: شأن و جایگاه امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه؛

5. پیش نشست کنگره در مدرسه علمیه خواهران حضرت حکیمه سپاهان شهر اصفهان؛

موضوع: بررسی ابعاد شخصیتی امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام)؛

6. پیش نشست کنگره در حوزه علمیه صدر اصفهان؛

موضوع: معرفی شخصیت امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام)؛

7. پیش نشست کنگره در گروه علوم حدیث جامعه المصطفی العالمیه؛

موضوع: استخراج سبک زندگی از قرآن و احادیث (با تأکید بر نهج البلاغه)؛

## هفتم: ارزیابان

حسین علوی مهر، حسن رضا رضایی، عبدالله جبرئیلی جلودار، محمد ایلیا یعقوبی، علی آقاصفیری، عبدالمومن حکیمی، محمدنظیر عرفانی، علی اکبر فراهی بخشایش، اکبر محمودی، میثم ناظمی، عباس الهی، عبدالرشید صمیمی، عبدالله مرتضوی نیا، علی محمد راهی، سید عیسی مسترحمی، عبدالحسین شورچه، مهدی جهانی، باقر ریاحی مهر، محمد عزتی، انار حسین اف، محمد شایان، مهدی اعتصامی، سید مجتبی رضوی اصیل، سهیل اسعد.

## هشتم: ویراستاران

سرویراستار: علی اکبر فراهی بخشایش.

ویراستاران: حسین حبیبی، حسن عباس زاده، نصرالله سلیمانی نجف آبادی، مهدی سازندگی، نجف عرفانی.

## نهم: ملیت های شرکت کننده

ملیت های شرکت کننده در کنگره از کشورهای: ایران، عراق، تونس، نیجریه، افغانستان، پاکستان، هندوستان، آذربایجان، بنگلادش، اسپانیا.

در پایان از همه اساتید همکار، نویسندگان، ارزیابان، ویراستاران و همکاران اجرایی کنگره به ویژه خادم اهل بیت (علیهم السلام) جناب آقای حاج حسین رضازاده زید عزه و معاون پژوهشی ما جناب حجه الاسلام و المسلمین دکتر بخشایش تشکر می کنم که این کنگره حاصل تلاش شبانه روزی آنهاست. امیدوارم همگی

مورد عنایت خاص امام علی (علیه السلام) قرار گیریم و این تلاش علمی مورد قبول خدای متعال قرار گیرد. امید است برگزاری این کنگره زمینه ساز کنگره های بزرگ تر و کامل تر بعدی در سال های آینده شود و مورد قبول خدای متعال و مورد عنایت خاص امام علی (علیه السلام) و فرزندش حجت ابن الحسن قرار گیرد.

والحمد لله رب العالمین

دبیر علمی کنگره

دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

استاد تمام جامعه المصطفی العالمیه

19/9/1398

ص: 22

بسم الله الرحمن الرحيم

وَلَا يَهُ عَلِيٌّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي (صدوق، عيون اخبار الرضا(عليه السلام)، ج 2، ص 146)

به خدای عزوجل قسم که مرا خدای تو یا علی

زده بر صحیفه دل رقم، ز ازل ولای تو یا علی

قال رسول الله(صلى الله عليه وآله): «عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (حاكم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 134)

خلقت انسان، شگفتناک ترین شاهکار خالق هستی است و این اشرف مخلوقات، شورانگیزترین موجودی است که ضمن توجه به آداب بندگی، خود مبدع و خالق خلاق پدیده هایی است که می تواند قدرت و عظمت انسان را با اراده خالق مطلق به نمایشی تمام عیار بگذارد.

{ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَّذْكُورًا } (انسان/1).



حصول چنین قدرت و اقتداری، وام دار اتصاف به آداب و ترتیبی است که باید بدان آراسته بود.

در میان بندگان برگزیده خدا و پس از حضرت خاتم رسل محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله)، شخصیت ممتاز امیرالمؤمنین حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام)، افضل و اولی به حجت الهی است.

همو که در «کعبه» زاده شد تا گواه عظمت وجود نازنینش باشد.

همو که در مکتب محمد امین، با ایمان ترین است و در اطاعت پذیری از خدا و رسولش بی نظیرترین و علم وافرش بهره مند از قرآنی است که خود در وصفش این چنین بیان می دارد:

«وَإِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ، وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ، لَا تَقْنَى عَجَائِبُهُ، وَلَا تَنْقَضِي غَرَائِبُهُ» (شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه/18)؛ «هم او که از «لیلهاالمبیت» شجاعت و اخلاص و بندگی اش عیان شد و آیه {وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ} (بقره/207)، از سوی جبرئیل امین در وصفش نازل و در «خبیر» به کمال رسید و از لحظه جانشینی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در «غدیر» و در روز تکمیل دین تا لحظه ای که گفت «فُزْتُ وَرَبِّ الْكَعْبَةِ» جز دل بر عشق الله و رسول و تحقق آیات الهی، سودایی دیگر نداشت.

امامت او، امانت حق طلبی و ظلم ستیزی بود و رسالت او استقرار حکومت عدل و دادگستری در پهنه عالم.

جهان درویش در جهاد همواره اکبر بود و جهان بروش، جان بازی برای مهرورزی ابنای آدم و ترجمان عینی «رُهْبَانُ بِاللَّيْلِ أُسْدٌ بِالنَّهَارِ» (کلینی، الکافی، ج 2، ص 232).

کلام جاودانه اش (نهج البلاغه) منشور حکمت و حیات است و به عنوان متنی عرفانی، مشحون از اسرار و معارف ربانی الهی و حکمی، فلسفی، تاریخی، سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی نیاز بنیادین و راهگشای زمانه ی ما و شرح منش و مرامش، کیمیای سعادت رهپویان.

ولایت علوی، نشان دارترین و پرافتخارترین حقیقتی است که شیعیان مشمول این لطف دائم اند.

رهپویی چنین امام همایی، عزتی مستدام و توفیقی بزرگ است که جمعی از دوستداران حضرتش را بر آن داشت تا با برپایی "کنگره تبیین ابعاد شخصیتی امام علی (علیه السلام)، وجوه پیدا و ناپیدای شخصیت ممتاز و آسمانی انسانی کامل و ملکوتی ترین انسان تاریخ بشریت از رهگذر نسیم عنایتش مورد تأمل و مطالعه علوی پژوهان قرار گیرد. بی گمان با وجود همه آثار و اوصافی که درباره آن حضرت وجود دارد، فقط ذره ای و گوشه ای از اقیانوس معرفت و معنویت و حقیقت وجودی امام علی (علیه السلام) بازنموده شده و همچنان نیازمند آنیم که در ساحل شناخت پرشکوهش زانو بزنیم و قیساتی از آفتاب رأفت و رحمتش برگیریم.

به یقین او حصن حصین است و هر سعادت خواه و سعادت‌مندی باید از دانشگاه علوی، درس های حقیقت و حقیقی زندگی را بیاموزد و بیاموزاند.

با چنین رویکرد و رهیافتی، دبیرخانه کنگره «بازخوانی ابعاد شخصیتی امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام)» با اعلام فراخوانی در سی و چهار محور، اندیشمندان و دانشمندان را به جریان سازی در این نهضت مقدس دعوت کرد؛ بدان امید که در سال های آتی این حرکت نورانی بتواند در جغرافیای جهان اسلام گسترش یابد و از ابعاد شخصیت جهان شمول آن حضرت، جهانیان طالب حقیقت و دانش الهی نیز توشه معرفت و دانایی برگیرند و جهان تشنه حق و عدل را پاسخی درخور و شایسته منظومه اندیشه و گفتمان آسمانی اش یابند.

موسوعه چهارده جلدی از مقالات منتخب از مقالات فراوان رسیده به دبیرخانه که عزّ وصول شده، تحت عناوین قرآن و امام علی (علیه السلام) (1)؛ قرآن و امام علی (علیه السلام) (2)؛ ولایت و امامت؛ امام علی (علیه السلام) و نهج البلاغه؛ امام علی (علیه السلام) از منظر دانشمندان و مستشرقان؛ امام علی (علیه السلام) در آینه شعر و ادب؛ امام علی (علیه السلام) و علوم انسانی (1) - تاریخ؛ امام علی (علیه السلام) و علوم انسانی (2) - تربیت؛ امام علی (علیه السلام) و علوم انسانی (3) - اخلاق و عرفان، امام علی (علیه السلام) و علوم انسانی (4) - اجتماعی، امام علی (علیه السلام) و علوم انسانی (5) - اقتصاد، امام علی (علیه السلام) و علوم انسانی (6) - مدیریت و سیاست؛ مقالات غیرفارسی (عربی، اردو، آذری، اسپانیولی)

و چکیده مقالات کنگره، با یاری همه شیفتگان و دلدادگان ولایت به ویژه دبیر علمی کنگره حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی دام عزه و همت عالیه پژوهشکده قرآن و عترت دانشگاه آزاد اسلامی که سپاس فراوان از این همت ستودنی شان بر ما فرض و اجرشان در درگاه حضرت باری عزّ اسمه و حضرات ائمه معصومین (علیهم السلام) محفوظ؛ برای استفاده پژوهشگران و اندیشمندان حوزه و دانشگاه و اقشار مختلف اجتماع به زیور طبع آراسته و تقدیم می گردد.

فردا که هر کسی به شفیعی زنند دست

ماییم و دست و دامن معصوم مرتضی

حافظ اگر قدم زنی در ره خاندان به صدق

بدرقه رهت شود همت شحنه نجف

سید حسین رضازاده

رئیس شورای سیاست گذاری کنگره بازخوانی ابعاد

شخصیتی امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام)

26 دی ماه 1398 مطابق با 20 جمادی الاولی 1441 ق

ص: 26





مدیریت و رهبری صحیح، باعث آبادانی و پیشرفت کشورها می شود؛ و تنها راه سعادت انسان در دنیا و آخرت پذیرش قوانینی است که برگرفته از وحی باشد و حضرت علی (علیه السلام) کسی است که می تواند برنامه جامعی برای سعادت بشر پی ریزی کند. با توجه به این که حضرت تنها معصومی هستند که بعد از پیامبر با یک وقفه بیست و پنج ساله موفق به تشکیل حکومت اسلامی شدند، سیاست ها و برنامه های اقتصادی ایشان در این دوران، با در نظر گرفتن جو آن زمان و وضعیت مالی و اقتصادی حکومت های پیشین قابل بررسی است. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی سیاست های اقتصادی حضرت می پردازیم. نتایج تحقیق نشان می دهد امام علی (علیه السلام) برای رسیدن به این منظور، توزیع بیت المال را به طور مساوی انجام داد و هم چنین از ذخیره سازی و تأخیر در توزیع بیت المال خودداری کرد، این قبیل اقدامات باعث شد وضعیت جامعه دگرگون شود. گام بعدی، سیاست های اقتصادی امام بود که با انجام آن ها جامعه به رفاه نسبی رسید؛ از جمله این اقدامات، تلاش در جهت آبادانی و تشویق تولید بود. نتیجه اقدامات امام استقرار عدالت و رفاه مردم شد.

کلید واژه ها: امام علی (علیه السلام)، سیاست، اقتصاد، بیت المال، توزیع، رفاه نسبی.

مقدمه

رسیدگی به امور دنیایی و مادی جهت برآورده ساختن نیازهای خود و دیگران و به تعبیر دیگر؛ فعالیت اقتصادی از دیرباز وجود داشته است. از طرفی انسان برای رسیدن به موفقیت

و سعادت در همه زمینه ها و خصوصاً در جایی که پای منفعت و سود آدمی در میان باشد علاوه بر الگوهای نظری در باب اهداف و اصول و روش ها، نیازمند الگوهای عینی و عملی که مصادیق اهداف و روش ها را نشان بدهد نیز هست.

گرچه رهنمودهای گفتاری در تربیت افراد تأثیر دارد اما اقدامات عملی به مراتب از شیوه های گفتاری مؤثر تر است. از این رو بررسی و مطالعه شیوه شخصیتی همچون حضرت علی (علیه السلام) که از حیث مصرف، زاهدانه ترین زندگی را از خود به یادگار گذاشته است و در تولید، فعال ترین افراد در عرصه فعالیت های اقتصادی و معیشتی است، در حل معمای پیچیده انسان در دنیای امروز بسیار راهگشاست. متأسفانه برنامه های اقتصادی در دوران حکومت حضرت علی (علیه السلام) کم تر مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته است. در صورتی که با توجه به این که حضرت تنها معصومی هستند که بعد از پیامبر با یک وقفه بیست و پنج ساله موفق به تشکیل حکومت اسلامی شدند، جا دارد همه ابعاد شخصیتی حضرت دقیق و با موشکافی مورد بررسی قرار گیرد. تا بدین ترتیب بتوان الگوهای مناسب رفتاری و عملی برای رسیدن به یک جامعه آرمانی را استخراج کرد.

در این تحقیق سعی شده پیرامون برنامه های اقتصادی امام در دوران حکومت و با در نظر گرفتن شرایط آن دوران، هم چنین پی آمد این برنامه ها یعنی رفاه عمومی و عدالت خواهی امام که مبنای اقدامات ایشان بوده است، مطالبی بیان شود. با نگاهی به سیره معصومین (علیهم السلام) در میابیم که تلاش و پرداختن به فعالیت های اقتصادی از ویژگی های برجسته آن بزرگواران است و آن بزرگواران کارگران و

تولیدکنندگان را بسیار تشویق می کردند.

وقتی ابعاد گوناگون شخصیت حضرت علی (علیه السلام) را مورد مطالعه قرار می دهیم، می بینیم ایشان در عین حال که زاهدترین فرد زمان خود است، فعال ترین آن ها نیز می باشد.

با توجه به این که حضرت علی (علیه السلام) از یک سو در دامان رسول گرامی اسلام پرورش یافتند و از سوی دیگر تنها امام معصومی هستند که موفق به تشکیل حکومت اسلامی شدند، هر چند که این دوران بسیار کوتاه است و در آن سه جنگ تاریخی رقم می خورد اما با

بررسی سیره امام در همه جوانب و زمینه ها، به نکات بسیار ارزشمندی برمی خوریم که برای اداره یک حکومت اسلامی بسیار مؤثر و مفید است.

## پیشینه

در مورد سیاست های اقتصادی حضرت علی (علیه السلام) مطالعات متعددی صورت پذیرفته است. به عنوان مثال:

بهرامی و مهدیه (تحلیلی بر سازوکارهای عملی اقتصاد مقاومتی در نهج البلاغه...) در تحلیلی بر سازوکارهای عملی اقتصاد مقاومتی در نهج البلاغه با تکیه بر وظایف دولت، نتیجه می گیرند که دولت وظایف

پنج گانه ای را برای تحقق اقتصاد مقاومتی مطابق سیاست های اقتصادی حضرت علی (علیه السلام) شامل: اجرای عدالت اقتصادی، حمایت از فعالان اقتصادی، ایجاد امنیت اقتصادی، ایجاد رفاه معیشتی برای عموم مردم و بازیابی جایگاه زهد در ساختار اقتصادی بر عهده دارد.

علم الهدی (روش شناسی اقتصاد اسلامی بر اساس عمل کرد اقتصاد امام علی (علیه السلام)) با بررسی روش شناسی اقتصاد اسلامی نتیجه می گیرد که توزیع عادلانه در آمد و ثروت و امکانات اجتماعی، رعایت عادلانه و مجدانه قوانین و مقررات و تکریم انسان ها از ویژگی های بارز سیاست های اقتصادی علوی است.

هادوی نیا (عدالت اجتماعی-اقتصادی در دیدگاه نهج البلاغه) عدالت اجتماعی-اقتصادی را از دیدگاه نهج البلاغه مورد واکاوی قرار داده است.

مولایی (مطالعه تطبیقی اندیشه های اقتصادی امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه با عقاید برخی از اقتصاددانان؛ آشنایی با اندیشه های اقتصادی امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه)؛ محمدیان و همکاران (دیدگاه های اقتصادی امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه)؛ اصغری (مدیریت اقتصادی امام علی (علیه السلام) تحقق بخش عدالت اجتماعی)؛ گیلک حکیم آباد (امام علی (علیه السلام)، دولت و سیاست های اقتصادی)؛ دلشاد تهرانی (دلالت دولت)؛ اباذری جزی و



میرممتاز (نامه های امام علی (علیه السلام) به کارگزاران با تکیه بر اسالیب بلاغی) و حاجیان و همکاران (زمینه های شفافیت اطلاعات و عدالت اقتصادی از دیدگاه نهج البلاغه) نیز اشاره نمود.

## 1. اقدام جهت اجرای اصلاحات مالی و اقتصادی

### اشاره

حضرت علی (علیه السلام) می دانست که بدون نظام اقتصادی سالم، نمی توان به عدالت اجتماعی دست یافت و جامعه ای که از عدالت محروم باشد به رستگاری نمی رسد. از طرفی اعتقاد امام و فلسفه پذیرش حکومت از طرف آن، فراهم آوردن زمینه های عدالت و در نتیجه هدایت هرچه بهتر انسان ها بوده است. افزون بر این، از دلایل زوال حکومت عثمان، مفاسد مالی و اقتصادی بود. مردمانی که بر ضد سیاست های جاری قیام کردند یکی از دلایل خود را نابسامانی اقتصادی، گشاده دستی ها و بذل و بخشش های بی رویه از اموال عمومی برمی شمردند. از همین رو اصلاحات علوی در برخورد با مفاسد مالی و اقتصادی از نخستین روزهای حکومت امام علی (علیه السلام) آغاز شد (عبداللهی، اصلاحات علوی، ص 110). اکنون گوشه هایی از این اقدامات اصلاحی بیان خواهد شد:

### الف. استرداد اموال عمومی

نخستین اقدام حضرت علی (علیه السلام) برای اصلاح ساختار اقتصادی و مالی، بازگرداندن ثروت هایی بود که در دوران خلافت عثمان به شکل های گوناگون از خزانه دولت خارج شده و در تملک گروه خاصی درآمده بود بدون آن که هیچ شایستگی و لیاقتی برای آن داشته باشند. امام برای هیچ کس امتیاز قائل نبود.

حضرت در این خصوص می فرماید: «به خدا سوگند بیت المال تاراج شده را هرکجا بیابم به صاحبان اصلی آن باز می گردانم.» (دستی، ترجمه نهج البلاغه، ص 39، خطبه 15). منظور امام در این خطبه قطاعی است که عثمان بی جهت بخشیده بود و اشاره می کنند که این اموال حتی اگر در مهر زنان باشد آن را پس می گیرم. قطاع، زمین هایی است که متعلق به بیت المال مسلمین است و امام مسلمانان می تواند آن را به بعضی از افراد رعیت واگذار

کند تا از آن استفاده کنند و خراج آن را به دولت اسلامی بپردازند که عثمان به جای ایجاد این چرخه اقتصادی سالم، این زمین ها را به افراد متمول و سرمایه دار از اقوام و بستگان خود بخشید. حضرت علی (علیه السلام) در روز دوم از حکومت خویش فرمود: «همانا هر قطعه ای که عثمان داده و آن چه از اموال بیت المال بخشیده، به بیت المال برگردانده خواهد شد و حق قدیمی را چیزی

باطل نمی کند و اگر بیایم آن اموال را که کابین زنان قرار داده اند و در سرزمین ها پراکنده کرده اند به حال خودش بر خواهیم گرداند.» (همان).

سپس حضرت علی (علیه السلام) دستور داد تا همه سلاح هایی را که در خانه عثمان پیدا شد در بیت المال بگذارند هم چنین فرمود: شتران زکات را که در خانه اش بود تصرف کنند و شمشیر و زره هایی که در خانه او بود را هم بگیرند و مقرر فرمود هیچ کس متعرض اموال شخصی عثمان نشود و دستور داد اموالی را که عثمان به صورت پاداش و جایزه به یاران خود داده برگردانده شود. چون این خبر به عمروعاص رسید به معاویه نوشت هرچه باید انجام دهی انجام بده که پسر ابی طالب همه اموالی را که داری از تو جدا می کند همان گونه که پوست عصا و چوب دستی را می کنند (ابن ابی الحدید، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 269).

### **ب. نظارت بر کارگزاران بیت المال**

با توجه به فساد اداری در دوره خلیفه قبلی، یکی از تمهیدات حضرت در باب اصلاحات و اجرای عدالت، عزل کارگزاران فاسد قبلی و نصب افراد شایسته بود. البته این اقدام امام به تنهایی نمی توانست مؤثر باشد. بنابراین امام عمل کرد کارگزاران و فرمانداران خود را به دقت زیر نظر داشت و در صورت هرگونه تخلفی با آنان برخورد می کرد. نامه های فراوانی در نهج البلاغه هست که مؤید این مطلب می باشد که از سوی ایشان با هدف نظارت بر اعمال و رفتار صاحب منصبان و جلوگیری از حیف و میل بیت المال نوشته شده است.

امام در نامه ای به زیاد ابن ابیه (جانشین ابن عباس فرماندار امام در بصره) می نویسد:

«همانا به راستی سوگند می خورم اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کرده ای کم یا زیاد، چنان بر تو سخت می گیرم که کم بهره شده و در هزینه عیال در مانده و خوار و سرگردان شوی (همان، ص 357، نامه 20). ای زیاد! از اسراف بپرهیز و از امروز به فکر فردا باش و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش بردار و زیادی را برای روز نیازمندیت در آخرت پیش فرست. همانا انسان به آن چه پیش فرستاده و نزد خدا ذخیره ساخته پاداش داده خواهد شد.» (همان، نامه 21).

امام در این سطور در خطاب به زیاد بن ابیه و به طور عمومی به همه مسلمین پی آمدهای دنیایی و عقوبت آخرت دست اندازی به بیت المال را گوشزد می کند.

هم چنین امام در نامه دیگری که به مصقله بن هبیره شیبانی (فرماندار فیروزآباد فارس) می نویسد وی را چنین خطاب قرار می دهد:

«گزارشی از تو به من رسیده که اگر چنان کرده باشی خدای خود را به خشم آورده ای و امام خویش را نافرمانی کرده ای. خبر رسیده که تو غنیمت مسلمانان را که نیزه ها و اسب هایشان گردآورده و با ریخته شدن خون هایشان به دست آمده به اعرابی که از خویشاوندان تو هستند و تو را برگزیده اند می بخشی. به خدایی که دانه را شکافت و پدیده ها را آفرید، اگر این گزارش درست باشد در نزد من خوار شده ای و منزلت تو سبک گردیده است. پس حق پروردگارت را سبک مشمار و دنیای خود را با نابودی دین آباد نکن که زیان کارترین انسانی. آگاه باش حق مسلمانانی که نزد من یا تو هستند در تقسیم بیت المال مساوی است.» (همان، ص 393، نامه 43).

حضرت به طور پیوسته به کارگزاران و مأموران مالی توصیه می کردند که از بیت المال بهره برداری قانونی داشته باشند و بارها به آن ها خطرات و آفات کارشکنی در مورد بیت المال را گوشزد می کردند. حضرت در نامه ای به فرماندار مکه می نویسند: «در مال خدا که در نزد تو جمع شده اندیشه کن و آن را به عیال مندان و گرسنگانی که در محل هستند بده، آن چنان که به طور صحیح به دست فقرا و نیازمندان برسد.» (همان، ص 433، نامه 67).

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به شدت در اموال کارگزارانش دقت می کرد و اگر کسی به طور غیرمنتظره صاحب ثروت یا خانه و زمینی می شد به سرعت منبع درآمد او را جست و جو می کردند. اگر کارگزارانی به ناحق از بیت المال سهم افزون تری برای خود می گرفتند با برخورد تند امام مواجه می شد. امام به یکی از کارگزارانش نوشت: «به من اطلاع داده اند که تو زمین را برهنه کرده ای و محصول درختان و زراعت را برای خویشتن اندوخته ای. گزارش دخل و خرج خودت و حساب اموالت را برای من بفرست و بدان حساب رسی و بررسی خدا در روز رستاخیز، از حساب رسی مردم در دنیا، بسیار سخت تر و دقیق است.» (همان، ص 389، نامه 40).

به امام خبر رسید که شریح قاضی که در زمان امام (علیه السلام) قاضی شهر کوفه بود، خانه ای به قیمت هشتاد دینار خریده است. امام شریح را طلبید و به او فرمود: «به من خبر رسیده که خانه ای خریده ای و سندی برای آن نوشته ای و گواهانی آن را امضا کرده اند.» شریح پاسخ داد: آری. امام نگاه خشم آلودی به او کردند و فرمودند: «شریح به زودی کسی به سراغت می آید که به نوشته ات نگاه نمی کند و از گواهانت نمی پرسد تا تو را از آن خانه (دنیایی) بیرون کرده و تنها به قبری سپارد. ای شریح مبادا آن خانه را از مال دیگران خریده باشی.» (همان، ص 343، نامه 3).

امام در پی گزارش خیانتی که از یکی از فرماندارانش به دستش می رسد این گونه به او هشدار می دهد:

«از خدا بترس و اموال مردم را بازگردان. اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم، تو را کیفر خواهم داد که نزد خداوند عذرخواه من باشد و با شمشیری تو را خواهم زد که به هر کس زدم وارد دوزخ گردید. سوگند به خدا اگر حسن و حسین چنان می کردند که تو انجام دادی از من روی خوش نمی دیدند و به آرزو نمی رسیدند تا آن که حق را از آنان باز پس گیرم و باطلی را که به ستم پدید آمده نابود سازم.» (همان، ص 391، نامه 41، فراز 11-12).

امام در نامه ای به منذر بن جارود عبیدی که در فرمان روایی خود دچار خیانت شد نوشت:

«به من خیر دادند که در هواپرستی چیزی فروگذار نکرده و توشه ای برای آخرت خود باقی نگذاشته ای. دنیای خود را با تباه کردن آخرت، آباد می کنی. اگر آن چه به من رسیده در مورد تو درست باشد کسی که همانند تو باشد نه لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را دارد و نه می تواند کاری را به انجام برساند، یا در امانت شریک باشد و یا از خیانت دور ماند، پس چون این نامه به دستت برسد، نزد ما بیا.» (همان، ص 437، نامه 71).

در این جا دو نکته قابل توجه است؛ یکی این که امام علی (علیه السلام) افراد قابل اعتمادی داشته است که آن ها تخلفات کارگزاران را به امام گزارش می دادند و امام آن ها را به همین منظور، مأمور کرده بود. البته خود امام همواره به موعظه و نصیحت افراد می پرداختند و نسبت به انحراف از حق، هشدار می دادند. نکته دیگر این که امام در اغلب موارد از لفظ قسم استفاده کرده اند به طور مثال ابتدای خطبه پانزدهم با لفظ و الله شروع می شود و یا نامه بیستم با عبارت «وَإِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ...؛ همانا قسم یاد می کنم...» و هم چنین نامه چهل و سوم عبارت «فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ...؛ قسم به خدایی که دانه را شکافت» در خود دارد. همه این قسم ها نشان از جدیت حضرت علی (علیه السلام) در یک امر مهم و عظیم دارد و آن هم اجرای عدالت و مساوات بین مردم است. از آن جایی که حضرت در روش خود کتاب خدا و سیره نبوی را مدنظر دارد، هرگز از دشمنی عده کثیری که با وی به مخاصمه برخاستند، نترسید. ایشان به فرزندانش گفته بود می دانم عده زیادی که عادت کرده اند از بیت المال مستمری های گزاف بگیرند سخت ناراحت می شوند و با من دشمنی می کنند ولی من نمی توانم مستمری بیت المال را به کسانی بدهم که استحقاق آن را ندارند من از دشمنی آن ها بیم ندارم؛ چون مطابق دستور خدا و سیره رسول رفتار می کنم (فاروقی، بیست و پنج سال سکوت، ص 98).

### ج. تقسیم بالسویه بیت المال

تقسیم اموال عموم، به طور یکسان و برابر در میان همه مسلمانان، از سیاست های

حکومت علی (علیه السلام) بود. حضرت امتیازات را لغو نمود و مساوات بین افراد را برای تقسیم اموال در نظر گرفت و هیچ تفاوتی بین افراد قائل نمی شد. روزی عبدالله بن جعفر، برادرزاده امام خدمت حضرت آمد و از اوضاع اقتصادی خود گفت و ادامه داد که عمو جان شایسته است امر فرمایی مقداری از بیت المال برای اداره زندگی به من داده شود، سوگند به خدا برای ادامه زندگی چیزی در منزل ندارم جز آن که گوسفند یا الاغ خود را بفروشم. حضرت در پاسخ فرمودند: «چیزی برای تو در نزد من وجود ندارد، بیت المال مسلمین را هم نمی توانم به شما ببخشم، مگر آن که به عموی خود دستور بدهی تا از بیت المال دزدی کنم.» (ثقفی، ج 1، ص 67).

یک روز هنگامی که آن حضرت مشغول تقسیم بیت المال بود، دو زن نزد امام آمدند، یکی عرب و دیگری آزادشده، امام به هر کدام بیست و پنج درهم داد زن عرب گفت: ای امیرالمؤمنین من زنی عربم و این زن غیرعرب است، امام علی (علیه السلام) فرمود: «به خدا سوگند، من در این غنیمت ها برای فرزندان اسماعیل بر فرزندان اسحاق برتری نمی بینم.» (همان، ص 46).

### **د. احتیاط در مصرف بیت المال**

بسیاری از افراد هستند که فقط در اموال خود دقت و احتیاط می کنند اما در استفاده از ابزار و وسایل و یا اموال دیگران و در مصرف بیت المال دقت لازم و احتیاط ندارند؛ اما حضرت علی (علیه السلام) نسبت به حفظ و نگهداری از بیت المال و مصرف آن کمال احتیاط را داشتند.

امام شبی در یکی از اتاق های بیت المال چراغی را روشن کرده بود و مشغول محاسبات لازم در مورد بیت المال بود. طلحه و زبیر وارد شدند و سلام کردند و به حضرت گفتند که با شما کاری داریم. امام فرمود: «آیا مربوط به حکومت و امور مسلمین است یا به امور شخصی مربوط می شود.» پاسخ دادند امر شخصی خودمان است. امام چراغ بیت المالی را خاموش کردند و چراغ دیگر روشن کردند. آن ها پرسیدند چرا چنین کردید؟ حضرت در پاسخ گفتند: «روغن چراغی که روشن بود از بیت المال است و کار شما شخصی، روا نبود که روغن بیت المالی صرف کار شخصی بشود؛ اما روغن این چراغ از اموال خود من است،

حال از مسائل خودتان بگویید.» طلحه و زبیر نگاهی به یک دیگر کردند و گفتند: برویم که این مرد به راه دین می رود و با ما معامله نمی کند. (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 111).

امروز ممکن است این عمل حضرت در مورد تغییر چراغ، وسواس جلوه کند و کم اهمیت به نظر آید، چون اگر یک یا دو گرم روغن بیت المال می سوخت لطمه ای بر بیت المال وارد نمی شد. امام مستحضر بود اگر مقدار ناچیزی روغن بیت المالی در یک ملاقات خصوصی بسوزد طوری نمی شود ولی می خواست به طلحه و زبیر بفهماند که حتی این اندازه هم حاضر نیست از بیت المال مزیتی برای کسی قائل شود و در اموال مسلمین خیانت کند.

رفتار امام در این مورد بسیار آموزنده است و یک الگوی مناسب برای دولت مردان و افراد مسئول است. حضرت پیوسته کارگزاران خود را توصیه می کرد تا در اموال عمومی صرفه جویی کنند، از آن جمله؛ امام به کارگزاران خود می فرمود: «قلم ها را تیز کنید و سطرها را به هم نزدیک بنویسید. زیادی ها را حذف کنید و به معنا بنگرید و از زیاده نویسی پرهیز کنید؛ زیرا بیت المال مسلمین زیان را بر نمی تابد». روشن است که وقتی کارگزاری این همه دقت در نوشتن گزارش و نامه انجام دهد دیگر از اموال عمومی سفره های آن چنانی نمی آراید و از بیت المال برای آسایش خویش نمی خورد و بهره نمی گیرد (عبداللہی، اصلاحات علوی، ص 116).

#### ه- عدم تأخیر در تقسیم اموال عمومی

امام علی (علیه السلام) حبس اموال مردم در بیت المال را روا نمی دانست و می کوشید هرچه زود تر آن ها را به دست نیازمندان برساند. او بر این باور بود که آن چه برای مردم است باید در نخستین فرصت به دست آن ها برسد. صاحب الغارات در کتاب خود آورده است که حضرت هر جمعه پس از تقسیم بیت المال کف آن را آب و جارو می کرد و دو رکعت نماز در آن جا می گذارد و می گفت: «باشد که این نماز شهادت دهد که من ذره ای از بیت المال را

برای خود برداشتم.» (ثقفی، الغارات، ج 1، ص 32).

هرگاه ثروتی در بیت المال جمع می شد امام، مردم را خبر می کرد و پول ها را از دست راست به دست چپ می ریخت و می فرمود: ای درهم های سرخ و زرد مرا گول نزنید و دیگری را بفریبید. سپس مردم را جمع می کرد و پول ها را بین آن ها تقسیم می کرد و دو رکعت نماز شکر می خواند (صدوق، امالی، ص 221، مجلس 47).

حضرت در کلام خود بیان می کند که: «حبییم رسول خدا (صلی الله علیه واله وسلم) چیزی را برای فردا نگه نمی داشت، ولی ابوبکر اموال را حبس می کرد و عمر بن خطاب تصمیم گرفت دیوان ها فراهم کند و ثروت ها سال به سال تقسیم می شد. ولی من چنان کنم که رسول خدا انجام می داد.» (ثقفی، الغارات، ج 1، ص 33). این عمل امام (علیه السلام) دو پی آمد مثبت به همراه داشت؛ یکی این که مردم نیازمند به حق و حقوقشان زود می رسیدند و به مرور زمان فقر از بین می رفت. در نتیجه مردم به رضایت مندی از حکومت می رسیدند و سرزمین آن ها در آرامش قرار می گرفت. دو این که از انباشت مال و تجمیع سرمایه و در نتیجه فساد مالی جلوگیری می شد و استکبار مالی و اقتصادی دامن گیر جامعه نمی شد. بنا بر اندیشه امیر مؤمنان علی (علیه السلام) وجود فقر نشانه بی عدالتی در جامعه است و هیچ فقری گرسنه نمی ماند مگر به سبب ستم توانگران. امام ثروت های فراوان و انبوه و جمع شده را نشان ستم و چپاول و فساد صاحبان ثروت می دانست (دلشاد تهرانی، دولت آفتاب، ص 194).

## 2. رهنمودهای عملیاتی اقتصادی

### اشاره

هر نظام اقتصادی یکی از وظایف مهم خود را در زمینه کار و تولید و ایجاد اشتغال و درآمدزایی می داند؛ و نظام اقتصادی اسلام با همه عمق و اصالت و عظمت خود در سایه حکومت علوی جلوه گر شد. رهنمودهای اقتصادی حضرت در آن دوران کوتاه می تواند در این روزگار آشفته که مسائل مالی و اقتصادی به صورت یک معمای بغرنج درآمده راهگشا باشد. در ادامه مطلب به برخی از رهنمودهای کارساز حضرت در زمینه رشد اقتصادی جامعه پرداخته می شود:

ص: 39



## الف. ارائه الگوی عملی به مردم

امیر(علیه السلام) در جایگاه امامت و رهبری جامعه قرار داشتند و دارای شخصیت سیاسی و مذهبی در جامعه بودند و مردم به ایشان اقتدا کرده و از اعمال ایشان الگوبرداری می نمودند، از این رو حضرت با رفتار خود الگوی مطلوب اسلامی را به نمایش گذارده و از مردم می خواستند که در جهت الگوی مطلوب حرکت کنند گرچه نمی توانند درست مثل او باشند. کم مصرف کردن، تلاش بی وقفه در تولید و بذل درآمد آن در راه خدا سه ویژگی بارز این الگوی رفتاری بود ایشان در مورد طعام و لباس خود به عثمان بن حنیف چنین می فرمایند:

«اینک امام شما از همه دنیایش به پیرهنی و ازاری و از همه طعام هایش به دو قرص نان اکتفا کرده است. البته شما را یارای آن نیست که چنین کنید ولی مرا به پارسایی و مجاهدت و پاک دامنی و درستی خویش یاری دهید. به خدا سوگند از دنیای شما پاره زری نیندوختم و از همه غنائم آن مالی ذخیره نکرده ام و به جای این جامه که اینک کهنه شده است جامه دیگری آماده نساخته ام (دشتی، ترجمه نهج البلاغه، نامه 45، فراز 6-5، ص 395).

گرچه همان طور که حضرت فرمودند مردم را یارای آن نیست که چون ایشان زندگی کنند و زهد بورزند، ولی وقتی رهبر یک جامعه این چنین زندگی می کند قطعاً مردمی که او را الگوی خود می دانند، تپذیر و اسراف نکرده و در زندگی ساده زیستی و اعتدال در مصرف را پیش می گیرند و از تجمل گرایی پرهیز می نمایند. فقرا به او اقتدا می کنند و ثروت، ثروتمندان را به طغیان و انانیت می دارد. حضرت زمین های زیادی را آباد و چاه های زیادی را حفر کرد، ولی همه را در راه خدا صدقه داد و وقف نمود. مکرر نقل شده است که حضرت امیر(علیه السلام) از درآمدی که با کار خودش به دست آورد هزار بنده آزاد نمود (ری شهری، موسوعه امام علی(علیه السلام)، ج 9، ص 377).

## ب. تلاش در جهت عمران و آبادی

اصلاحات حضرت علی(علیه السلام) در رفع تبعیض ها که شامل تقسیم بالسویه اموال عمومی،

بازگشت ثروت های غصب شده و مبارزه با پیدایش و انباشته شدن ثروت انجام شد برای از بین بردن شکاف طبقاتی جامعه و بسترسازی برای رفع محرومیت بسیار کارآمد بود اما باین وجود این اقدامات کافی نبود. اکنون باید برای پیشرفت و حرکت در مسیر صراط مستقیم که از اهداف عالی حکومت علوی بود گام برداشته شود.

اقدامات دیگری لازم بود تا جامعه به رفاه و سعادت برسد و حضرت علی (علیه السلام) دولت خود را موظف به یاری رسانی به مردم و آباد کردن و عمران می داند و از این رو در عهدنامه مالک اشتر یکی از وظایف او را آباد کردن سرزمین مصر برمی شمرد (دستی، ترجمه نهج البلاغه، ص 403، نامه 53). امام علی (علیه السلام) می فرماید: «خداوند آدم را پس از توبه به زمین فرود آورد تا با نسل خود زمین را آباد گرداند.» (همان، ص 119، خطبه 91، فراز 83). پس در نظر امام آبادانی زمین و در پی آن تأمین نیازهای مادی انسان اهمیت ویژه ای دارد.

حضرت علی (علیه السلام) ذیل آیه 61 سوره هود: «او (خدا) شما را از زمین آفرید و شما را برای آبادی زمین گماشت.» می فرماید: «خداوند در این آیه به ما می آموزد که انسان وظیفه و مأموریت از جانب حق دارد که زمین را آباد گرداند تا در پرتو عمران و آبادی زمین، زندگی برای بشر در زمین تأمین شود و با استفاده از رویدنی های زمین و برکات آن از قبیل دانه ها و میوه های رنگارنگ به حیات خود تداوم بخشد.» (ری شهری، موسوعه امام علی بن ابی طالب، ج 4، ص 172). اندیشه امام در این زمینه به گونه ای است که اعتقاد دارد هر کس که آب و خاک در اختیار داشته باشد و بازهم محتاج باشد از رحمت الهی به دور است. پی آمد توجه امام به عمران و آبادانی و تأمین مردم، در کلام خود امام این گونه تشریح شده است که: «کسی را در کوفه نمی توان یافت، که متنعم نباشد و در رفاه به سر نبرد، حتی پایین ترین قشر مردم، خوراکش از نان گندم است و سرپناه و مسکن دارد که در آن آرامش می گیرد و از آب فرات می نوشد.» (مجلسی، بحارالانوار، ج 40، ص 327). این که دولتی موفق شود در مدتی کوتاه و سراسر مناقشه به سه مشکل آب، نان و مسکن فائق آید و برای مردم محروم خود لااقل در مرکزی ترین نقطه حکومت نان مناسب، سرپناه و آب قابل شرب

با استفاده از ابزار ساده آن زمان فراهم آورد آن هم آب فرات که در فاصله نسبتاً زیادی از کوفه قرار داشت، نشان از کارآمدی بالای حکومت علوی در سازندگی کشور و توجه به رفاه عمومی از طریق آبادانی و عمران کشور دارد.

امام حتی در سیاست های مربوط به اخذ خراج و مالیات، ابتدا آبادانی را در نظر دارد. در این زمینه در عهدنامه مالک اشتر می خوانیم که توجه و عنایت تو باید به عمران و آبادانی زمین بیش تر از خراج باشد؛ زیرا خراج بدون آبادانی زمین، قابل تحصیل نیست. امام به مالک می فرماید: «باید تلاش تو در آبادانی زمین بیش تر از جمع آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نگردد و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود می کند و حکومتش جز اندکی دوام نیاورد.» (دستی، ترجمه نهج البلاغه، ص 413، نامه 53، فراز 80-79).

از دیگر موارد توجه حضرت به آبادانی و پیشرفت، نگاه ویژه حضرت علی (علیه السلام) به اقشار مختلف جامعه از صاحبان حرف و مشاغل، صنایع، کشاورزان و بازاریان است. امام از یک سو به تشویق آنان می پردازد و از سویی آن ها را هدایت و راهنمایی می کند. این اقشار که به طور ویژه مورد عنایت امام هستند، پایه های اصلی اقتصاد یک جامعه را تشکیل می دهند. برای رسیدن به اهداف در نظر گرفته شده در یک جامعه نمی توان نسبت به آنان بی تفاوت بود (جعفرپیشه فرد، مقاله حکومت علوی و اهتمام به اصلاحات، ...).

از این رو می بینیم که در عهدنامه مالک درباره صاحبان صنایع و تجّار می فرماید:

«سپس سفارش مرا نسبت به بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر، آنان که همواره در سیر و کوچ کردن می باشند؛ چراکه آنان منابع اصلی منفعت و پدیدآورندگان وسایل زندگی و آسایش و آورندگان وسایل زندگی از دوردست و نقاط دشوار هستند. در کار آنان بیندیش چه در شهری که تو در آن هستی، باشند یا در شهرهای دیگر» (دستی، ترجمه نهج البلاغه، ص 415، نامه 53، فراز 95-97).

حضرت علی (علیه السلام) هر روز به اسب حضرت پیامبر (صلی الله علیه و اله) به نام «شهباء» سوار می شدند و

در بازار عبور می کردند و بر اصناف مختلف از جمله گروه قصابان، خرمافروشان و ماهی فروشان نظارت می کردند. امام از یک سو آن ها را مورد تفقد قرار می دادند و از سوی دیگر آن ها را با روش صحیح کسب و کار آشنا می کردند، از کم فروشی و گران فروشی و دروغ گویی، رباخواری، احتکار و سایر محرمات تجارت و بیع نهی می کردند و آنان را به عدالت، انصاف و رعایت حقوق جامعه امر و توصیه می نمودند. نظارت مستقیم حضرت در بازار به حدی مهم بود که همگان دور حضرت گرد می آمدند و نصایح ایشان را گوش فرامی دادند. مردم بازار هر روز با ندای «اتَّقُوا اللَّهَ» که از زبان مولای متقیان می شنیدند مشغول به کار می شدند و آیات وحی را که تلاوت می نمودند: «تَلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص/83)؛ «ما این دار آخرت را برای آنان که در زمین اراده علو و فساد و سرکشی ندارند مخصوص می گردانیم و حسن عاقبت، خاص پرهیزکاران است» با گوش جان می شنیدند (جعفرپیشه فرد، مقاله حکومت علوی و اهتمام به اصلاحات...).

برآیند اهتمام و جدیت حضرت علی (علیه السلام) استقرار یک نظام اقتصادی سالم و شکوفا بود که احتیاج به زمانی طولانی نداشت تا پس از همه فسادها و تبعیض ها ثمرات آن آشکار شود و این ویژگی حکومت علی (علیه السلام) است که در مدت کوتاهی این گونه اصلاحات عمیق و زیربنایی اتفاق می افتد و نیازهای اساسی جامعه تأمین می شود. لازم است که این روش شایسته و کارآمد مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا قابلیت الگوگیری در همه زمان ها و مکان ها را دارد و می تواند گره گشای پیچیدگی های اقتصادی گردد (احمدی، امام علی و جمهوریت، ص 77).

### ج. اهمیت دادن به تولید

برخی با روح تن پروری به کار و تولید توجهی ندارند و تن به فقر و نداری داده فکر می کنند نوعی بی توجهی به دنیاست، برخی کار و تولید را در شأن خود نمی دانند و مشکلات آن ها و خانواده شان بر دوش دیگران است. حضرت علی (علیه السلام) در سیره و گفتار خود به تولید اقتصادی توجه بسیار داشته و به عنوان یکی از موفق ترین مدیران اقتصادی توانستند با

کارآفرینی و بهره‌گیری از فرصت‌ها و مهارت‌ها ثروت بسیاری برای اهداف مختلف از جمله وقف برای نیازمندان و خدمات موردنیاز جامعه مسلمین تولید کنند. حضرت علی به بی‌نیازی و خودکفایی بسیار توجه داشت و برای این منظور همگان را به کار و تولید تشویق می‌کرد. ایشان در حدیثی می‌فرمایند: «تجارت کنید و به کار و تولید روی آورید که از آن چه در دست دیگران است بی‌نیاز می‌شوید.» (کلینی، فروع کافی، ج 1، ص 370).

حضرت علی (علیه السلام) در سنت گفتاری خود، همه فعالیت‌های مفید اقتصادی را مورد تشویق قرار داده‌اند اما خود شخصاً کشاورزی را برگزیده‌اند. ایشان کار و تولید و تلاش برای کسب درآمد و تأمین معاش زندگی را مجاهده در راه خدا می‌دانست (ری شهری، موسوعه امام علی بن ابی‌طالب، ج 4، ص 169).

بیش‌تر فعالیت‌های امام در زمان خلفا بر روی کشاورزی متمرکز بود. کشاورزی باعث تولید مواد غذایی و دارویی می‌شود و بی‌توجهی به آن می‌تواند جامعه را وابسته و نیازمند به دیگران در کالاهای ضروری و موردنیاز کند. سیره شخصی حضرت در این مورد می‌تواند بهترین الگو باشد تا در بحث تولید در بخش کشاورزی موردتوجه قرار گیرد.

حضرت علی (علیه السلام) از راه‌های گوناگونی به کار و تولید توجه داشتند از آن جمله می‌توان این موارد را نام برد:

یک. در جوانی شتری داشت که با آن باغستان‌های مردم را آبیاری می‌کرد و اجرت می‌گرفت.

دو. با شتر از راه‌های دور آب آشامیدنی به شهر می‌آورد و اجرت می‌گرفت.

سه. درخت کاری و باغ‌داری و کشاورزی را بسیار دوست می‌داشت و باغ‌های زیادی در اطراف مدینه به وجود آورد.

چهار. چاه می‌کند و وقتی از برخی چاه‌ها آب بیرون می‌زد، آن را وقف مسافران و حجاج بیت‌الله الحرام می‌کرد.

پنج. روزی که در منزل غذای کافی نبود به یکی از نخلستان‌های اطراف قُبارفت و قرارداد بست در ازای هر دلو آبی که به درختان بدهد یک دانه خرما بگیرد.

شش. گاهی دوستان و آشنایان اصرار داشتند بیل را از دست مبارک امام بگیرند ولی امام نمی پذیرفتند و به کار ادامه می دادند (صدوق، امالی، ص 220، مجلس 47).

چنین رهبری که با دست توانای خود نیازهایش را برطرف می کند و همسران و فرزندان خود را نیز به کار و تولید و سازندگی تشویق می کند، نقشه روشنی برای پیروانش ترسیم می کند که اگر خواستار آن باشند راه روشنی پیش روی آن هاست. حضرت علی (علیه السلام) در یکی از سخنرانی های خود به مردم بصره فرمودند: «سوگند به خدا این لباس مرا می بینید، از بافته های اهل خانه ام می باشد.» (مجلسی، بحارالانوار، ج 40، ص 325).

#### **د. تلاش در راستای رونق بخشی به بازار**

در این که در زمان حضرت علی (علیه السلام) در شهر کوفه بازار وجود داشته حرفی نیست و در صدد اثبات یا نفی آن نیستیم و آن چه در این جا اهمیت دارد راهکارهای حضرت در رونق بازار مسلمین است.

یکی از مهم ترین مباحث، بحث نظارت بر بازار است. حضرت علی (علیه السلام) تأکید داشتند اشخاصی باید عهده دار امر نظارت بر بازار شوند که متقی، مؤمن و اهل امانت و صداقت باشند. از این رو در نامه مالک اشتر حضرت به او می نویسند:

«پس روزی عاملان را فراخ دار! که فراخی روزی نیرویشان دهد تا در پی صلاح خود برآیند و بی نیاز باشند تا دست به مالی که در اختیار دارند نگشایند. پس بر کارهای آنان مراقبت دار و جاسوسی راست گو و وفایه بر ایشان بگمار که مراقبت نهایی تو وادارکننده آن هاست به رعایت امانت و مهربانی بر رعیت» (دشتی، ترجمه نهج البلاغه، ص 411، نامه 53، فراز 75).

حضرت علی (علیه السلام) هرگز از نظارت بر بازاریان غافل نبودند و خود بر بازار کوفه نظارت می نمود و نمایندگانی برای سایر بازارها منصوب کردند و دستورالعملی برای استانداران فرستادند تا بازار را کنترل نموده و محترکین را مجازات نمایند (به نقل از ابن حیون، دعائم الاسلام، ج 2، ص 39). امام به همه بازارها سر می زدند و اگر کم فروشی یا تقلبی می دیدند

با آن برخورد می کردند. از قیمت ها پرس و جو می کردند و این ها همه به خاطر اهمیت ویژه ای است که بازار در اقتصاد جامعه اسلامی دارد.

حضرت ضمن آن که بر نقش تجار و بازاریان تأکید دارند اما در عهدنامه مالک در مورد آنان می نویسند: «بازرگانان کسانی هستند که تنگ نظر و بد معامله هستند، بخیل و احتکار کننده، با زورگویی به سود خود می اندیشند و کالا را با هر قیمتی که می خواهند می فروشند این سودجویی و گران فروشی برای همه افراد جامعه زیان بار و عیب بزرگی بر زمامدار است، پس از احتکار جلوگیری کن.» (دستی، ترجمه نهج البلاغه، ص 415، نامه 53، فراز 98).

در تاریخ حکومت حضرت علی (علیه السلام) مواردی وجود دارد که ایشان کالاهای احتکار شده را سوزانده است. البته این موارد بسیار اندک است و نشان از قاطعیت ایشان دارد که با این اقدام ریشه احتکار را خشکاند. در هر صورت آن چه به عنوان یک اصل برای حضرت مطرح بوده است ضرورت ممانعت از احتکار و شدت کیفر محکومین است. حضرت در عهدنامه مالک به وی می فرمایند: «آن کس را که پس از منع تو دست به احتکار زند کیفر ده تا عبرت دیگران گردد.» (همان، نامه 53). حضرت در ادامه به مالک می فرمایند: «باید خرید و فروش آسان انجام پذیرد و با میزان عدل انجام گیرد و با نرخ هایی که نه به زیان فروشنده و نه به زیان خریدار باشد.» (همان، نامه 53). این نشان از اصل لزوم قیمت گذاری در بازار دارد. این نکته مسلم است که باید حاکم اسلامی از قیمت ها خبر داشته باشد هر چند بی واسطه یا با واسطه باشد تا در صورت لزوم از هرگونه اجحافی جلوگیری نماید (نظرپور، مقاله امام علی، حکومت، بازار، به نقل از [www.Modiryar.com](http://www.Modiryar.com)).

مورد دیگری که حضرت در بازار مورد توجه قرار می دادند حفظ حریم بازار و جلوگیری از تجاوز بازاریان بود. بازاریان نمی توانند بساط خود را هر جا که خواستند پهن کنند و باعث اختلال در امور بازار یا رفت و آمد و یا تجاوز به حریم اماکن دیگر شوند. حضرت علی (علیه السلام) برای حفظ حقوق اجتماعی به حریم جاده ها و معابر عمومی توجه می نمودند و با متجاوزان به حریم کوچه ها و راه ها سخت برخورد می نمودند. اصبع بن نباته می گوید:

«روزی با حضرت علی (علیه السلام) به سرکشی بازار کوفه رفتیم. امام مشاهده فرمود که برخی از بازاریان در ساخت مغازه های خود به حریم کوچه ها و معابر عمومی تجاوز کردند، دستور داد آن مغازه ها را خراب کنند تا راه باز شود. سپس به سراغ خانه هایی رفت که قبيله «بنی بکاء» آن ها را در حریم بازار مسلمین ساخته بودند و به زمین های تجاری، تجاوز کرده بودند، امام دستور داد آن ها را تخریب کردند و فرمود این جا محل بازار و تجارت مسلمین است و شما نباید در آن، خانه های مسکونی بسازید.» (دشتی، امام علی (علیه السلام) و اقتصاد اسلامی، ص 289).

حضرت علی (علیه السلام) در چهارچوب مصالح مسلمین گاهی برخی از گروه های مردم را از بعضی از امور اقتصادی منع می کردند. امام در این راستا به دلیل نقش مهم صرافی ها در مبادلات درهم و دینار به عنوان پول داخلی و احیاناً تبدیل پول های خارجی به پول داخلی و بالعکس اهمیت قابل ملاحظه ای برای آن قائل بودند. از این جهت رضایت نمی دادند که یکی از شریان های مهم اقتصادی در اختیار اهل ذمه باشد که هیچ گونه دل بستگی به امت اسلامی ندارند و نمی توانند امانت دار مصالح امت باشند از این رو به قاضی اهواز دستور می دهند که از اشتغال اهل ذمه به صرافی ممانعت نماید. از این کلام حضرت استفاده می شود که اگر اشتغال به شغلی به هر دلیلی با منافع امت اسلامی در تضاد قرار گیرد حاکم اسلامی می تواند از آن جلوگیری کند. حاکم حق دارد از فعالیت اقتصادی افرادی که بر شریان های اقتصادی جامعه و بازار مسلط هستند ولی صرفاً به منافع و مصالح شخصی و یا گروهی خویش می اندیشند ممانعت به عمل آورد.

این موارد از مهم ترین موارد برخورد حضرت در قبال بازار بود. از آن جا که حضرت رهبری جامعه را بر عهده داشتند شیوه برخورد ایشان با اهل بازار الگوی شایسته ای برای جامعه اسلامی می تواند باشد. حاکم جامعه اسلامی باید در تصمیم گیری ها مصالح عموم مردم را در نظر بگیرد و مطابق آن برنامه ریزی کند. ضروری است که حکومت اسلامی در



هر دوره ای کارکردهای ویژه ای در مورد بازار بروز دهد که رفاه جامعه را به حداکثر برساند (نظرپور، مقاله امام علی، حکومت، بازار، به نقل از [www. Modiryar. Com](http://www.Modiryar.Com)).

### 3. برآیند اقدامات اقتصادی

#### اشاره

نام امیرالمؤمنین و یاد حکومت آن حضرت با آزادی و برابری و دادگری و حقوق انسانی عجین شده است. اگرچه که دوران خلافت حضرت کوتاه بود اما آن چه از راه و رسم حکومتی امام در این دوران چهره گشود، همه تاریخ را به نور خود روشن کرد و آثاری به دنبال داشت که تا همیشه تاریخ، آرزوی همه حکومت هاست. حکومت حضرت حکومتی شاخص و معیار برای سنجش حکومت ها می باشد. حکومت علی (علیه السلام) حرکت حرمت نهادن به انسان و پاس داشتن کرامت انسانی است. از این رو در ادامه به دو مورد از نتایج اصلاحات و اقدامات اقتصادی امام که در راستای کرامت انسانی نوع بشر است پرداخته می شود:

#### الف. استقرار عدالت

از ویژگی های مهم حکومت علوی استقرار عدالت در همه زمینه ها بود. خاستگاه بسیاری از نابسامانی های اجتماع، تبعیض های ناروا در عرصه های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می باشد. تبعیض در عرصه های یادشده سبب محرومیت قشر عظیمی از جامعه و متمول شدن گروهی اندک می شود و نتیجه آن ضایع شدن حقوق گروه اول و نارضایتی آن ها و حرکت جامعه به سوی شکاف طبقاتی می شود. آن چه که موجب اصلاح عمیق این فرآیند می شود، استقرار عدالت است. اقتصاد و سامان دهی زندگی مردم، یکی از محورهای اصلی عدالت را شکل می دهد. امام در استقرار عدالت اقتصادی بسیار تلاش نمود که تمامی مباحث گذشته در این تحقیق بیانگر آن است.

امام می فرمایند: اگر قرار بود اموال خودم را تقسیم کنم عدالت را محور قرار می دادم چه برسد به این که اموال عمومی را بخواهم تقسیم کنم (دشتی، ترجمه نهج البلاغه، ص 169، خطبه 126، فراز اول).

حضرت نه تنها از روز اول بر این اصل پافشاری کرد، بلکه

به اصلاح بی عدالتی های گذشته هم پرداخت. عدالت علی (علیه السلام) آن گونه بود که دوست و دشمن به آن اعتراف داشتند.

## ب. ایجاد رفاه عمومی

یکی از نابسامانی هایی که جوامع بشری از آن رنج می برد و مایه فساد و انحرافات بی حدی می شود فقر و نداری است. زمانی که امیرالمؤمنین زمام حکومت را در دست گرفت، جامعه اسلامی از ارزش های دوران پیامبر فاصله گرفته و شکاف عمیقی بین طبقات جامعه ایجاد شده بود لذا حضرت علی (علیه السلام) برای رفع تبعیض های ایجاد شده و معضلات اقتصادی تمام تلاش خود را کردند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تقسیم بیت المال روش تساوی در پیش گرفت و فرمود: «این همان دستوری است که پیامبر خدا (صلی الله علیه و اله) آورده است.» (همان، ص 305، خطبه 205، فراز ششم). ایشان به اصلاحات دست زد و در رفتار و گفتار آن را نمایان ساخت. اموال عمومی به غارت رفته را برگرداند حتی به قیمت دشمنی ها و پراکنده شدن از دور امام. به شدت بر امور مردم و کارگزاران و بیت المال نظارت می کرد و پیوسته مراقب بود جایی ظلم و تعدی به حقوق مردم نشود. در مصرف بیت المال بسیار محتاط بود و به کارگزاران خود هم هشدار می داد قلم ها را تیز کنید. در تقسیم اموال تأخیر نمی کرد. الگوی مردم بود در حالی که هرگز مردم نمی توانستند مثل حضرت باشند. رهنمودهای اقتصادی که در این تحقیق ذکر شده همه در راستای به رفاه نزدیک کردن مردم بود. امام در حیطة حکومت خود حداقل نیاز معیشتی همگان را تأمین کرد و در راه فقرزدایی و تأمین معیشت مردم گام های جدی برداشت به طوری که خود حضرت می فرماید: «کسی در کوفه نیست که در رفاه به سر نبرد، حتی پایین ترین افراد هم نان گندم می خورند و سرپناه دارند و از آب فرات می نوشند.» (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 367).

در زمان حکومت حضرت خبری از غنائم هنگفت جنگ ها همانند حاکمان پیش نبود بلکه بروز سه جنگ بزرگ و خانمان سوز در دوران حضرت مشکلات حکومتی را دوچندان

کرده بود با این حال نتیجه تلاش امام ارتقاء سطح زندگی مردم و رساندن آن به رفاه بود. نتیجه اقدامات حضرت علی (علیه السلام) در دوران کوتاه اما پر بار حکومتشان از شماره و بیان بیرون است و اگر بیان شود از چندین جلد کتاب هم خواهد گذشت، اما آن چه که مربوط به اقدامات اقتصادی حضرت می شد به طور مختصر بیان شد.

### ج. پیام عدالت خواهی

بهترین میزان برای دریافت توفیق یک حکومت میزان عدالت در آن حکومت است. یعنی این که یک حکومت چگونه استحقاق ها را در همه امور رعایت می کند و تبعیض ها را می زداید و در آن جا که باید مساوات را پاس بدارد، به جد آن را پاسداری می نماید؛ و یا برای همگان امکان رشد و شکوفایی استعدادشان را فراهم می سازد تا هرکس بتواند به میزان بُروز استعداد خود از امکانات بهره مند شود. امام علی (علیه السلام) پیشوای عدالت گرایان همه چیز را بر مبنای عدالت می دید (دلشاد تهرانی، دولت آفتاب، ص 189).

عدالت نشانه پرفروغ حکومت علوی است و نام علی (علیه السلام) با عدالت عجین شده است. در بینش امام، عدالت بهترین سیاست ها و مدیریت هاست که موجب استواری، سامان دهی و اصلاح شهروندان می شود. رمز پایداری و استواری حکومت ها، عدالت است. عدالت صفتی است که بدون آن هیچ اعتمادی به زمامداران نخواهد بود و زمامداران به هیچ وجه نمی توانند به تعهدات خود عمل کنند و پایدار بمانند.

حضرت علی (علیه السلام) حکومت را پذیرفت تا عدالت را برپا سازد و در بستر عدالت، عبودیت را معنا ببخشد. امام علی (علیه السلام) برای نفس حکومت ارزشی قائل نبود و آن را برای خودکامگی و ثروت اندوزی نمی خواست، بلکه حکومت را وسیله ای برای برپایی عدالت می خواست (عبداللهی، اصلاحات علوی، ص 17). سید رضی آورده است که عبدالله ابن عباس می گوید: پیش از جنگ جمل حضرت را در حالی یافتم که مشغول وصله زدن کفش خود بود. چون مرا دید فرمود: بهای این چقدر است؟ گفتم بهایی ندارد. فرمود: به خدا سوگند این کفش بی ارزش نزد من محبوب تر است از حکومت بر شما، مگر آن که حقی را

برپا سازم و یا باطلی را براندازم (دشتی، ترجمه نهج البلاغه، ص 59، خطبه 33).

در سایه عدالت، آرامش و راحتی و امنیت تدارک می شود و از این روست که امام علی (علیه السلام) از عدالت به «قره العین» برای حکومت تعبیر کرده است. قره العین در اصل آرامش یافتن دیدگان است. قره، قرار گرفتن و آرامش یافتن است. انسانی که ناراحت باشد و گرفتار بی امنیتی و فقدان آرامش و عدم راحتی باشد همواره دیده اش به این سو و آن سو می رود و آرام و قرار ندارد؛ اما وقتی برای انسان امنیت و آرامش و راحتی فراهم می شود، دیده اش آرام می شود در این جاست که قره العین معنی می یابد (منتظری، درس هایی از نهج البلاغه (نامه امام به مالک)، ص 155).

عدالت آن چیزی است که زندگی فردی و اجتماعی را به زیبایی و امنیت و آرامش و راحتی آراسته می کند. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در عهدنامه مالک چنین یادآور می شوند که «بی گمان آن چه بیش از همه دیده والیان به آن روشن می شود، برقراری عدالت در کشور و گسترش دوستی ملت است.» (دشتی، ترجمه نهج البلاغه، ص 415، نامه 53، فراز 415). عدالت نزد امام علی (علیه السلام) فلسفه حکومتی اش محسوب می شد و آن حضرت همه اهتمامش بر اجرای عدالت و استقرار آن بود. حضرت علی (علیه السلام) قبل از کشته شدن عثمان، باری چنین سخن می گوید: «بدان که برترین بندگان نزد خداوند پیشوایی است عادل، هدایت شده و راهبر که سنتی را که شناخته است برپا دارد و بدعتی که ناشناخته است بمیراند.» (همان، ص 221، خطبه 164، فراز 5). در اندیشه امام علی (علیه السلام) چنین کسی که عدالت با جانش آمیخته است می تواند به درستی راهبری جامعه را انجام دهد و در اوج توانمندی ها و دارایی ها از عدالت دور نگردد. حضرت می فرماید: «آن که خود را پیشوای مردم سازد پیش از تعلیم دیگران باید به ادب کردن خویش پردازد و پیش از آن که به گفتار، تعلیم فرماید باید به کردار ادب نماید، آن که خود را تعلیم دهد و ادب اندوزد شایسته تر است به تعظیم از آن که دیگران را تعلیم دهد و ادب آموزد» (همان، حکمت 73، ص 456).

امام علی (علیه السلام) با تأسی به پیامبر اکرم و پیروی کامل از او و احیای سنت های عدالت گرایانه قرآن، به اجرای قسط قرآنی پرداخت و عدالت همه جانبه را برنامه حکومت خویش قرار داد و به سرشارسازی زندگی مردم از عدل پرداخت و سیره او تجسم تام عدالت و حکومت او از این منظر، حکومت نمونه تاریخ است. این گونه است که امام علی (علیه السلام) در عدالت نمونه گشت و بانگ عدالت انسانی حضرت در آفاق حیات بشری پیچید (دلشاد تهرانی، جمال دولت محمود، ص 109).

#### **د. پیام سیاست های اقتصادی حکومت علوی برای دوران معاصر**

ایران بعد از انقلاب از جهاتی شبیه جامعه حضرت امیر (علیه السلام) است. دوران انقلاب تا پیش از صلح را می توان به زمان پیامبر تشبیه کرد. مردم برای دفاع از دین و پشتیبانی از اهداف انقلاب به سادگی از مال و جان خود می گذشتند. اصالت آخرت و وسیله بودن دنیا یک بینش فراگیر بود، مردم و مسئولین بیش تر به فکر پیاده کردن نظام اسلامی و عمل به دستورات اسلام بودند. مردم از جهت رفتارهای مصرفی غالباً قانع و ساده زیست بودند. اسراف و تبذیر در بین مردم کم شده بود و مردم به انگیزه حفظ نظام و پیشرفت آن کار می کردند؛ اما پس از پذیرش صلح و فروکش کردن جو جهاد، ایثار و شهادت، به تدریج انحرافات در نظام پیش آمد.

اصالت دنیا، منفعت پرستی و خودخواهی جایگزین اصالت آخرت، کار به انگیزه ثواب اخروی و ایثار شده است. الگوهای رفتاری مبتنی بر همین بینش (اصالت دنیا) قرار گرفته و هر کس به فکر منافع شخصی خود است و مصالح اجتماعی و اهداف نظام را فراموش کرده و به فکر درآمد بیش تر و زندگی مرفه تری برای خودش می باشد. نسبت به استفاده شخصی از بیت المال حساسیت های زمان انقلاب، کم تر به چشم می خورد. البته گرچه که در سطح رهبری و مسئولین درجه یک نظام اعتقاد راسخ به نظام اقتصادی اسلام وجود دارد اما در مسئولین پایین تر و مدیران، روزه روز کم رنگ تر می شود و گرایش به سمت نظام های اقتصادی غربی بیش تر می گردد.

اما اگر بخواهیم در مسیر اصلاحات علوی راه بیماییم باید سیره حضرت را فرا روی خود قرار دهیم و اقدامات اصلاحی مناسبی در نظر بگیریم. از جمله می توان به این موارد اشاره کرد:

یک. سرمایه گذاری های کلان در راستای تحقق اهداف اقتصادی؛

دو. نظارت دقیق بر حسن اجرای احکام و دستورات اسلام به ویژه در بخش خصوصی؛

سه. نظارت بر رفتار کارگزاران حکومتی و جلوگیری از سوءاستفاده از بیت المال؛

چهار. تبلیغات در راستای تعالیم و دستورات اسلامی جهت تصحیح بینش ها و رفتارها و نهادینه شدن بینش اسلامی و الگوهای رفتاری مناسب.

اگر بخواهیم مردم در رفتارهای اقتصادی خود در اسلام منحرف نشوند و دستورات آن را اجرا کنند و در نتیجه اقتصاد و بازار سالمی داشته باشیم که در آن ربا داده نمی شود، دروغ گفته نمی شود و کسی به دیگری ظلم نمی کند و قیمت ها در آن بازار عادلانه است و اگر بخواهیم مردمی کم مصرف و پرتلاش و با بازده بالا تربیت کنیم و اگر بخواهیم کاری کنیم که فقر در جامعه ریشه کن شود باید:

اولاً به تعلیم و تربیت مردم درباره احکام اسلام و آثار گناه در این زمینه پردازیم.

ثانیاً رهبران و حاکمان جامعه، یعنی کسانی که مردم به آن ها اقتدا می کنند، خود به احکام اسلام عمل کرده و ساده زیستی و زهد را پیشه کنند و کم مصرف و پرتلاش باشند.

و ثالثاً نظارت جدی و دقیق بر بازارها برای جلوگیری از تخلفات وجود داشته باشد. جای چنین نهادی در کشور ما خالی است هر چند که اسماً سازمان نظارت و بازرسی وجود دارد اما منظور نهادی است که نه تنها بر قیمت ها نظارت نماید و با گران فروشی مبارزه کند بلکه بر رعایت همه واجبات و محرمات الهی در حوزه بازار نظارت کند و متخلفین را به تناسب جرمشان مجازات نماید و به طور مستمر و مداوم فعالیت داشته باشد آن گونه که حضرت علی (علیه السلام) این چنین می کردند.

اقتصاد به زبان ساده یعنی هم آهنگی بین دخل و خرج، ایجاد توازن بین درآمدها و مخارج و هم چنین بحث مهم و قابل توجه آن تولید، که اهمیت زیادی دارد. در این تحقیق سعی شد تا با ارائه گزارشی از رفتارهای اقتصادی حضرت علی (علیه السلام) در زمینه کسب و کار و تولید و هم چنین اداره اقتصادی دولت، نمایی از رفتار اقتصادی سالم را ارائه دهیم. روش حضرت علی (علیه السلام) در این مورد تجسم ارزش های اسلامی است. امامت حضرت استمرار نبوت پیامبر بود و حضور امام در عرصه اجتماعی با توفیقات قابل توجهی همراه بود. علی رغم همه مشکلات و مصایبی که پیش آمد و مانع حضرت بودند اما با این حال حکومت علی (علیه السلام) به حکومت موفق تاریخ تبدیل شد. حضرت با اصلاحات خود زمینه انحرافات را از بین برد و با رهنمودها و سیاست های صحیح اقتصادی توانست رفاه و آسایش را در جامعه اسلامی برقرار سازد. فقر را ریشه کن کرد و عدالت را به جامعه اسلامی آن روز هدیه نمود. اگر بخواهیم به یک نظام اقتصادی سالم برسیم که اسلامی هم باشد باید سیاست های حضرت را مورد توجه و تحقیق قرار دهیم و راهکارهای عملی از آن استخراج کنیم.

قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و گروهی از اساتید جامعه المصطفی، قم، انتشارات المصطفی، 1388 ش.

نهج البلاغه، سید رضی، محمدبن حسین، قم، نشر مشهور، 1414 ق.

1. ابن ابی الحدید، عبدالحمید هبه الله عزالدین، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، 1364.

2. ابن اثیر، ابوالحسن عزالدین علی بن الکرّم، الکامل فی التاریخ، بیروت، انتشارات دارالحیاه التراث العربی، 1430.

3. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق) ابوجعفر محمدبن علی: امالی، قم، نشر ذوی القربی، 1413 ق.

4. ابن شهر آشوب مازندرانی، ابوجعفر محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف، انتشارات مکتبه الحیدریه، 1379 ق.

5. احمدی، حبیب الله، امام علی و جمهوریت، قم، انتشارات فاطمیا، 1379.

6. انصاری، محمدعلی، بررسی ها و انتقادات تاریخی، قم، ناشر مؤلف، 1345.

7. بهبودی، محمدباقر، سیره علوی، تهران، ناشر مؤلف، 1386.

8. ثقفی، ابواسحاق ابراهیم، الغارات، تهران، انجمن آثار ملی، 1354.

9. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم، انصاریان، چاپ سوم، 1379.

10. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، الهادی، چاپ پنجم، 1384.

11. دشتی، محمد، امام علی و اقتصاد اسلامی، قم، بنیاد امیرالمؤمنین، 1383.

12. دلشاد تهرانی، مصطفی، دولت آفتاب، تهران، انتشارات دریا، 1387.

13. دلشاد تهرانی، مصطفی، جمال دولت محمود، تهران، انتشارات دریا، 1382.

14. عبدالهی، محمدحسن، اصلاحات علوی، قم، دفتر عقل، 1385.

15. فاروقی، فؤاد، بیست و پنج سال سکوت، تهران، نشر عطایی، 1364.

16. ابن حیون تمیمی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، 1383.

17. کلینی، ابی جعفر محمدبن یعقوب، فروع کافی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1426.



18. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، انتشارات الارشاد الاسلامی، 1373.

ص: 55

19. ری شهری، محمد، موسوعه امام علی بن ابی طالب، قم، دارالحدیث، 1385.

20. منتظری، حسین علی، درس هایی از نهج البلاغه (نامه امام به مالک)، تهران، انتشارات حزب جمهوری اسلامی، 1361.

21. سایت ها:

22. جعفری‌پیشه فرد، مصطفی، حکومت علوی و اهتمام به اصلاحات... فصلنامه حکومت اسلامی، شماره 18، 1386. . www.

Hawzah. Net / fa / article / articleview / 45437

23. سبجانی، جعفر، اصول سیاست در سیره عملی امام علی ((علیه السلام))، نشریه قرآن و حدیث، زمستان 1382، شماره 7 Jtem

id= 2596 www. New. Imamali.net / fa / articleview. Html

24. نظرپور، محمدتقی، مقاله امام علی، حکومت، بازار، نقل از www. Modiryar. Com.

ص: 56

## 2. سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی در عرصه استقلال با نگاهی به آموزه های علوی

### اشاره

(با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری)

باقر ریاحی مهر(1)

ص: 57

---

1- . دانشجوی دکتری قرآن و مستشرقان جامعه المصطفی العالمیه؛ Dr.riahi@chmail.ir



اقتصاد مقاومتی شکلی از نظام اقتصادی اسلام است که ایده آن برای رفع مشکلات اقتصادی ایران از سوی مقام معظم رهبری ارائه گردید. ریشه دار بودن اقتصاد مقاومتی در اقتصاد اسلامی از یک سو و فرصت حکومت داری امیر مؤمنان علی (علیه السلام) از سوی دیگر، توجه ویژه به سخنان و سیره آن حضرت با رویکرد اقتصادی را ایجاب می نماید. مقاله حاضر با بهره جستن از روش تحلیل محتوا بخشی، رهنمودهای قابل تطبیق امام علی (علیه السلام) با بیانات مقام معظم رهبری پیرامون سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی در جهت تحقق استقلال اقتصادی را بررسی کرده است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که: 1. بهبود فضای کسب و کار، روحیه و فرهنگ جهادی، اقتصاد دانش بنیان، الگوی مصرف و مبارزه با فساد اقتصادی، از سیاست های کلی در جهت تحقق استقلال اقتصادی است. 2. از قوانینی که آن حضرت در مدت حکومت خود برای بازارهای آن زمان وضع نمود، مانند قانون همگانی بودن، قانون سبقت و قانون تخصیصی شدن کالاها می توان در عصر کنونی الگو گرفت. 3. به نظر نگارنده، مؤلفه های اصلی مصرف (شامل سطح مصرف، ترکیب کالاهای مصرفی و چگونگی مصرف) در بستر فرهنگ جامعه شکل می گیرد و تغییر اساسی آن ها نیز بدون تغییر فرهنگ ممکن نیست. در سخنان امیر مؤمنان در مورد الگوی مصرف، دو نکته مبارزه با اسراف و تجمل گرایی نمایان است که سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی نیز بر این دو تأکید دارد. در مورد مقابله با فساد اقتصادی نیز حضرت امیر (علیه السلام)، هم در زمینه پیش گیری و هم در زمینه مبارزه، راه کارهایی را ارائه نموده اند.

کلیدواژه ها: اقتصاد مقاومتی، امیر مؤمنان علی (علیه السلام)، مقام معظم رهبری، سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، استقلال اقتصادی، مبارزه با فساد، الگوی مصرف.

## مقدمه

لازمه بقای حیات یک نظام، داشتن نظام اقتصادی سالم و پویاست و دین مبین اسلام نیز نه تنها نسبت به آن بی اعتنا نیست، بلکه نسبت به حل مشکلات اقتصادی، برنامه و اهتمام ویژه ای دارد.

حکومت ایران با توجه به چالش های پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره با مشکلات و تهدیدهای داخلی و خارجی مواجه بوده است. مقام معظم رهبری با دوراندیشی کامل، این تهدیدها را رصد نموده و راهکارهای ویژه ای ارائه کرده است که یکی از مهم ترین آن ها مدلی از نظام اقتصاد اسلام است که از آن به «اقتصاد مقاومتی» تعبیر شده است.

اقتصاد مقاومتی شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در وضعیت حمله همه جانبه اقتصادی دشمن که کیان نظام اسلامی را به خطر می اندازد، پدید می آید. در نظام اقتصادی اسلام، در این وضعیت با تغییر در اولویت هدف ها و به تبع آن در اصول راهبردی و سیاست ها، راهبردی کلان طراحی می شود که تهدید را تبدیل به فرصت کرده و باعث جهش اقتصادی می شود.

این پژوهش بر آن است تا بخشی از مسائل اقتصاد مقاومتی را در عرصه ایجاد استقلال، بر سخنان و سیره امام علی (علیه السلام) تطبیق داده و راه کارهایی را از سیره حکومتی آن امام استخراج نماید. ذکر این نکته بایسته است که دریافت معارف معصومان (علیهم السلام) از جمله آن امام همام، منوط به این رویکرد است که سخنان و سیره آن بزرگوران را به زمان ایشان و موارد خاص منحصر ندانیم و آن ها را به سان فضایی حقیقیه ای ببینیم که همیشه می تواند راهنمای سعادت دنیوی و اخروی بشریت باشد.

همان گونه که بیان شد، اقتصاد مقاومتی از نظام اقتصادی اسلام گرفته شده و تبیین و بررسی راه کارهای این اقتصاد در اسلام، به ویژه در سخنان و سیره امیر مؤمنان علی (علیه السلام) که

چند سالی مجال حکومت داری یافتند، حائز اهمیت است. در این پژوهش برآنیم تا با تبیین برخی سرفصل های مهم سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری و سخنان و سیره امیرمؤمنان(علیه السلام) در این زمینه، اهمیت و ضرورت اجرای اقتصاد مقاومتی را به طور تفصیلی یافته و راه کارهایی را در جهت بهبود آن در جهت دستیابی به استقلال اقتصادی ارائه نماییم. بنابراین، مسئله این پژوهش این است که دیدگاه و سیره امیرمؤمنان(علیه السلام) در مورد مسائل مربوط به اقتصاد مقاومتی، با توجه به سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی در جهت دستیابی به استقلال اقتصادی که مدّ نظر رهبر معظم انقلاب است، چیست و امیرالمؤمنین(علیه السلام) برای اجرای این سیاست ها چه راه کارهایی را توصیه یا اجرا نموده اند؟

روش پژوهش، توصیفی از نوع تحلیل محتوابخشی و واحد تحلیل مضمون است. تحلیل محتوابخشی توسط سن تانینت و لیسمان (1999) به عنوان یکی از روش های اصلی تحلیل محتوی مطرح شد. در این

روش ابتدا بر اساس مبانی نظری موجود، یک عبارت و عنوان کلی انتخاب می شود و سپس آن عنوان به قطعات و بخش های کوچک تر تقسیم می گردد و سپس با تحلیل پیام های آشکار و پنهان متن و زمینه مورد نظر مصادیق بخش های کوچک تر تعیین می شود.

جامعه آماری عبارت است از کتاب ارزشمند نهج البلاغه (کلمات قصار، نامه ها و حکمت ها و خطبه ها)، کتاب ها، مقالات و پایگاه های اطلاعاتی که بیانات مقام معظم رهبری را در دسترس محققان قرار داده اند. شیوه جمع آوری اطلاعات سندکاوی و ابزار جمع آوری اطلاعات، فیش های تحقیقاتی است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. در این روش، ابتدا اطلاعات از منابع مختلف جمع آوری، سپس سازماندهی و طبقه بندی می شود و در نهایت بر اساس مستندات و بینش به دست آمده، مورد تفسیر قرار می گیرند.

تاکنون، کتاب‌ها و مقالاتی در مورد سیاست‌های اقتصادی علی (علیه السلام) نوشته شده که از آنها می‌توان به مقاله «آشنایی با اندیشه‌های اقتصادی امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه» نوشته محمد مولایی اشاره نمود. نویسندگان با استخراج شش اصل از سخنان امیرالمؤمنین (علیه السلام) همچون رعایت عدالت، سیاست‌های مالی، رعایت قناعت و ساده زیستی، مطالب مفیدی را در جهت داشتن یک اقتصاد سالم ارائه نموده است. مقاله دیگر به نام «امام علی (علیه السلام)، دولت و سیاست‌های اقتصادی»، نوشته آقای محمدتقی گیلک حکیم آبادی است که ضمن مطالب کلی تری در مورد دولت و وظایف آن در قبال مردم، موارد مربوط به اقتصاد همچون مبارزه با فساد و مسئله مالیات را از نگاه علی (علیه السلام) مورد بررسی قرار داده است. دیگر مقالات و کتبی که نگاشته شده، ارتباط دورتری با مقاله حاضر دارند؛ مانند کتاب‌هایی که در زمینه مبانی اقتصاد اسلامی منتشر شده است.

با توجه به این که پژوهش‌های صورت گرفته تاکنون، تمرکز و تطبیق بر اقتصاد مقاومتی و سخنان مقام معظم رهبری نداشته‌اند و همچنین مطالب کلی تری در مورد اقتصاد، از علی (علیه السلام) تبیین نموده‌اند، به نظر می‌رسد این پژوهش بتواند خلأهای گذشته را تا حدودی جبران نماید.

### تعریف و اصول اقتصاد مقاومتی

هرچند مسئله اقتصاد از سال‌ها قبل مدّ نظر مقام معظم رهبری بوده و همواره مطالبی را برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور ارائه نموده‌اند، اما اولین بار در سال 1389 واژه «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کرده و در بهمن ماه 1392 سیاست‌های کلی آن را ابلاغ فرمودند. این سیاست‌ها دارای 24 بند است که عناوین کلی ذیل، از محورهای مهم آن به شمار می‌آید:

فرهنگ جهادی در زمینه اقتصاد؛ حمایت از تولید ملی؛ حمایت از بخش خصوصی؛ حمایت از صادرات؛ توجه به اقتصاد دانش بنیان؛ توجه به الگوی مصرف صحیح؛ مبارزه با فساد اقتصادی.



مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی را این گونه تعریف می فرمایند:

اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی ها و خصومت های شدید می تواند تعیین کننده رشد و شکوفایی کشور باشد (16/5/1391). سیاست های اقتصاد باید سیاست های «اقتصاد مقاومتی» باشد. (یک اقتصاد مقاوم) باید اقتصادی باشد که در ساخت درونی خود، مقاوم باشد؛ بتواند ایستادگی کند؛ با تغییرات گوناگون در این گوشه دنیا، آن گوشه دنیا متلاطم نشود (7/2/1392).

با توجه به تعاریف فوق، دو نکته در اقتصاد مقاومتی حائز اهمیت است: 1. اقتصادی است که در برابر تهدیدها و ترفندهای دشمن مقاوم است و کمتر آسیب می بیند؛ 2. تهدید را تبدیل به فرصت کرده و در وضعیت تهدید رشد می کند (میرمعزی، اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن، فصلنامه اقتصادی اسلامی، ش 47، ص 52).

## سیاست های کلی در جهت تحقق استقلال اقتصادی

### 1. استقلال

از مجموع سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، سخنان رهبری و سیاست های کلی جمهوری اسلامی ایران، می توان یکی از مهم ترین مبانی اقتصاد مقاومتی را «استقلال» برشمرد.

امنیت اقتصادی به عنوان یکی از اهداف نظام اقتصادی به معنای «ثبات و نبود خطر و ریسک در فعالیت های اقتصادی در حوزه های تولید، توزیع و مصرف و در بخش های دولتی و خصوصی و اقتصاد بدون سود و در بعدهای داخلی و بین المللی است. امنیت بعدهای گوناگونی دارد. وقتی امنیت فرد مطرح می شود، امنیت جان و مال و آبروی وی مورد توجه قرار می گیرد. مال فرد ممکن است از سوی افراد دیگر

یا دولت و حکومت در معرض خطر تجاوز قرار گیرد. بر این اساس، می توان گفت: امنیت اقتصادی از دیدگاه خرد، آن است که مالی که در چارچوب قوانین مشروع به تملک فرد درآمده، از خطر تعدی افراد

دیگر یا دولت مصون باشد. وقتی امنیت از بُعدهای کلان مورد توجه قرار می‌گیرد و سخن از امنیت جامعه و کشوری به میان می‌آید، «امنیت ملی» نامیده می‌شود. امنیت ملی، ابعاد فرهنگی، حقوقی، سیاسی، نظامی و اقتصادی خاص خود را دارد. این ابعاد به یکدیگر وابسته و در یکدیگر اثرگذار هستند.

امنیت اقتصادی از دیدگاه کلان که یکی از ابعاد امنیت ملی است، به معنای وجود ثبات و اطمینان و نبود خطر برای فعالیت های اقتصادی و اموال و ثروت های جامعه است. از این دیدگاه، امنیت اقتصادی قابل تقسیم به امنیت داخلی و خارجی یا بین المللی است؛ زیرا علل ناامنی گاه داخلی است و گاه خارجی؛ برای مثال: اگر حقوق مالکیت در کشوری ظالمانه باشد یا شفاف نباشد یا سیاست های اقتصادی دولت، اموال مردم را در معرض نابودی یا کاهش ارزش قرار دهد، امنیت اقتصادی در آن جامعه وجود ندارد. در این صورت، علت ناامنی، داخلی است.

نیز اگر منافع و مصالح اقتصادی کشوری از سوی دیگر کشورها مورد تهدید قرار گیرد، آن کشور امنیت اقتصادی نخواهد داشت. در این صورت، علت ناامنی، خارجی است و استقلال اقتصادی یکی از عوامل تحقق امنیت اقتصادی خارجی یا بین المللی است. استقلال اقتصادی وقتی حاصل می‌شود که کشور بتواند منافع اقتصادی خود را آن گونه که خود تشخیص می‌دهد، تعقیب کند. لازمه این استقلال، خودکفایی در کالاهای ضروری و استراتژیک است. جامعه ای که در این امور به دشمنان نیازمند است، هیچ گاه نمی‌تواند سخن از استقلال به میان آورد.

استقلال ابعاد مختلفی از جمله فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دارد، اما اهمیت استقلال اقتصادی فزون تر است؛ زیرا لازمه وابستگی اقتصادی، وابستگی سیاسی و فرهنگی است و اگر اقتصاد یک کشور از سوی دیگر کشورها تهدید شود، دستیابی به استقلال اقتصادی، اولویت اول را در بین اهداف اقتصادی و حتی غیراقتصادی خواهد داشت (همان، ص 56).

اگر این ملت بخواهد این استقلال سیاسی را، این عرض اندام فرهنگی را در برابر سلطه گران عالم حفظ کند، باید پایه های اقتصادی خود را محکم کند (4/2/1387). اگر استقلال اقتصادی جامعه ای تحقق

پیدا نکرد... استقلال سیاسی این کشور تحقق پیدا نمی کند و اگر استقلال سیاسی جامعه ای تحقق پیدا نکرد، بقیه حرف ها، جز حرف چیز دیگری نیست (10/12/1391). این در دنیا خیلی چیز مهمی است که ملت ها ببینند بدون قرار گرفتن زیر سایه قدرت ها هم یک ملت ممکن است رشد کند و حرکت کند؛ بلکه با خصومت قدرت ها هم می تواند رشد کند و حرکت کند و بایستد و روی پای خودش جلو برود. این را ما عملاً نشان دادیم؛ این هم این ها را عصبانی می کند (26/7/1396).

بی تردید لازمه استقلال اقتصادی به این معنا، دستیابی به توان اقتصادی فزون تر از رقیب است. کشوری که با رقیبی قدرتمندتر از خود (که همواره در اندیشه دگرگون ساختن و وابسته کردن آن به سر می برد) روبه روست، هیچ گاه نمی تواند استقلال اقتصادی داشته باشد. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) درباره استقلال می فرماید:

«برده دیگری مباش، که خدا تو را آزاد آفرید. آن نیک که جز با شرّ به دست نیاید، نیکی نیست، و آن راحتی که با سختی های فراوان به دست آید، آسایش نخواهد بود» (شریف رضی، نهج البلاغه، نامه 31).

سخن عمیق امام (علیه السلام) از اصل استقلال و حریت در اسلام حکایت می کند. بنابر فرمایش امام، ممکن است کسی یا ملتی با وابستگی و بردگی دیگر افراد یا کشورها به راحتی و آسایش ظاهری دست یابد، اما در واقع آسایشی نصیب آنان نشده؛ زیرا اولاً حریت و شخصیتی که خداوند به ایشان عطا نموده را ضایع نموده اند؛ ثانیاً هرگاه فرد یا کشور استعمارکننده به هر دلیل آسایش زبردست خود را نخواهد، آن را بازمی ستاند و وی را از آنچه هست، خوارتر می سازد. این وضع در مورد هر ملت و کشور آزاده ای صادق است، اما در مورد ملت های مسلمان اهمیت دوچندان دارد؛ چرا که ارزش و کرامت ویژه ای برای

مسلمانان قرار داده شده و آیات و روایات نیز بر حفظ عزت مسلمانان تأکید دارد (منافقون/8؛ حج/38؛ کلینی، الکافی، ج5 ص63).

## 2. حمایت از تولید، با بهبود فضای کسب و کار

یکی از کارهایی که می تواند به تولید ملی کمک کند، بهبود فضای کسب و کار است. محیط کسب و کار شامل نهادها، مقررات و رویه های اداری مندرج در محیط فعالیت اقتصادی است و به نوعی هزینه های غیرفنی فعالیت اقتصادی را تعیین می کند. هر چه مراحل، هزینه ها و زمان انجام مراحل ثبت شرکت، گرفتن مجوز از شهرداری و دیگر دستگاه های مرتبط، کمتر باشد، هزینه ها کاهش و باعث بهبود اشتغال و تسریع رشد اقتصادی می گردد (سیف، فضای کسب و کار، تازه های اقتصاد، ش132، ص59؛ اشرفی و فهیمی فر، بررسی شاخص های بهبود فضای کسب و کار، مجله اقتصادی، ش11، ص9). شاخص هایی که توسط بانک جهانی برای بررسی وضعیت فضای کسب و کار مورد استفاده قرار می گیرد، 11 مورد است که از آن ها می توان به سهولت کسب و کار، شروع کسب و کار، حمایت از سرمایه گذاران و پرداخت مالیات اشاره کرد (سیف، فضای کسب و کار، تازه های اقتصاد، ش132، ص61).

بهبود فضای کسب و کار، سرمایه گذاری و اشتغال را افزایش داده و سبب تسریع رشد اقتصادی می شود و در نتیجه، راه بر قدرت و استقلال اقتصادی هموار می گردد. مقام معظم رهبری در این باره می فرماید:

بهبود فضای کسب و کار بیشتر وظیفه دولت است. همین مسئله مقررات، تسهیلات گوناگون، پیچ و خم های اداری فراوان، این ها همه، چیزهایی است که اگر چنانچه اصلاح بشود، بهبود فضای کسب و کار که یکی از مسائل عمده اقتصادی ماست، حاصل خواهد شد (16/6/1389).

می توان گفت هر میزان که شاخصه تولید ملی کشوری بالاتر رود، امید مردم آن جامعه، برای پیشرفت و توسعه فزونی می یابد؛ چراکه اعتماد به سرمایه داخلی و اتکا به دسترنج

خودی و ارج نهادن به تولید ملی، زمینه را برای آشکار شدن قابلیت ها و استعداد های وطنی و بستر را برای پیشرفت ملی و رسیدن به اقتصاد مقاومتی آماده تر و فراهم تر می سازد و این مهم، یکی از اساسی ترین وظایف دولت در هر کشوری است. استقلال اقتصادی وقتی حاصل می شود که تولید ملی دو ویژگی داشته باشد:

1. به صورت مستقیم یا غیر مستقیم پاسخ گوی نیاز های مردم و کشور باشد و محصولاتی تولید شود که در وضعیت امروز دنیا قابل رقابت در بازار های خارجی و قابل مبادله با محصولات مورد نیاز کشور باشد.

2. با کار و سرمایه ایرانی تولید شود؛ زیرا در غیر این صورت، بدترین شکل وابستگی یعنی وابستگی در تأمین عوامل تولید رخ خواهد داد (میر معزی، اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن، فصلنامه اقتصادی اسلامی، ش 47، ص 60).

مهم ترین و اساسی ترین رکن تولید داخلی، بخش کشاورزی است و رونق کشاورزی در گرو توجه به کشاورزان است. رسیدگی به مشکلات کشاورزان، اعم از ناتوانی در پرداخت مالیات یا وجود نقص در

زمین کشاورزی و ... در نهایت باعث افزایش تولید می گردد. امیر مؤمنان (علیه السلام) در نامه 53 نهج البلاغه تأکید ویژه ای به مشکلات و گرفتاری های کشاورزان دارند و در این راستا به مالک اشتر می فرمایند:

«فَإِنْ شَكُوا ثَقَلًا أَوْ عِلَّةً أَوْ انْقِطَاعَ شَرْبٍ أَوْ بِاللَّهِ أَوْ إِحَالَهُ أَرْضٍ اغْتَمَرَهَا غَرَقٌ أَوْ أَجْحَفَ بِهَا عَطَشٌ خَفَّفْتَ عَنْهُمْ بِمَا تَرَجُّو أَنْ يَصْلِحَ بِهِ أَمْرُهُمْ»؛  
«پس اگر مردم شکایت کردند از سنگینی مالیات یا آفت زدگی یا خشک شدن آب چشمه ها یا کمی باران یا خراب شدن زمین در سیلاب یا خشکسالی، در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد.»

در ادامه نیز حضرت به مالک اطمینان خاطر می دهد، تخفیف هایی که برای رعیت در این زمینه قائل می شود، در نهایت امر سودآور و سرشار از فواید مادی و معنوی است:

«وَلَا يَنْقُلَنَّ عَلَيْكَ شَيْءٌ خَفَّفْتَ بِهِ الْمُنُونَةَ عَنْهُمْ فَإِنَّهُ ذُخْرٌ يَعُودُونَ بِهِ عَلَيْكَ فِي عِمَارَةِ بِلَادِكَ وَ تَزْيِينِ وِلَايَتِكَ مَعَ اسْتِجْلَابِكَ حُسْنَ ثَنَائِهِمْ وَ تَبَجُّحِكَ بِاسْتِفَاضَةِ الْعَدْلِ فِيهِمْ»؛ و هرگز تخفیف دادن در

خراج، تورا نگران نسازد؛ زیرا آن، اندوخته ای است که در آبادانی شهرهای تو و آراستن ولایت های تو نقش دارد و رعیت تورا می ستایند و تو از گسترش عدالت میان مردم خشنود خواهی شد.

امیر مؤمنان (علیه السلام) در مدت محدود حکومت خود و با وجود تنش ها و جنگ های پی در پی، به گونه ای بازار اقتصادی زمان خویش را مدیریت نمودند که می توان با الگو گیری از آن در بازار امروزی، از برخی نابسامانی های اقتصادی پیش گیری نمود. با مطالعه دقیق متون تاریخی و روایاتی که به نوعی با مسائل اقتصادی ارتباط دارد، (هرچند به طور غیر مستقیم) می توان برخی از ویژگی های بازار تحت مدیریت ایشان را کشف نمود:

1. بازار همگانی: بازاری است که هر صاحب کالایی می تواند کالای خویش را در آن عرضه نماید و عرضه کنندگان، مالک مکان عرضه نیستند. در نقطه مقابل، بازار مغازه ای (یا فروشگاه) قرار دارد که هر یک از عرضه کنندگان آن، صاحب محل و مغازه ای برای خویش بوده و طبیعتاً عرضه کنندگان آن نیز محدود به صاحبان این مغازه ها می باشند (حسنی، نظام مالی نوین اسلامی، ص 419). ابن شهر آشوب این گونه گزارش می کند:

و از آن جا که بایکدیگر سخن می گفتند، بر بام دارالاماره بود و از آن جا صندوق های اجناس مردم بازار دیده می شد؛ پس علی (علیه السلام) به عقیل فرمود: «اگر بدانچه گفتم، قانع نیستی، قفل های بعضی از صندوق ها را بشکن و آن چه در آن است را برای خود بردار!» (ابن شهر آشوب، مناقب، ج 2، ص 109).

بنابراین، تجار برای این که هر شب صندوق های خود را حمل نکنند، در محلی آن را نگه داری می کردند و اگر مغازه داشتند، بدیهی است لازم نبود محلی را برای آن برگزینند.

2. قانون سبقت: با توجه به این قانون، هرکدام از فروشندگانی که زودتر در محل عرضه کالا مستقر شود، به آن مکان حق تقدم داشته و تا آخر همان روز می تواند در آن جا به فعالیت خود مشغول باشد. از امام صادق (علیه السلام) در این رابطه نقل شده است: «امیر المؤمنین (علیه السلام) فرموده است: بازار مسلمانان چون مسجد آن هاست؛ هر کس پیشی گرفت و در جایی نشست، به آن احق است تا به شب» (کلینی، الکافی، ج 2، ص 662).

علی (علیه السلام) به سوی بازار خارج شد که ناگهان با دکان هایی مواجه گردید که در بازار ساخته شده بود. در مورد آن ها دستور داد که خراب شده و صاف گردد و به خانه های بنی بکاء گذر کرد؛ پس فرمود: این مکان از بازار مسلمین است. سپس دستور داد تا آن ها را خراب کنند و فرمود: هر کس به مکانی از بازار پیشی بگیرد، نسبت به آن اولویت دارد. پس می دیدیم شخصی امروز در این جا می فروشد و فردا در مکانی دیگر (بیهقی، سنن الکبری، ج6، ص249).

3. نگرفتن اجرت از بازرگانان بازار همگانی: از امام صادق (علیه السلام) درباره علی (علیه السلام) آمده است که ایشان کراهت داشت از بازار مسلمانان، اجرتی بگیرد. (طوسی، تهذیب الاحکام، ج6، ص383).

4. تخصصی بودن بازارها: از نقل های مختلف فهمیده می شود که در زمان ایشان هر یک از کالاها دارای بازاری بوده است؛ برای مثال در مورد بازار ماهی فروشان آمده است: «امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کوفه استر پیامبر خدا (صلی الله علیه و اله) را سوار می شد؛ سپس به بازار ماهی فروشان می رفت و می فرمود: «نخورید و نفروشید ماهی هایی که پولک ندارند» (کلینی، الکافی، ج6، ص220). یا در مورد بازار خرما فروشان می فرماید: «امیرمؤمنان (علیه السلام) به بازار خرما فروشان رفت و زنی را دید که می گرید...» (همان، ج5، ص230). در برخی منابع دیگر به بازار جامه فروشان اشاره شده است (مجلسی، بحار الانوار، ج34، ص349).

### 3. روحیه و فرهنگ جهادی

#### اشاره

یکی از مواردی که در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی بر آن تاکید شده و به نوعی زیر بنای تمام فعالیت ها در اقتصاد مقاومتی به شمار می آید، انجام کارها بر اساس روحیه و فرهنگ جهادی می باشد. در بند 20 سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی آمده است:

تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره وری، کارآفرینی، سرمایه گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.

با توجه به این که کشور ایران به تعبیر مقام معظم رهبری در جنگ اقتصادی(1)

به سر می برد، تنها فرهنگ و روحیه ای که می تواند بر آنها غلبه نماید، روحیه جهادی است. ایشان این روحیه را این گونه تفسیر نموده اند:

روحیه جهادی لازم است. ملت ما از اول انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه جهادی وارد میدان شده، پیش رفته؛ اگر ما در بخش های گوناگون، روحیه جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدیت و به صورت خستگی ناپذیر انجام دهیم - نه فقط به عنوان اسقاط تکلیف - بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت (1/1/1390).

تمرکز عمده آن ها بر روی مسائل اقتصادی است ... پس جهاد اقتصادی لازم است؛ یعنی همین مبارزه، همین پیکار، منتها جهادگونه، با همه توان، با همه وجود، با قصد خالص، با فهم و بصیرت این که داریم چه کار می کنیم (7/2/1390). ما جهاد اقتصادی را یک ضرورت برای کشور می دانیم، نه صرفاً یک اولویت؛ یک نیاز قطعی است (6/6/1390).

در زمینه خدمت، کار را باید جهادی کرد؛ جهادی به معنای بی قانونی نیست ... در همان چهارچوب قانون، دو جور می شود کار کرد: یک کار، کار مرسوم اداری؛ یک کار، کار جهادی. کار جهادی یعنی از

موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمان ها را فراموش نکردن، جهت را فراموش نکردن، شوق به کار؛ این کار جهادی است. کار را باید جهادی انجام داد تا ان شاء الله خدمت به خوبی انجام بگیرد (6/6/1392).

با توجه به این سخنان، دو عنصر را در فعالیت جهادی می توان مهم یافت: 1. کار را برای خدا انجام دادن؛ 2. تلاش بسیار برای رسیدن به هدف.

ص: 70

---

1- . جنگ واقعی، جنگ اقتصادی است؛ جنگ واقعی تحریم است؛ جنگ واقعی گرفتن عرصه های کار و فعالیت و فتاوری در داخل کشور است؛ این جنگ واقعی است. ما را به جنگ نظامی متوجه می کنند تا از این جنگ غفلت کنیم (27/11/95). جبهه مقابل را باید شناخت؛ ابزار و سلاح او را باید شناخت و ضد آن سلاح را باید آماده کرد؛ این جهاد اقتصادی می خواهد (26/5/1390).



بر اساس عنصر اول، تمام کارها باید سمت و سوی توحیدی داشته باشد؛ هرچند فعالیت هایی باشند که ظاهر آن با مسائل معنوی مرتبط نیست، اما از آن جا که بر اساس مبانی اقتصادی اسلام، هدف نهایی فعالیت ها تقرب و رسیدن به خداست (مطهری، مجموعه آثار، ج 20، ص 404؛ جمعی از نویسندگان، مبانی اقتصاد اسلامی، ص 74)، همین فعالیت های اقتصادی (که آن ها هم بر قوانین و احکام الهی منطبق است) می تواند جهت خدایی به خود بگیرد. نگاه توحیدی زمانی پدید می آید که مسئولین و مردم به این نکته باور داشته باشند که «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح/10) و به حول و قوه الهی خواهند توانست در جنگ اقتصادی نیز پیروز گردند.

عنصر دوم در تشکیل فرهنگ و روحیه جهادی، تلاش حداکثری و پرهیز از ضعف و سستی است. عنصری که کشورهای غیر مسلمان نیز با داشتن آن و بدون داشتن عنصر اول (تکیه بر خدا) تا حد زیادی بر خواسته ها و نیازهای مادی شان فائق آمده و امروزه جزء برترین قدرت های اقتصادی دنیا شمرده می شوند. اهمیت این عنصر مهم در جنگ ها مخصوصاً جنگ های اقتصادی دوچندان می گردد و ضرورت توجه جدی به سخنان امیر مؤمنان (علیه السلام) را بیش از پیش تقویت می نماید.

آنچه در ذیل می آید، بخش هایی از سخنان امیر مؤمنان (علیه السلام) در مورد دو عنصر فوق (خدمت برای خدا و تلاش فراوان) است که از مجموع آن ها به ضرورت، راه کارها و پیامدهای آن پی می بریم. این دو عنصر دارای لوازمی است که از بیانات حضرت می توان به این لوازم دست یافت. برای مثال لازمه کار برای خدا، منت نگذاشتن، بزرگ ندیدن کار، فروتنی و خودپسندی است و لازمه تلاش فراوان، سستی نورزیدن و به هنگام بودن تلاش است.

## **عنصر اول: تلاش فراوان**

1. حداکثری بودن تلاش: امیر مؤمنان درباره این عنصر مهم می فرماید:

همانا خدای سبحان از ما و شما خواسته است که در شکرگزاری کوشا بوده، و با تمام قدرت او را یاری کنیم، و نیرویی جز از جانب خدا نیست (شریف رضی، نهج البلاغه،

نامه 51). زمامدار در انجام آنچه خدا بر او واجب کرده است، نمی تواند موقّف باشد، مگر آن که تلاش فراوان نماید، و از خدا یاری بطلبد، و خود را برای انجام حق آماده سازد، و در همه کارها چه آسان باشد و چه دشوار، شکیبایی ورزد (همان، نامه 53). حق جز با تلاش و کوشش به دست نمی آید. شما که از خانه خود دفاع نمی کنید، چگونه از خانه دیگران دفاع می نمایید؟ (همان، خطبه 29).

2. تلاش به هنگام: به موقع بودن، هم شامل عجله نکردن و هم شامل سستی نکردن در وقت عمل می شود: «تلاش کن تا هر کاری را در جای خود، و در زمان مخصوص به خود، انجام دهی» (همان، نامه 53). «علم خود را نادانی، و یقین خود را شک و تردید میندازید؛ پس هرگاه دانستید، عمل کنید، و چون به یقین رسیدید، اقدام کنید» (همان، حکمت 274). «علم و عمل، پیوندی نزدیک دارند و کسی که دانست، باید به آن عمل کند؛ چراکه علم، عمل را فراخواند؛ اگر پاسخش داد، می ماند وگرنه کوچ می کند» (همان، حکمت 366).

3. سستی نوزیدن: دو پیامد نامطلوب سستی را می توان از فرمایش امام علی (علیه السلام) به دست آورد:

الف) ابتلائی به «همّ»: ایشان می فرماید: «هر کس در کارکردن کوتاهی نماید، به همّ مبتلی می گردد» (همان، حکمت 127). هرچند برخی مترجمین «همّ» را به معنای اهتمام و وزیدن، قصد و تصمیم انجام کاری و همچنین به معنای حزن و اندوه دانسته اند (فراهِیدی، العین، ج 3، ص 357؛ صاحب بن عباد، المحيط فی اللغه، ج 3، ص 328؛ راغب اصفهانی، مفردات، ص 845) اما به نظر می رسد معنای حزن در این واژه، به معنای اولی آن بازگردد و در مجموع می توان اهتمام، دغدغه و مشغولیت نسبت به کار که اغلب موجب ناخوشی و ناراحتی است را در ترجمه متن مذکور لحاظ نمود؛ چنان که برخی واژه شناسان نیز در معنای «همّ» اشاره نموده اند (ازدی، کتاب الماء، ج 3، ص 1301؛ مصطفوی، التحقیق، ج 11، ص 286). بنابراین، کسانی که به اندازه کافی نمی کوشند، شاید در ذهن خود، رسیدن به آسایش و راحتی را بیورانند، اما دریغا که خداوند ایشان را به کاری دیگر مبتلا می سازد و مجبور می گردد همّشان را در جایی دیگر مصروف دارند.

ب) امیدواری دشمنان: از دیدگاه امیرمؤمنان (علیه السلام)، رفتار سست مسلمانان سبب امیدواری دشمنان می‌گردد:

«بدن های شما در کنار هم، اما افکار و خواسته های شما پراکنده است. سخنان ادعایی شما، سنگ های سخت را می شکند، ولی رفتار سست شما دشمنان را امیدوار می سازد. در خانه های تان که نشسته اید، ادعاها و شعارهای تند سر می دهید، اما در روز نبرد، می گوئید ای جنگ! از ما دور شو، و فرار می کنید» (شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه 29).

4. امید رسیدن به هدف: همواره افرادی که در تلاش جدی بوده اند، به موفقیت دست یافته اند؛ اگرچه به تمام اهدافشان نرسیده باشند؛ چنان که آن امام همام در یکی از حکمت های آموزنده خود بیان می دارد: «جوینده چیزی یا به آن یا به برخی از آن، خواهد رسید» (همان، حکمت 386).

### عنصر دوم: کار برای خدا

1. ضرورت جهت دادن به فعالیت ها: همان گونه که گفته شد، در تمام فعالیت ها حتی فعالیت های اقتصادی نیز می توان کار را برای خدا انجام داد، حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

«بر شما باد به تلاش و کوشش، آمادگی و آماده شدن، و جمع آوری زاد و توشه آخرت و در دوران زندگی دنیا. دنیا شما را مغرور نسازد؛ چنان که گذشتگان شما و امت های پیشین را در گذشته مغرور ساخت. آنان که دنیا را دوشیدند، به غفلت زدگی در دنیا گرفتار آمدند و فرصت ها را از دست دادند...» (همان، خطبه 230).

هرچند ممکن است در بدو نظر، این سخن، تنها جنبه اخلاق فردی داشته باشد، اما با دقت در آن، می تواند بر فعالیت های اقتصادی نیز منطبق گردد؛ چه این که مسئولان و فعالان اقتصادی اگر نگاه توحیدی در کارها نداشته باشند، گرفتار غفلت و فریب گشته و فرصت جمع آوری توشه برای جهان دیگر را از دست می دهند؛ هرچند که تلاش های فراوانی در زمینه های اقتصادی انجام داده باشند.

2. سعه صدر: خستگی یک مدیر جهادی (که باید آن را تحمل کند) ممکن است ناشی

از تندخویی های مردم باشد؛ مردمی که از نابسامانی ها خشمگین می گردند و فریاد خویش را بر سر مسئولان فرود می آورند. از منظر الگوی صبر و استقامت یعنی امیر مؤمنان (علیه السلام)، مسئولان باید سعه صدر داشته باشند:

«پس درشتی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن، و تنگ خویی و خودبزرگ بینی را از خود دور ساز تا خدا درهای رحمت خود را به روی تو بگشاید، و تو را پاداش اطاعت ببخشد. آنچه به مردم می بخشی، بر تو گوارا باشد، و اگر چیزی را از کسی بازمی داری، با مهربانی و پوزش خواهی همراه باشد» (همان، نامه 53).

3. پرهیز از تکبر و خودپسندی: طبیعت فعالیت های مادی و مدیریتی از یک سو و خواهش های نفسانی از سوی دیگر، انسان را به سوی خودپسندی سوق می دهد؛ لذا علی (علیه السلام) در مورد این مسئله به مسئولان چنین هشدار می دهد:

«مبادا هرگز دچار خودپسندی گردی و به خوبی های خود اطمینان کنی، و ستایش را دوست داشته باشی! زیرا که این ها همه از بهترین فرصت های شیطان برای هجوم آوردن به توست، و کردار نیک نیکوکاران را نابود سازد» (همان، نامه 53).

حضرت برای از بین بردن تکبر، به یادآوری حکومت خداوند، قیامت، سنت های خدا با گذشتگان، آثار رسول خدا (صلی الله علیه و اله) و ... توصیه می نماید:

«اگر با مقام و قدرتی که داری، دچار تکبر یا خودبزرگ بینی شدی، به بزرگی حکومت پروردگار که برتر از توست بنگر، که تو را از آن سرکشی نجات می دهد، و تندروی تو را فرو می نشاند، و عقل و اندیشه ات را به جایگاه اصلی بازمی گرداند ... باد غرورت، جوشش خشم، تجاوز دست، تندی زبانت را در اختیار خود گیر ... و تو بر نفس مسلط نخواهی شد، مگر با یاد فراوان قیامت، و بازگشت به سوی خدا. آنچه بر تو لازم است، این است که حکومت های دادگستر پیشین، سنت های باارزش گذشتگان، روش های پسندیده رفتگان و آثار پیامبر (صلی الله علیه و اله) و واجباتی که در کتاب خداست، را همواره به یادآوری و به آنچه ما عمل کرده ایم، پیروی کنی» (همان، نامه 53).

4. پرهیز از منت گذاری، بزرگ شمردن کار و خُلف وعده: «مبادا هرگز با خدمت هایی که انجام دادی، بر مردم منت گذاری، یا آنچه را انجام داده ای، بزرگ بشماری، یا مردم را وعده ای داده، سپس خُلف وعده نمایی! منت نهادن، پاداش نیکوکاری را از بین می برد، و کاری را بزرگ شمردن، نور حق را خاموش گرداند، و خلاف وعده عمل کردن، خشم خدا و مردم را بر می انگیزاند؛ زیرا که خدای بزرگ فرمود: دشمنی بزرگ نزد خدا آن است که بگویند و عمل نکنند» (همان، نامه 53).

## اقتصاد دانش بنیان

امروزه نقش علم و دانش در اقتصاد و تولید ثروت، پررنگ تر گشته و یکی از عناصر مهم در پیشرفت اقتصادی به شمار می آید. در بند 2 سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی نیز بر این امر تاکید شده است:

پیش تازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقای جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه. تعاریف مختلف و البته نزدیک به هم در مورد اقتصاد دانش بنیان ارائه شده است که به برخی از آن ها اشاره می شود.

اصطلاح اقتصاد دانش بنیان (KBE (Knowledge Based Economy نخستین بار به وسیله سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (Organization for Economic Corporation Development) مطرح و چنین تعریف شد:

اقتصاد دانش بنیان اقتصادی است که بر اساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته و سرمایه گذاری در دانش و صنایع دانش پایه مورد توجه قرار می گیرند (معمارنژاد، اقتصاد دانش بنیان، مجله اقتصاد و تجارت، ش 1، ص 85-86). اقتصادی است که در آن خلق دانش و بهره برداری از آن در جهت ایجاد ثروت (و به تبع آن رشد و توسعه اقتصادی) نقش غالب را ایفا می کند (بهبودی، بررسی اثر اقتصاد دانش بنیان بر رشد تولیدات در ایران، مجله سیاست گذاری پیشرفت اقتصادی، ش 8، ص 67).

در قرن 19 و 20 میلادی عوامل محسوسی مانند سرمایه فیزیکی، نیروی کار و منابع طبیعی به عنوان عوامل تولید و عناصر رشد اقتصادی مدنظر بوده، اما در قرن 21 افزون بر این ها، عوامل غیر محسوسی مانند دانش، اطلاعات و ویژگی های فرهنگ را به عنوان منابع جدید رشد اقتصادی در نظر می گیرند. همچنین در گذشته، فناوری و دانش به عنوان عوامل برون زا نسبت به تولید و رشد اقتصادی در نظر گرفته می شد، اما امروزه باور بر این است که عوامل درون زا بوده و بر کارایی تمام عوامل و منابع رشد اقتصادی اثر می گذارند (همان).

بر این اساس، امروزه نقش دانش در رسیدن به رشد اقتصادی، قابل انکار نیست و اگر کشور در دانش از دشمن سبقت نگیرد و نیازمند دانش دشمن باشد، نمی تواند در عرصه اقتصاد، قدرتمند و مستقل باشد. از این رو پدید آوردن اقتصاد دانش بنیان یکی از سیاست های ضروری برای دستیابی به استقلال اقتصادی است. مقام معظم رهبری در سخنان خود بر اهتمام به اقتصاد دانش بنیان تأکید ورزیده اند:

شرکت های دانش بنیان و فعالیت های اقتصادی دانش بنیان خیلی جاده باز و امیدبخشی است (2/6/1391) ما باید مسئله اقتصاد دانش بنیان را جدی بگیریم. این شرکت های دانش بنیان را واقعاً جدی بگیریم. شاید بتوان گفت میلیون ها جوان الان در کشور هستند که این ها آماده کارند که اگر یک کمکی به این ها بشود، می توانند واقعاً در این قسمت ها پیش بروند و بخش های مختلف را [فعال] کنند (3/6/1395).

امیرمؤمنان (علیه السلام) بر تأثیر دانش و دانشمندان در اقتصاد و آبادانی شهرها چنین اشاره می فرماید: «با دانشمندان، فراوان گفت وگو کن، و با حکیمان فراوان بحث کن، که مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت» (شریف رضی، نهج البلاغه، نامه 53).

ایشان در خطبه 105 به مواردی اشاره می فرماید که می توان به نکات مهمی درباره دانش، دانشمندان و وظیفه مسئولین درباره ایشان دست یافت:

1. کسانی که مسئولیت دارند و نیازمندند (مثل دولت ها و مسئولین) باید به سراغ عالمان بروند، نه این که عالمان تقاضا کنند تا طرح های شان پذیرفته شود.

2. استفاده نکردن از عالمان و حرکت بدون نقشه علمی، موجب از بین رفتن انسان ها در آزمایش ها و سرگردانی عقول می گردد.

3. کسانی که علم را از اهلش نگیرند (و سراغ غیر متخصص بروند) به خود مشغول شده و سردرگم می شوند.

4. نیاموختن علم از اهل آن، موجب خشکیدن درخت علم و دانش می شود و شخص دانشمند بدون این که از او به درستی استفاده شده باشد، از این دنیا رخت بر می بندد.

آن امام همام در جای دیگر، به فرمانروا بودن دانش و فرمانبر بودن ثروت تصریح می کند: «دانش بهتر از مال است؛ زیرا علم، نگهبان توست، و مال را تو باید نگهبان باشی ... دانش فرمان روا، و مال فرمان بر است» (همان، حکمت 147).

یکی از ویژگی های بارز اقتصاد دانش بنیان، به کارگیری دانش در عالم واقع و استفاده بهینه از آن است که در برخی سخنان آن حضرت نیز به آن اشاره شده است:

«بی ارزش ترین دانش، دانشی است که بر سر زبان است، و برترین علم، علمی است که در اعضا و جوارح آشکار است (همان، حکمت 92). بدان علمی که سودمند نباشد، فایده ای نخواهد داشت، و دانشی که سزاوار یادگیری نیست، سودی ندارد (همان، نامه 31).

## الگوی مصرف

در بند 8 سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی آمده است:

مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقای کیفیت و رقابت پذیری در تولید.

بند 16 نیز چنین بیان می کند:

صرفه جویی در هزینه های عمومی کشور، با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی سازی اندازه دولت و حذف دستگاه های موازی و غیرضروری و هزینه های زاید.

با توجه به بندهای فوق و با مراجعه به سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف، چند نکته در زمینه مصرف حائز اهمیت است: مؤلفه های الگوی مصرف؛ مراعات صرفه جویی و مبارزه با اسراف؛ رعایت قناعت و مقابله با تجمل گرایی؛ مقابله با مصرف گرایی؛ مصرف کالاهای داخلی.

## مؤلفه های الگوی مصرف

الگوی مصرف هر جامعه ای از سه مؤلفه تشکیل شده است:

الف) سطح مصرف کالاها و خدمات؛

ب) ترکیب کالاها و خدمات مصرفی؛

ج) چگونگی کالاها و خدمات مصرفی.

منظور از سطح مصرف در سطح خرد و کلان، بخشی از درآمد خانوار یا جامعه است که به آن «مخارج مصرفی» می گویند و صرف خرید کالاها و خدمات مصرفی می شود. سطح مصرف در جامعه، افزون بر این که متأثر از فرهنگ جامعه است، تابعی از سطح درآمد می باشد (درآمد جاری یا درآمد دائمی یا هر تعریف دیگری که از درآمد داشته باشیم). البته به طور قطع، حداقلی از مصرف می تواند مستقل فرض شود؛ چرا که نیازهای اساسی و طبیعی انسان صرف نظر از سطح درآمد، می تواند علت پذیرش حداقلی از مصرف شود. در این وضعیت، مصرف کننده هرچند با فروش ثروت، مصرف کردن، پس انداز یا قرض گرفتن، حداقلی از مصرف را برای رفع نیازهای طبیعی و حیاتی خود می پذیرد.

ترکیب کالاهای مصرفی به صورت مؤلفه دوم الگوی مصرف مطرح است و منظور این است که وزن هر یک از کالاها و خدمات در سبد مصرفی خانوار و حتی بنگاه ها و دولت ها چه اندازه است؟ به طور قطع برخی از کالاها سهم بیشتری دارند و برخی سهمی کمتر. در حقیقت بین انواع کالاها و خدمات بر سر بودن بخشی از درآمد قابل تصرف، رقابت است. این که سهم هر یک چه مقدار است، به دو عامل اساسی بستگی دارد: الف) قیمت های نسبی؛ ب) ارزش ها و هنجارهای فرهنگی.



در تأثیر قیمت های نسبی هیچ شکی نیست؛ زیرا قیمت هر کالا، هزینه ای است که مصرف کننده می پردازد و این هزینه، مطلوبیتی است که مصرف کننده از دست می دهد و در برابر، با به دست آوردن و مصرف کالا مطلوبیتی به دست می آورد. مصرف کننده با مقایسه مطلوبیت به دست آمده و آن چه از دست می دهد، در مقایسه با آن کالاهای دیگر، ترکیبی از کالاها و خدمات را انتخاب می کند که مطلوبیتی را حداکثر می کند و این چیزی است که در نظریه مصرف، بر مبنای مطلوبیت مطرح می شود.

در این نظریه و در نظریه های دیگر که در صدد تبیین رفتار مصرف کننده در سطح خرد هستند، قیمت های نسبی کالاها نقش تعیین کننده ای دارد. افزون بر قیمت های نسبی، نوع فرهنگ و ارزش های اساسی و هنجارهای پذیرفته شده جامعه نیز در تعیین سطح مصرف هر یک از محصولات نقشی تعیین کننده دارد. در برخی از جوامع، نوع خاصی از مصرف سفارش شده و در برخی ممکن است همان مصرف ممنوع یا مکروه باشد. مصارف واجب، مصارف مستحب، مصارف مکروه، مصارف ممنوع و مصارف مباح به طور مشخص بر ترکیب کالاهای مصرفی جامعه اسلامی با جامعه غیراسلامی تأثیر دارد. همان طور که میزان مصرف گوشت گاو در هندوستان در میان کسانی که آن را مقدس می دانند، ممنوع و نزدیک صفر است، در جامعه اسلامی نیز میزان مصرف مشروبات الکلی و گوشت حیوانات نجس العین، ممنوع و نزدیک صفر است. در حقیقت تفاوت در ترکیب کالاهای مصرفی در جوامع گوناگون می تواند تفاوت های فرهنگی آن ها را به نمایش بگذارد.

در سطح کلان نیز فرهنگ، نقش تعیین کننده ای بر میزان مصرف جامعه دارد که می توان آن را در ابعاد زیر مطرح نمود:

الف) متأثر شدن مصرف خانوارها از فرهنگ، اثر خود را بر مصرف در سطح کلان خواهد گذاشت؛ زیرا مصرف خصوصی در سطح کلان، از مصرف در سطح خرد تشکیل می شود. این بخش از تأثیر

فرهنگ، به طور عمده مربوط به بعد اخلاقی فرهنگ است که به طور مستقیم ممکن است به وسیله دولت ها کنترل نشود؛ اما در جامعه به لحاظ اخلاقی و به پیروی از ارزش های اساسی خود، آن را رعایت کند.

ب) لزوم هدایت، کنترل، مدیریت و اعمال هنجارهای پذیرفته شده جامعه برای رعایت مصرف متناسب با آن، که به طور معمول به صورت وظایف دولت ها تعریف می شود و سرچشمه فرهنگی دارد. اجرای این مقررات چون سرچشمه فرهنگی دارد و از ارزش های اساسی جامعه گرفته شده، اثرپذیری الگوی مصرف را در سطح کلان روشن می سازد.

مؤلفه سوم الگوی مصرف، که آن را «چگونگی مصرف» نام گذاری کردیم، ارتباط بسیار نزدیکی با مفهوم «سبک زندگی» دارد که امروزه در علوم اجتماعی مطرح شده است. چگونگی مصرف کالا، خدمات و محصولات تولیدی به طور کامل متأثر از سبک و شیوه زندگی است که امروزه به لحاظ تغییر ذائقه ها، فرهنگ ها و هنجارهای جامعه به ویژه با گسترش ارتباطات و جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ، مصداق های بارزی یافته است. این بخش از مصرف، به طور کامل جنبه فرهنگی دارد و می توان آن را پدیده ای فرهنگی دانست.

افزون بر ارتباط خاص هر یک از مؤلفه های پیش گفته با فرهنگ جامعه، می توان در سطح کلان نیز استدلال کرد که الگوی مصرف جامعه به طور کامل ریشه فرهنگی دارد و برای هر گونه سیاست گذاری و تغییر آن نیازمند تغییر فرهنگ هستیم. بر این اساس می توان گفت: الگوی مصرف هر جامعه ای بخشی از فعالیت های اقتصادی آن جامعه شمرده می شود. فعالیت های اقتصادی و ارزش های فرهنگی در جایگاه دو زیر بخش از بخش های جامعه مطرح هستند. در حقیقت فرهنگ و اقتصاد دارای خاستگاهی یگانه، یعنی جامعه هستند. جامعه نوعی نظام اجتماعی شمرده می شود و نظام نیز متشکل از عناصر مرتبط با مناسبت های اجتماعی متقابل معطوف به هدف واحد است. مناسبت های اجتماعی، اموری تکوینی و قطعی نیستند و در حقیقت، عدم قطعیت، رابطه ای حاکم میان عناصر آن هاست؛ زیرا مناسبت های اجتماعی افراد جامعه، متأثر از اختیار و اراده آن ها است. همین اختیار و عدم حاکمیت جبر بر مناسبت های اجتماعی باعث می شود تا این مناسبت ها از قطعیت و جزمیت مناسبت های طبیعی و فیزیکی برخوردار نباشند. در حقیقت، علت به وجود اراده انسان بازمی گردد و اراده انسان، یکی از عوامل رفتار انسان هاست. به همین

علت، رفتار انسان همیشه قابل پیش بینی نیست و انسان می تواند در واکنش به پدیده ای مشخص، واکنش های متفاوت داشته باشد.

امکان واکنش های متفاوت به معنای وجود کثرت و گزینه های متفاوت است که در پیش روی انسان قرار دارد. وقتی با گزینه های متفاوت روبه رو هستیم، پدیده ای به نام «انتخاب» معنا پیدا می کند. بنابراین مناسبت های انسانی ماهیتی انتخابی دارند. وقتی مسئله انتخاب پیش می آید، ناچار نیازمند ملاک و معیار هستیم و این امر به وسیله نظام ترجیحی افراد صورت می گیرد. هرچه به عنوان معیار و ملاک به کار رود، حامل ارزش است و هرچه حامل ارزش باشد، مقوله ای فرهنگی است. در حقیقت ارزش ها (به ویژه ارزش های اساسی جامعه) خمیرمایه فرهنگ را تشکیل می دهند؛ بنابراین تمام رفتارهای پایدار اجتماعی ماهیتی فرهنگی دارند.

الگوی مصرف جامعه چنان که گفته شد، از جمله رفتارهای اقتصادی پایدار جامعه است و تمام ویژگی های رفتار اجتماعی پایدار را دارد. بنابراین، ریشه آن ها به طور کامل فرهنگی است. در حقیقت، الگوی مصرف جامعه نتیجه فرهنگ مصرفی آن است.

نتیجه این که: الگوی مصرف جامعه ارتباط نزدیک با ارزش های اساسی و هنجارهای پذیرفته شده آن دارد. این هنجارهای پذیرفته شده، از جامعه ای به جامعه دیگر تفاوت دارد. در جامعه ما که جامعه دینی است، قاعدتاً باید پذیریم که کوشش باید به سمت رعایت هنجارهای دینی در حوزه مصرف باشد که گاهی به وسیله جامعه پذیرفته شده و به فرهنگ تبدیل شده اند و گاهی، باور یا التزام آن ها کم بوده، باید به نهادینه سازی آن ها پرداخت. در این جا فرصت نیست که اصول مقید دینی را برای رعایت الگوی مصرف اسلامی به طور کامل توضیح دهیم، اما به اساسی ترین آن ها در فراز بعدی اشاره خواهد شد.

### مراعات صرفه جویی و مبارزه با اسراف

علی رغم تأکیدات فراوان در منابع اسلامی (1) درباره صرفه جویی و مقابله با اسراف،

ص: 81

---

1- . اعراف/31؛ فرقان/67؛ نساء/6؛ شعراء/152؛ مائده/32؛ طه/121؛ اعراف/81؛ غافر/28؛ یونس/83؛ اسراء/33.

بسیاری از مردم ایران در مصرف انرژی و مواد غذایی، چه در بخش خانگی و چه غیر آن، صرفه جویی و میانه روی را رعایت نمی کنند. رئیس مرکز تحقیقات و ارتباط صنعت شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور تصریح می کند: مصرف سرانه آب در بخش خانگی در ایران به طور متوسط 157 لیتر در روز به ازای هر نفر است ... در حالی که در دنیا 135 تا 140 لیتر است. در برخی از کلان شهرها این میزان در فصل گرم سال به حدود 250 لیتر می رسد (خبرگزاری تسنیم، 1/10/1393).

با توجه به آمار، ایرانیان حدود دو برابر متوسط جهانی آب مصرف می کنند. مقام معظم رهبری در مورد اسراف می فرمایند:

این قضیه اسراف و زیاده روی، قضیه مهمی در کشور است. خب، حالا چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ فرهنگ سازی هم لازم است، اقدام عملی هم لازم است... این قدر در اسلام اسراف منع شده، و ما متأسفانه در زندگی مان اهل اسرافیم! بخش عملیاتی اش هم به نظر من از خود دولت باید آغاز شود (2/6/1391).

در جهت تحقق استقلال اقتصادی، باید دو تغییر عمده در الگوی مصرف رخ دهد:

1. اسراف و تبذیر که در اسلام به شدت نهی شده، از الگوی مصرف حذف شود؛

2. فرهنگ مصرف از کالای خارجی، به کالای داخلی تغییر کند.

این دو تغییر باعث می شود مصرف کل کاهش یافته و نیاز به خارج به حداقل برسد. به این ترتیب مدیریت تغییر الگوی مصرف جامعه در جهت حذف اسراف و تبذیر و افزایش مصرف کالاهای داخلی از سیاست های ضروری در جهت استقلال اقتصادی است.

اصل اندازه داری و مصرف درست، از مهم ترین تعالیم علوی در مسیر تحقق عدالت و امنیت شمرده می شود. حضرت در این باره فرموده است: «لَنْ يَهْلِكَ مَنْ اقْتَصِدَ» (آمدی، غررالحکم، ج 5، ص 70)؛ آن که به حد میانه بسنده کند، هرگز هلاک نگردد. امام علی (علیه السلام) نشانه های اسراف کننده را سه چیز بیان می کند: به مقداری که حق ندارد بخورد، می خورد؛ به مقداری که حق ندارد بپوشد، می پوشد؛ به مقداری که حق ندارد بخرد، می خرد. (شریف

رضی، نهج البلاغه، نامه 31). بر اساس تعالیم والای علوی، انسان حتی در مصرف شخصی اموال خویش باید به جامعه و نیازهای آن توجه داشته باشد و بداند که مصرف افزون از حد، در حقیقت اسراف در حق اجتماع است، نه فقط اسراف در اموال شخصی (سلطانی رنانی، موانع اقتصادی عدالت و امنیت از منظر امام علی (ع)، ص 37).

صرفه جویی مخصوصاً در امور بیت المال چنان نزد امام اهمیت دارد که حتی نسبت به موارد جزئی همچون مصرف قلم و کاغذ نیز حساسیت نشان می دهند: «نوک قلم ها را باریک بتراشید و فاصله سطرها را کم کنید و از زیاده روی در هزینه نمودن بیت المال پرهیزید؛ زیرا اموال مسلمانان نباید متحمل ضرر شود» (صدوق، خصال، ج 1، ص 310).

نیز می فرماید: «بخشنده باش، اما زیاده روی نکن. در زندگی حساب گر باش، اما سخت گیر مباش» (شریف رضی، نهج البلاغه، حکمت 33). «ای زیاد! از اسراف پرهیز، و میانه روی را برگزین؛ از امروز به فکر فردا باش» (همان، نامه 21).

از دیدگاه آن حضرت، ثروتمند بودن مجوز اسراف نیست؛ لذا در اوصاف متقین می فرماید: «در عین توانگری میانه رو هستید» (همان، خطبه 193). از سوی دیگر، امیر مؤمنان (علیه السلام) ثروت ثروتمندان را مسئولیتی برای ایشان می داند که باید با مهمانی دادن به دیگر افراد، انفاق به محرومین، آزاد نمودن اسیران و کمک به بدهکاران، از عهده آن برآیند (همان، خطبه 209 و 142؛ نامه 50).

در نهایت، پیامد صرفه جویی، بی نیازی خواهد بود: «آن که میانه روی کند، تهی دست نخواهد شد» (همان، حکمت 140).

### **فناعت و مقابله با تجمل گرایی**

مقام معظم رهبری در سخنان خود بارها نسبت به تجمل گرایی و اشرافی گری مسئولان تذکر داده اند:

جلوی اشرافی گری باید گرفته بشود؛ اشرافی گری بالای کشور است. وقتی اشرافی گری

در قلّه های جامعه به وجود آمد، سرریز خواهد شد به بدنه؛ [آن وقت] شما می بینید فلان خانواده ای که وضع معیشتی خوبی هم ندارد، وقتی می خواهد پسرش را داماد کند یا دخترش را عروس کند یا فرض کنید مهمانی بگیرد، مجبور است به سبک اشرافی حرکت بکند. وقتی اشرافی گری فرهنگ شد، می شود این. جلوی اشرافی گری باید گرفته بشود. رفتار مسئولین، گفتار مسئولین، تعالیمی که می دهند، باید ضدّ این جهت اشرافی گری باشد؛ کما این که اسلام این جوری است (11/5/1395).

اجتناب از اشرافی گری، یعنی ضد ارزش کردن. در انقلاب ما این نکته وجود داشت؛ اشرافی گری و گرایش به اشرافی گری، یک ضد ارزش بود در انقلاب ... این تدریجاً ضعیف شد. امروز خوشبختانه همان موج ضد ارزش کردن اشرافی گری، بحمدالله وجود دارد ... این یکی از شاخص هاست (24/9/1387).

یک وقت هست که ما در زندگی شخصی خود مثلاً حرکت اشراف گونه یی داریم بین خودمان و خدا؛ که اگر حرام باشد، حرام است؛ اگر مکروه باشد، مکروه است؛ اگر مباح باشد، مباح است؛ اما یک وقت هست که ما جلوی چشم مردم یک مانور اشرافی گری می دهیم؛ این دیگر مباح و مکروه ندارد؛ همه اش حرام است؛ به خاطر این که تعلیم دهنده اشرافی گری است به: اولاً زبردست های خودمان؛ ثانیاً آحاد مردم به این کار تشویق می شوند. ما نباید مردم را به این کار تشویق کنیم... ریخت و پاش ما اولاً از جیبمان نیست، از بیت المال است؛ ثانیاً ریخت و پاش ما مشوّق ریخت و پاش دیگران است. (8/6/1384).

در حکومت علوی (علیه السلام) تجمل گرایی مسئولان و ارتباط با ثروتمندان، مخصوصاً کسانی که نمی توان به پاکی اموالشان اطمینان نمود، ممنوع است؛ چه این که زمینه فساد در مسئولان و مردم را فراهم می نماید:

«ای پسر حنیف! به من گزارش دادند که مردی از سرمایه داران بصره، تو را به مهمانی خویش فراخوانده و توبه سرعت به سوی آن شتافتی. خوردنی های رنگارنگ برای تو آوردند

و کاسه های پر از غذا پی در پی جلوی تو نهادند. گمان نمی کردم مهمانی مردمی را پذیری که نیازمندانشان با ستم محروم شده، و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده اند. اندیشه کن در کجایی و بر سر کدام سفره می خوری» (همان، نامه 45).

به نظر می رسد موارد زیر را بتوان از علل ممنوعیت ارتباط مسئولان با اشراف زادگان و ثروتمندان برشمرد:

1. این امر موجب می گردد که ثروتمندان در جهت اهداف ظالمانه خود از مسئولان توقع همکاری، بلکه اطاعت داشته باشند.
  2. موجب بدبینی و بی اعتمادی مردم به مسئولان می گردد.
  3. باعث می شود مسئولان به تدریج زندگی اشرافی را یک اصل بدانند؛ به طوری که نسبت به مشکلات مردم دغدغه نداشته باشند.
  4. موجب می گردد مردم بر اساس بدبینی خود به مسئولان، دست به فساد اقتصادی زده و در تخلفاتشان رفتار مسئولان را بهانه قرار دهند.
- یکی از صفاتی که می توان در برابر تجمل گرایی قرار داد، قناعت است که از نظر علی (علیه السلام) یک ارزش به شمار می آید (حکمت 249؛ خطبه 145) دارای فواید بسیاری همچون بی نیازی (حکمت 367 و 371)، آسایش (حکمت 371) و زمینه انفاق و جمع نمودن توشه برای سرای آخرت (نامه 21؛ خطبه 209) می باشد.

## **مبارزه با فساد اقتصادی**

فساد اقتصادی از جنبه های مختلف برای یک کشور مضر است. فساد مالی، فعالیت های سرمایه گذاری و اقتصادی را از شکل مولد آن به سوی رانت ها و فعالیت های زیرزمینی سوق می دهد. نیز باعث پرورش سازمان های وحشتناکی مانند مافیا می شود (میرمعزی، اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن، ص 67).

از دیدگاه رهبر انقلاب موارد زیر، از پیامدهای فساد اقتصادی به شمار می آید:

اولین ضرر [فساد] این است که بیت المال خالی می شود و پول مردم به جیب یک شخصِ طمّاع و حریص و خودخواه و زیاده طلب می رود. ضرر دوم این است: کسانی که می خواهند با پول خود در کشور

فعالیت اقتصادی کنند - کارخانه تأسیس کنند، مزرعه راه بیندازند و تولید کنند - وقتی دیدند از راه های نامشروع می شود این همه ثروت به دست آورد، آنها هم تشویق می شوند که بروند کار نامشروع کنند. ضرر سوم این است که آدم فاسد وقتی بخواهد از بیت المال مسلمانان استفاده کند، به طور مستقیم که او را راه نمی دهند، مجبور است به مدیران و مسئولان و هر کسی که سر راه او قرار دارد، رشوه بدهد. هر کسی هم نمی تواند در مقابل رشوه مقاومت کند... بنابراین... عدّه ای را فاسد می کند؛ مدیران را فاسد می کند؛ مأموران را فاسد می کند؛ مأمور بانک را فاسد می کند؛ مأمور فلان وزارتخانه را فاسد می کند. ضرر چهارم این است که وقتی پول و لقمه حرام در بین مردم و نخبگان و زبندگان رایج شد، گناه رایج می شود: (أَمْرًا مُتْرَفِيهَا فَفَسَدُوا فِيهَا) (اسراء/16). وارد شدن در میدان فساد مالی، مقدمه ورود به میدان فساد اخلاقی و فساد جنسی و فساد شهوانی و انواع و اقسام فسادهاست. ضرر پنجم این که وقتی مدیران و مردمی فاسد شدند، به پایگاه دشمن خارجی تبدیل می شوند. دشمن خارجی از آدم های فاسد، برای اهداف سیاسی خود در کشور، خوب استفاده می کند (19/10/1380).

یأس و عصبانیت مردم را نیز می توان به موارد فوق اضافه نمود (ضرر ششم): وقتی رانت خواری رواج داشته باشد، ... کسی که تولید کننده و زحمت کش واقعی است، ناامید می شود. کشاورزی که زحمت می کشد، صنعت کاری که تولید می کند، سرمایه داری که سرمایه گذاری می کند، معدن کاری که عرق می ریزد، معلمی که در مدرسه درس می گوید، استادی که در دانشگاه تدریس می کند، قاضی که وقت و اعصاب خود را به کار صحیح صرف می کند، وقتی ببینند راه برای مناسبات غلط اقتصادی در جامعه باز است و با آن برخورد نمی شود، مأیوس می شوند. (15/4/1383)



مردم حرفشان آن جاست که ما در زمینه برخورد با متخلف کوتاهی کنیم؛ در دنبال گیری از عدالت کوتاهی کنیم؛ مردم اینها را نمی پسندند، مردم از این چیزها عصبانی می شوند (20/7/1390).

امام علی (علیه السلام) عوامل پدید آمدن فساد در جامعه را شناسایی و با راه کارهایی به دنبال اصلاح آن ها و از بین بردن فساد در جامعه بودند. اولین و مهم ترین عامل فساد از دیدگاه امام علی (علیه السلام) حاکمان و صاحب منصبان حکومتی نالایق، ستمگر و فاسد هستند. آن حضرت می فرماید:

«اندوهناکم که بی خردان و تبه کاران این امت، امور آنان را به دست گیرند و مال خدا را (بین خود) دست به دست بگردانند و بندگان او را (محروم و) برده خود کنند» (شریف رضی، نهج البلاغه، نامه 62).

«... همانا شما دانستید که سزاوار نیست بخیل بر جان و مال و ناموس و احکام مسلمانان ولایت و رهبری داشته و امامت مسلمین را عهده دار شود تا در اموال آنان حریص گردد. نادان نیز لیاقت رهبری ندارد تا با نادانی خود، مردم را به گمراهی کشاند و ستمکار نیز نمی تواند رهبر مردم باشد که با ستم حق مردم را غصب و عطاهای آنان را قطع کند. نه، کسی که در تقسیم بیت المال عدالت ندارد؛ زیرا در اموال و ثروت آنان حیف و میل می کند و گروهی را بر گروه دیگری مقدم می دارد، و رشوه خوار در قضاوت نمی تواند امام باشد؛ زیرا که برای داوری با رشوه گرفتن، حقوق مردم را پایمال می گرداند و حق را به صاحبان آن نمی رساند و آن کس که سنت پیامبر را ضایع می کند، لیاقت رهبری ندارد؛ زیرا که امت اسلامی را به هلاکت می کشاند» (همان، خطبه 131).

بنابراین امام علی (علیه السلام) وجود مفاسدی چون: بخل و حسد، حرص و طمع، غصب اموال مردم، بی عدالتی در تقسیم بیت المال، حیف و میل اموال و ثروت جامعه، تبعیض طبقاتی، رشوه خواری و پایمال کردن حقوق مردم را ناشی از حاکمان و صاحب منصبان نالایق، جاهل و ستمکار می داند.

## پیش‌گیری از فساد

پیش‌گیری از فساد، همواره یکی از تأکیدات مقام معظم رهبری بوده است:

در مبارزه با فساد، در درجه اول، مسئله پیش‌گیری است؛ اما اگر در پیش‌گیری کوتاهی شد، به یک نحوی یک فساد واقع شد، درمان، دنبال‌گیری است؛ این نباید مورد غفلت قرار بگیرد. (1390/7/20)

خود مسئولان دولتی، خود وزرا و خود مدیران ارشد مسئولند. نگذارند در مجموعه‌های آن‌ها فساد به وجود آید. اگر آن‌ها بخواهند مبارزه کنند و اگر این مبارزه را جدی بگیرند، بهتر از هر کس خواهند توانست مبارزه کنند. البته باید حواسشان جمع باشد که دامن‌های خود را پاکیزه نگه دارند (30/7/1381).

رسیدن به این هدف، نیازمند به کارگیری اقدامات زیر است:

## انتصاب مسئولان متعهد

دقت در انتصاب مسئولان باتقوا، مهذب و متعهد، از بسیاری مفاسد اقتصادی و غیراقتصادی جلوگیری می‌کند؛ لذا امیرمؤمنان (علیه السلام) نسبت به این مورد حساسیت نشان داده و می‌فرماید:

«کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و باحیا، از خاندان‌های پاکیزه و باتقوا، که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن؛ زیرا اخلاق آنان گرامی تر، و آبروی شان محفوظ تر، و طمع و روزی شان کمتر، و آینده‌نگری آنان بیشتر است. سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند، و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند، و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند» (همان، نامه 53).

بنابراین، تأکید حضرت بر تعهد، تقوا و پاکدامنی مسئولان، بیش از تخصص و تجربه است و جالب این‌که همین مسئولان متعهد و باتقوا می‌بایست از لحاظ دستمزد کاملاً تأمین گردند تا در اموال مردم خیانت نورزند.

## برخورد قاطع با زمینه سازان فساد

طبیعی است اگر مسئولان حکومتی با پیشنهادهای رشوه و رانت برخورد جدی نکنند، احتمال وقوع در فساد و آسوده خاطری پیشنهاددهنده بیشتر خواهد بود. از این رو سیره حضرت نشان می دهد که از همان ابتدا جلوی چنین پیشنهادهای را می گرفتند:

«زنان بچه مرده بر تو بگریند؛ آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفریبی؟ یا عقلت آشفته شده یا جن زده شدی؟ یا هذیان می گویی؟ به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان هاست به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه ای ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد! و همانا این دنیای آلوده شما نزد من از برگ جویده شده ملخ پست تر است!» (همان، خطبه 223).

## نظارت دقیق و جامع

### اشاره

عامل سوم در پیش گیری از فساد، وجود نظارتی دقیق و همه جانبه بر کارگزاران و جامعه است. این نظارت باید در سطوح مختلف زیر صورت پذیرد:

### الف) نظارت ویژه در امور محرومین

امام علی (علیه السلام) درباره لزوم نظارت بر امور محرومان می فرماید:

«همواره در فکر مشکلات آنان باش، و از آنان روی بر مگردانغ به ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی آیند و دیگران آنان را کوچک می شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند. برای این گروه، از افراد مورد اطمینان خود که خداترس و فروتنند، فردی را انتخاب کن، تا پیرامونشان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش کنند. سپس در رفع مشکلاتشان به گونه ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی؛ زیرا این گروه در میان رعیت بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند» (همان، نامه 53)

### ب) ارتباط مستقیم با مردم

امیرالمؤمنین (علیه السلام) ارتباط بدون واسطه با مردم را امری ضروری می شمارد که قطعاً عاملی مهم در آگاهی از اوضاع و نظارت بر امور است:

ص: 89

«بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی، و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده، فروتن باش، و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفت و گو کند» (همان، نامه 53).

### ج) پنهان نشدن از مردم

پنهان بودن و دوری گزیدن مسئولان از مردم، باعث می گردد که ایشان از مشکلات مردم غافل شوند؛ آمارهای غیر واقعی زیردستان خود را باور کنند و میزانی برای تشخیص حق از باطل در دست نداشته باشند. امام علی (علیه السلام) در این باره می فرماید:

«هیچ گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار، که پنهان بودن رهبران، نمونه ای از تنگ خویی و کم اطلاعی در امور جامعه است. پنهان شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است، باز می دارد؛ پس کار بزرگ، اندک، و کار اندک بزرگ جلوه می کند؛ زیبا زشت، و زشت زیبا می نماید و باطل به لباس حق درآید. همانا زمامدار، آنچه را که مردم از او پوشیده دارند، نمی داند، و حق را نیز نشانه ای نباشد تا با آن راست از دروغ شناخته شود» (همان، نامه 53).

### د) گماردن جاسوس

نیروهای پنهان و نظارت غیر محسوس، لازمه یک نظارت دقیق است؛ از این رو علی (علیه السلام) درباره این مسئله و ویژگی های جاسوسان چنین توصیه می نماید: «سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو، و وفای پیشه بر آنان بگمار تا مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانتداری، و مهربانی با رعیت خواهد بود و از همکاران نزدیک سخت مراقبت کن» (همان، نامه 53).

### مقابله جدی با فساد

مقام معظم رهبری بارها در مورد لزوم مبارزه با مفاسد اقتصادی سخن گفته اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می شود:

واقعاً نمی شود ما کار اقتصادی درست و قوی بکنیم، اما با مفاسد اقتصادی مبارزه نکنیم؛ این واقعاً نشدنی است (2/6/1391). فساد مثل اژدهای هفت سر افسانه هاست. یک سرش را که می زنی، با شش سر دیگر حرکت می کند. از بین بردنش آسان نیست. آن کسانی که منتفع از فساد هستند، برخورد با این ها کار بسیار سختی است؛ ولی حتماً باید انجام بگیرد (19/11/1396). در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود. هیچ کس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثنا شود (10/2/1380). اگر خدای نکرده مدیران در مقابله با فساد در دستگاه های خود کوتاه بیایند، ناگزیر باید قوه قضائیه وارد میدان شود. دستگاه قضایی هم باید بی اغماض و بدون ملاحظه... با آن مقابله کند (30/7/1381).

چه در سیره امیرمؤمنان (علیه السلام) و چه در توصیه ها و دستورات ایشان، به روشنی مبارزه قاطع و شدید با مسئولان متخلف و خائن مشهود است. برای نمونه، در نامه ای پس از توصیه به گماردن ناظران پنهان در بین مردم می فرماید:

«اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده، او را با تازیانه کیفر کن، و آنچه از اموال که در اختیار دارد را از او بازپس گیر؛ سپس او را خوار دار، و خیانتکار بشمار، و طوق بدنامی به گردنش بیفکن» (همان، نامه 53).

چند نکته مهم می توان از این سخن حضرت امیر (علیه السلام) دریافت:

اکتفا نمودن به گزارش جاسوس و عدم حسن ظن به کارگزار؛ پس گرفتن اموال بیت المال؛ تازیانه زدن فرد خائن؛ بدنام کردن خائن در بین مردم.

بنابراین، مسئولانی که به مفاسد اقتصادی آلوده می گردند، در حکومت علوی نه جان، نه مال و نه آبروی شان در امان نیست. لحن نامه ها و دستورات امام (علیه السلام) به مسئولان متخلف، جای هیچ اغماضی در مبارزه با باقی نمی گذارد:

«اگر آنچه به من گزارش رسیده، درست باشد، شتر خانه ات و بند کفش تو، از تو باارزش تر است و کسی که همانند تو باشد، نه لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را دارد، و

نه می تواند کاری را به انجام رساند، یا ارزش او بالا رود، یا شریک در امانت باشد یا از خیانتی دور ماند» (همان، نامه 71).

«به خدایی که دانه را شکافت و پدیده ها را آفرید، اگر این گزارش درست باشد، در نزد من خوار شده و منزلت تو سبک گردیده است! پس حق پروردگارت را سبک مشمار» (همان، نامه 43).

«به من خبر رسیده که کشت زمین ها را برداشته و آنچه را که می توانستی، گرفته ای و آنچه در اختیار داشتی، به خیانت خورده ای؛ پس هرچه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت تر است» (همان، نامه 40).

در جای دیگر، حضرت تعلیم می دهد که در مبارزه با فساد حتی مراعات خویشان را نباید نمود:

«پس از خدا بترس، و اموال آنان را بازگردان، و اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم، تو را کیفر خواهم کرد، که نزد خدا عذرخواه من باشد، و با شمشیری تو را می زنم که به هر کس

زدم، وارد دوزخ گردید. سوگند به خدا! اگر حسن و حسین چنان می کردند که تو انجام دادی، از من روی خوش نمی دیدند و به آرزو نمی رسیدند، تا آن که حق را از آنان بازپس ستانم و باطلی را که به دستم پدید آمده، نابود سازم» (همان، نامه 41).

بنابراین، مقابله با فساد و مفسدین اقتصادی، یکی از اصول مهم سیره امام علی (علیه السلام) می باشد. آن حضرت با مفسدان اقتصادی برخوردی قاطع داشت و به کارگیری مدیران شایسته از نظر اقتصادی، خانوادگی و شخصیتی، نظارت مستمر و دقیق بر اعمال کارگزاران حکومتی و تأمین معیشت اقتصادی آن ها و توصیه به ساده زیستی مدیران را برای از بین بردن مفسد اقتصادی مهم و واجب می دانست.

## **تحمل فشارهای ناشی از مبارزه**

همان طور که در تعبیرات مقام معظم رهبری گذشت، مبارزه با فساد کار آسانی نیست و

طبیعی است که مبارزه قاطع با مفاسد، موجب فشارهایی از طرف مفسدین گردد. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به این نکته اشاره نموده و به توجه به یاد قیامت که موجب صبر می گردد، توصیه فرموده است و خشنودی مردم را تکیه گاهی مطمئن در برابر خواص زیاده خواه معرفی می نماید. (همان، نامه 53)

## نتیجه

در این پژوهش سعی شد تا با تطبیق برخی سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و بیانات مقام معظم رهبری پیرامون دست یابی به استقلال اقتصادی با کلام و سیره امیرمؤمنان علی (علیه السلام)، به اهمیت این سیاست ها و برخی راه کارهای اجرایی آن ها دست یابیم که در چند بند خلاصه می گردد:

حمایت از تولید، یکی از موارد مهم در سیاست های اقتصاد مقاومتی به شمار می آید که بهبود فضای کسب و کار می تواند یکی از راهبردهای آن باشد. دقت در سیره علی (علیه السلام) به راه کارهایی همچون بازار همگانی، قانون سبقت، اجرت نگرفتن و تخصیصی بودن بازارها رهنمون می سازد.

اقتصاد مبتنی بر دانش، یکی از راه های پیشرفت اقتصادی در کشور شمرده می شود که در سخنان امیرمؤمنان (علیه السلام) نیز به این مسئله اشاره هایی صورت گرفته است.

الگوی مصرف، از جمله رفتارهای پایدار جامعه است و رفتارهای پایدار نیز ریشه های فرهنگی دارد و تغییر اساسی آن ها نیز بدون تغییر فرهنگ ممکن نیست و در اصلاح الگوی مصرف، موارد بسیاری باید رعایت گردد که در این پژوهش دو مورد مبارزه با اسراف و تجمل گرایی ارائه گردید. از پیامدهای مخرب این دو به نیازمندی و از پیامدهای مثبت مقابله با آن ها می توان به آسایش اشاره نمود.

اجرای اقتصاد مقاومتی، بدون مبارزه با مفاسد اقتصادی امکان ندارد؛ لذا برای آن باید هم در بخش پیش گیری (با انتصاب مسئولان متعهد و نظارت دقیق و جامع) و هم در بخش مبارزه، با جدیت برنامه ریزی کرد.





- قرآن کریم، ترجمه محمدعلی رضایی اصفهانی و گروهی از اساتید جامعه المصطفی، قم، انتشارات المصطفی، 1388 ش.
- شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، چاپ اول، قم، مشهور، 1379 ش.
1. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب اول. قم، علامه، 1379 ش.
  2. آزدی، عبدالله بن محمد، کتاب الما، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، 1387 ش.
  3. اشرفی، یکتا؛ فهیمی فر، فاطمه، «بررسی شاخص های بهبود فضای کسب و کار با تأکید بر جایگاه ایران»، مجله اقتصادی، شماره 11، 1390 ش.
  4. بهبودی، داود؛ میرانی، نینا و محرم جودی، نازیلا «بررسی اثر اقتصاد دانش بنیان بر رشد تولیدات در ایران با استفاده از الگوریتم جست و جوی گرانشی و الگوریتم کرم شب تاب»، سیاست گذاری پیشرفت اقتصادی، شماره 8، 1394 ش.
  5. بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، محمد عبدالقادر عطا، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1424 ق.
  6. جمعی از نویسندگان، مبانی اقتصاد اسلامی، چاپ هشتم، تهران، سمت، 1393 ش.
  7. حسنی، احمد، نظام مالی نوین اسلامی. چاپ اول، قم، میراث انبیاء، 1395 ش.
  8. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت، دارالقلم، 1412 ق.
  9. سلطانی رنانی، سیدمهدی، موانع اقتصادی عدالت و امنیت از منظر امام علی (علیه السلام)، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1384 ش.
  10. سیف، ولی الله، «فضای کسب و کار»، تازه های اقتصاد، ش 132، 1390 ش
  11. صاحب بن عباد، اسماعیل، المحيط فی اللغه، چاپ اول، بیروت، عالم الكتاب، 1414 ق.
  12. صدوق، محمد بن علی، الخصال، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین، 1362 ش.
  13. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، قم، هجرت، 1409 ق.
  14. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، 1407 ق.
  15. گیلک حکیم آبادی، محمدتقی، «امام علی (علیه السلام)، دولت و سیاست های اقتصادی»، کتاب نقد، ش 19، 1380 ش.
  16. مدرس زاده، مجدالدین، «نگاهی به برنامه های اقتصادی امام علی (علیه السلام)»، پژوهش اقتصادی اسلامی،



17. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1368 ش.

18. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، صدرا، 1385 ش.

19. معمارنژاد، عباس، «اقتصاد دانش بنیان: الزامات، نماگرها، موقعیت ایران، چالش ها و راه کارها». مجله اقتصاد و تجارت نوین، ش 1، 1384 ش.

20. میرمعزی، سید حسین، «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)» فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش 47، 1391 ش.

21. خبرگزاری تسنیم، (1/10/1393)، «سرانه مصرف آب هر ایرانی...»، [www.tasnimnews.com](http://www.tasnimnews.com).

### 3. آموزه های اقتصادی امام علی (علیه السلام) برای تحقق اقتصاد مقاومتی

اشاره

اصغر طهماسبی بلداجی (1)

ص: 97

---

1- . پژوهشگر و نویسنده؛ tahmasebiasghar@yahoo.com



یکی از مباحث مهمی که در آموزه های دینی مورد توجه قرار گرفته، اهتمام به اقتصاد سالم و پویا است. اقتصاد مقاومتی، یکی از راهکارهای مهم در جهت تحقق اقتصاد سالم و پویا و رفع فقر و فاصله طبقاتی از جامعه است. اقتصاد مقاومتی هم به لحاظ تبیینی و هم به جهت ضمانت اجرایی آن، در آموزه های دینی، از جمله نهج البلاغه تشریح شده که این دو مبتنی بر سیره علمی و عملی امام علی (علیه السلام) است. در نهج البلاغه غایت اقتصاد، رفع فقر و فاصله طبقاتی در جامعه و برقراری عدالت و نائل شدن به اقتصاد سالم و پویا بیان شده است. جستار پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی مهم ترین راهکارهای اجرایی کردن اقتصاد مقاومتی بر مبنای نهج البلاغه را در محورهای: اشتغال زایی و تولید، آسیب شناسی اقتصاد مقاومتی، رفع فقر و فاصله طبقاتی و تشویق به استقلال اقتصادی بیان داشته است و در این باره مهم ترین شاخصه های هر محور را به لحاظ مؤلفه های اقدامی بیان داشته است. از مهمترین نتایج تحقیق این که در نهج البلاغه اقتصاد مقاومتی با محوریت مهم اسلامی بودن در دو حیطه فردی و اجتماعی، قابلیت اجرایی داشته که با فرهنگ سازی صحیح، از یک سو آسیب های اجتماعی و اقتصادی ناشی از فقر و کمبود مالی کاهش می یابد؛ و از سوی دیگر تعالی اقتصادی و معنوی خانواده در سطح خرد و استقلال و اقتدار اقتصادی کشور و سلامت اقتصادی آن در سطح کلان، فراهم می شود.

کلید واژه ها: امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، اقتصاد مقاومتی، راهکارهای اقتصادی، استقلال اقتصادی.

یکی از مهم ترین مواردی که انسان در زندگی به آن نیاز دارد و خواسته یا ناخواسته با اثرات آن مواجه است، اقتصاد یا تأمین نیازهای مالی زندگی است. در آموزه های دینی به اهمیت اقتصاد و تأثیرات آن در زندگی دنیوی و حتی اخروی توجه زیادی شده تا آنجا که یکی از شریان های ورود به کفر، فقر بیان شده است (نک: کلینی، اصول کافی، ج 2، ص 307). اقتصاد سالم و پویا از مهم ترین برنامه های دین اسلام در جهت تعالی زندگی فردی و اجتماعی انسان ها است. رویکرد دین به اقتصاد تنها دنیا محور نبوده، بلکه غایت آن، آخرت بیان شده است. در آموزه های دینی در توجه به دنیا و آخرت، جنبه اعتدال رعایت شده است. در عصر حاضر اقتصاد با جنبه های فردی و اجتماعی حائز اهمیت است؛ اقتصاد فردی به لحاظ دینی و اجتماعی، اثرات غیرقابل انکاری بر بطن جامعه می گذارد که امنیت فردی و اجتماعی از مهم ترین آن هاست؛ اقتصاد اجتماعی نیز بدون شک استقلال اقتصادی و به فراخور آن تحکیم استقلال سیاسی جامعه اسلامی را به دنبال دارد. برای تحقق بخشیدن به اقتصاد فردی و اجتماعی، اهتمام به اقتصاد مقاومتی در عصر حاضر با توجه به مقتضیات کشور حائز اهمیت است؛ چراکه توجه به مؤلفه های اقدامی اقتصاد مقاومتی، علاوه بر توسعه اقتصادی جامعه، زمینه های اشتغال زایی و تولید داخلی را فراهم می نماید. پژوهش فرارو با روش توصیفی - تحلیلی، مهم ترین راهکارهای اجرایی کردن اقتصاد مقاومتی را بر مبنای نهج البلاغه در حیطه های مختلف بیان می دارد و مهم ترین شاخصه ها در این باره را مورد دقت قرار می دهد.

### پیشینه پژوهش

پیرامون اقتصاد و اقتصاد مقاومتی از یک سو و اقتصاد اسلامی از سوی دیگر، پژوهش های متعددی صورت گرفته است؛ برخی از پژوهش ها به طور کلی به جایگاه اقتصاد مقاومتی و چیستی آن پرداخته اند و در این باره به نقش اقتصاد مقاومتی در پیشرفت و حل

بحران‌ها اشاره نموده‌اند (نک: خالقیان میمند، واعظ برزانی، طغیانی، سیاست‌های مالی تحت راهبرد اقتصاد مقاومتی؛ سلیمانی، حسین زاده یزدی، سمیعی نسب، مؤلفه‌های الگوی توانمندسازی مقاومتی نیروی کار در چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی؛ حسین پور، محمدی سیاهبومی، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی برای برون‌رفت از بحران؛ برخی دیگر از پژوهش‌ها با نگاهی دینی و فرهنگی به بررسی ابعاد اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند (نک: بنیانیان، الزامات فرهنگی اقتصاد مقاومتی؛ آهنگران، همگونی اقتصاد مقاومتی با فقه و فرهنگ اسلامی و زمینه‌ساز بودن آن برای ظهور مهدی موعود؛ اصغری، گفتمان راهبرد تولید ثروت در بستر نظام دینی از منظر رهبری؛ همچنان که برخی دیگر از پژوهش‌ها به بررسی اقتصاد خانواده و راهکارهای مدیریت اقتصادی خانواده پرداخته‌اند (زارع، مدیریت اقتصادی خانواده)؛ برخی دیگر از پژوهش‌ها با محوریت قرآن و نهج البلاغه به بررسی اقتصاد اسلامی پرداخته‌اند و در این باره شاخصه‌های اقتصاد اسلامی در حیطه‌های مختلف را بیان کرده‌اند (نک: علم الهدی، ناسی اقتصاد اسلامی بر اساس عملکرد اقتصادی امام علی (علیه السلام)؛ فتحعلیانی، حسینی، اقتصاد اسلامی؛ طهماسبی بلداجی، جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)؛ حمزه علی، مهدیه، سمیه، تحلیلی بر سازوکارهای عملی اقتصاد مقاومتی در نهج البلاغه با تکیه بر وظایف دولت، بهرامی، مجله پژوهش‌های نهج البلاغه، زمستان 1396، شماره 55؛ تأثیر مؤلفه‌های دانش بر اقتصاد مقاومتی از منظر نهج البلاغه، شاه آبادی، ابوالفضل، زرین نعل، زینب، مجله سیاست‌های راهبردی و کلان، زمستان 1397، شماره 24، از صفحه 809 تا 823).

مقاله فرارو ضمن توجه به پژوهش‌های پیشین با رویکردی دیگر با محوریت اقتصاد مقاومتی، درصدد است ضمن تبیین مؤلفه‌های اقتصادی اسلام، رویکردها و راهبردهای اقتصادی در تحقق اقتصاد مقاومتی و توسعه اقتصاد فردی و اجتماعی در عصر حاضر را بر مبنای نهج البلاغه بیان نماید.



اقتصاد در معنای کلی آن یکی مواردی است که انسان با آن سروکار دارد و زندگی دنیوی خود را طبق آن تنظیم می نماید. اقتصاد فردی از یک سو به معنای کسب حلال و تأمین نیازهای زندگی و اقتصاد

اجتماعی و کلان به معنای اقتدار و استقلال اقتصادی همواره مورد تأکید آموزه های دینی بوده است. بر همین اساس راهکارهایی فرا روی مؤمنان قرار گرفته است. بدون شک یکی از مهم ترین مسائلی که امنیت اجتماعی و اقتصادی کشور را از یک سو و استقلال اقتصادی و سیاسی آن را از سوی دیگر تأمین می کند، گرایش به اقتصاد مقاومتی است؛ اقتصاد مقاومتی مجموعه تدابیر مدیریتی است که آسیب پذیری اقتصاد کشور را در برابر ریسک های متعددی که اقتصاد ایران را تهدید می کند کاهش می دهد؛ به عبارت دیگر اقتصاد مقاومتی بحث نظری جدیدی نبوده، بلکه بحث مدیریتی جدیدی است که هر کشوری با توجه به وضعیت و مشکلات اقتصاد خود باید اتخاذ کرده و بکار بگیرد. در این باره باید تدابیری به کار گرفته شود تا خطرپذیری اقتصاد ایران در برابر تکانه ها و اختلال های آسیب زنده داخلی و خارجی به ویژه تحریم های بین المللی به حداقل رسانده و زمینه را برای دستیابی ایران به پیشرفت های پایدار اقتصادی فراهم کرد (سیف و خوشکلام خسروشاهی، 1392ش:ص186). نکته مهم این که ترسیم تدابیر اقتصاد مقاومتی به تنهایی مشکلی را حل نمی کند، بلکه ترسیم و تبیین و اجرائی کردن آن به نحو صحیح می تواند شکوفایی اقتصاد کشور را به ارمغان بیاورد. در این باره اتکا و استناد به راهکارهای آموزه های دینی می تواند حائز اهمیت باشد و تأثیرات مفید و متقنی داشته باشد. بر همین اساس این پژوهش، راهکارهای اجرائی کردن اقتصاد مقاومتی را از منظر نهج البلاغه مورد بررسی قرار داده و با استناد به سیره علمی و عملی امام علی (علیه السلام) این راهکارها را در حیطه های مختلف بیان نموده است.

### مبانی اقدامی اقتصاد مقاومتی

#### اشاره

برای این که اقتصاد مقاومتی به اهداف خود نائل شود لازم است دو محور اساسی

به عنوان مبانی اقدامی مورد توجه قرار گیرند:

## **الف. تبیین و فرهنگ سازی اقتصاد مقاومتی (رویکرد تئوری)**

رسیدن به نتایج مطلوب در اقتصاد مقاومتی نیازمند تبیین همه جانبه آن است به این معنا که اهداف، باید‌ها و نبایدهای اقتصاد مقاومتی برای تمامی اقشار جامعه متناسب با شغل یا نقش آن‌ها تبیین گردد و وظایف هر گروه متناسب با آن روشن شود؛ به عنوان مثال جایگاه فرهنگیان در تحقق اهداف اقتصادی مقاومتی چیست و چه وظایفی دارند؟ جایگاه دانش‌آموزان و دانشجویان چگونه است؟ جایگاه کشاورزان و دامداران، جایگاه مشاغل صنعتی، جایگاه تولیدکنندگان، جایگاه مصرف‌کنندگان؛ هرکدام متناسب با خود تبیین و فرهنگ سازی شود. به عنوان نمونه: تولیدکنندگان اجناس خوب و استاندارد تولید کنند و مصرف‌کنندگان کالاهای داخلی مصرف نمایند و از مصرف کالاهای قاچاق و خارجی پرهیزند که این خود می‌تواند قاچاق کالا را از بین ببرد. بنابراین تبیین شایسته و فرهنگ سازی آن از عوامل مهم در تحقق اقتصاد مقاومتی است.

## **ب. تبیین اجرائی کردن راهکارهای اقدامی اقتصاد مقاومتی (رویکرد عملی)**

تبیین به تنهایی علت ناقص است و با اجرا کردن صحیح آن تام می‌شود. رویکرد اقدامی نسبت به اقتصاد مقاومتی شریان اصلی در تحقق آن و رسیدن به نتایج مطلوب است. همان‌گونه که وظایف هرکدام از اقشار جامعه تبیین می‌شود، وظایف اقدامی هرکدام نیاز بیان شود و علاوه بر آن، ضامن اجرائی آن نیز تثبیت شود. این دو مبنای مهم می‌تواند در شکوفایی اقتصادی و رفع فقر و مشکلات اقتصادی در جامعه کمک کند.

## **راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی**

### **اشاره**

در نهج البلاغه راهکارهای متعدد اقتصادی جهت رفع فقر و فاصله طبقاتی از جامعه و تحقق عدالت اقتصادی بیان شده است؛ سیره امام علی (علیه السلام) به طور تام نمودی از اقتصاد اسلامی است. بامطالعه آموزه‌های امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه و منابع دیگر می‌توان به

نقشه جامعی از راهکارهای اقتصادی جهت تحقق اقتصاد مقاومتی در عصر حاضر دست یافت. اگر راهکارهای اقتصاد مقاومتی به فعلیت برسند به لحاظ غائی دو نتیجه مهم به ارمغان می آورد: یک سلامت خانواده و امنیت اجتماعی - اقتصادی جامعه، دوم استقلال اقتصادی کشور. در این باره مهم ترین راهکارهای اجرایی مستنبط از آموزه های امام علی (علیه السلام) در چهار محور مورد اشاره قرار می گیرد.

## الف. مؤلفه های اقدامی جهت اشتغال زائی و تولید

### اشاره

از مهم ترین اهداف اقتصاد مقاومتی رفع بیکاری و اشتغال زائی است. مهم ترین راهکارهای اقدامی برای اشتغال زائی در آموزه های امام علی (علیه السلام) عبارت اند از:

### بک. توسعه فرهنگ تلاش و کوشش

رونق اقتصادی هر جامعه مرهون تلاش و کوشش افراد آن جامعه است. استقلال جامعه در گرو کار و کوشش مؤثر است، در فرهنگ علوی بر اهمیت کار و تلاش و کوشش و کسب روزی حلال بسیار تأکید

شده است (نک: صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج 3، 168؛ متقی هندی، کنز العمال، ج 4، ص 6؛ کلینی، اصول کافی، ج 5، ص 88). سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام) نمونه واقعی از اهتمام به تلاش و کوشش در همه زمینه هاست. امام علی (علیه السلام) از هر کس متواضع تر بود و در امور خانه به همسر خویش کمک می کرد و شخصاً به کار و تلاش در مزرعه می پرداخت؛ با کلنگ زمین را می کند و آن را شیار و آبیاری می کرد و بارهای هسته ی خرما را روی شانه می گذاشت و به صحرا می برد و بر زمین می فشاند و اگر دانه ای از آن بر زمین می افتاد، خم می شد و آن را برمی داشت و می فرمود: امروز هسته است و فردا خرما (برقعی قمی، جلوه حق در سیرت مولای متقیان امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ص 55). امام علی (علیه السلام) با تلاش و کوشش مزارع و کشتزارهایی به وجود می آورد که طبق برخی نقل صدها نفر در آن مزارع مشغول به کار می شدند (نک: کلینی، اصول کافی، ج 7، ص 49). فرهنگ سازی تلاش و کوشش و اشتغال زائی در جامعه با تکیه بر آموزه های امام علی (علیه السلام) در

نهج البلاغه در ابعاد متعددی قابل فحص و بررسی است. در بعد اول تشویق به کار و تلاش و برنامه ریزی جهت کسب روزی برای خانواده بیان شده است؛ یکی از مواردی که انسان مؤمن باید در شبانه روز برای آن وقت تعیین کند و به دنبال آن برود کار و تلاش و کوشش جهت زندگی و خانواده است؛ در نهج البلاغه به این تقسیم وقت انسان توجه شده است: «لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يَنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَرْمُ فِيهَا مَعَايِشَهُ مَعَاشَهُ وَ سَاعَةٌ يَخْلِي فِيهَا بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ مَرَّمَةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ خُطْوَةٍ فِي مَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ» (شریف رضی، نهج البلاغه، حکمت 390)

در نهج البلاغه به طور مطلق به تلاش و کوشش تأکید شده و محوریت این تلاش کوشش جمع زاد و توشه برای آخرت بیان شده است: «فَعَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ وَالتَّأَهُبِ وَالِاسْتِعْدَادِ وَ التَّزَوُّدِ فِي مَنْزِلِ الزَّادِ» (همان، خطبه 230).

در آموزه های امام علی (علیه السلام) کار و تلاش و کوشش تنها به خاطر رفع نیازهای شخصی و خانواده نبوده بلکه جنبه اجتماعی کار نیز مورد توجه قرار گرفته است، به گونه ای که ثمرات کار و کوشش بر اقشار کم درآمد جامعه نیز تأثیر می گذاشت این مهم در سیره عملی امام آشکار است؛ امام علی (علیه السلام) در طول عمر خویش علاوه بر رسالت زمامداری و امامت، به کارهای زراعت و باغبانی می پرداخت و درآمد آن را صرف فقرا و یتیمان و اقشار پایین جامعه می نمود (نک: قریشی، کار و حقوق کارگر، ص 6).

در نهج البلاغه ملاک برتری افراد بر یکدیگر در جامعه، کار معرفی شده نه امتیازات قبیله ای و موروثی، به گونه ای که پاداش افراد بر اساس میزان کار آنها است: «مَنْ أَبْطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يَسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ» (شریف رضی، نهج البلاغه، حکمت 389). علاوه بر این، نحوه کار و تقسیم بندی آن متناسب با ظرفیت های جسمی انسان ها است؛ در برخی فرهنگ های غلط امروزی ملاک فقط کار است و ظرفیت و قابلیت انسان مورد توجه نیست، یکی از این موارد واگذار کردن کارهای دشوار به زنان است که این امر علاوه بر تخریب شخصیت زن، کیان خانواده را نیز از هم می پاشد و آسیب های اجتماعی متعددی در حوزه تربیت فرزندان و ...

به همراه می آورد. اما در فرهنگ علوی کار برای زنان متناسب با آن ها بیان شده نه هر کاری، امام علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «لَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةُ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» (همان: نامه 31)؛ «کاری را که برتر از توانایی زن است به او وا مگذار که زن گل بهاری است، نه پهلوانی سخت کوش».

در بعد دوم آفت ها و موانع اشتغال بیان شده؛ که مهم ترین آنها بیکاری(1)

(آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج 2، ص 1043) و تنبلی و سستی(2)

(شریف رضی، نهج البلاغه، حکمت 239) است. از منظر امام علی (علیه السلام) تنبلی و سستی در کار باعث ضایع شدن حقوق می شود که این حقوق می تواند فردی یا اجتماعی باشد. این مطالب حاکی از آن است که کار در هر شغل و لباسی از راه حلال آن نه تنها مطلوب بلکه جنبه معنوی نیز به همراه دارد. متأسفانه در برخی موارد، بعضی از جوانان و حتی میان سالان منتظر کار فوق العاده یا پردرآمد می مانند و این امر منجر به بیکاری آن ها و حتی تنبلی و سستی در آنان می شود که علاوه بر این، در درازمدت منجر به آسیب های متعدد اجتماعی و اقتصادی می شود. در صورتی که در فرهنگ دینی اهتمام به تلاش و کوشش از راه حلال در هر کار شرعی حتی با درآمد کم توصیه شده است. فرهنگ سازی این مهم در جامعه در دو بعد تئوری و عملی می تواند به توسعه تلاش و کوشش در جامعه و به فراخور آن توسعه اقتصادی کمک نماید. بنابراین در فرهنگ علوی توسعه کار و تلاش و کوشش می تواند به عنوان راهکار اجرائی و مهم به اقتصاد مقاومتی کمک کند و علاوه بر رفع بیکاری، تعالی جامعه را به همراه بیاورد.

## دو - توجه به تولید و نقش اقتصادی آن

برخلاف گمان برخی که می پندارند اهتمام اسلام تنها به آخرت است و به دنیا و امور مادی نگاهی ندارد قرآن بر استفاده از آن تأکید دارد: «وَالْأَنْعَامَ خَلَقَ هَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَ مَنَافِعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» (نحل/5)؛ «وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (نحل/8).

ص: 106

1- . آفة العمل البطالة.

2- . من اطاع التواني ضيع الحقوق.

در جای دیگر، قرآن کریم بر بهره‌گیری از مواهب خدادادی تأکید دارد آنجا که می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَازِرَ فِيهِ وَلِيَبْتَلِيَهُمْ فَبَدَّلْنَا الْبَحْرَ لِيَكُونَ لَكُمْ مِنْهُ حِلْيَةٌ تَلْبَسُونَ» (نحل/14). در نهج البلاغه نیز یکی از فلسفه‌های خلقت زمین و باغ‌ها و دشت‌ها و نعمت‌های آن بهره‌وری انسان بیان شده است: «فِيهَا تَبْهَجُ بِزِينَةِ رِيَاضِهَا وَتَزْدَهِي بِمَا أُبْسِئَتْ مِنْ رِيَاطِ أَزَاهِيرِهَا وَحِلْيَةٍ مِمَّا سَمَّطَتْ بِهِ مِنْ نَاصِيِرِ أَنْوَارِهَا وَجَعَلَ ذَلِكَ بَلَاغًا لِلْأَنَامِ وَرِزْقًا لِلْأَنْعَامِ وَخَرَقَ الْفِجَاجَ فِي آفَاقِهَا وَأَقَامَ الْمَنَارَ لِلسَّالِكِينَ عَلَى جَوَادِّ طَرِيقِهَا» (شریف‌رضی، نهج البلاغه، خطبه 91). اهتمام به تولید و صاحبان مشاغل تولیدی در سیره امام علی (علیه السلام) نمایان است؛ در نهج البلاغه دو رویکرد مهم در توسعه تولید داخلی جامعه اسلامی بیان شده است؛ رویکرد اول توجه به نیازهای اساسی جامعه و آبادانی زمین و تولید است؛ ایشان در نامه به مالک اشتر توجه به آبادانی و تولید را مقدم بر خراج گرفتن بیان می‌کند چراکه وجود خراج نیز منوط به آبادانی زمین است: «وَلِيَكُنْ نَظْرَكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يَدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَمَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بغيرِ عِمَارِهِ أَخْرَبَ الْبِلَادَ وَأَهْلَكَ الْعِبَادَ وَلَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا» (همان، نامه 53).

رویکرد دوم حمایت از مشاغل تولیدی با سیاست‌های اقتصادی مختلف از جمله تخفیف‌های مالیاتی است. ایشان در موارد گوناگون نسبت به تجار، صنعت‌گران و کشاورزان سفارش‌های متعددی می‌فرماید و می‌خواهد در زمانی که مردم دچار مشکلات اقتصادی هستند در مالیات به آن‌ها تخفیف بدهند. امام (علیه السلام) این تخفیف در مالیات و کمک اقتصادی به تولیدکنندگان را باعث آبادانی جامعه، گسترش عدالت و افزایش رفاه و آسایش بیان می‌کند: «فَإِنْ شَكُوْا تَقَلُّا أَوْ عَلَّهْ أَوْ انْقَطَعَ شَرْبٌ أَوْ بَالَهُ أَوْ إِحَالَهُ أَرْضٍ اغْتَمَرَهَا عَرَقٌ أَوْ أَجْحَفَ بِهَا عَطَشٌ خَفَّفْتَ عَنْهُمْ بِمَا تَرَجُّوْا أَنْ يَصَّ لِحْ بِهِ أَمْرُهُمْ وَلَا يَثْقُلَنَّ عَلَيْكَ شَيْءٌ خَفَّفْتَ بِهِ الْمُؤْتِنَةَ عَنْهُمْ فَإِنَّهُ ذُخْرٌ يُعَوِّدُونَ بِهِ عَلَيْكَ فِي عِمَارَةِ بِلَادِكَ وَتَزْيِينِ وَلَا يَتَكَ مَعَ اسْتِجْلَابِكَ حُسْنَ ثَنَائِهِمْ وَتَبَجُّحِكَ بِاسْتِيفَاضِهِ الْعَدْلَ فِيهِمْ مُعْتَمِدًا فَضْلَ قُوَّتِهِمْ بِمَا ذَخَرْتَ عِنْدَهُمْ مِنْ إِجْمَامِكَ لَهُمْ وَالثَّقَمَةَ مِنْهُمْ بِمَا عَوَّدْتَهُمْ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ وَرِفْقِكَ بِهِمْ» (همان).

از منظر امام علی (علیه السلام) تخفیف مالیاتی به تجار، کشاورزان و صنعتگران و حمایت اقتصادی از آن‌ها به معنای هزینه بی جهت و اتلاف مالیات نیست بلکه آثار مثبت اقتصادی در جامعه می‌گذارد از جمله این که باعث رشد انگیزه مالیات دهندگان در کار و تولید می‌شود و به جای ورشکستگی، به توسعه اقتصادی آنان کمک می‌نماید و باعث می‌شود که به تولید و توسعه اقتصادی جامعه کمک نمایند و نسبت به حکومت و کارگزاران دید مثبتی پیدا کنند و اعتماد آنان به کارگزاران بیشتر شود. در عصر حاضر نیز حمایت اقتصادی از تولیدکنندگان و تخفیف های مالیاتی می‌تواند به توسعه اقتصادی جامعه و تحقق اقتصاد مقاومتی کمک نماید. علاوه بر این در عصر حاضر که تحریم های متعددی از سوی کشورهای بیگانه صورت می‌گیرد وظیفه همگان است که بر اصل تولید داخلی توجه ویژه ای بکنند و کشور را به خودکفایی در کالاهای مورد نیاز برسانند؛ دو اقدام مهم در این باره می‌تواند به توسعه تولید داخلی و اشتغال زائی کمک نماید: اول این که فرهنگ سازی استفاده از کالاهای داخلی در بین اقشار جامعه نهادینه شود؛ به این معنا که به جای گرایش مصرفی به کالاهای خارجی، خرید کالاهای داخلی در اولویت قرار گیرد که این مهم توجه تولیدکنندگان به تولید کالاهای مرغوب و باکیفیت را نیز می‌طلبد؛ مصرف کالاهای داخلی خودبه خود به افزایش تولید داخلی و به اشتغال زائی و جذب نیروی انسانی کمک شایانی می‌نماید. دوم توجه به تولید نیازهای اساسی در کشور است؛ همان گونه که در سیره معصومین (علیهم السلام) بیان شد، ایشان به تولید نیازهای اساسی تأکید ویژه ای داشتند و خود به تهیه نیازهای اساسی همت می‌گماردند؛ در عصر حاضر باید با ایجاد بسترهای مناسب زمینه تولید نیازهای اساسی در جامعه فراهم گردد به این معنا که هر آنچه از نیازهای اساسی از خارج وارد می‌شود در داخل تولید شود. البته این بدان معنا نیست که با کشورهای دیگر تجارت صورت نگیرد بلکه بدان معناست که نیازهای اساسی در خود جامعه تولید شود که علاوه بر اشتغال زائی، وابستگی مصرفی به کشورهای دیگر را از بین می‌برد.

### اشاره

منظور از آسیب های اقتصادی آفت هایی هستند که اقتصاد اسلامی سالم را تهدید می کنند که علاوه بر زیان های فردی و اجتماعی مانع مهمی در مسیر اشتغال زائی و تولید می باشند. برخی از این آفت ها مرتبط با زندگی فردی و برخی دیگر اجتماعی هستند. مهم ترین راهکارهای اقدامی در جهت رفع آسیب های اقتصادی عبارت اند از:

### الف) مبارزه با مفسد اقتصادی

مفسد اقتصادی مصادیق متعددی دارد که در هر جامعه ای می تواند وجود داشته باشد. مفسد اقتصادی در تعارض با اقتصاد اسلامی می باشند و به اقتصاد سالم و پویا ضربه می زنند. تجارت ناسالم و کسب درآمد حرام از مهم ترین مصادیق مفسد اقتصادی هستند. قرآن کریم در نهی از اقتصاد ناسالم و باطل می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (نساء/29).

در این آیه مبارک خوردن اموال یکدیگر از راه باطل، حرام معرفی شده و در مقابل آن توصیه به تجارت سالم و دوسویه شده است. در آموزه های دینی، ربا، قمار، کم فروشی، گران فروشی، دزدی یا اختلاس از مصادیق اقتصاد ناسالم و مفسد اقتصادی بیان شده اند و به مبارزه با آن ها و رفع آن ها از جامعه تأکید شده است. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «کسی که قرض بگیرد و بداند که نمی تواند پرداخت کند، مال باطل خورده است» (کلینی، اصول کافی، ج 5، ص 95). در همین رابطه امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «ربا، قمار، کم فروشی و ظلم از مصادیق باطل است» (عروسی حویزی، ج 1، ص 471). در نهج البلاغه از مهم ترین مفسد اقتصادی در جامعه، احتکار است. احتکار در شرایط حساس می تواند آسیب های جدی به اقتصاد خانواده و جامعه وارد کند؛ علی الخصوص در زمان تحریم های اقتصادی که احتکار توسط برخی سودجویان زیادتر می شود. امام علی (علیه السلام) در دستور به کارگزاران در



برخورد با محتکر می فرماید: «از احتکار نهی کن و پس هرکس مرتکب آن شد تنبیه بدنی کن و با آشکار ساختن آنچه احتکار کرده او را مجازات کن» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 13، ص 277). در نامه 53 نهج البلاغه به مالک اشتر، امام (علیه السلام) از وی می خواهد که با آسیب های اقتصادی در جامعه برخورد نماید از جمله: احتکار و گران فروشی، چراکه این موارد نظم اقتصادی جامعه را برهم می زند و باعث ضربه زدن به اقتصاد مردم می شوند ایشان در این باره می فرماید: «وَأَعْلَمَ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحْشَأْ وَشَدْحًا قَيْحًا وَاحْتِكَارًا لِلْمَدْفِعِ وَتَحَكُّمًا فِي الْبِيَعَاتِ وَذَلِكَ بَابٌ مَضْرُوبٌ لِلْعَامَّةِ وَعَيْبٌ عَلَى الْوَلَاءِ فَاْمْنَعِ مِنَ الْإِحْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله) مَنَعَ مِنْهُ وَلَيْكُنِ الْبَيْعُ بِيَعًا سَدًّا مُوَازِينَ عَدْلٍ وَأَسَدِّ عَارٍ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَتَكَلِّمْ بِهِ وَعَاقِبْهُ [مَنْ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ]» (شریف رضی، نهج البلاغه، نامه 53). علاوه بر این تأکیدات مطابق برخی روایات حضرت نیز شخصاً با احتکار کنندگان برخورد می نمودند (ابن حزم الاندلسی، المحلی بالاثار، ج 7، ص 573). در سیره علمی امام علی (علیه السلام) نیز روایات متعددی درباره نهی از اقتصاد ناسالم و توجه به انضباط اقتصادی بیان شده است (آمدی، غررالحکم ودرر الکلم، ص 304).

آسیب های اقتصادی در جامعه، باعث تشویش بازار اقتصادی و عدم ثبات قیمت در جامعه می گردند. گران فروشی، احتکار و ربا علاوه بر ترویج فرهنگ اقتصاد ناسالم در جامعه، باعث افزایش فاصله طبقاتی و ضربه زدن به قشر فقیر و متوسط می شوند. اختلاس در سطح کلان موجب ضربه زدن به اقتصاد کشور و اتلاف بیت المال می گردد که به لحاظ فرهنگی و اجتماعی نیز آسیب هایی به همراه دارد. وضع قوانین منسجم در این باره و تقویت ارگان های نظارتی و اجرایی در بازار و سیستم اقتصادی، می تواند به تقلیل آسیب های اقتصادی در این باره کمک نماید.

## **(ب) نهی استفاده از کالاهای قاچاق**

از مهم ترین راهکارهایی که می تواند به اجرائی کردن اقتصاد مقاومتی جامعه عمل بپوشاند، اهتمام به تولید داخلی و مصرف داخلی و نهی از استفاده از کالاهای قاچاق است. در این باره مضامین متعددی در آموزه های اسلامی وجود دارد که به طور مستقیم یا

غیر مستقیم از مصرف کالاهای غیر اسلامی و قاچاق نهی می کنند. امام علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِبَاسَ الْعَجَمِ وَيَطْعَمُوا أَطْعِمَةَ الْعَجَمِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ صَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذُّلِّ» (مجلسی، بحار الانوار، ج 63، ص 323)؛

مادامی که این امت لباس بیگانه نپوشند و غذاهای آنان استفاده نکنند، همواره در خیر خواهند بود و هنگامی که چنین کنند، خداوند آنان را ذلیل خواهد کرد. منظور امام (علیه السلام) از عجم نه قوم خاص، بلکه در آن زمان مردمان غیر مسلمان از عرب بوده که امام (علیه السلام) از تقلید و تبعیت ظاهری از آن ها نهی نموده است؛ چراکه این کار علاوه بر ترویج فرهنگ غیر اسلامی و دریبانی تهاجم فرهنگی در جامعه اسلامی، باعث رونق اقتصادی جامعه غیر اسلامی و تضعیف بازار داخلی در این حوزه ها می شده است. سخن امام علی (علیه السلام) ناظر بر دو حیطة اقتصادی و فرهنگی اجتماعی بوده است که این کلام در هر عصری برای مسلمانان قابلیت اجرایی دارد که عمل به آن علاوه بر توسعه اقتصادی بازار داخلی و به فراخور آن توسعه تولید و اشتغال، از تهاجم فرهنگی در جامعه جلوگیری می نماید.

امام صادق (علیه السلام) نیز در این باره با بیان حدیث قدسی می فرماید: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِهِمْ وَلَا يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِهِمْ وَلَا يَسْكُنُوا مَسَاكِنَ أَعْدَائِهِمْ فَيَكُونُوا أَعْدَائِهِمْ كَمَا هُمْ أَعْدَائِهِمْ» (صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 252)؛ خداوند به پیامبری از پیامبران وحی فرمود که به قومت بگو: لباس دشمنان مرا نپوشید و غذای آنان را نخورند و به

شکل آنها ظاهر نشوند که در آن صورت همانند آنها دشمن من خواهند بود.

«مصرف کالاهای خارجی و قاچاق که لباس و خوراک و...، آن را در برمی گیرد به اقتصاد داخلی کشور ضربه وارد می کند. الگوپذیری از بیگانگان در نوع و مقدار کالاهای مصرفی، از جنبه های گوناگون به جامعه اسلامی زیان می رساند، از جنبه اقتصادی این کار بیشتر موجب ترویج مصرف کالاهای خارجی و بی توجهی به تولیدات و کالاهای داخلی می شود که افزون بر خارج ساختن سرمایه از کشور، بر تولید و اقتصاد ملی ضربه می زند. از جنبه اجتماعی فرهنگی نیز، نوعی تبلیغ عملی و ترویج فرهنگ بیگانه و تهدیدی برای

اصالت های فرهنگی و حتی دینی در جامعه به شمار می رود به ویژه آنکه الگوپذیری در مصرف، ناخواسته الگوپذیری در اخلاق و رفتار را نیز در پی خواهد داشت» (ایروانی، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، ص 287). در این باره دو مطلب حائز اهمیت است: اول این که نهی از استفاده از کالاهای قاچاق و بیگانه به معنای عدم تجارت و دادوستد با کشورهای غیر اسلامی نیست بلکه تجارت با کشورهای دیگر در چارچوب موازین شرعی که به توسعه اقتصادی جامعه اسلامی کمک نماید ممدوح هست. دوم این که در مبحث مصرف کالاهای داخلی و عدم توجه به کالاهای قاچاق و خارجی باید گفت در این زمینه باید تولیدکنندگان داخلی تمام تلاش خود را صرف تولید کالاهای مرغوب و باکیفیت نمایند به این معنا که تمام تلاش خود را به کارگیرند تا در همه عرصه ها تولیدی کالاهای باکیفیت و باقیمت مناسب تولید نمایند؛ از سوی دیگر بر مصرف کنندگان است که به خرید کالاهای داخلی همت بگمارند و از مصرف کالاهای قاچاق اجتناب نمایند که این اقدام علاوه بر ممدوح بودن آن به رونق اقتصادی جامعه و تولید و اشتغال کمک شایانی می نماید. بنابراین برای تعالی اقتصاد کشور برنامه ریزی صحیح برای تولید داخلی و مصرف کالاهای داخلی و جلوگیری از مصرف کالاهای قاچاق ضروری است که این مهم در سایه فرهنگ سازی این مهم محقق می شود.

### **ج) فرهنگ سازی استفاده بهینه از نعمت های الهی**

از دیگر موارد مهم در اجرائی کردن اقتصاد مقاومتی، فرهنگ سازی استفاده صحیح از نعمت های الهی است. قرآن کریم در موارد متعدد مردم را به استفاده صحیح از نعمت ها فراخوانده و از اسراف و تبذیر بر حذر داشته است: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف/31). از طرف دیگر یکی دیگر از مصادیق این راهکار، میانه روی در اقتصاد است. قرآن کریم حتی در بخشش مال و انفاق از اسراف و زیاده روی بر حذر داشته است آنجا که می فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان/67).

از مهم ترین مصادیق نهی از اسراف؛ ساده زیستی و عدم تعلق به تجملات است. ساده زیستی از شئون اسلامی است. تجمل پرستی و روی آوردن به تشریفات، یکی از موانع جدی بر سر اصلاح الگوی مصرف و پیشرفت های اقتصادی است. فروافتادن در دام تشریفات و تجملات حاصل آن چیزی جز بازماندن از تولید نیست. در آموزه های امام علی (علیه السلام) به استفاده درست از یک سو و قناعت از سوی دیگر تأکید فراوان شده است. این دو رکن مهم اقتصاد خانواده و جامعه می باشند. ساده زیستی در فرهنگ علوی در تمام اقشار جامعه مورد تأکید است. در نهج البلاغه امام علی (علیه السلام) در نامه های متعدد به حکمرانان خود در جامعه اسلامی آنان را به ساده زیستی و قناعت دعوت می کند (شریف رضی، نهج البلاغه، نامه 3 و نامه 45). ایشان در نهی از اسراف و توصیه به قناعت و ساده زیستی می فرماید: «فَدَعَ الْإِسْرَافَ مُقْتَصِدًا وَ اذْكَرَ فِي الْيَوْمِ عَدَاً وَ اَمْسِكَ مِنَ الْمَالِ بِقَدْرِ صَدْرُورَتِكَ وَ قَدِّمِ الْفَضْلَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ أَ تَرَجُو أَنْ يُعْطِيكَ اللَّهُ أَجْرَ الْمُتَوَاضِعِينَ» (همان، نامه 21). علت تأکید بر قناعت و ساده زیستی و نهی از اسراف آثار مهم این موارد بر اقتصاد خانواده در سطح خرد و اقتصاد جامعه در سطح کلان آن است. در نهج البلاغه میانه روی و قناعت رمز رفع فقر و تهیدست شدن است: «الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ» (همان، حکمت 57)؛ «كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مُلْكًا وَ بِحُسْنِ الْخُلُقِ نَعِيمًا وَ سَدَّ لِعَنْبِطِ عَن قَوْلِهِ تَعَالَى - فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً فَقَالَ هِيَ الْقَنَاعَةُ» (همان، حکمت 229)، همچنان که آثار قابل توجه دیگری نیز برای قناعت و میانه روی بیان شده است (همان، حکمت 371؛ نامه 31)، «ترک میانه روی و قناعت موجب سقوط جامعه مصرفی است و ناتوان ماندن آن از ادامه مناسب تولیدات خود و گستردن دامنه آنها؛ و سرانجام کارش به آنجا می کشد که نیازمند بیگانگان و وابسته به آنان شود و این مشکل سرزمین هایی است که مصرف گرایی فراوان بر آنها تحمیل شده است» (حکیمی، الحیاء، ج 4، ص 316)؛ بنابراین اسراف و تبذیر از موانع مهم در تحقق اقتصاد مقاومتی و متعارض با اقتصاد اسلامی است. متأسفانه اسراف و تبذیر در تمامی سطوح جامعه مشهود است در مراسمات جشن و سرور همچون عروسی و مراسمات مذهبی و حتی مراسمات رسمی در ارگان های دولتی اسراف و تبذیر

مشاهده می شود. آسیب جدی که نیاز به فرهنگ سازی کلان در تمام سطوح جامعه را دارد که این فرهنگ سازی علاوه بر تلاش خانواده ها، تلاش گسترده همه ارگان ها و مؤسسات در سطوح آموزشی، فرهنگی و عالی را می طلبد.

فرهنگ سازی استفاده بهینه از نعمت های الهی و اجتناب از اسراف و تبذیر آثار قابل توجه اقتصادی به همراه دارد که علاوه بر تقویت بنیان اقتصادی خانواده و مدیریت آن در مقابل بحران های اقتصادی به توسعه اقتصادی کشور نیز کمک می نماید.

## مؤلفه های اقدامی جهت ریشه کن کردن فقر و فاصله طبقاتی

### اشاره

از اهداف بعثت انبیا اجرای عدالت اجتماعی و رفع فاصله های طبقاتی بوده است سیره علمی و عملی امام علی (علیه السلام) غایت عدالت اسلامی است که هدف آن ریشه کن کردن فقر و فاصله های طبقاتی است، در این باره راهکارهای اقدامی مهمی مورد توجه است که عبارت اند از:

### الف) اجرای عدالت اقتصادی

در مکتب قرآن مردم و مسئولان نظام اقتصادی به اجرای عدالت دعوت شده اند. قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكْلَفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعًا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (انعام/152). عدالت اقتصادی در جامعه رمز شکوفایی و پیشرفت جامعه است همچنان که حکومت عادلانه امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) یک

الگوی همه جانبه در این زمینه است. در فرهنگ علوی عدالت به خاطر آثار قابل توجهی که دارد مورد توجه قرار گرفته است آثاری که به لحاظ دنیوی و اخروی در جامعه اسلامی هویدا می شود (نک: مجلسی، بحار الانوار، ج 87، ص 83؛ آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ص 50؛ شریف رضی، نهج البلاغه، حکمت 743)، اصل عدالت در فرهنگ علوی بر پایه عدالت حاکمان (شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه 216)؛ و عدالت محوری با مردم (همان، نامه 27) استوار است.

امام علی (علیه السلام) درباره اجرای همه جانبه عدالت و کمک به محرومان می فرماید: «وَأَيُّمُ اللَّهِ

لَأَنْصِفَ فَنَّ الْمَظْلُومَ مِنْ ظَالِمِهِ وَ لَا تُؤَدُّنَ الظَّالِمَ بِخِزَامَتِهِ حَتَّى أوردَهُ مِنْهُلَ الْحَقِّ وَ إِنْ كَانَ كَارِهَا» (همان، خطبه 136)؛ به خدا سوگند که داد ستمدیده را از آن که بر او ستم کرده بستانم و مهار ستمکار را بگیرم و به ناخواه او را تا به آبخور حق کشانم. در جای دیگر می فرماید: «به خدا اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمان هاست به من دهند تا خدا را نافرمانی نمایم و پوست جویی را از مورچه ای به ناروا ببرایم چنین نخواهم کرد.» (همان، خطبه 224). در فرهنگ علوی عدالت در معنایی کمک به مستمندان است تا از انزوای اقتصادی رها شوند، امام (علیه السلام) در نامه ای به یکی از فرماندارانش می نویسد: «وَ أَنْظُرْ إِلَى مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ مِنْ مَالِ اللَّهِ فَاصْرِفْهُ إِلَى مَنْ قَبْلَكَ مِنْ ذَوِي الْعِيَالِ وَ الْمَجَاعَةِ مُصِيبًا بِه مَوَاضِعَ [الْمَفَاقِرِ الْفَاقَةِ وَ الْخَلَّاتِ وَ مَا فَضَّلَ عَنْ ذَلِكَ فَاحْمِلُهُ إِلَيْنَا لِنُنْقِصَهُ فِيمَنْ قَبْلَنَا» (همان، نامه 67).

عدالت اقتصادی از چنان اهمیتی برخوردار است که با رعایت آن فقر و تنگدستی از جامعه رخت می بندد و به فراخور آن فسادهای اقتصادی به طور چشمگیری کاهش پیدا می کند. غایت عدالت اقتصادی، جامعه ای همگون و دور از فاصله طبقاتی است که مورد تأکید آموزه های دینی است.

### ب) قرض الحسنه

در فرهنگ علوی بر اهمیت قرض الحسنه و نهی از ربا توجه ویژه ای شده است و آثار قابل توجهی برای این عمل بیان گردیده است (نک: کلینی، اصول کافی، ج 4، ص 10؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 103، ص 139). امام علی (علیه السلام) در وصیت به فرزندش امام حسن (علیه السلام) فرمودند: «وَ اغْتَنِمْ مِنْ اسِّ تَقْرَضَكَ فِي حَالِ غِنَاكَ لِيَجْعَلَ قَضَاءَهُ لَكَ فِي يَوْمِ عُسْرَتِكَ» (شریف رضی، نهج البلاغه، نامه 31)؛ اگر کسی در حال بی نیازی ات از تو قرض خواست، آن را غنیمت بشمار تا اینکه در روز تنگدستی و احتیاج، او نیز قرض تو را جبران نماید. در روایات دیگر از معصومین (علیهم السلام) قرض دادن مال برتر

از بخشش مال بیان شده است (نک: مجلسی، بحار الانوار، ج 103، ص 139). شاید علت ترجیح قرض الحسنه بر صدقه و بخشش مال این باشد که قرض الحسنه باعث می شود که قرض گیرنده به فکر پرداخت

قرض خود باشد و بر همین اساس به کار و تلاش روی آورد که این مهم باعث اشتغال زائی و دوری از بیکاری و تبلی و سستی می شود؛ اما در صدقه فرد صدقه گیرنده دیگر به فکر برگرداندن پول نیست و این امر باعث می شود که به راحت طلبی و درخواست از مردم عادت نماید. تشویق بر قرض الحسنه از یک سو و نهی از رباخواری از سوی دیگر ثمرات قابل توجهی بر اقتصاد کشور می گذارد. قرض الحسنه نه تنها به شرایط بحرانی نیازمندان کمک می کند بلکه باعث جلوگیری از آسیب های اجتماعی و اقتصادی ناشی از فقر نیز می شود از سوی دیگر برعکس ربا که عاملی برای ثروتمندتر شدن اغنیا و فقیرتر شدن فقرا است، عامل مهمی در کمک به اقشار نیازمند است.

### ج) حمایت اقتصادی از اقشار آسیب پذیر

یکی از جوانب تحقق اقتصاد مقاومتی رفع فاصله طبقاتی است چراکه جامعه دارای لایه ها و طبقاتی است که قشر فقیر و محروم یکی از آن هاست. اسلام برای رفع مشکل این طبقه راهکارهایی دارد که

مهم ترین آنها صدقه، انفاق، اطعام، زکات و خمس است (جوادی آملی، انتظار بشر از دین، ص 219). فقر در یک نگاه کلی دو آسیب جدی با خود به همراه دارد، یک به لحاظ فردی که شخص فقیر ممکن است به لحاظ ایمانی به وادی کفر و ضلالت کشیده بشود و اعمال ناشایستی از جمله دزدی و .. را انجام بدهد؛ به لحاظ اجتماعی نیز فقر علاوه بر مشکلات اقتصادی در جامعه، آسیب های اجتماعی و اقتصادی به همراه می آورد و باعث می شود جامعه به مسیر کمال و سعادت رهنمون نگردد و بی امنیتی و عدم آرامش در جامعه حکم فرما باشد به علت این آثار سوء فقر است که بر مذمت آن در فرهنگ علوی تأکید شده است. امام علی (علیه السلام) فقر را بزرگ ترین مرگ قلمداد می کند (شریف رضی، نهج البلاغه، حکمت 163)؛ و آن را مایه سرگردانی عقل و علت دشمنی می داند (همان، حکمت 319). در آموزه های امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه و موارد دیگر برای ریشه کن کردن فقر در جامعه سه راهکار اساسی بیان شده است:

راهکار اول: در رابطه با فقرا است که به آن ها تأکید می کند که در هر شرایطی به کار سالم روی آورند و از تبلی و سستی بپرهیزند (نک: آمدی، غررالحکم و درر الکلم، ص 597). به عبارتی کسانی که توانایی کار دارند و ناتوان جسمی نیستند، به کار و تلاش و کسب حلال روی آورند همچنان که وظیفه دیگر مردم نیز در مرحله اول کمک اشتغالی به فقیران است نه کمک مالی، به این معنا که شرایط ایجاد کار را برای نیازمندان فراهم نمایند تا نیازی به کمک مالی نداشته باشند.

راهکار دوم: در رابطه با ثروتمندان است که با انفاق مال خود فقر را ریشه کن کنند؛ انفاق مال علاوه بر این که از هرگونه خطرهای اجتماعی و روانی جلوگیری می نماید، باعث بهره مندی از نعمت های جاوید خداوند متعال خواهد شد و می تواند یکی از عوامل رسیدن به توسعه اقتصادی مطلوب باشد؛ همچنان که قرآن کریم می فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ ... وَاللَّهُ يضاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره/261)؛ در فرهنگ علوی بر اهمیت انفاق و آثار آن توجه ویژه ای شده است (نک: قرشی، مفردات نهج البلاغه، ج 1، 499). امام علی (علیه السلام) در سفارش به مستمندان و رفع نیازهای آنان و همچنین آثار کمک به نیازمندان می فرماید: «وَ إِذَا وَجَدْتَ مِنْ أَهْلِ الْفَاقَةِ مَنْ يَحْمِلُ لَكَ زَادَكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَيُؤَافِيكَ بِهِ غَدًا حَيْثُ تَحْتَاجُ إِلَيْهِ فَأَغْنِمَهُ وَ حَمَلُهُ إِيَّاهُ وَ أَكْثَرُ مِنْ تَزْوِيدِهِ وَ أَنْتَ قَادِرٌ عَلَيْهِ فَلَعَلَّكَ تَطْلُبُهُ فَلَا تَجِدَهُ» (شریف رضی، نهج البلاغه، نامه 31). این سخن امام حاکی از انفاق و توجه به نیازمندان است. درواقع انفاق علاوه بر حمایت اقتصادی از قشر آسیب پذیر، باعث توسعه اقتصادی نیز خواهد شد (نک: غضنفری، محمدی، توسعه اقتصادی از منظر قرآن کریم، ص 108-113).

راهکار سوم: در فرهنگ علوی برای ریشه کن شدن فقر، وظیفه دولت نسبت به نیازمندان است. امام (علیه السلام) در این باره در نامه ای به یکی از فرمانداران خود می نویسد: «وَ إِنْ لَكَ فِي هَذِهِ الصَّدَقَةِ نَصِيباً مَفْرُوضاً وَ حَقّاً مَعْلُوماً وَ شُرَكَاءَ أَهْلِ مَسَدِ كَنِهِ وَ ضِدَّ عَفَاءِ ذَوِي فَاقِهِ وَ إِنَّا مُؤَفَّوِكَ حَقِّكَ فَوْقَهُمْ حُقُوقَهُمْ وَ إِلَّا تَفْعَلْ فَإِنَّكَ مِنْ أَكْثَرِ النَّاسِ خُصُوماً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (شریف رضی، نهج البلاغه، نامه 26)؛ برای تو در این زکاتی که جمع می کنی سهمی معین و حقی روشن است و



شریکانی از مستمندان و ضعیفان داری همان گونه که ما حق تو را می دهیم، تو هم باید نسبت به حقوق آنان وفادار باشی. پس باید حقوق آنان را به طور کامل پردازی؛ در غیر این صورت در روز رستاخیز از اکثر مردم دارای بیشترین خصمان (شکایت) خواهی بود. بنابراین با اجرائی کردن این اصول در رابطه با فقرا بسیاری از آسیب های اجتماعی و اقتصادی رفع می شود و امنیت و آرامش در جامعه بیشتر می گردد.

## مؤلفه های اقدامی جهت استقلال و اقتدار اقتصادی

### اشاره

استقلال سیاسی یک کشور مرهون استقلال اقتصادی آن است، اگر جامعه ای استقلال سیاسی داشته باشد؛ اما استقلال اقتصادی نداشته باشد، روبه زوال می رود و دشمنان با تحمیل تحریم ها، استقلال سیاسی را نیز از آن کشور می گیرند؛ در برخی از پژوهش های جهانی برخی پژوهشگران با بررسی 120 مورد تحریم اقتصادی، مدعی هستند که تحریم های اقتصادی در 34% موفق بوده اند. تحریم هایی که به منظور کاهش رفاه اجتماعی بنا شده اند، اگر به کاهش زیاد رفاه اجتماعی منتهی گردند می توانند باعث آشوب و نارضایتی های اجتماعی و به تبع آن منجر به براندازی دولت های شوند. (Hufbauer, Economic Sanction Reconsidered—Histori and Policy) به باور برخی از پژوهشگران اهداف تحریم های اقتصادی کاهش رفاه و امنیت در جامعه تحریم شونده و به دنبال آن براندازی نظام حاکم در آن کشور است. (Rennack, North Korea: Economic Sancations, Washington.) برخی پژوهش های اقتصادی با مطالعه موردی تأثیر تحریم ها در اقتصاد ایران این مطلب را بیان داشته اند که تحریم ها در تولید، رفاه اجتماعی و فروش نفت و کالاهای مصرفی تأثیرات فراوانی داشته است. بر اساس این پژوهش تولید تحقق یافته در سال 1390، شدت تأثیر تحریم های نفتی، کاهش معادل 30% در تولید ناخالص داخلی داشته و اعمال انواع تحریم ها بین 30 تا 50% در کاهش تولید ناخالص داخلی نقش داشته است (نک: مرزبان، حسین، استادزاد، علی حسین، تأثیر تحریم های اقتصادی بر تولید و رفاه اجتماعی ایران: رهیافتی از الگوی رشد تعمیم یافته تصادفی، ص 69-37)؛ بنابراین می توان یکی از

اهداف استکبار جهانی در غلبه بر جوامع اسلامی را، اعمال تحریم های اقتصادی بیان نمود که سابقه این مهم از همان ظهور اسلام نمود پیدا کرده است. در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) تحریم اقتصادی مسلمانان در شعب ابی طالب (علیه السلام) (نک: اصفهانی، دلائل النبوه، ج 2، ص 311). یکی از نمودهای فشارهای استکبار در غلبه به جامعه اسلامی بوده است. اگر جامعه ای استقلال سیاسی داشته باشد اما استقلال اقتصادی نداشته باشد رویه زوال می رود و دشمنان با تحمیل تحریم ها، استقلال سیاسی را نیز از آن کشور می گیرند؛ رسیدن به استقلال اقتصادی غایت اقتصاد مقاومتی است. استقلال اقتصادی تلاشی همه جانبه را می طلبد که با نهادینه سازی فرهنگ اتکا به تولید داخلی و حمایت از آن و مصرف گرائی داخلی و نهی از استفاده از کالاهای قاچاق ممکن می شود، همه راهکارهایی که در موارد پیشین بیان شد مرتبط با استقلال اقتصادی کشور است علاوه بر موارد پیش گفته، به برخی دیگر از این راهکارها اشاره می شود:

### **الف) برنامه ریزی اقتصادی**

اقتصاد سالم، پویا و اسلامی می تواند جامعه را به رشد و تکامل دنیوی و اخروی برساند به این معنا که هم موجب رونق و شکوفایی اقتصاد کشور می شود هم باعث جلوگیری از ورود کالاهای قاچاق و بیگانه به کشور می گردد. این مهم در پرتو برنامه ریزی درست اقتصادی برمی آید. همچنان که در سوره یوسف نمودی از برنامه ریزی اقتصادی بیان گردیده است: «قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابَّأَ فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرَوْهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ» (یوسف/47)؛ گفت: هفت سال پی در پی می کارید، و آنچه را درویدید- جز اندکی را که می خورید- در خوشه اش واگذارید.

در این آیه مبارک به برنامه ریزی اقتصادی اشاره شده است که از درون مایه آن این مطلب استنباط می شود که در زمان ها و موقعیت های مختلف، رویکرد اقتصادی جامعه باید متفاوت باشد؛ در زمان فراوانی نعمت باید طوری عمل شود که در زمان فقدان آن، جامعه دچار مشکل اقتصادی نشود. در زمان حاضر برنامه ریزی اقتصادی کمک والایی در جهت مدیریت تحریم های اقتصادی می نماید.

اهل بیت (علیهم السلام) به برنامه ریزی در زندگی و در رأس آن برنامه ریزی اقتصادی توجه ویژه ای داشته اند و برای آن اهمیت زیادی قائل شده اند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) در این باره می فرماید: «هر کس برای گذران زندگانی خویش به درستی برنامه ریزی کند، خدای - تبارک و تعالی - روزی اش می بخشد.» (متقی هندی، کنز العمال، ج 7، ص 188). در نهی از بی برنامه ریزی می فرماید: «بر امت خویش نه از فقر، که از برنامه ریزی نادرست بیم دارم» (احسائی، عوالی اللئالی، ج 4، ص 39). امام علی (علیهم السلام) در اهمیت برنامه ریزی اقتصادی می فرماید: «حُسْنُ التَّدْبِيرِ يَنْمِي قَلِيلَ الْمَالِ وَ سُوءُ التَّدْبِيرِ يَفْنِي كَثِيرَهُ» (آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ح 8081)؛ برنامه ریزی درست، مال کم را افزایش می بخشد و برنامه ریزی نادرست، مال بسیار را نابود می کند. در همین رابطه می فرماید: «ثَلَاثٌ بِهِنَّ يَكْمُلُ الْمُسْلِمُ التَّقْوَةُ فِي الدِّينِ وَ التَّدْبِيرُ فِي الْمَعِيشَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّوَائِبِ» (صدوق، خصال، ج 1، ص 124)؛ سه چیز است که با آن ها ایمان مسلمان کامل می شود، فهم دین و شناخت آن، اندازه نگه داشتن در امور مربوط به معیشت و زندگی اقتصادی و صبر بر مصائب و مشکلات. برنامه ریزی اقتصادی در دو سطح خرد و کلان قابلیت اجرائی دارد که می تواند به توسعه اقتصادی جامعه کمک نماید. در سطح خرد رسالت خانوارها مدیریت صحیح اقتصادی خانواده است. اصلاح الگوی مصرف، برنامه ریزی صحیح درآمدهای سالانه، اجتناب از مصرف بیهوده درآمد جهت کالاهای غیر ضروری و قناعت و پس انداز لازم می تواند در بحران های اقتصادی و یا رکود کار و قطع درآمد، به خانواده کمک شایانی نماید. در سطح کلان، برنامه ریزی صحیح بودجه کشوری، مدیریت مصرف و هزینه ها، اجتناب از اتلاف بیت المال، مدیریت منابع مالی، مادی و انسانی جامعه و توجه به نیازهای ضروری کشور و همچنین شرایط اقتصادی کشور با توجه به وجود تحریم ها می تواند از افول اقتصادی جامعه، تورم و دیگر آسیب های اقتصادی جلوگیری نماید که این مهم توسعه اقتصادی جامعه را فراهم می نماید.

## **(ب) تشویق بر استقلال و اقتدار اقتصادی**

اقتدار یک جامعه منوط بر استقلال اقتصادی هر کشور است. قرآن کریم در آیات

مختلف با تشویق بر این امر اقتدار و استقلال جامعه اسلامی را متذکر شده است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسَّ تَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال/60)؛ «و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب های آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی شناسیدشان و خدا آنان را می شناسد - بترسانید. و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما باز گردانیده می شود و بر شما ستم نخواهد رفت.

در این آیه مبارک خداوند مسلمان را به تلاش جهت تقویت بنیه نظامی در برابر دشمنان دستور می دهد که این مهم باعث جلوگیری از رسوخ دشمن به جامعه اسلامی می شود. بدون شک تقویت بنیه نظامی و دربینی استقلال سیاسی بدون داشتن استقلال اقتصادی ناممکن است و شاید بر همین اساس است که در ادامه آیه صحبت از انفاق در راه خدا می شود که با آن انفاق بتوان به تقویت نیروی نظامی جامعه اسلامی پرداخت؛ چراکه تأمین نیازهای نیروهای نظامی و تهیه ابزار نظامی نیاز به توان مالی دارد. استقلال اقتصادی جامعه به طور قابل توجهی بر همه بخش های جامعه تأثیر می گذارد. در نهج البلاغه نیز به استقلال اقتصادی جامعه تأکید شده است؛ امام علی (علیه السلام) در نامه به مالک اشتر نیروی نظامی جامعه اسلامی را دژهای استوار برای رعیت و عزت دین بیان می دارد که کار رعیت باوجود آن ها سامان می گیرد: «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَةِ وَزِينُ الْوَلَاةِ وَعِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَةُ إِلَّا بِهِمْ» (شریف رضی، نهج البلاغه، نامه 53).

ایشان خراج یا همان مالیات را عاملی در تقویت نیروی نظامی جامعه بیان می کند: «ثُمَّ لَا قِيَامَ لِلْجُنُودِ إِلَّا بِمَا يَخْرُجُ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْخَرَاجِ الَّذِي يَقْوُونَ بِهِ عَلَى جِهَادِ عَدُوِّهِمْ وَ يَعْتَمِدُونَ عَلَيْهِ فِيمَا يَصِلُحُهُمْ وَ يَكُونُ مِنْ وَرَاءِ حَاجَتِهِمْ» (همان). امام (علیه السلام) در این فراز اقتصاد را عاملی در تقویت نیروی نظامی جامعه اسلامی بیان می کند که با آن در مقابل دشمن نیرومند باشند و کار خود را با آن خراج مالی سامان بدهند. به بیانی استقلال سیاسی جامعه منوط به نیروی

نظامی نیرومند است که در مقابل دشمنان ایستادگی کنند و وجود نیروی نظامی و تقویت آن نیز منوط به اقتصاد مستحکم جامعه اسلامی است که با آن علاوه بر تأمین نیازهای مادی افراد، به تقویت نیروی نظامی نیز کمک نماید. امام (علیه السلام) در ادامه به نقش اقتصادی تجّار در تقویت بنیان های اقتصادی جامعه اشاره می کند: «وَلَا قَوْمَ لَهُمْ جَمِيعًا إِلَّا بِالْتُّجَّارِ وَذَوِي الصَّنَاعَاتِ فِيمَا يَجْتَمِعُونَ عَلَيْهِ مِنْ مَرَافِقِهِمْ وَ يَقِيمُونَهُ مِنْ أَسْوَاقِهِمْ وَيَكْفُونَهُمْ مِنَ التَّرَفُّقِ بِأَيْدِيهِمْ» (همان). امیرالمؤمنین (علیه السلام) پایداری همه قشرهای جامعه از رعیت، نیروی نظامی و قضات را منوط به وجود تجار و بازرگانان می داند که با وجود آنها نیازهای اقتصادی جامعه برآورده می شود و باعث شکوفایی اقتصادی جامعه می شوند. بنابراین استقلال و توسعه اقتصادی جامعه عاملی مهم در استقلال سیاسی جامعه اسلامی و شکوفایی آن است که با توجه به راهکارهایی که در آموزه های دینی بیان شده می توان به این مهم نائل شد.

علاوه بر این در نهج البلاغه و روایات دیگر معصومین (علیهم السلام) به صورت کلی با ارائه راهکارهای متعدد (نک: شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه 18؛ برقی قمی، جلوه حق در سیرت مولای متقیان امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ص 55؛ قریشی، کار و حقوق کارگر، ص 6؛ کلینی، اصول کافی، ج 5، ص 113؛ عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج 471؛ حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج 17، ص 425؛ منّی هندی، کنز العمّال، ص 285)، تشویق به استقلال اقتصادی و عدم نیاز به بیگانگان شده است. باید توجه داشت استقلال اقتصادی مرهون تلاش همه جانبه افراد جامعه است. تک تک اعضای جامعه می توانند در استقلال اقتصادی نقش داشته باشند. وقتی افراد جامعه به مصرف کالاهای داخلی روی بیاورند و از مصرف کالاهای قاچاق و بیگانه پرهیزند خود تولید داخلی رونق می گیرد. زمانی که مسئولان پایبند به عدالت اقتصادی باشند و در بهره مندی از بیت المال تبعیض قائل نشوند فقر و اختلاف طبقاتی از میان خواهد رفت؛ زمانی که سیره علوی در استفاده از بیت المال نهادینه شود بسیاری از آسیب های اقتصادی از بین خواهد رفت. برنامه ریزی

صحیح و همه جانبه اقتصادی می تواند غایت اقتصاد مقاومتی را که اقتصادی سالم و فعال و مقتدر و مستقل است فراهم نماید که این مهم به تحقق اقتصاد مقاومتی کمک می نماید.

## نتیجه

بر اساس مطالب پیش گفته برآیند نهائی مقاله را می توان در موارد زیر فهرست نمود:

یکی از لوازم لاینفک زندگی هر انسانی مبحث اقتصاد و تأمین نیازهای زندگی است؛ اقتصاد سالم و اسلامی از مهم ترین شاخصه های زندگی اسلامی است بر همین اساس در آموزه های امام علی (علیه السلام) اصل اقتصاد اسلامی در سطح خرد و کلان آن بیان شده است و شاخصه ها و مؤلفه های مهمی جهت رسیدن به اقتصاد سالم و شایسته بیان گردیده است. راهکارهای اجرائی اقتصاد مقاومتی در دو حیطة:

فردی و اجتماعی نمایان است، به گونه ای که در سطح جزئی شاخصه های اقتصاد اسلامی و راه های کسب رزق و روزی حلال پیش روی انسان قرار گرفته و در سطح کلان با ارائه راهکارهای کلی تأکید بر حفظ استقلال اقتصادی و اقتصاد سالم و پویا شده است.

در نهج البلاغه راهکارهای متعددی جهت تحقق اقتصاد سالم و پویا و رفع فقر و فاصله طبقاتی بیان گردیده است که اجرائی نمودن این شاخصه ها به تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی کمک می نماید. برخی از

راهکارهای اجرائی اقتصاد مقاومتی در جهت رفع بیکاری و پیامدهای ناشی از آن در جامعه است در این راهکارها تلاش جهت فعال کردن تمام اقشار جامعه برای کسب روزی حلال است؛ توسعه فرهنگ تلاش و کوشش و توجه و حمایت از تولید از جمله این راهکارها هستند. برخی دیگر از راهکارها غالباً در جهت آسیب شناسی اقتصاد مقاومتی بیان شده اند، این راهکارها مواردی را که به عنوان آفت اقتصاد سالم می باشند بیان می دارند و جهت جلوگیری و ورود آنها به اقتصاد خرد و کلان کشور برنامه ریزی می کنند؛ انضباط اقتصادی، نهی استفاده از کالاهای قاچاق و اخلاق اقتصادی، از جمله این راهکارها می باشند. در فرهنگ علوی برخی از راهکارهای اقتصاد مقاومتی در راستای رفع فقر و فاصله طبقاتی از جامعه و آسیب های اجتماعی و اقتصادی آن،

بیان شده اند از جمله قرض الحسنه، عدالت اقتصادی و حمایت اقتصادی از اقشار آسیب پذیر در قالب انفاق واجب و مستحب. راهکارهای اقتصاد مقاومتی به جنبه کلی اقتصاد کشور نیز توجه داشته و غایت آن ها استقلال و اقتدار اقتصادی کشور می باشند از جمله این راهکارها می توان به تشویق به استقلال و اقتدار اقتصادی در سطح جامعه و برنامه ریزی صحیح اقتصادی اشاره نمود.

هدف اقتصاد مقاومتی تأمین آسایش عمومی، رفع فقر و عدالت اقتصادی از یک سو و استقلال اقتصادی از سوی دیگر است و غایت آن وسیله ای برای رسیدن به خداوند و تحقق بخشیدن به آرمان های حکومت اسلامی است. دو عنصر تبیین صحیح راهکارهای اقتصاد مقاومتی و راهکارهای اجرائی و ضامن تحقق آن زمینه ساز مهمی برای به نتیجه رسیدن اهداف اقتصاد مقاومتی می باشند.

ص: 124

- قرآن کریم، ترجمه: فولادوند، محمد مهدی، تهران: دارالقرآن الکریم، چاپ اول، 1415ق.
- شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، 1370ش.
1. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و درر الکلم، قم: انتشارات محدث، چاپ اول، 1379ش.
  2. آهنگران، محمد رسول، همگونی اقتصاد مقاومتی با فقه و فرهنگ اسلامی و زمینه ساز بودن آن برای ظهور مهدی موعود، مجله پژوهش های اعتقادی کلامی، شماره 26، 1396.
  3. ابن حزم الاندلسی، ابو محمد، المحلی بالاثار، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1408.
  4. احسانی، ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، تحقیق، مجتبی عراقی، قم: مطبعه سید الشهداء، 1403ق.
  5. اصغری، محمود، اقتصاد مقاومتی، گفتمان راهبرد تولید ثروت در بستر نظام دینی از منظر رهبری، فصلنامه پژوهش های اجتماعی اسلامی، سال بیست و دوم، شماره 4، 1395.
  6. اصفهانی، ابونعیم احمد بن عبدالله، دلائل النبوه، بیروت، دارالفنایس، چاپ سوم، 1412ق.
  7. ایروانی، جواد، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، 1384ش.
  8. برقعی قمی، سید علی اکبر، جلوه ی حق در سیرت مولای متقیان امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام)، تهران، انتشارات حافظ، بی تا.
  9. بنیانیان، حسن، الزامات فرهنگی اقتصاد مقاومتی، نشریه راهبرد توسعه، شماره 47، 1395.
  10. جرداق، جرج، امام علی (علیه السلام) صدای عدالت انسانی، ترجمه سید هادی خسروشاهی، قم: نشر خرم، 1376.
  11. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ پنجم، 1387ش.
  12. حر عاملی، شیخ محمدحسن، وسائل الشیعه، تهران: مکتبه الاسلامیه، 1383ق.
  13. حسین پور، داوود، محمدی سیاهبومی، حمیدرضا، سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی برای برون رفت از بحران، فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی، سال چهارم، شماره 16، 1395.
  14. حکیمی، علی، حکیمی، محمد، حکیمی، محمدرضا، الحیاه، ترجمه: احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1380.



15. خالقیان میمند، علی، واعظ برزانی، محمد، طغیانی، مهدی، سیاست های مالی تحت راهبرد اقتصاد مقاومتی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره 66، 1396.

ص: 125

16. زارع، محمدحسن، مدیریت اقتصادی خانواده (راهکارهایی جهت مدیریت بهتر اقتصاد خانواده)، فصلنامه مدیریت در اسلام (نخل شهداد)، شماره 30، 1395.
17. سلیمانی، یاسر، حسین زاده یزدی، سید سعید، سمیعی نسب، مصطفی، مؤلفه های الگوی توانمندسازی مقاومتی نیروی کار در چارچوب سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، شماره 73، 1395.
18. سیف، الله مراد، خوش کلام خسروشاهی، موسی، «نظام ارزی مطلوب اقتصاد ایران در اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، دوره 18، شماره 54، صفحات 181-204، 1392 ش.
19. صدوق، محمد بن علی بابویه، خصال، قم: جامعه مدرسین، 1362.
20. صدوق، محمد بن علی بابویه، من لایحضره الفقیه، تهران: مطبعه الآفتاب، 1376 ق.
21. طهماسبی بلداجی، اصغر، طهماسبی بلداجی، آذر، جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)، فصلنامه قرآنی کوثر، شماره 42، 1392 ش.
22. عروسی حویزی، شیخ عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم: مطبعه العلمیه، بی تا.
23. علم الهدی، سید سجاد، روش شناسی اقتصاد اسلامی بر اساس عملکرد اقتصادی امام علی (علیه السلام)، پژوهشنامه علوی، سال هفتم، شماره دوم، 1395 ش.
24. غضنفری، علی، محمدی، باب الله، توسعه اقتصادی از منظر قرآن کریم، فصلنامه آفاق دین، سال دوم، شماره 7، 1390 ش.
25. فتحعلیانی، حامد، حسینی، سید حمید، اقتصاد اسلامی، شاخصه های زمینه ساز در اخلاق اقتصادی بر مبنای قرآن و نهج البلاغه، فصلنامه پژوهش های اعتقادی کلامی، شماره 29، 1397 ش.
26. قرشی، علی اکبر، مفردات نهج البلاغه، تهران، قبله، 1377.
27. قریشی، شریف، کار و حقوق کارگر، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1366.
28. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، 1364 ش.
29. متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرساله، 1409 ق.
30. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، 1403 ق.
31. مرزبان، حسین، استاذزاد، علی حسین، تأثیر تحریم های اقتصادی بر تولید و رفاه اجتماعی ایران: رهیافتی از الگوی رشد تعمیم یافته تصادفی، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، سال بیستم، شماره 63، 1394.



Rennack, D.E , North Korea: Economic Sancations, Washington, D.C, Congressional Reserch Service, . 8  
.2006

Hufbauer, S.E, Economic Sanction Reconsidered–Histori and Policy, 2 Edition , Institute for International  
Economics, Washington

ص: 127



#### 4. تحلیل سیاست های اقتصادی حضرت علی (علیه السلام) خطاب به کارگزاران

##### اشاره

و مصادیق آن در بیانیه گام دوم انقلاب رهبری

اکرم السادات میرممتاز(1)، عبدالحسین کنگازیان(2)

ص: 129

---

1- . عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان؛ [mirmomtaz@iaufala.ac.ir](mailto:mirmomtaz@iaufala.ac.ir)

2- . عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان؛ [kangazian@khuisf.ac.ir](mailto:kangazian@khuisf.ac.ir)



این پژوهش سعی دارد تا سیاست های اقتصادی حضرت علی (علیه السلام) را از لابه لای نامه های ایشان به کارگزاران واکاوی و تبیین نموده و نشان دهد که سیاست های اقتصادی در بیانیه گام دوم رهبری مصداق های روشنی از همین سیاست هاست. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی سیاست های اقتصادی علوی پرداخته شده است. از نتایج تحقیق می توان به موارد زیر اشاره کرد:

در بیانیه گام دوم، تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، درون زایی اقتصاد کشور و مولد شدن آن، توزیع عدالت محور، تأکید بر طهارت اقتصادی و اصلاح بودجه بندی معیوب و نامتوازن و رعایت اولویت ها، مصادیقی از توصیه های مدیریت اقتصادی حضرت علی (علیه السلام)

می باشد. هم چنین تأکید بر قاطعیت و حساسیت دستگاه های نظارتی و دولتی بر پیش گیری از فساد و مبارزه با رشد آن، داشتن دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه گانه، مصادیقی از توصیه های امام علی (علیه السلام) در مورد وظایف رهبر نسبت به کارگزاران در مدیریت اقتصادی است. بر حذر بودن از شیطان، حرص و لقمه حرام و کمک خواستن از خداوند در این باره، از دیگر تأکیدات بیانیه گام دوم است که با توصیه های امام (علیه السلام) در مورد مسئولیت دولت در مبارزه با ظلم اقتصادی هم آهنگی دارد.

کلیدواژه ها: امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم، سیاست های اقتصادی، امنیت اقتصادی، مدیریت اقتصادی.



با دقت در متن خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار امام علی (علیه السلام) با این حقیقت آشنا می‌شویم که آن حضرت؛ هم سیاست مدار است و هم مجری سیاست صحیح. ریزه کاری‌های سیاسی، کشورداری و مردم‌داری را به خوبی می‌دانست، بیان می‌کرد و به دیگران تعلیم می‌داد. آن‌ها را از متن اسلام و معارف قرآن بیرون می‌کشید و با تکیه بر اصول و مبانی اسلامی و انسانی، دستورالعمل برخورد سیاسی صادر می‌نمود سیاست علی (علیه السلام) سیاست پای بندی به قرآن و موازین انسانی بود (خاتمی، سیره سیاسی امام علی (علیه السلام)، ص 24). «بیش‌ترین جلوه‌های سیاست و کشورداری علی (علیه السلام) در نهج البلاغه دیده می‌شود. از سخنان خصوصی و نامه‌های به افراد گرفته تا هشدارهای عمومی، همه نشانی از تلاش حضرت در اداره امور مملکت است».

این پژوهش سعی دارد تا با توجه به تعریف ذکرشده، سیاست‌های اقتصادی حضرت علی (علیه السلام) را - که از لابه لای نامه‌های ایشان خطاب به کارگزاران در نهج البلاغه انشاء شده است - واکاوی و تبیین نموده و نشان دهد که سیاست‌های اقتصادی در بیانیه گام دوم رهبری مصداق‌هایی روشن از همین سیاست هاست.

### پیشینه

در مورد سیاست‌های اقتصادی حضرت علی (علیه السلام) مطالعات متعددی صورت پذیرفته است.

به عنوان مثال بهرامی و مهدیه (تحلیلی بر سازوکارهای عملی اقتصاد مقاومتی در نهج البلاغه...) در تحلیلی بر سازوکارهای عملی اقتصاد مقاومتی در نهج البلاغه با تکیه بر وظایف دولت، نتیجه می‌گیرند که دولت وظایف پنج‌گانه‌ای را برای تحقق اقتصاد مقاومتی مطابق سیاست‌های اقتصادی حضرت علی (علیه السلام) شامل: اجرای عدالت اقتصادی، حمایت از فعالان اقتصادی، ایجاد امنیت اقتصادی، ایجاد رفاه معیشتی برای عموم مردم و بازیابی جایگاه زهد در ساختار اقتصادی بر عهده دارد.

علم الهدی (روش شناسی اقتصاد اسلامی بر اساس عمل کرد اقتصاد امام علی (علیه السلام) با بررسی روش شناسی اقتصاد اسلامی نتیجه می گیرد که توزیع عادلانه درآمد و ثروت و امکانات اجتماعی، رعایت عادلانه و مجدانه قوانین و مقررات و تکریم انسان ها از ویژگی های بارز سیاست های اقتصادی علوی است.

هادوی نیا (عدالت اجتماعی-اقتصادی در دیدگاه نهج البلاغه) عدالت اجتماعی-اقتصادی را از دیدگاه نهج البلاغه مورد واکاوی قرار داده و در مور مباحث اقتصادی نتیجه می گیرد که: 1. کاهش فاصله طبقاتی (توازن اقتصادی) هدف اصلی عدالت اجتماعی از منظر حضرت علی (علیه السلام) است. 2. دیدگاه نهج البلاغه در مورد عدالت اقتصادی به توازن اقتصادی برمی گردد. 3. عدالت اقتصادی مهم ترین هدف تشکیل حکومت از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) می باشد.

رحیمی به بررسی نفی خواری در نهج البلاغه پرداخته و نتیجه گرفته است که نهج البلاغه رانت خواری را از دو منظر سیاسی و اقتصادی به شدت نفی نموده است. لزوم پاسخ گو بودن دولت و نکوهش عدم پاسخ گویی دولت به جامعه، عدم برتری افراد در کسب مقامات حکومتی و تأکید بر مساوی بودن حکومت با مسئولیت در برابر خدا و مردم، توجه به درآمدهای عمومی، ترویج تولید و ترویج فرهنگ کار از مواردی است که می تواند موجب از بین رفتن رانت خواری در حکومت گردد.

به غیر از موارد ذکر شده می توان به کارهای مولایی (مطالعه تطبیقی اندیشه های اقتصادی امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه با عقاید برخی از اقتصاددانان؛ آشنایی با اندیشه های اقتصادی امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه؛ محمدیان و همکاران (دیدگاه های اقتصادی امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه)؛ اصغری (مدیریت اقتصادی امام علی (علیه السلام) تحقق بخش عدالت اجتماعی)؛ گیلک حکیم آباد (امام علی (علیه السلام)، دولت و سیاست های اقتصادی)؛ دلشاد تهرانی (دلالت دولت)؛ اباذری جزی و میرممتاز (نامه های امام علی (علیه السلام) به کارگزاران با تکیه بر اسالیب بلاغی) و حاجیان و همکاران (زمینه های شفافیت اطلاعات و عدالت اقتصادی از دیدگاه نهج البلاغه) نیز اشاره نمود.

سیاست در زبان عربی از ریشه «ساس، یسوس، سیاست» است و از نظر فراهیدی (العین، ج 7، ص 336) وقتی گفته می شود فلانی چهارپایش را سیاست کرد یعنی جا و چراگاه و علف لازم را برای آن فراهم آورد: «فعل الساس الذی یسوس الدواب سیاسته یقوم علیها و یروضها» وی با توجه به این مفهوم، سیاست را سامان دادن امور مردم توسط والی تعریف نموده است: «الوالی یسوس الرعیه و امرهم» (ابن منظور، لسان العرب، ج 6، ص 108) نیز اقدام به کار شایسته را معنی سیاست دانسته است: «القیام علی الشئ به ما یصلحه...».

در فرهنگ های فارسی برای سیاست تعبیری چون «خط مشی، تدبیر، ریاست، حکومت، مصلحت اندیشی، دوراندیشی و امر ونهی» به کار رفته است (معین، فرهنگ معین، واژه سیاست؛ دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج 28). با توجه به معانی لغوی ذکر شده، قرضای می نویسد: «سیاست به معنای اداره امور جامعه است؛ زیرا آدم ها پس از آن که درباره رسیدگی به امور و پرداختن به نیازهای چهارپایان خود تجارب زیادی را کسب نمودند، به مرحله پرداختن به اداره امور مردم و رهبری و سروسامان دادن به اوضاع زندگی شان گام نهادند، به همین سبب است که شارح قاموس اللغه گفته است: «رعیت را سیاست کردم و امر و نهی کردم و فلانی امور را سیاست کرد یعنی بدان پرداخت و انجامش داد» و سیاست به معنای اقدام شایسته به انجام کاری به صورت مجاز به کار می رود (قرضاوی، باید و نبایدهای دین و سیاست). آشوری، سیاست و امور سیاسی را گسترده تر معنی کرده و امور سیاسی را شامل مسائل مربوط به ساخت دولت، ترتیب امور در کشور، رهبری طبقات، مسائل کشاکش بر سر قدرت سیاسی میان حزب ها و گروه های بانفوذ و ... دانسته است (آشوری، دانشنامه سیاسی، ص 212-213).

اقتصاد از ریشه «قصد» به معنی راستی راه است (جرّ، المعجم العربی، واژه قصد) و در لغت به دو معناست: یک. حد وسط و میانه افراط و تفریط، «وَأَقْصِدْ فِي مَسْئِكَ» (لقمان/19)؛ دو. به امری اطلاق می‌گردد که بین پسندیده و ناپسند در نوسان است مانند آن چه بین عدل و جور، قریب و بعید فرض می‌شود «فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ» (فاطر/32)، در اصطلاح، اقتصاد حالت میانه و اعتدال بین زیاده روی و خست و رزی است (جرّ، المعجم العربی، واژه قصد). علم اقتصاد «علم مربوط به بررسی چگونگی تولید، توزیع و مصرف کالاها و هم چنین علم مربوط به بررسی نتایج این گونه فعالیت هاست. علم اقتصاد علمی است که مبادلات بین انسان را با پول یا بدون پول مورد بررسی قرار می‌دهد. علم اقتصاد علمی است که هدف آن مطالعه در بهزیستی انسان است (ر.ک: محتشم دولتشاهی، مبانی علم اقتصاد).

با توجه به معانی ذکر شده می‌توان «سیاست اقتصادی» را چنین تعریف نمود: خط مشی، تدابیر و دوراندیشی توأم با امر و نهی که حکومت و مردم برای تولید، توزیع و مصرف کالا و هم چنین انجام تبادلات پولی یا بدون پول در پیش می‌گیرند تا به بهتر زیستن مردم جوامع خود و رسیدن به اهداف مدنظر کمک نمایند.

## 2. سیاست های اقتصادی حکومت علوی

### اشاره

نامه هایی که حضرت علی (علیه السلام) به کارگزاران و شخصیت های سیاسی زمان حکومت خود نگاشته اند و در نهج البلاغه گردآوری شده شامل نامه های شماره: 5، 24، 25، 26، 31، 40، 41، 43، 45، 51، 53 و 71 است (دشتی، ترجمه نهج البلاغه، بخش نامه ها). بررسی این نامه ها نشان می‌دهد که یکی از موضوعات مهم مورد تأکید امام علی (علیه السلام) در حکومت داری، سیاست های اقتصادی اسلامی است. این سیاست ها را می‌توان در 4 موضوع شامل امنیت اقتصادی؛ مدیریت اقتصادی؛ وظایف رهبر نسبت به کارگزاران در مدیریت اقتصادی و مسئولیت دولت در مبارزه با ظلم اقتصادی دسته بندی کرد. در زیر پس

از تبیین هر موضوع و موضوعات زیر مجموع آن به مصداق یا مصادیقی از آن موضوع که در بیانیه گام دوم رهبری آورده شده اشاره می شود:

## الف. امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی (Economic Security) به لحاظ لغوی مرکب از دو واژه امنیت و اقتصاد است. واژه امنیت یا security در زبان انگلیسی از ریشه کلمه لاتین Secarus که Se به معنی بدون و Carus به معنی پریشانی گرفته شده (آذری، امنیت اقتصادی، ج 1، ص 7) و به معانی امنیت سالم و بی خطر، رهایی از اضطراب، آزاد بودن از شک و ابهام، آزاد بودن از ترس و خطر، و اطمینان داشتن، آمده است (میر معزی، نظام اقتصادی اسلام، ص 180). به طور کلی امنیت بحثی کلی درباره پیگیری رهایی از تهدید است (بوزان، مردم، دولت ها و هراس، ص 33). بر این اساس، امنیت اقتصادی عبارت است از «آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام و بلا اجرا ماندن تعهدات و مطالبات و درعین حال حصول اطمینان از برخورداری از ثمره فعالیت هایی که در زمینه تولید ثروت و توزیع و مصرف آن صورت می گیرد (برومند و همکاران، امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب، ص 25)». با توجه به این تعریف می توان نتیجه گرفت که زمینه های امنیت را باید در امر تولید، توزیع و مصرف ایجاد نمود.

حضرت علی (علیه السلام) در زمینه تولید با ذکر مصداقی از تولید کشاورزی می فرماید: «وَلْيَكُنْ نَظْرَكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ» (نامه 53، بند 4) توجه کارگزاران را به امر کشاورزی (تولید) جلب می نمایند. علاوه بر امر به تولید، استفاده صحیح از تولیدات به نحوی که منجر به از بین رفتن واحد تولیدی نشود را نیز سفارش کرده اند و مردم را تشویق به مصرف تولیدات خود و حفظ واحدهای تولیدی شان نموده اند آن جا که می فرماید: «وَيَشْتَرِطُ عَلَى الَّذِي يَجْعَلُهُ إِلَيْهِ أَنْ يَتْرَكَ الْمَالَ عَلَى أُصُولِهِ وَيُنْفِقَ مِنْ ثَمَرِهِ حَيْثُ أَمَرَ بِهِ وَهَدَى لَهُ...» (نامه 24)؛ با کسی که این اموال [نخلستان] در دست اوست شرط می کنم اصل مال را حفظ کرده و تنها از میوه و درآمدش بخورند و انفاق کنند و هرگز نهال های درخت خرما را نفروشند تا همه این سرزمین یکپارچه به گونه ای

زیر درختان خرما قرار گیرد که راه یافتن در آن دشوار باشد». چنان چه ملاحظه می شود حضرت علی (علیه السلام) نه تنها حفظ واحدهای تولیدی را بلکه توسعه حداکثری آن را در امر ایجاد امنیت اقتصادی مهم شمرده اند. حفظ و توسعه واحدهای تولیدی به قدری از نظر ایشان اهمیت دارد که کارگزاران به دریافت مالیات و خراج کم تر و در عوض توسعه بیش تر واحدهای تولیدی امر شده اند: «وَلْيَكُنْ نَظْرَكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أْبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَجِ» (نامه 53 بند 41).

ایشان در امر توزیع نیز تأکیدی را برای کارگزاران دارند که موجب امنیت در توزیع می گردد از جمله؛ جلوگیری از احتکار و مجازات محتکران است، آن جا که می فرمایند: «فَأَمْنَعُ مِنَ الْإِحْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ

اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مَنْعَ مِنْهُ... (نامه 53، بند 6)؛ از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از آن جلوگیری می کرد». در همین نامه بند 41 به کیفر محتکر نیز اشاره دارند و می فرمایند: «فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةَ بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَتَكَلَّ بِهٖ وَعَاقِبُهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ؛ کسی که پس از منع تو احتکار کند او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود اما در کیفر او اسراف نکن». باید خرید و فروش در جامعه اسلامی نیز به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد با نرخ هایی که بر فروشنده و خریدار زیانی نرساند: «وَلْيَكُنِ الْبَيْعُ بَيْعاً سَهْلاً بِمَوَازِينِ عَدْلٍ» (نامه 53 بند 41). توزیع عادلانه از سفارشات مکرر حضرت در تأمین امنیت اقتصادی است و با مصداق قرار دادن توزیع بیت المال، مکرر به آن توصیه نموده اند از جمله؛ در نامه 43 می فرمایند: «أَلَا وَإِنَّ حَقَّ مَنْ قَبْلَكَ وَقَبْلَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِي قِسْمِهِ هَذَا الْفَيْءِ سَوَاءٌ؛ آگاه باش حق مسلمانی که نزد من یا پیش تو هستند در تقسیم بیت المال مساوی است» (همه باید نزد من آیند و سهم خود را از من بگیرند).

برای تأمین امنیت اقتصادی در امر مصرف، مهم ترین تأکید امام علی (علیه السلام) تأمین تمامی مایحتاج مشروع مردم است به طوری که هیچ کس از حاجت مشروع خودش محروم نشود. ایشان به کارگزارشان می فرمایند: «وَلَا تُحْسِبُوا أَحَدًا عَنَّا حَاجَتَهُ وَلَا تَحْسِبُوهُ عَنَّا طَلِبَتَهُ» (نامه 51)؛ هرگز کسی را از نیازمندی او بازنندارید و از خواسته های مشروعش محروم نسازید». یکی دیگر از

مسائلی که امنیت در مصرف را فراهم می آورد استفاده از تولیدات داخلی است چنان چه ذکر شد امام(علیه السلام) امر به استفاده از محصولات واحد کشاورزی خود می نمایند (نامه 24).

برای تأمین امنیت اقتصادی علاوه بر رعایت موارد فوق، حضرت علی(علیه السلام) دستورات خاصی را به کارگزاران خود داده اند تا در پرتو رعایت آن ها امنیت اقتصادی؛ هم در عرصه تولید، هم در عرصه توزیع و هم در عرصه مصرف تقویت شود. اولین دستور، اطمینان به مردم با گسترش عدالت در بین آن ها و مهربانی با رعیت است که در نامه 53 (بند 41) بدان اشاره کرده و می فرماید: «وَالثَّقَّةَ مِنْهُمْ بِمَا عَوَّدْتَهُمْ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ وَرَفْقِكَ بِهِمْ». دستور دیگر انصاف داشتن با مردم است آن جا که می فرماید: «فَأَنْصِبْ فُؤَادَ النَّاسِ مِنْ أَنْفُسِكَ كَمَا (نامه 51)؛ یعنی در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید». شکیبایی در رفع نیاز مردم، دستور دیگری است که در همین نامه به کارگزار خود داده اند: «وَاصْبِرُوا لِحَوَائِجِهِمْ؛ در برآوردن نیازهایشان شکیبا باشید». ایشان دستوراتی را در نحوه محاسبه و اخذ مالیات به کارگزاران خود توصیه نموده اند که عمل به آن ها باعث ایجاد امنیت اقتصادی می گردد. از جمله می توان به دستور ایشان به بررسی صحیح مالیات و بیت المال اشاره نمود آن جا که می فرماید: «وَتَقَدَّرْ أَمْرَ الْخَرَاجِ بِمَا يُصَلِّحُ أَهْلَهُ» (نامه 53، بند 4)؛ زیرا عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می باشد و تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت. مماشات در اخذ مالیات از دیگر دستورات ایشان به کارگزاران است: «وَلَا تَبِعَنَّ [النَّاسَ] لِلنَّاسِ فِي الْخَرَاجِ كِسْوَةَ شَيْتَاءٍ وَلَا صَيْفٍ وَلَا دَابَّةً يَعْتَمِلُونَ عَلَيْهَا وَلَا عِبْدًا وَلَا نَصْرَبِينَ أَحَدًا سَوْطًا لِمَكَانٍ دَرَاهِمٍ وَلَا تَمَسَنَّ مَالَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ مُصَلًّا وَلَا مُعَاهِدًا إِلَّا أَنْ تَجِدُوا فَرَسًا أَوْ سَيْلًا حَا يُعْدَى بِهِ عَلَى أَهْلِ الْإِسْلَامِ...» (نامه 51)؛ برای گرفتن مالیات از مردم، لباس های تابستانه یا زمستانه و مرکب سواری و برده کاری او را نفروشید و برای گرفتن درهمی، کسی را تازیانه نزنید و به مال کسی -نمازگزار باشد یا غیرمسلمانی که در پناه اسلام است- دست اندازی نکنید جز اسب یا اسلحه ای که برای تجاوز به مسلمانان به کار گرفته شده است». تخفیف در مالیات نیز از موارد دیگری است که بنا به توصیه ایشان زمینه امنیت اقتصادی را در جامعه به وجود می آورد در این رابطه

ایشان در نامه 53 (بند 4) به کارگزار خود می نویسند: «حَقَّقْتَ عَنْهُمْ بِمَا تَرَجُّوْنَ أَنْ يَصَّ لِحَ بِهِ أَمْرُهُمْ...؛ هرگز تخفیف دادن در خراج تورا نگران نسازد، زیرا آن اندوخته ای است که در آبادانی شهرهای تو و آراستن ولایت های تو نقش دارد و رعیت تورا می ستایند و تواز گسترش عدالت میان مردم خشنود خواهی شد».

## ب. مدیریت اقتصادی

به طور ساده می توان گفت که مدیریت، تخصیص منابع یک سازمان اعم از سرمایه انسانی، مالی، تجهیزات و ... به کارهای متفاوت جهت رسیدن به اهداف است. مسئله مدیریت اقتصادی مهم ترین نقش را در استفاده بهینه از منابع در اختیار، سازمان دهی نیروی انسانی و ارائه محصول از سوی هر بنگاه اقتصادی و نهاد خدمت رسان دارد که عبارت اند از: الف. مدیریت اقتصادی در بخش دولتی؛ ب. مدیریت اقتصادی در بخش عمومی؛ ج. مدیریت اقتصادی در بخش خصوصی؛ د. مدیریت اقتصادی نهادهای مدنی و صنفی (economicaaffairs, 2019).

یک. در مدیریت اقتصادی حضرت علی (علیه السلام)، قبل از تخصیص منابع؛ حفظ منابع، امانت داری و عدم خیانت در مال و منابع ارجحیت می یابد و ایشان در مکاتبات خود به کارگزارانشان بدان گوشزد می نمایند از جمله در نامه 5 می فرمایند: «وَإِنْ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمِهِ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ... وَ فِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ [تَعَالَى] عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنْتَ مِنْ خُزَّانِهِ حَتَّى تُسَلِّمَهُ إِلَيَّ؛ همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده بلکه امانتی در گردن توست... و در دست تو اموالی از ثروت های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه دار آنی تا به من بسپاری». در نامه 24 (بند 5) نیز به حفظ اموال توصیه نموده اند: «... أَنْ يَتْرَكَ الْمَالَ عَلَى أَصُولِهِ» یعنی با کسی که این اموال در دست اوست شرط می کنم اصل مال را حفظ کند. در بند 2 همان نامه به کارگزار خود عدم خیانت در مال و حساب اموال را سفارش نموده و می فرمایند: «فَارْفَعْ إِلَيَّ حِسَابَكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ حِسَابَ اللَّهِ أَعْظَمُ مِنْ حِسَابِ النَّاسِ؛ هرچه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حساب رسی خداوند از حساب رسی مردم سخت تر است».



دو. از طرف دیگر در تخصیص منابع، حضرت نهایت دقت و سخت گیری را از کارگزاران خود خواسته اند و تخصیص و تقسیم به جا و صحیح را از آنان خواستار شده اند و در مقابل کارگزاری که این گونه نبوده به شدت موضع گیری کرده و فرموده اند: «أَنْتَ تَقْسِمُ فِیَّ الْمُسْلِمِينَ الَّذِي حَارَتْهُ رَمَاحُهُمْ وَخِيُولُهُمْ وَأُرِيقتَ عَلَيْهِ دِمَاؤُهُمْ فِيمَنْ اعْتَمَرَكَ مِنْ أَعْرَابِ قَوْمِكَ... (نامه 43 بند 1 و 2)؛ غنیمت مسلمانان را که نیزه ها و اسب هایشان گردآورده و با ریخته شدن خون هایشان به دست آمده، به اعرابی که خویشاوندان تواند و تورا برگزیدند می بخشی! به خدایی که دانه را شکافت و پدیده ها را آفرید اگر این گزارش درست باشد در نزد من خوارشده و منزلت تو سبک گردیده است». در نهایت ایشان توزیع عادلانه منابع را وظیفه خود به عنوان رهبر جامعه و کارگزارانشان دانسته اند: «أَلَا وَإِنَّ حَقَّ مَنْ قَبْلَكَ وَقَبْلَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِي قِسْمِهِ هَذَا الْقِيءِ سَوَاءٌ (نامه 43)؛ آگاه باش حق مسلمانی که نزد من یا پیش تو هستند در تقسیم بیت المال مساوی است».

سه. وظایف رهبر نسبت به کارگزاران در مدیریت اقتصادی

اول. رهبر جامعه اسلامی در معنای عام و رهبر دولت به معنی خاص آن برای به ثمر رساندن اهداف اقتصادی اسلام و مدیریت آن از منظر حضرت علی (علیه السلام) وظایفی را بر عهده دارند. از دیدگاه ایشان پاک بودن و پاک ماندن رهبر یا کارگزاران تعیین شده از طرف وی شرط اول مدیریت صحیح در تمام جوانب و بخصوص مدیریت اقتصادی است. به همین دلیل ایشان در نامه به عثمان بن حنیف انصاری فرماندار بصره از گزارش مهمانی که در آن دعوت شده بود و خوردنی های رنگارنگ داشت و کاسه های پر غذا گلایه می نماید و می فرماید: «فَانظُرْ إِلَى مَا تَقْضَاهُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ فَمَا اسْتَبَّهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِطْه (نامه 45، بند 1)؛ اندیشه کن در کجایی؟ و بر سر کدام سفره می خوری؟ پس آن غذایی که حلال و حرام بودنش را نمی دانی دور بیفکن».

دوم. از وظایف دیگری که ایشان برای رهبر در اجرای مدیریت صحیح اقتصادی در نظر

گرفته و خود بدان پایبند بودند برخورد قاطع با کارگزاران خیانت کار است، مانند برخوردی که خود ایشان در نامه 41 (بند 3) خطاب به کارگزار خیانت کار نموده، تقوای الهی و برگرداندن اموال مردم را به وی گوشزد می نمایند و حتی به چنین کارگزاری می فرمایند: حتی اگر حسن و حسین چنین عمل می نمودند از من روی خوش نمی دیدند و به آرزو نمی رسیدند «فَاتَّقِ اللَّهَ وَ ارْزُقْ إِلَى هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ أَمْوَالَهُمْ...».

سوم. مراقبت دائمی از رفتار و منش کارگزاران، از دیگر وظایف رهبر اقتصادی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) است و خود چنین شیوه ای داشته و هر جا خطایی از کارگزاری سر می زد بلافاصله آن خطا را به او گوشزد و او را نکوهش می فرمودند. نامه 41 (بند 2) که در نکوهش کارگزار در سوءاستفاده از بیت المال است و نامه 71 که راجع به خیانت اقتصادی می باشد، در راستای اجرای این وظیفه است. حضرت علی (علیه السلام) در نامه 41 به کارگزار خاطی خطاب می نمایند که از حرام خوردن و حرام نوشیدن پرهیز نماید، زیرا حساب رسی قیامت و معاد در انتظار است: «أَمْ مَا تُؤْمِنُ بِالْمَعَادِ أَوْ مَا تَخَافُ نِقَاشَ الْحِسَابِ أَيُّهَا الْمَعْدُودُ كَانَ عِنْدَنَا مِنْ أَوْلَى الْأَلْبَابِ كَيْفَ تَسْبِغُ شَرَاباً وَ طَعَاماً وَ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّكَ تَأْكُلُ حَرَاماً وَ تَشْرَبُ حَرَاماً...»، و نیز در نامه 71 به کارگزار خود منذر بن الجارود که در فرمانداری خود خیانتی مرتکب شد می فرمایند: «تَعْمُرُ دُنْيَاكَ بِخَرَابِ آخِرَتِكَ وَ تَصِلُ عَشِيرَتَكَ بِقَطِيعِهِ دِينِكَ وَ لَئِنْ كَانَ مَا بَلَّغْنِي عَنْكَ حَقّاً لَجَمَلٌ أَهْلِكَ وَ شِئْءٌ نَعْلِكَ خَيْرٌ مِنْكَ وَ مَنْ كَانَ بَصِيرَةً فَكَيْفَ يَكُونُ بِأَهْلِ أَنْ يُسَدَّ بِهِ ثَغْرٌ أَوْ يُنْفَذَ بِهِ أَمْرٌ أَوْ يُعْلَى لَهُ قَدْرٌ أَوْ يُشْرَكَ فِي أَمَانَةٍ...؛ دنیای خود را با تباه کردن آخرت آبادان می کنی و برای پیوستن با خویشاوندانت از دین خدا بریده ای! اگر آن چه به من گزارش رسیده درست باشد شتر خانه ات و بند کفشت از تو با ارزش ترند و کسی که همانند تو باشد لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را ندارد و نه می تواند کاری را به انجام رساند یا ارزش او بالا رود یا شریک در امانت باشد یا از خیانتی دور ماند...».

## ج. مسئولیت دولت در مبارزه با ظلم اقتصادی

### اشاره

یکی از مهم ترین وظایف دولت اسلامی در مدیریت صحیح اقتصادی، مبارزه با فساد و

ظلم اقتصادی است؛ زیرا اگر در چرخه اقتصادی یک جامعه، تمام ارکان آن نیز درست مدیریت شده باشد اما با فساد و ظلم مبارزه مؤثر و عملی صورت نگرفته باشد، تمامی آن تلاش ها و کوشش ها ابتر باقی می ماند. حضرت علی (علیه السلام) در روش مدیریتی خود بر این مسئولیت که دولت اسلامی به عهده دارد بسیار تأکید ورزیده راه کارهایی را برای مبارزه به کارگزاران ارائه نموده اند، راهکارهای ایشان را می توان به صورت زیر دسته بندی نمود:

### یک. توصیه های ایشان در مورد اخلاق اجتماعی کارگزاران اقتصادی

رعایت این توصیه ها موجب جلوگیری از بروز ظلم می شود. این توصیه ها عبارت اند از؛ توصیه به تقوی الهی: «اتَّقِ اللَّهَ» (نامه 41)، «إِنظِلُّ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ...» (نامه 25)، «أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي سَرَائِرِ أَمْرِهِ وَ خَفِيَّاتِ عَمَلِهِ» (نامه 26)؛ توصیه به یادآوری قیامت و ترس از حساب رسی اعمال: «أَوْ مَا تَخَافُ نَقَاشَ الْحِسَابِ... فَكَأَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الْمَدَى وَ دُفِنْتَ تَحْتَ التُّرَى وَ عُرِضَتْ عَلَيْكَ أَعْمَالُكَ بِالْمَحَلِّ الَّذِي يُدَايِي الظَّالِمِ فِيهِ بِالْحَسْرَةِ وَ يَتَمَنَّي الْمُضَيِّعِ فِيهِ الرَّجْعَةَ وَ لَاتِ حِينَ مَنَاصِ» (نامه 41)؛ توصیه به خلوص و عدم دورویی: «أَخْلَصَ الْعِبَادَةَ» (نامه 26)؛ و توصیه به اندیشیدن: «فَصَحَّ رُؤْيَا» (نامه 41).

### دو. توصیه های رفتاری و کرداری به کارگزاران

امام (علیه السلام) در این توصیه ها موارد ظلم را گوشزد نموده یا برعکس موارد اخلاقی، رفتاری و کرداری را سفارش می نمایند؛ این توصیه ها عبارت اند از: توصیه به عدم تجاوز از حقوق الهی و وفاداری به حقوق مردم: «لَا تَأْخُذَنَّ مِنْهُ أَكْثَرَ مِنْ حَقِّ اللَّهِ فِي مَالِهِ» (نامه 25)، «فَوْفَهُمْ حُقُوقُهُمْ» (نامه 26)، «كَيْفَ تَسْبِغُ شَرَاباً وَ طَعَاماً وَ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّكَ تَأْكُلُ حَرَاماً وَ تَشْرَبُ حَرَاماً...» (نامه 41)؛ توصیه به داشتن رفتار منصفانه، آرام و موقرانه و پرهیز از سخت گیری و ارباب و آزار مردم: «... امض إِلَيْهِمْ بِالسَّكِينَةِ وَ الْوَقَارِ» (نامه 25)، «فَوْفَهُمْ حُقُوقُهُمْ» (نامه 25)، «... فَلَا تَدْخُلْ عَلَيْهَا دُخُولَ مُتَسَلِّطٍ عَلَيْهِ وَ لَا عَنِيفٍ بِهِ» (نامه 25)، «وَ لَا تَبِيعَنَّ لِلنَّاسِ فِي الْخَرَاجِ كِسْوَةَ شَيْتَانٍ وَ لَا صَيْفٍ وَ لَا دَابَّةً يَعْتَمِلُونَ عَلَيْهَا وَ لَا عَبْدًا وَ لَا تَضْرِبَنَّ أَحَدًا سَوْطاً لِمَكَانٍ دَرَاهِمُ...» (نامه 51)، «أَمْرُهُ أَلَّا

يَجْبَهُمْ وَلَا يَعْصَهُمْ» (نامه 26)؛ توصیه به عدم بی‌اعتنایی به نیاز مردم و داشتن شکیبایی در رفع آن: «وَلَا يَرْغَبُ عَنْهُمْ تَقْضًا بِالْإِمَارَةِ عَلَيْهِمْ» (نامه 26)، «اصْبِرُوا لِحَوَائِجِهِمْ» (نامه 51)؛ توصیه به کمک به رعایا، خوش رفتاری، برگرداندن اموال به ضعفاء و مجاهدان: «وَلَا الرَّعِيَّةَ مَعُونَةً» (نامه 51)، «لَا الْجُنْدَ حُسْنَ سِيرَةٍ» (نامه 51)، «وَأَزِدْ إِلَى هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ أَمْوَالَهُمْ» (نامه 41).

## نتیجه

مقایسه بین بخش اقتصادی و بخش عدالت و مبارزه با فساد بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری با توصیه های اقتصادی حضرت علی (علیه السلام) خطاب به کارگزاران نشان دهنده آن است که نکات مندرج در آن بیانیه، مصادیق بارزی از توصیه های امام (علیه السلام) می باشد. از محورهای بیانیه تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت است که مطابق با توصیه ای است که در بخش امنیت اقتصادی و در مبحث امنیت تولید از حضرت نقل قول گردید. این توصیه مؤید تأکیدات بیانیه در درون زایی اقتصاد کشور و مولّد شدن آن نیز می باشد. توزیع عدالت محور که مورد تأکید مکرر رهبری بوده و در بیانیه نیز بدان اشاره شده است مصداقی از توصیه های حضرت علی (علیه السلام) است که در بخش امنیت اقتصادی و در مبحث امنیت تولید بدان پرداخته شد. مصرف به اندازه و بی اسراف از جمله تأکیدات مهم بیانیه گام دوم انقلاب است که توسط رهبری در سال های اخیر نیز بر آن تأکید شده است. این تأکید نیز مصداقی از توصیه های امام علی (علیه السلام) در بخش امنیت مصرف است. در بیانیه گام دوم، طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی دانسته شده است، این توصیه نیز مصداقی از تأکیدات حضرت علی (علیه السلام) در حفظ منابع، امانت داری و عدم خیانت در منابع و در تأکید بر پاک بودن و پاک ماندن رهبر یا کارگزاران است. در بخش مدیریت اقتصادی اشاره شد که امام (علیه السلام) به نهایت دقت و سخت گیری در تخصیص منابع، امر فرموده اند. در بیانیه گام دوم از جمله عیوب مدیریتی، بودجه بندی معیوب و نامتوازن و عدم رعایت اولویت ها عنوان شده است که می تواند مصادیقی از این

فرمایش حضرت باشد. از دیگر تأکیدات بیانیه گام دوم آن است که دستگاه های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت از تشکیل نطفه فساد پیش گیری و با رشد آن مبارزه کنند و در جایی دیگر تأکید می نماید که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه گانه حضور دائم داشته باشد. این تأکید مصداقی از توصیه های حضرت علی (علیه السلام) در برخورد با خیانت کاران و نظارت دائمی بر کارگزاران می باشد. توصیه هایی که حضرت علی (علیه السلام) در مورد اخلاق اجتماعی کارگزاران بیان فرمودند مصداق این توصیه ها در این جمله بیانیه یافت می شود که همه باید از شیطان حرص بر حذر باشند و از لقمه حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند.

- قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و گروهی از اساتید جامعه المصطفی، قم، انتشارات المصطفی، 1388 ش.
- نهج البلاغه، شریف رضی، ترجمه: محمد دشتی، قم، نشر مشهور، 1379 ش.
1. ابادری جزی، ن؛ میرممتاز، ا، نامه های امام علی (علیه السلام) به کارگزاران با تکیه بر اسالیب بلاغی، اصفهان، کتابنامه نجف، 1396.
  2. ابن منظور، محمد ابن مکرم، لسان العرب، بیروت، انتشارات دارالصادر، 1414 ق.
  3. اصغری، م، مدیریت اقتصادی امام علی ((علیه السلام)) تحقق بخش عدالت اجتماعی، شماره 32، 1380.
  4. آذری، م، امنیت اقتصادی (مجموعه مقالات)، جلد 1، تهران، مؤسسه تدبیر اقتصادی، 1387.
  5. آشوری، د، دانشنامه سیاسی، تهران، نشر مروارید، 1383.
  6. آیت الله خامنه ای (مقام معظم رهبری)، بیانیه گام دوم انقلاب، پایگاه مطالعات انقلاب اسلامی، حوزه های علمیه خاوران، 1397.
  7. برومند، ش؛ شاه حسینی، س؛ امینی، ص؛ فخرحسینی، س.ف، امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی)، تهران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، 1387.
  8. بوزان، ب، مردم، دولت ها و هراس، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1378.
  9. جرّ، خلیل، المعجم العربی الحدیث لاروس، باریس، مکتبه لاروس، 1973 م.
  10. حاجیان، ر؛ دلشاد تهرانی، م؛ امینی حاج آبادی، م.ر، زمینه های شفافیت اطلاعات و عدالت اقتصادی از دیدگاه نهج البلاغه، پژوهش های نهج البلاغه، دوره 16، شماره 55، 1396.
  11. خاتمی، ا، سیره سیاسی امام علی (علیه السلام)، مجله پاسدار اسلام، شماره 190، ص 24، 1376.
  12. دلشاد تهرانی، م، دلالت دولت، آئین نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر، تهران، نشر دریا، 1389.
  13. دهخدا، ع.ا، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1377.
  14. رضایی هفتاد، ح؛ حسینی، س، بررسی ارزش های سیاسی از منظر نهج البلاغه، فصلنامه پژوهش نهج البلاغه، سال دهم، شماره 36، ص 79-104، 1392.
  15. علم الهدی، س.س، روش شناسی اقتصاد اسلامی بر اساس عمل کرد اقتصاد امام علی (علیه السلام)،

پژوهشنامه علوی، سال هفتم، شماره 2، ص 101-129، 1395.

16. الفراهیدی، خلیل ابن احمد، العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، 1409 ق.

17. قرضاوی، ی، باید و نبایدهای دین و سیاست، ترجمه: ع، سلیمی، تهران، نشر احسان، 1394.

18. گیلک حکیم آباد، م.ت، امام علی (علیه السلام)، دولت و سیاست های اقتصادی، کتاب نقد، شماره 19، 1380.

19. محتشم دولتشاهی، ط، مبانی علم اقتصاد؛ اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، تهران، انتشارات خجسته، چاپ 31، 1390.

20. محمدیان، ا؛ دهفان منگابادی، ب؛ غفوری چرخابی، ح، دیدگاه های اقتصادی امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه [پایان نامه کارشناسی ارشد]، یزد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه یزد، 1391.

21. معین، م، فرهنگ معین، تهران انتشارات زرین، چاپ سوم، 1386.

22. مولایی، م، آشنایی با اندیشه های اقتصادی امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، پژوهشنامه نهج البلاغه، دوره 1، شماره 4، ص 93-110، 1392.

23. مولایی، م، مطالعه تطبیقی اندیشه های اقتصادی امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه با عقاید برخی از اقتصاددانان، شیراز، انتشارات دانشگاه بوعلی، 1389.

24. مهدیه، س؛ بهرامی، ح.ع، تحلیلی بر سازوکارهای عملی اقتصاد مقاومتی در نهج البلاغه با تکیه بر وظایف دولت، پژوهش های نهج البلاغه، سال 16، شماره 55، 1396.

25. میر معزی، س.ح، نظام اقتصادی اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1390.

26. هادوی نیا، ع.ا، عدالت اجتماعی-اقتصادی در دیدگاه نهج البلاغه، مطالعات تفسیری، سال اول، شماره 2، 1389.

27. هاشمی، ع.ا، سیاست از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، فصلنامه نهج البلاغه، شماره های 4 و 5، 1386.

منابع اینترنتی

2. /Economicaffairs, 2019. EconomicManagment. Available on <https://www.http://economicaffairs.ir>

## 5. رونق تولید در سیره و گفتار امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام)

### اشاره

علی اصغر اشکبوس (1)، سهیلا پرستگاری (2)

ص: 147

- 
- 1- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب (نویسنده مسئول)؛ amini6686@gmail.com
  - 2- استادیار دانشکده زبان و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اصفهان؛ soheilaparastegari@gmail.com





تولید در عرصه اقتصاد به معنی تهیه کالا و خدمات مورد نیاز با استفاده از منابع و امکانات موجود است و بیشتر در زمینه های اقتصادی و معیشتی کاربرد دارد. اما بر اساس آموزه های دینی و سیره و گفتار علوی تولید در تمامی عرصه ها برای جامعه اسلامی یک ضرورت است و اگر تولید به شایسته رونق یابد، نه تنها مشکلات معیشتی مرتفع می گردد، بلکه عمده تلاش های دشمنان نیز ناکام خواهد ماند. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) پیشرفت، پایداری و دوام جامعه اسلامی و تحقق عدالت را در گرو کار، تلاش و برنامه ریزی تولید می داند و با سستی و تنبلی به شدت مخالفت می ورزد و رونق تولید را تنها منحصر به امور اقتصادی و کشاورزی نمی داند، بلکه در زمینه های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و عمرانی نیز به این امر اهتمام می ورزد. رونق تولید را در ساخت مسجد، احداث مسکن، حفر چاه و قنات، تدوین کتاب و... محقق می سازد، حتی اجازه نمی دهد نهال ها و قلمه های نخلستان هایش فروخته شود، تا کاشته شود و همه آن سرزمین زیر درختان سرسبز خرما قرار گیرد. کمک به نیازمندان جامعه و تأمین نسبی رفاه شهروندان از طریق رونق تولید، از سیاست های اساسی و ثابت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که محقق گردید. این پژوهش با استناد به منابع کتابخانه ای و به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی رونق تولید و سیره و گفتار امیرالمؤمنین و آموزه های نهج البلاغه پرداخته است.

کلیدواژه ها: امیرالمؤمنین، نهج البلاغه، رونق تولید، کار و تلاش.



رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای در آغاز سال و در پیام نوروزی خود، سال 1398 را به نام «رونق تولید» نام گذاری کردند.

به طور مسلم نام گذاری هر ساله توسط معظم له انتخابی تصادفی، یا شعاری اتفاقی نیست. آن رهبر فرزانه و زمان شناس به جهت اشرافی که بر مسائل بین الملل و اوضاع جمهوری اسلامی دارند، همه ساله مناسب ترین، شاخص ترین و کارآمدترین شعار سال را انتخاب می کنند.

ایشان در سخنرانی ابتدای سال در حرم مطهر رضوی، سال جاری را سال فرصت ها دانستند. فرمودند: «من معتقدم سال 1398 به توفیق الهی سال فرصت هاست، سال امکانات و سال گشایش است» (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، 1/1/98).

و نیز فرمودند: «امروز خوشبختانه، مسؤولین دولتی ما به این نتیجه رسیده اند که با غربی ها نمی شود درست و در یک مسیر حرکت کرد، این را احساس کرده اند، شاید در آینده، ان شاء الله رفتارها و برخوردها بر اثر این فهم جدیدی که در مسئله پیدا شده تفاوت کند» (همان).

ایشان فرمودند: «کشور خیلی ظرفیت وسیعی دارد، امروز گام دوم انقلاب این است؛ شناختن ظرفیت ها و مزیت ها و استفاده از آن ها» (همان). و خاطرنشان کردند که «ظرفیت نیروی انسانی ما بسیار خوب است، ظرفیت های طبیعی ما بسیار خوب است، ظرفیت های جغرافیایی ما بسیار خوب است» (همان).

و چنان چه در کنار این ظرفیت ها، تولید رونق پیدا کند، کارشناسان می گویند. آن وقت مشکل بیکاری حل می شود، مشکل تورم حل می شود، مشکل فقر حل می شود، معطل نظام بانکی حل می شود، مسئله ارزش پول ملی حل می شود، حتی مسئله کسری بودجه دولت با رونق تولید حل می شود (همان).

از مهم ترین آثاری که در زمینه ارزش و جایگاه تولید در مدیریت اسلامی از منظر امام علی (علیه السلام) به نگارش درآمده است، به موارد ذیل می توان اشاره کرد:

اصول کلی حاکم بر تولید از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، موسایی، میثم، اقتصاد اسلامی، ش 16، (زمستان 1383)، ص 99-126.

کار، اشتغال و تولید از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، حسن نظری، مسجد، ش 142، مهر 1388، ص 56-63.

مؤلفه های مدیریت اقتصادی امام علی (علیه السلام) با تاکید بر نهج البلاغه، شجاعی حقیقی، مریم، مردانی (گلستانی)، مهدی، مجله، حدیث حوزه، بهار و تابستان 1394؛ شماره 10 (28 صفحه، از 48-75).

اصول اقتصاد مقاومتی از منظر امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فقه اسلامی، ریاحی مهر، باقر، مجله، فقه و اجتهاد، پاییز و زمستان 1394 - شماره 4 (28 صفحه - از 102 تا 129).

معیار و راهبردهای عدالت اقتصادی در نهج البلاغه، جهان بین، فرزاد؛ نعمتی، محمد، مجله، پژوهشنامه نهج البلاغه، تابستان 1394، شماره 10 علمی - پژوهشی، (20 ISC صفحه، از 103-122).

## مفهوم شناسی

«رونق» در لغت به معنای پیشرفت، درخشندگی (دهخدا، فرهنگ دهخدا، ذیل لغت رونق)؛

روشنایی و جمال است (معین، فرهنگ معین، ذیل لغت رونق) و در زبان عربی به معنای «رخاء» و «ازدهار» آمده است (قیم، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ذیل لغت رونق)

«تولید» در لغت معادل واژه «production» به معنی پدیدآوری، خلق، فرآوری، محصول و ایجاد چیزی از طریق زراعت یا صنعت است و در اصطلاح به معنای «تهیه کالا و خدمات مورد نیاز با استفاده از منابع و امکانات موجود» است.

خداوند سبحان در قرآن کریم ضمن آیات متعددی به ضرورت رونق تولید پرداخته و می فرماید:

{ هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا } (هود/61)؛ او (خداوند) شما را از زمین پدید آورد و به آبادی آن واداشت (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 10، ص 470).

نکته قابل توجه این که قرآن نمی گوید خداوند زمین را آباد کرد و در اختیار شما گذاشت، بلکه می گوید: عمران و آبادانی زمین را به شما تفویض کرد، این اشاره به این که وسایل از هر نظر آماده است و این شما باید با کار و کوشش خود زمین را آباد سازید و منابع آن را به دست آورید و بدون کار و کوشش سهمی ندارید (مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج 9، ص 151)

در مورد چهارپایان می فرماید:

{ وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ } (نحل/5)؛ «چهارپایان را آفرید در حالی که برای شما در آن ها وسیله پوشش و منافع دیگر است و از گوشت آن ها می خورید» (همان، ج 11، ص 150)

در این آیه، از میان نعمت ها به سه قسمت اشاره شده است: نخست مسئله «دفع» که به معنی هرگونه پوشش است (با استفاده از پشم و پوست آن ها) مانند لباس و کفش و کلاه و لحاف و خیمه، و دیگری «منافع» که اشاره به شیر و مشتقات آن است و سوم گوشت حیوانات که با جمله «و منها تأکلون» بیان شده است (همان، ص 158).

در آیه بعد می فرماید:

{ وَ لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ } (نحل/6)؛ «و در آن ها برای شما زینت و شکوه است به هنگامی که به استراحت گاهشان باز می گردانید و هنگامی که (صبح گاهان) آن ها را به صحرا می فرستید» (همان، ص 155).

که در این آیه از حرکت دستجمعی گوسفندان و چهارپایان به سوی بیابان و چراگاه، سپس بازگشت آن‌ها به سوی آغل استراحت گاه، تعبیر به جمال کرده که این تنها یک مسئله ظاهری و تشریفاتی نیست، بلکه گویای این حقیقت است که چنین جامعه‌ای خودکفاست، فقیر و وابسته به این و آن نمی‌باشد خودش تولید می‌کند، و آن چه را خود دارد مصرف می‌نماید، این در واقع جمال استغناء و خودکفایی است و به تعبیر گویاتر جمال استقلال اقتصادی و ترک هرگونه وابستگی است (همان، ص 159).

### پیامبران الهی و رونق تولید

بر اساس آموزه‌های قرآن کریم حضرت نوح (علیه السلام) نجاتی می‌کرد، حضرت ابراهیم (علیه السلام) به کارهای چوپانی و بتایی اشتغال داشت، حضرت ادریس (علیه السلام) خیاطی می‌کرد، حضرت موسی (علیه السلام) چوپان و کشاورز بود، حضرت داود (علیه السلام) زره می‌بافت، پیامبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه و اله) قبل از بعثت چوپانی می‌کرد و با اموال و سرمایه‌های حضرت خدیجه (صلی الله علیه و اله) تجارت می‌نمود. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مورد حضرت داود (علیه السلام) می‌فرماید:

«لقد كان يعمل سفائف الحُوص بیده و يقول لجلسائه: أیکم یکفین بیعها و يأکل قرص الشعیر من ثمنها...» (شریف رضی، نهج البلاغه، خ 160)؛ با هنر داستان خود از لیف خرما زنبیل می‌بافت و از هم‌نشینان خود می‌پرسید: چه کسی از شما این زنبیل‌ها را می‌فروشد؟ و با بهای آن به خوردن نان جوی قناعت می‌کرد (دستی، نهج البلاغه، ص 210).

از رسول خدا (صلی الله علیه و اله) روایت شده که فرمود:

«إن قامت الساعة و فی ید اجرکم فسیله ما فإن استطاع أن لا یقوم حتی یغرسها فلیغرسها» (الطیالسی، مسند ابی داود، ص 275)؛ اگر قیامت برپا شد و در دست یکی از شما نهالی بود، اگر می‌تواند قبل از حضور در قیامت آن را بکارد، پس حتماً آن را بکارد.

### زنبور عسل و رونق تولید

یکی از تولیدکنندگان نمونه که قرآن کریم به معرفی آن پرداخته است، زنبور عسل

است، زنبورها علاوه بر کار معماری و مهندسی که در ساخت و تولید خانه های متنوع برای زنبورهای کارگر، زنبورهای نر و زنبورهای ملکه به کار می برند، با الهام الهی از شهد گل ها و آب های پاکیزه می خورند و با تولید عسل به عنوان یک خوراک و دارو و نوشیدنی، سالم ترین محصول را ارائه می نمایند. میزان عسل تولیدی زنبورها بیشتر از مقدار نیاز خودشان است، و آن ها ایثارگرانه به تولید برای دیگران می پردازند (فتوح، همت و کار از دیدگاه قرآن و اهل بیت، ص 166).

در قرآن کریم درباره زنبور عسل آمده است:

{وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ \* ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلرَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ } (نحل/68 - 69)؛ «خدا به زنبور عسل وحی کرد که از کوه ها و درختان و سقف های رفیع منزل گیرید، سپس از میوه های شیرین تغذیه کنید و راه پروردگارتان را با طاعت پیوید، آن گاه از درون آن ها شربت شیرینی به رنگ های مختلف بیرون آید که در آن شفای مردمان است. در این کار نیز آیت قدرت خدا برای متفکران پیدا است (ترجمه الهی قمشه ای)

در همین راستا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: «کونوا فی الناس کالتَّخْلَه فی الطَّیْرِ» (کافی، کلینی، ج 6، ص 332)؛ در میان مردم مانند زنبور عسل در میان پرندگان باشید.

پس مؤمنینی که با توکل و استعانت از خداوند متعال وارد مقوله کار و اشتغال و تولید می شوند، بایستی به سفارش امیرالمؤمنین (علیه السلام) از زنبور عسل درس گرفته و با سخت کوشی در پی خدمت رسانی به جامعه اسلامی بوده و با تولیدات سالم و رونق آن رشد و شکوفایی جامعه اسلامی را فراهم آورند و سیره زندگی امام علی (علیه السلام) را سرمشق زندگی و فعالیت خود قرار دهند.

### **ضرورت تاسی به سیره امام علی (علیه السلام)**

اگر بگوئیم مقام عظمای ولایت از حوادث زمان امیرالمؤمنین تأثیر گرفته و سیره و منش امام (علیه السلام) را در نام گذاری سال 1398 مدّ نظر داشته است، گزاف نگفته ایم؛ زیرا امام علی (علیه السلام) خود فرموده است:



«واعتر بما مضى من الدنيا لما بقى منها، فإنَّ بعضَها يُشبهُ بعضاً وآخرها لاحقٌ بأولها» (شريف رضى، نهج البلاغه، نامه 69)؛ و از حوادث گذشته تاريخ برای آینده عبرت گیر، که حوادث روزگار با یک ديگر همانند بوده و پايان دنيا به آغازش می پیوندد (دشتی، ترجمه نامه 69، ص 435).

در این ارتباط مقام معظم رهبری خود می فرماید:

«امروز شرایطی مشابه شرایط دوران حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است، پس روزگار نهج البلاغه است. اهمیت نهج البلاغه ترسیم شخصیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است، چیزی که ما امروز به آن کمال احتیاج را داریم.» (کنگره بین المللی نهج البلاغه، 1363).

### امام علی (علیه السلام) و رونق تولید

امیرالمؤمنین (علیه السلام) پس از آنکه امام حسن (علیه السلام) را وصی و متولی اموال و نخلستان های خود قرار می دهد، می فرماید: «و یشرط علی الذی یجعله إلیه أن یتک المال علی اصوله و ینفق من ثمره حیث أمر به و هدی له... و ألا یبیع من اولاد نخیل هذه القرى و دیعہ حتی تشکل ارضها غراساً» (شريف رضى، نهج البلاغه، نامه 24)

امام (علیه السلام) در این وقف نامه فرموده است: با کسی که این اموال در دست اوست شرط می کنم که اصل مال را حفظ کرده، تنها از میوه و درآمدش بخورند و اتقاق کنند، و هرگز نهال های درخت خرما را نفروشند، تا همه این سرزمین به گونه ای زیر درختان خرمان قرار گیرد که راه رفتن در آن دشوار باشد (دشتی، ترجمه نامه 24، ص 359).

که این تأکیدی است بر تولید بیشتر و گسترش عمرانی و آبادانی این موقوفات.

حضرت علی (علیه السلام) در مدت بیست و پنج سال سکوت و خانه نشینی، فعالیت های گسترده ای در زمینه کار و کوشش جهت تأمین زندگی بسیاری از بینوایان و درماندگان داشته اند تا جایی که با دست خود باغ احداث می کردند و قنات حفر می نمودند و سپس آن ها را در راه خدا وقف می کردند (سبحانی، فروغ ابدیت، ص 146).

تأمین رفاه همگانی با «رونق تولید» فراهم می شود و جامعه ای که نتواند این امکان را فراهم سازد، محکوم به زیستن در سایه ی فقر است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) این امر را آن چنان مهم و اساسی می دانست که فرمود:

«من وجد ماءً وتُراباً ثمّ افتقر فأبعده الله» (مجلسی، بحارالانوار، ج 19، ص 13)؛ کسی که آب و زمین مناسب داشته باشد و فقیر باشد از رحمت خدا به دور است.

بدیهی است این گفتار ارزشمند امام (علیه السلام) همان گونه که درباره یک فرد صادق است، درباره یک ملت نیز صادق است و مردمی که آب و خاک کافی دارند و باز هم نیازمند دیگران هستند، مسلماً از رحمت خداوند، به دورند.

تحقق عدالت اقتصادی جز با سرمایه گذاری و تولید امکان پذیر نیست. ابن ابی الحدید معتزلی شارح نهج البلاغه درباره اهتمام امام (علیه السلام) به کار و تولید می نویسد:

«كان يعمل بيده ويحرقُ الارض ويستقى الماء ويغرس النخل، كل ذلك يباشره بنفسه الشريفه، ولم يستبق منه لوقته ولا لعقبه قليلاً ولا كثيراً وإنما كان صدقه» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 15، ص 147)؛ او با دستان خود کار می کرد، زمین را کشت و آب یاری می نمود و نخل می کاشت و جمله این کارها را خود به دست خویش انجام می داد، ولی نه آن وقت و نه برای بازماندگانش کم یا زیاد باقی نگذاشت و آنها جز صدقه و بخشش نبود. (لایقی، ترجمه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 15، ص 150)

تلاش امیرالمؤمنین (علیه السلام) در کار و تولید واقعاً اعجاب برانگیز است، از امام صادق (علیه السلام) در این باره آمده است:

«إنّ امیرالمؤمنین (علیه السلام) كان یخرج و معه أحمال التّوی فیقال له: یا ابا الحسن! ما هذا معک؟ فیقول (علیه السلام): نخل إن شاء الله، فیغرسه فلم یغادر منه واحده» (کافی، کلینی، ج 5، ص 75)؛ همانا امیر مؤمنان (علیه السلام) در حالی که بارهایی از هسته خرما همراهش بود و می رفت، به وی گفته شد، این ها چیست؟ فرمود: اگر خدا بخواهد، درختان نخل خرما، پس آن هسته ها را کشت و حتی یک هسته را هم وانهاد.

آری از منظر امیر مؤمنان هسته های به ظاهر کم ارزش و خشک خرما، نخلستان های سرسبزی است که به اذن خداوند سالیان درازی منشأ خیر و برکت و مورد بهره مندی بندگان خدا قرار می گیرد، و این مهم محقق نمی گردد و مگر با اهتمام به تولید و رونق آن.

### فرهنگ کار در بینش علوی

در بینش علوی، کار ارزش است و تنبلی و سست عنصری سزاوار نکوهش. آن امام همام (علیه السلام) از کار کردن ابایی نداشت. او خود می فرماید:

«یک بار در مدینه سخت گرسنه شدم. بیرون رفتم تا در حومه مدینه کاری بیابم. زنی را دیدم که خاک گرد آورده، فهمیدم می خواهد از آن گلی تهیه کند. نزد او رفتم و با وی به توافق رسیدم که در ازای یک دلو آب یک حبه خرما دست مزد بگیرم و در پایان کار 16 حبه خرما، دست مزدم بود که وقتی ماجرا را برای پیامبر صلی الله علیه و اله بازگو نمودم، ایشان از آن خرما تناول فرمود.» (ابن حنبل، فضائل الصحابه، ج 1، ص 286)

### بی زاری از تنبلی در بینش علوی

تحقق عدالت اقتصادی نیازمند فرهنگ کار و تلاش و تولید است، فرهنگی که علاقه به کار و تولید و بیزاری از تنبلی و بیکاری با طبیعت مردم عجین شده باشد، فرهنگی که در آن کار و تولید در کام مردم شیرین و تنبلی و بیکاری تلخ و رنج آور باشد و مردم کار و تولید را منشأ درآمد بدانند، نه اینکه از راه ارتباطات نادرست و روابط خارج از ضوابط به رفاه برسند.

امام علی (علیه السلام) در سیره خود تلاش می کرد تا چنین فرهنگی را در جامعه نهادینه کند و بر این اساس برابر خواسته عبدالله بن زمعه برای دریافت غائم و دریافت مالی بی زحمت، ایستاد و فرهنگ درآمد بدون تولید و مفت خواری را محکوم کرد، فرمود:

«إن هذا المال ليس لي ولا لك، وإنما هو فيء للمسلمين و جلب اسيافهم فإن شاركتهم في حربهم كان لك مثل حظهم، وإلا فجنه أيدهم لا تكون لغير افواههم» (شريف رضى، نهج البلاغه، خطبه 232)؛ این مال نه از آن من است، و نه از آن تو، بلکه درآمد عمومی است، و از آن همه

مسلمانان است و فراهم آمده شمشیرهای آنان، پس اگر تو در جنگ با ایشان همراهی کردی، بهره ای همانند آنان داری، وگرنه چیده های دست آنان برای غیر دهان خودشان سزاوار نیست (دستی، نهج البلاغه، ص 334).

در همین راستا رهبر معظم انقلاب فرمودند:

برای شکوفایی اقتصاد کشور به کاری احتیاج داریم هم مجاهدانه باشد، هم عالمانه باشد، با تنبلی، با بی حالی، کم انگیزی، مسئله اقتصاد کشور حل نخواهد شد. کار جهادی باید انجام گیرد، مدیریت های جهادی باید بر مسائل اقتصادی کشور احاطه داشته باشند، تصمیم گیری کنند، کار جهادی یعنی کاری که هم در آن تلاش هست، خستگی ناپذیری هست، هم اخلاص هست. یعنی انسان می فهمد که برای خودش، برای پر کردند کیسه خودش کار نمی کند، دارد برای مردم کار می کند، برای خدا کار می کند (مقام معظم رهبری، 1398).

حضرت علی (علیه السلام) مطلع شد که طلحه و زبیر بین مردم شایع کرده اند که علی (علیه السلام) فقیر است و چیزی ندارد، حضرت به کارگزارانش فرمود: میوه ها و درآمد حاصل از غلات امسال را جمع آوری کنید و بفروشید و سود حاصله را در جای مخصوصی انباشته کنید و به من خبر دهید. پس از مدتی حدود صد هزار درهم از درآمد سالانه جمع و در کیسه های مخصوصی جاسازی شد. حضرت روی آن ها نشستند و دستور دادند طلحه و زبیر بیایند. وقتی آمدند و پرسیدند این ها چیست؟ فرمود: این ها سرمایه هایی از طلا و نقره است که حاصل دست رنج من است و کسی را در این اموال حقی نیست (عوفی بخاری، لباب الألباب، ص 372). امام تلویحاً و با کنایه به آن ها فهماند که بروید کار و تولید کنید و از تنبلی، فزون خواهی و مفت خواری پرهیزید.

البته امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم می توانست مانند دیگر خلفاء با بذل و بخشش های بی حساب، طلحه و زبیر و دیگران را ساکت کند و مطیع خود سازد و برای خود هوادارانی

دست و پا کند و چهار روز بیشتر بر اریکه قدرت تکیه زند، اما او می دانست که این کار بر خلاف حق، عدالت، توحید، اسلام و انسانیت است و با این کار ارزش های حقیقی به دست فراموشی سپرده خواهد شد.

حضرت می توانست با اعمال زور و قدرت دشمنان را از میان بردارد، و با تقسیم اموال بین خواص پایه های فرمانروایی خود را استوار گرداند. اما او دارایی ها و بیت المال را از آن همگان می دانست و برای او هیچ کس در بهره بردن از دارایی، بر دیگری برتری نداشت، نه پدر و یار، نه فرزند و تبار. او می خواست فرهنگ کار و تلاش را حاکم کند و مفت خواری، ویژه خواری، رشوه و اختلاس را به انزوا کشیده و آن ها را از جامعه محو و زایل کند. مقاومت ایشان برابر برادرش عقیل و تنبیه او با آهن داغ به خاطر توقع بی جای او به سبب خویشاوندی با حاکم بود.

حضرت پیوسته فرزندان و همسران خود را به تولید و سازندگی تشویق می کرد، و آن ها لباس های مورد نیاز را با دست خود می بافتند و با پشم ریسی، نخ آن را تهیه می کردند. به اهالی بصره فرمود:

«ما تنعمو یا اهل بصره و أشار إلى قمیصه وردائه فقال: واللّه أنّهما لمن غزل أهلی و أشار إلى صرّو فی یده فیها نفقته فقال: واللّه ما هی إلا من غلّتی بالمدينة، فإن أنا خرجت من عندکم بأكثر مما ترون فأنا عندالله لمن الخائفین» (خویی، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ج 17، ص 85)؛ ای اهالی بصره! این دو لباس من را که می بینید از بافته های اهل خانه است. سپس به کیسه ای که همراه داشت و مقداری نان خشک در آن بود، اشاره کرد و فرمود: این همان خوراک مختصری است که از مدینه آورده ام. سپس فرمود: اگر من با بیشتر از آن چه که اکنون نزد من می بینید از پیش شما خارج شدم، پس من نزد خدا از خائفین هستم.

اهتمام وافر امیرالمؤمنین (علیه السلام) به کار و تولید باعث فعال شدن چرخه اقتصاد و روی آوردن اغلب جامعه به امر تولید شده بود.

از قول محمد بن خالد نبی نقل شده که ابراهیم نخعی بر زنی که او را اُمّ بکر می خواندند گذشت در حالی که هنگام صبح درب خانه اش نشست بود و در دستش دوکی بود که با آن ریسندگی می کرد. ابراهیم گفت: ای اُمّ بکر! دیگر پیر شده ای، آیا وقت آن نرسیده که دوک را بر زمین بگذاری؟ اُمّ بکر گفت:

«وکیف اضعه وسمعت علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین (علیه السلام) یقول: هو من طیّبات الکسب؟» (عیاشی، تفسیر عیاشی، ج 1، ص 15)؛ چگونه آن را بر زمین بگذارم که شنیدم پیشوای مؤمنان علی (علیه السلام) می فرمود: ریسندگی از گواراترین و بهترین کسب و کارهاست؟

### ظرفیت تولید و رونق آن در عرصه های گوناگون زندگی

امام علی (علیه السلام) کوشش جدی داشت تا تولید در همه عرصه ها رونق پیدا کند، تلاش اقتصادی و خدمات تولیدی حضرت تنها در بخش کشاورزی و آباد کردن نخلستان ها خلاصه نمی شد، آن حضرت در تمامی زمینه ها به فکر رونق تولید بودند و کلیه اقشار و طبقات مردم را در اقتصاد سهیم می دانستند. نامه 53 نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر شاهد گویایی است که حضرت برای تمامی اقشار و طبقات از کارگزاران و مدیران، سپاهیان و نویسندگان، قضات و تجار، کشاورزان، کارمندان، کارگران، زنان، یتیمان و کهنسالان، توصیه ها و برنامه ها و دستورات جداگانه ای فرستادند. و بسیار شایسته است که رهبر معظم انقلاب هم دامنه تولید و رونق آن را شامل همه اقشار می داند و می فرماید:

«تولید هم که ما می گوئیم فقط تولید صنعتی را نمی گوئیم، تولید صنعتی، تولید کشاورزی، دام داری، صنایع بزرگ، صنایع متوسط، صنایع کوچک، حتی صنایع دستی و صنایع خانگی، حتی تربیت دام، چند دام در خانه های روستایی که خود این به مراتب کمک خواهد کرد به گسترش رفاه عمومی در جوامع. این ها را باید بنشینند، برنامه ریزی کنند.» (بیانات مقام معظم رهبری در بین زائران حرم رضوی،

1/1/1398).

ص: 161

## رونق تولید در عرصه های بازرگانی و صنعت

از منظر امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بازرگانی و صنعت جایگاهی اساسی در ساختار اقتصادی و اجتماعی دارد. آن حضرت بازرگانی و صنعت را دارای ماهیتی سازنده می داند و بر این اعتقاد است که بازرگانان و صنعت گران تولید کنندگان و پدید آورندگان وسایل زندگی مردم هستند و باعث آرامش آنان می باشند، همان گونه که به مالک اشتر می فرماید:

«ثُمَّ اسْتَوْصِيَ بِالتَّجَارِ وَ ذَوِي الصَّنَاعَاتِ، وَأَوْصَى بِهِمْ خَيْرًا، الْمُقِيمِ مِنْهُمْ وَالْمُصْطَرِّبِ بِمَالِهِ وَالْمُتَرَفِّقِ بِبَدَنِهِ، فَإِنَّهُمْ مَوَادُّ الْمَنَافِعِ وَأَسَدُ بَابِ الْمَرَافِقِ» (شریف رضی، نهج البلاغه، نامه 53)؛ سپس سفارش مرا درباره بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر و آن ها را به نیکوکاری سفارش کن، بازرگانانی که در شهر ساکنند، یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن می باشند و بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می کنند، چرا که آنان منابع اصلی منفعت و پدید آورندگان وسایل زندگی و آسایش مردمند (دشتی، نهج البلاغه، نامه 53، ص 415).

## بستر سازی لازمه رونق تولید

امام علی (علیه السلام) اولین مدرسه اسلامی را در صفا ساخت و خود در آنجا تدریس نمود. به دانشگاه جندی شاپور در خوزستان برای تدریس ادبیات و طب و علوم دیگر دعوت شد، اما به علت وقوع جنگ، انجام آن صورت نگرفت. در تحقیق معالجات پزشکی مانند «جذام، ضد عفونی، امراض داخلی» موفق بود. در تدوین قرآن نقش اساسی داشت. تجوید قرآن را به مسلمین آموخت، علم نحو را به شاگردانش آموزش داد، ستاره شناسی و جهت یابی در شب را در اولین مرحله در راه جلولاء (1) و نهاوند (2)

برای لشگر مورد بهره برداری قرار داد. استفاده از روشنایی جیوه را برای کار کردن در شب اولین بار برای ساخت کشتی ها در شب در زمان حیات حضرت مورد استفاده قرار گرفت. فلزشناسی مطرح شد، تدریس زبان

ص: 162

1- . شهر «جولا» یکی از شهرهای کردنشین عراق و در کانون استان دیالی عراق است.

2- . «نهاوند» یا «ناون» شهری در جنوب غرب استان همدان است.

خارجی مجاز شمرده شد. و دوره های تعلیم مدیریت به کارگزاران جهت اداره جامعه اسلامی تحقق پذیرفت (دشتی، امام علی و اقتصاد، ص 381).

### وظیفه دولت کمک به رونق تولید

بدیهی است که همه بخش های حکومت اسلامی نیاز به منابع مالی دارند که دولت موظف است این منابع را تأمین نماید، و اگر اختلالی در امور مالی حکومت رخ دهد آثار آن در همه بخش ها آشکار می شود. تأمین مالی کشاورزان و حرمت آنان بدان است که زمینه لازم برای کشت و کار درست آنان فراهم شود و آنان یاری گردند تا زمین را به خوبی و با بیش ترین بهره وری و کم ترین آسیب رسانی به طبیعت، بارور سازند و همگان را از کشت و کار خود بهره مند نمایند، و در صورت پیدایش مشکلاتی برای زمین یا محصل، آنان از حمایت های دولت به خوبی و به درستی بهره مند شوند. امام علی (علیه السلام) در این زمینه فرمود:

«فإن شکوا ثقیلاً أو عِلَّةً أو انقطاع شرب أو باله أو إحالة ارض اغتمرها غرق، او اجحت بها عطش خفت عنهم بما ترجوا أن یصلح به أمرهم» (شریف رضی، نهج البلاغه، نامه 53)؛ پس اگر از سنگینی خراج یا آسیبی، یا بریده شدن آب یاری زمینی، یا آب زیاد رسیدنی، یا دگرگونی زمینی که آب بسیار آن را در خود فرو برده است، یا تشنگی به آن زیان رسانیده است، شکایت کردند، تا اندازه ای در تخفیف خراج به آنان تخفیف می دهی که امیدوار شوی بدان وسیله کارشان به سامان می رسد (دلشاد تهرانی، دلالت دولت، ص 524).

عمران و آبادانی در حکومت امام علی (علیه السلام) سیاست اساسی شمرده می شد. آن حضرت به مالک اشتر فرمود: «ولیکن نظرک فی عماره الارض، ابلغ من نظرت فی استجلاب الخراج» (شریف رضی، نهج البلاغه، نامه 53)؛ باید نگرش تو در آبادانی زمین رساتر از نگرش تو در گرفتن خراج باشد.

### تدوین و تألیف کتب علمی

امام علی (علیه السلام) یکی از پیش گامان تدوین و تألیف آثار علمی بین امت اسلامی بود و



همگان را به تألیف و تدوین کتب مفید سفارش می نمود. امام علی (علیه السلام) اولین کسی بود که در احکام دین کتاب تدوین نمود و برای اولین بار علم نحو را مطرح، تکمیل و آموزش داد (خویی، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 208).

طبق نقل امام صادق (علیه السلام) کتاب فقهی امیرالمؤمنین (علیه السلام) مفصل و دارای صفحاتی بی شمار بود که کاغذهای آن 70 ذرع طول داشت و با خط امام نگاشته شده بود و تمام حلال و حرام در آن مشروحاً بیان گردیده بود. و تمام آن چه را که امت اسلامی نیاز داشته و دارند، جواب آن در این کتاب آمده است (همان، ص 316).

اثر دیگر امام به نام «الجامعه» که همانند «جفر جامع» بی نیاز کننده انسان از هرگونه اطلاعاتی است و درباره آن نوشته اند:

«إنّ الجفر و الجامعه کتابان لعلیّ قد ذکر فیها علی (علیه السلام) طریقہ علم الحروف، الحوادث الی انقراض العالم، و أولاده یحکمون بها» (جرجانی، شرح المواقف، ج 6، ص 22)؛ همانا کتاب جفر و جامعه از علی است که بر اساس حروف، آگاهی های لازم نسبت به حوادث روزگار تا قیامت در آن گرد آمده و فرزندانش می توانند از آن استفاده کنند. امامان معصوم به ویژه امام حسن و امام حسین وقتی پاسخ بسیاری از پرسش های شرعی را به مردم می دادند، می گفتند: «ذلک کان فی کتاب علی» (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج 1، ص 936).

### رونق تولید با احداث مساجد

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تمام دوران زندگی به مسجdsازی توجه ویژه داشت. در أحد، در جنوب مسجد النبی در شهر مدینه، در محله مساجد سبعة، و هرجا که اقامت می فرمود به امر مسجdsازی می پرداخت، حتی آنگاه که ارتش خود را برای صفین کوچ می داد، در طول راه نیز این امر مقدس را از یاد نبرد، وقتی امام و لشکریانش به شهر مرزی «هیت»<sup>(1)</sup> رسیدند در منطقه ای به نام «اقطار» توقف کرد و در همان توقف کوتاه مسجدی

ص: 164

---

1- . شهر «هیت» در غرب رمادی، مرکز شهر انبار واقع در 110 کیلومتری بغداد قرار دارد.

ساخت که تا سالیان طولانی مردم در آن جا نماز می گذاردند و مشکل عبادت گاه مردم آن سامان مرتفع شد. امام(علیه السلام) در محل جنگ احزاب مسجد فتح را به یاد پیروزی بر عمرو بن عبدود و مهاجمان قریش بنا نمود (قمی، سفینه البحار، ج 1، ص 601)، و شب ها در آن جا نماز می خواند. حضرت در بصره و کوفه و در آبادان نیز مساجدی بنا کرد (ابن شهر آشوب، مناقب آل الطالبین، ج 2، ص 123).

### رونق تولید با احداث مسکن

امام علی(علیه السلام) سالانه درآمد چهل هزار دینار منافع باغاتش را در راه خدا به مستمندان می بخشید تا برای ازدواج جوانان یا تهیه مسکن بیچارگان، استفاده شود. ایشان در محله «بنی زریق» مدینه چند خانه ساخت و آن ها را به خاله های خود بخشید با این شرط که پس از آنان وقف مستمندان شود (مجلسی، 1070ق، ج 4: 43)

بیهوده نیست اگر اهمیت مسکن سازی نزد رهبر معظم انقلاب را برگرفته از همین شیوه امیر مؤمنان علی(علیه السلام) بدانیم، زیرا حضرت آیت الله خامنه ای، مسکن سازی را از جمله رشته های کارآفرین خواند و فرمودند:

«از جمله غفلت های چند سال اخیر، بی توجهی به موضوع مسکن سازی بوده است، باید از فرصت ترمیم یا ساخت مسکن برای هم وطنان سیل زده استفاده کرد و با کمک دستگاه های مختلف و بخش خصوصی حرکت عظیم اشتغال زا و تولیدآفرین در بخش مسکن را به وجود آورد.» (بیانات رهبر، دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، 1398).

### رونق تولید با احداث و حفر چاه

حضرت علی(علیه السلام) در زندگی پربرکت خویش چاه های آب و قنوات زیادی حفر نمود. هنوز پس از گذشت چهارده قرن در مدینه و اطراف آن تابلوهایی از چاه های برجا مانده از امام علی(علیه السلام) با نام «آبار علی» باقی مانده است. وقتی ارتش حضرت به سوی صفین می رفت از شهر انبار عبور کرد، آب مورد نیاز نداشتند، همگی تشنه و خسته به جستجوی

آب پرداختند که بی نتیجه بود. از راهبی پرسیدند، او جواب داد آب آشامیدنی مرا نیز از دو فرسنگ راه می آورند. امام در آن صحرای تفتیده اسب تاخت و در نقطه ای ایستاد و خیره به زمین نگاه کرد و فرمود: «در این مکان آب وجود دارد، اینجا را حفر کنید». سربازان مقداری زمین را کردند، به تخته سنگ بزرگی رسیدند، هرچه تلاش کردند حتی با تعداد صد نفر نتوانستند سنگ را از جای خود تکان بدهند، در این لحظه حضرت از اسب فرود آمد خود به حفر چاه همت کرد و با ذکر و زمزمه ای سنگ را از جای کند. آب فواره زد و بالا آمد. دستور داد همگان از آن آب گوارا و خنک بنوشند و ذخیره سازند و اسبان و دیگر چهارپایان را سیراب کنند (سپهر، ناسخ التواریخ ش، ج 2، ص 34).

در سرزمین «ینبع»<sup>(1)</sup>

سر راه کوفه و مکه چاه هایی حفر کرد که اغلب آن ها به آب رسید و آن ها را وقف محله ها، یا فقرا یا مسافران خانه خدا نمود (کافی، کلینی، ج 7، ص 543).

### رونق تولید با تأسیس آسیاب آبی

در روزگار علی (علیه السلام) وضع کشت گندم مناسب نبود؛ چون از گندم های نامرغوب و باریک و ضعیف استفاده می کردند. حضرت علی دستور داد از طائف و ایران بذر گندم های مرغوب تهیه و کشاورزی را رونق دهند. آن حضرت اولین کسی است که آسیاب آبی را با آب قنات ها ساخت و به راه انداخت تا گندم ها را آرد کنند (ژایگر، خداوند علم و شمشیر، 1363 ش).

### رونق تولید با احداث اسکله و کارخانه کشتی سازی

امام علی (علیه السلام) برای رفع نیازهای مسلمانان در سفرهای دریایی به مهندسين ایرانی دستور داد، از درآمد ملی کشور، اسکله ای در شهر بندری «جدّه» ساختند تا رفت و آمدهای دریایی به سهولت انجام گیرد.

و هم چنین برای رونق سفرهای دریایی دستور ساختن کارگاه کشتی سازی را صادر

ص: 166

---

1- شهر «ینبع» شهری است ساحلی در فاصله 200 کیلومتری مدینه و 300 کیلومتری شمال جدّه واقع شده است.

فرمود، تا از درآمد عمومی، مخارج آن تأمین و به خط تولید برسد و پس از اتمام کارگاه کشتی سازی شخصاً آن را افتتاح نمود (همان، ص 85).

هم چنین امام در نقشه شهری و وسیع بودن خیابان ها نیز تلاش می کرد و پس از ساختن بندر و اسکله در جدّه، از جدّه تا شهر غلّه جاده شوسه ایجاد کرد (همان، ص 83).

### حمایت از اقشار ضعیف با رونق تولید

پیشوای مؤمنان علی (علیه السلام) معتقد بود تأمین نیازمندان وظیفه اساسی دولت ها است که نباید نادیده گرفته شود. باید از طریق رونق تولید و کسب درآمد نیاز تمام کسانی را که خود نمی توانند نیازهای خویش را به خوبی تأمین کنند برطرف نمود. حضرت علی (علیه السلام) در این باره در سفارش به مالک اشتر می فرماید: «ثمّ طبقه السفلی من اهل الحاجه و المسکنه الذین یحق رفدهم و معونتهم» (شریف رضی، نهج البلاغه، نامه 53)؛ تو را به نیازمندان و مستمندانی توجه می دهم که یاری رساندن آنان حقی است بر گردن مسؤولین.

و باز در تأکید بر توجه به اقشار ضعیف جامعه می فرماید: «ثمّ الله الله فی الطبقة السفلی من الذین لاحیه لهم من المساکین و المحتاجین و اهل البؤسی و الزمنی فإن هذه الطبقة قانعا و مغترا» (همان)؛ خدا را در نظر بگیر درباره طبقه ضعیفی که هیچ چاره ای ندارد، همان مستمندان، نیازمندان، بی نوایان و زمین گیرانی که بعضی درخواست کننده و بعضی هم نیازمندی اند که روی درخواست کردن ندارند.

حضرت درباره موقعیت این قشر در جامعه می فرماید:

«فإن هؤلاء من بین الرعیه احوج إلى الإنصاف من غیرهم» (همان)؛ این گروه از میان شهروندان به دادخواهی و کمک از دیگران نیاز بیشتری دارند.

### شکوفایی و رفاه جامعه با رونق تولید

عملکرد علی (علیه السلام) در دوران حکومتش بر این بود که چون مدّتی - علی رغم مشکلات فراوان - برنامه های خود را پیش برد، در مناطقی که در اختیار ایشان بود، رفاه عمومی چهره

گشود و آسایش، زندگی مردم را در بر گرفت چنان که خود فرمود: «الْبِسْتُمْ الْعَافِيَةَ مِنْ عَدْلِي» (شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه 87)؛ با عدالت خود شما را زیر چتر عافیت قرار دادم.

امام در مورد ایجاد رفاه نسبی در مناطق تحت حکومت خود می فرماید:

«ما أصبح بالكوفة احد إلا ناعماً و إن ادناهم منزله بأكل البرّ و يجلس في الظل ويشرب من ماء الفرات» (گیلانی، السیف الربانی، ص 3)؛ همه مردم کوفه از رفاه برخوردار گردیدند، چون پایین ترین آن ها (یعنی فقیرترین افراد جامعه) نان گندم می خورد و سرپناه مناسب دارد و از آب سالم فرات می نوشد.

حضرت علی (علیه السلام) در دوران حیات خود به ویژه در زمان خلافت خویش تلاش داشت تا فقر را ریشه کن سازد و همگان را با تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی به حقوق خود برساند و نیازمندان و از کار افتادگان را تأمین نماید؛ لذا همه شهروندان را از رفاه نسبی برخوردار کرده بود و و تأمین اجتماعی تا بدان پایه رسیده بود که تکدی گری وجود نداشت، یا نادر و استثنایی دیده می شد. چنان که در خبر آمده است:

«مرّ شیخ کبیر یسأل، فقال امیر المؤمنین (علیه السلام) ما هذا؟ فقالوا یا امیر المؤمنین! نصرانی. فقال امیر المؤمنین استعملتموه حتی اذا کبر وعجز منعمتموه؟ أنفقوا علیه من بین المال.» (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج 6، ص 293)؛ پیرمردی از کار افتاده دیده شد که دست نیاز به سی مردم دراز کرده بود. حضرت فرمود این چیست؟ گفتند: ای امیر مؤمنان! مردی نصرانی است. حضرت فرمود: هنگامی که جوان و توانا بود، از او کار کشیدید، و اکنون که پیر و ناتوان شده است، رهایش کرده اید؟! او را از بیت المال تأمین کنید.

کیفیت طرح این ماجرا و برآشفتن امام از دیدن چنین صحنه ای و نوع پرسش حضرت که «ما هذا؟» (این وضع چیست؟) نشان دهنده آن است که نباید مستمند و نیازمندی وجود داشته باشد. یعنی در حکومت کوتاه علی (علیه السلام) در مناطقی که در اختیار علی (علیه السلام) بود، فقر و ناداری بدان حد کاسته شده بوده است که یک مورد فقر موجب شگفتی حضرت شده

و اعتراض شدید وی را در پی داشته است (دلشاد تهرانی، دلالت دولت، ص 367). باشد که با تأسی به سیره امام علی (علیه السلام) کار و تلاش و رونق تولید برای همه اقشار ملت اسلامی فراهم آید؛ ان شاء الله.

## نتیجه

انسان باید با کار و کوشش خود زمین را آباد سازد و منافع آن را به دست آورد، و بدون کار و کوشش سهمی ندارد.

امیر مؤمنان (علیه السلام) در دوران خلافت و قبل از آن به کار تولید می پرداخت و همواره رونق تولید را به فرزندان خود و آیندگان سفارش می فرمود.

اهتمام مسئولین و کارگزاران به کار و تولید باعث فعال تر شدن چرخه اقتصاد و روی آوردن اغلب جامعه به امر تولید می شود.

یکی از راه های برطرف کردن نیازمندان، تولید و کسب درآمد است، آن حضرت با حاکم کردن فرهنگ کار و تولید و دوری از سستی و تنبلی، رفاه و آسایش نسبی و شکوه اقتصادی را به جامعه اسلامی بازگرداند.

اگر جوامع اسلامی به ویژه جامعه اسلامی ایران به سفارشات امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در زمینه کار و تولید و رونق آن توجه نموده و به سخنان مقام معظم رهبری که تبلور سیره علوی است اهتمام ورزند، معضلات اقتصادی برطرف شده، فقر و نیازمندی از جامعه رخت بر بسته، عزت و سربلندی و رفاه و آسایش قرین جوامع اسلامی خواهد شد.



- قرآن کریم، ترجمه دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و گروهی از اساتید جامعه المصطفی، قم: انتشارات المصطفی، 1388 ش.
- نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه محمد دشتی، قم: نشر مشهور، 1379 ش.
1. ابن ابی الحدید معتزلی، ابوحامد، هبهاله، شرح نهج البلاغه، بیروت: مؤسسه الأعلمی، 649هـ-.
  2. جرجانی، میر سید شریف، شرح المواقف، قم: الشریف الرضی، 756ق.
  3. حنبلی، احمد، فضائل الصحابه، بیروت: مؤسسه الأعلمی، 240هـ-.
  4. دشتی، محمد، امام علی و اقتصاد اسلامی، قم: انتشارات امیرالمؤمنین، چاپ چهارم 1390، ش.
  5. دلشاد تهرانی، مصطفی، دلالت دولت، تهران: دریا، 1394.
  6. ژابکر آلمانی، رودولف، خداوند علم و شمشیر، تهران: انتشارات ایرانیان، 1363 ش.
  7. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، تهران: بوستان کتاب، 1355 ش.
  8. سپهر، محمدتقی لسان الملک، ناسخ التواریخ، ترجمه جمشید کیانفر، اساطیر، 1386 ش.
  9. شهر آشوب، عزالدین ابوجعفر، مناقب آل الطالبین، تهران: بوستان کتاب، بی تا.
  10. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی، 1417هـ-.
  11. طوسی (شیخ طوسی)، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، 10 جلدی، بیروت: دارالمعارف، 1413هـ-.
  12. طیبالی، سلیمان بن داود، مسند ابی داود، بیروت: دارالمعارف، 1321.
  13. الطیالسی، محمد بن مسعود العیاشی، تفسیر عیاشی، بیروت: مؤسسه الأعلمی، 1411هـ-.
  14. عوفی بخاری، نورالدین محمدش، لباب الألباب، تهران: انتشارات فخر رازی، 1361.
  15. فتوح، رضا، همت و کار از دیدگاه قرآن و اهل بیت، بی جا، 1389 ش.
  16. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ترجمه محمد باقر ساعدی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، بی تا.
  17. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، 15 جلدی، قم: دارالحديث، 1372.
  18. گیلانی، عبدالقادر، السیف الربانی، احمد فرید المزیدی، قم: مرکز تحقیقات علوم اسلامی، بی تا.



19. لایقی، غلامرضا، ترجمه شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، تهران: بوستان کتاب، 1387ش.

ص: 171

20. مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، 27 جلد، قم: دارالکتب الاسلامیه، 1376.
21. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، 21 جلد، تهران: مکتبه الاسلامیه، 1324ق.
22. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، 1377
23. قیّم، فرهنگ معاصر میانه عربی \_ فارسی، ناشر: فرهنگ معاصر.
24. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ هشتم، 1371ش.

## 6. اصلاحات نرم افزاری امام علی (علیه السلام) در رونق بخشی به نظام تولید

### اشاره

زینب رنجبر همقاوندی(1)، علی محمد میر جلیلی(2)

ص: 173

---

1- . دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه (نویسنده مسئول)، aminshabrangi@yahoo.com

2- . دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه میبد، almirjalili@meybod.ac.ir



تولید، رکن اصلی نظام اقتصادی یک جامعه شمرده می‌شود. بدیهی است که الگوگیری از روش‌های موفق در این حوزه، مطلوب و ضروری تلقی می‌شود. از الگوهای موفق در این حوزه، بررسی نظام تولید امام علی (علیه السلام) است. ایشان با انجام اصلاحات نرم افزاری در دو حوزه ایدئولوژی سازی و چیدمان مناسب عوامل تولید بر پایه نیاز جامعه و تولیدات مناسب با هر محیط، توانستند به حداکثر بهره‌وری در این زمینه برسند. روش پژوهش در مقاله پیش‌رو، کتابخانه‌ای، جهت جمع‌آوری داده‌های تاریخی و تحلیلی در پردازش داده‌هاست. نتیجه به دست آمده از پژوهش نشان می‌دهد که اتخاذ تدابیر علمی و اصلاح نظام تولید، اصلی‌ترین بخش برای دستیابی به رونق همه‌جانبه در این زمینه است.

کلیدواژه‌ها: سیره امام علی (علیه السلام)، اصلاحات نرم‌افزاری، رونق، تولید.

## مقدمه

پول و کسب ثروت، یکی از اساسی‌ترین ارکان استقلال و پویایی هر جامعه شمرده می‌شود و به تبع آن، یکی از شاخص‌های سنجش رشد و بالندگی یک کشور، شاخص رشد اقتصادی است؛ لذا از دیرباز جوامع گوناگون برای کسب بیشترین درآمد و ثروت، با یکدیگر به رقابت برخاسته، دست به دامان متفکران این حوزه شده و افکار و آرای آنان را به عنوان راهبران این حوزه پیروی نموده‌اند. دیدگاه این افراد چنان مهم و تأثیرگذار بود که بر همه امور آن کشور سایه افکنده است؛ به طوری که نظام هر یک از کشورها در نتیجه دنباله‌روی از هر یک از اندیشمندان، با نام وی شناسایی می‌شد و گاه همانند هر نظام بشری

دیگر، قوت و ضعف‌هایی داشته و حتی برخی از آن‌ها مانند نظام مارکسیستی، با شکست مواجه شدند و قدرت منادی این نظریه (شوروی) را نیز به تجزیه و سقوط کشاند.

در جهان بینی اسلام، برخلاف نظام‌های دیگر، اقتصاد جزئی از دین و یکی از ارکان اساسی آن است؛ به طوری که برخی از راهکارهای عبادی، مربوط به پرداخت‌های مالی بوده و پیوند محکمی بین آن و سعادت یا شقاوت ابنای بشر حاکم است. در این بینش، اسلام دینی آسمانی است که از جانب خدا و توسط پیامبر (صلی الله علیه و اله) برای رسیدن بشر به همه کمالات فرستاده شده و از پیروان خود خواسته تا برای رسیدن به موفقیت حداکثری، در ابعاد فردی و اجتماعی، از راهکارهای داده شده پیروی کنند. در این مکتب، نظریه پردازان عرصه اقتصاد، پیامبران و ائمه (علیهم السلام) هستند که قرآن آن‌ها را لازم‌الاتباع دانسته است: { أَطِيعُوا اللَّهَ - وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ } (نساء/59) و ضمان سعادت بشر را در پیروی کامل از این بزرگواران قرار داده است. رفتار اقتصادی هر یک از امامان بزرگوار (علیهم السلام) به عنوان یک مدل کامل رفتاری، قابل پیروی است.

از میان ائمه (علیهم السلام)، زمانه حضرت علی (علیه السلام) بسیار شبیه زمانه ما می‌نماید. حکومت متمولان جامعه که امروز با نام لیبرال از آن‌ها یاد می‌شود، باعث شده بود تا فاصله فقیر و غنی بسیار افزایش یافته، ثروتمندان فقط به دنبال سود حداکثری خود باشند و وقتی به ضعفای جامعه نهند. حضرت (علیه السلام) با رونق بخشی به توان تولیدی، توانستند جامعه‌ای را ایجاد نمایند که خود ایشان در توصیف اوضاع سامان یافته مردم، از تعبیر «برخورداری افراد جامعه از نان گندم» استفاده نمودند. روشن است وصف حضرت از نان گندم در حالی که قوت اصلی مردم نان جو بود، حکایت از ایجاد رفاه نسبی توسط امام (علیه السلام) برای مردم است.

مقام معظم رهبری (حفظه الله) نیز با در نظر گرفتن شرایط کنونی جامعه، که تحریم‌های غربی چندین برابر شده، ارزش پول سقوط کرده و قیمت‌ها افزایش چندین برابر داشته، بهترین راهکار برای گذر از این برهه را رونق گرفتن بخش تولید می‌دانند؛ لذا شعار سال 1398 را «رونق تولید» انتخاب نموده، فرمودند:

تولید اگر چنانچه به راه بیفتد، هم می تواند مشکلات معیشتی را حل کند، هم می تواند استغناى کشور از بیگانگان را تأمین کند، هم می تواند مشکل اشتغال زایی را برطرف کند ... لذاست که مسئله تولید به نظر من مسئله محوری امسال است. (1/1/98)

همان گونه که ایشان تبیین فرموده اند، کلید راهبردی این بحران، تکیه بر توان تولید است. بنابراین برای عملیاتی کردن این امر باید روش یا الگوی موفقى را برگزید. بهترین گزینه در شرایط کنونی، پیمودن راهی است که امتحان شده باشد و از خطاهای نظریه های بشری مصون باشد. سیره تولیدی امام علی (علیه السلام) این دو ویژگی را کاملاً داراست.

### پیشینه

درباره سیره اقتصادی امام (علیه السلام) نوشته های بسیاری، هم به صورت مستقل و هم غیرمستقل موجود است که در این منابع به صورت پراکنده اندیشه امام (علیه السلام) در باب تولید بیان شده است که بهترین نمونه آن، کتاب اقتصاد از «دانشنامه امام علی (علیه السلام)» است که زیر نظر آقای صادقی رشاد تهیه شده است.

در باب روش شناسی سیره تولیدی امام (علیه السلام) مقاله ای از دکتر مجید رضاییان با نام «جایگاه تولید اقتصادی در سیره و گفتار امیرالمؤمنین (علیه السلام)» و چند مقاله دیگر موجود است و تاکنون مقاله ای از اصلاحات نرم افزاری امام (علیه السلام) از جهت روش ها و به کارگیری دانش فنی که منجر به رونق تولید شد، نوشته نشده و از این حیث بدیع است.

### 1. سیره تولیدی امام علی (علیه السلام)

#### اشاره

یکی از نکات بسیار مهم در سیره تولیدی امام (علیه السلام) کار و فرهنگ کار است که در تمام روایات سنت قولی و فعلی ایشان آمده است. تولید که محصول فکر و تلاش یک امت می باشد، زاده فرهنگی است که در آن کار به عنوان امری مقدس شناخته شود. ناگفته پیداست، در چنین جامعه ای فقر اقتصادی که زاده بیکاری و بهره نبردن از توان یک اجتماع است، جایگاهی نخواهد داشت (ری شهری، گزیده دانش، ص 239).

از دیدگاه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، زمانی می‌توان در نهادینه‌سازی درونی مفاهیم در جامعه موفق شد که بستر مناسبی برای رشد و نمو آن ایجاد شود و تداوم آن بستر، تبدیل شدن مفاهیم به فرهنگ پایدار را در پی خواهد داشت؛ لذا ضامن موفقیت هر بینشی، در آماده‌سازی بعد روانی آن است (دهشیری، رسانه و فرهنگ‌سازی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، ش 8).

به عنوان گام اول در ایجاد زمینه مناسب در جامعه، امام (علیه السلام) ایدئولوژی متناسب با مفهوم کار را درست کردند؛ به این معنا که هر فرد نسبت به مسائل گوناگون، بینش و رویکرد خاصی دارد که سبب تصمیم‌گیری و عملکرد وی می‌شود. ایجاد بینش و دادن خط فکری از سوی رهبران هر اندیشه، یکی از عوامل مؤثر در ایجاد زمینه است. حضرت برای به چرخه انداختن نظام تولید، در دو حوزه به ایدئولوژی‌سازی اقدام نمودند:

### الف) ایجاد فرهنگ کار

امام علی (علیه السلام) ابتدا با بیانات و رهنمودهای خویش مفهوم «کار به عنوان فرهنگ برای مسلمان» را برای جامعه باورپذیر کردند. در این بینش، حضرت کار و داشتن حرفه را لازمه زندگی یک مسلمان دانسته و اختصاص بخشی از شبانه روز به کار را، شاخص ارزیابی زندگی فرد دیندار مطرح کردند. (1) در این ایدئولوژی، سستی در کار دنیا را عامل رخوت کار آخرت، (2)

و رستگاری در سرای باقی را تنها با طلب رزق حلال برای خانواده مقدور دانستند. (3)

در روایات آمده است که یکی از کارهای امام (علیه السلام) آموزش و تعلیم به فقرا بوده

ص: 178

- 1- مؤمن باید شبانه روز خود را به سه قسمت تقسیم کند: زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار و زمانی برای تأمین هزینه زندگی و زمانی برای واداشتن نفس به لذت‌هایی که حلال و مایه زیبایی است (شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه 390).
- 2- دشمن می‌دارم آن کس را که در کار دنیا تبیل است؛ چراکه اگر در کار دنیا تبیل باشد، در کار آخرت، تبیل تر خواهد بود (کلینی، اصول کافی، ج 5، ص 86، ح 8).
- 3- آن که دنیای حلال بجوید، تا بر پدر یا فرزند یا همسرش مهربانی ورزد، خدا او را برانگیزد، در حالی که چهره اش چون ماه شب چهارده باشد (ری شهری، سیاست نامه، حدیث 170).



اگر تنها بخشی از این تعالیم، فرهنگ سازی ایشان برای کار باشد، روشن است که تا چه اندازه، کار ایدئولوژیک می تواند بر تولید تأثیر داشته باشد. در خطبه 34 نهج البلاغه آمده است: «اما حق شما بر من این است که شما را نصیحت کنم... و به شما آموزش دهم تا جاهل نمانید و شما را تربیت کنم تا بیاموزید و طبق آن رفتار کنید...» (شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه 34).

حوزه فرهنگ سازی امام (علیه السلام) منحصر به گفته ها نشد؛ بلکه ایشان با کار طاقت فرسا، احداث باغ ها و نخلستان ها، حفر حلقه های متعدد چاه و ادامه این مسیر حتی در دوران تصدی حکومت مسلمین و با درآمیختن سخن و عمل نشان دادند که ایدئولوژی اسلام درباره ضرورت کار و تولید، یکی از آرمان های اساسی اسلام است (حکیم آبادی، بررسی کارآیی بانکهای تجاری در ایران مطالعات موردی صادرات مازندران 385).

ابن ابی الحدید در شرح خود بر نهج البلاغه می نویسد: «او با دستانش کار می کرد؛ زمین را می کاشت؛ آبیاری می کرد؛ درخت خرما می کاشت و همه این ها را خودش انجام می داد» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 15، ص 147).

## ب) ایجاد روحیه برادری دینی

پیش از ورود به این مبحث، باید گفت که نگاه حضرت (علیه السلام) به کار، نگاهی دینی و الهی است؛ بدین معنا که الگوهای سامان دهی به رفتارهای اقتصادی ایشان، دین اسلام می باشد. در این حالت، برخلاف نظام های اقتصادی دنیا که هدف از کار و تولید، برخوردار شدن از سطح حداکثری رفاه و دستیابی به مواهب هر چه بیشتر دنیا و لذت های مادی و دنیوی در چهارچوب خود است، جهان بینی فرد مسلمان در پرداختن به امر تولید، در راستای

ص: 179

---

1- . برنامه کار علی (علیه السلام) چنین بود که پس از به جا آوردن نماز صبح تا طلوع خورشید، پیوسته به تعقیبات نماز مشغول می شد. زمانی که خورشید طلوع می کرد، فقیران و بینوایان و مردم دیگر نزد او جمع می شدند و او به آن ها فقه و قرآن می آموخت (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 4، ص 109؛ ابن فهد حلی، عده الداعی، ج 1، ص 10).

ایدئولوژی‌ها و خط مشی‌های تعیین شده توسط دین خواهد بود که عبارتند از رسیدن انسان به کمال حداکثری و جلب رضایت خداوند (عبدالملکی، اقتصاد مقاومتی، ص 103-104)

لذا امام(علیه السلام) انگیزه لذت طلبی را به شدت از خود نفی می‌کنند و می‌فرمایند:

من آفریده نشدم که خوردن خوراکی‌های پاکیزه، مرا به خود مشغول دارد، همچون حیوان پرواری که تمام همّش، علف است، و یا همچون حیوان رهاشده‌ای که کارش چریدن و خوردن و پر کردن شکم است و از سرنوشتی که در انتظار اوست، بی‌خبر است که آیا بیهوده یا مهمل و عبث آفریده شده‌ام؟ (شریف رضی، نهج البلاغه، نامه 46).

با این مقدمه می‌توان گفت، بینش امام(علیه السلام) نسبت به تولید، بینشی در راستای جهان بینی اعتقاد به زندگی پس از مرگ است. در این بینش، از آن جا که انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است و سعادت او در گرو سعادت جامعه‌ای است که در آن زیست می‌کند و برعکس، فساد و تباهی جامعه دامن او را خواهد گرفت و با توجه به مقدمه بودن زندگی موفق این جهانی برای دستیابی به حیات طیبه، امام(علیه السلام) به ایدئولوژی سازی پیرامون برادری دینی بر محور قرآن می‌پردازد: {إِنَّمَّا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْحَابُ بَيْنِ أَخَوَيْكُمْ} (حجرات/10) و چنین پایه‌های آن را استوار می‌سازد؛ به گونه‌ای که ایمان را جدا از آثار اجتماعی و اقتصادی نمی‌داند و آن را در حیات فردی و جمعی مؤثر دانسته، اخوت دینی را سبب بهبود ناسازگاری‌های اجتماعی مطرح می‌نماید (ر.ک: حکیمی، امام رضا(علیه السلام) زندگی و اقتصاد).

با حاکم شدن تفکری متضاد با قرآن، دنیا اصالت می‌یابد؛ در این صورت لذت پرستی و خودخواهی به صورت یک اصل در آمده، برادری و حل معضلات جامعه و منافع دیگران بی‌اهمیت جلوه می‌کند (حکیمی، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، ص 253).

امام(علیه السلام) در رد این نگرش می‌فرمایند:

«یاد مرگ از دل‌های تان رخت بر بسته و آرزوهای دروغین، شما را در بر گرفته؛ تا آن جا که دنیا بیش از آخرت دل‌های تان را تسخیر کرده است. آری، دنیای زودگذر، شما را از آخرت که بی‌شک آمدنی است، دور کرده است. هرآینه شما برادران دینی هستید. چیزی جز

ناپاکی درون و زشتی باطن، میان شما جدایی نیفکنده است؛ از این روست که یکدیگر را یاری نمی کنید و خیر یکدیگر را نمی خواهید و به یکدیگر چیزی نمی بخشید و با هم دوستی نمی ورزید... چیست که به اندک چیزی از دنیا که به دست می آورید، شادمان می شوید و آن همه که از آخرت از دست می دهید، اندوهگین نمی گردید؟!» (مجلسی، بحارالانوار، ج 32، ص 241، ح 191؛ متقی هندی، کنز العمال، ج 16، ص 195، ح 44216).

اگر بخواهیم اثرگذاری مسئولیت اجتماعی بر تولید را بررسی نماییم، می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

1. یکی از منابع تولید، نیروی انسانی است. برادری و اخوت سبب می شود تا همه عوامل تولید، بر اساس همین روحیه به رعایت حال یکدیگر برآیند. تولیدکننده با پرداخت به موقع و رعایت حال کارگر، و کارگر با وجدان کاری برآمده از ایمان خود، به تولیدکننده مدد می رساند. همچنین مصرف کننده با خرید کالای تولیدشده، به حمایت از تولیدکننده برمی آید و تولیدکننده نیز با کیفیت بالای کالا و کم نگذاردن از محصول خود، خریدار را یاری می رساند و به این ترتیب بر اساس نظام برادری، همه عوامل حقوق یکدیگر رعایت می کنند.

2. شکل گیری روحیه برادری سبب رونق تولید می شود؛ لذا انسان دیندار توانمند، سرمایه گذاری روی منافع عمومی جامعه را بر سود شخصی خود ترجیح می داند؛ چراکه احساس مسئولیت سبب می شود تا نتواند ناتوانی برادر دینی خود را تاب آورد؛ لذا از راکد نگذاردن سرمایه در اموری چون: خرید املاک و مستغلات و طلا که سرمایه گذاری غیرمولد شمرده می شود، پرهیز می نماید و به سرمایه گذاری در به جریان انداختن چرخ تولید اقدام می کند تا با ایجاد اشتغال برای برادران خود، در کم کردن معضل بیکاری، از بین رفتن فقر و

کاهش نظام طبقاتی همیاری نماید؛ چراکه امام صادق (علیه السلام) فرمود: «مؤمن، برادر مؤمن و یک تن اند. اگر یکی را دردی رسد، در دیگر پاره های تن یافت می شود و روحشان از یک روح است» (کلینی، اصول کافی، ج 4، ص 491).

امروزه مکتب اقتصادی لیبرالیسم با مشکلات جدی در عرصه مدیریت اقتصادی روبه روست، که قطعه گمشده پازل این مشکلات را می توان در سودجویی حداکثری صاحبان سرمایه و عدم همدلی میان پیروان این مکتب دانست. به تحقیق ثابت شده است، عامل روحی برادری در قلمرو اقتصاد، آتش محبت را نسبت به دیگران می افروزد و از این طریق، آنان را در غم و شادی یکدیگر شریک می کند (صدر، اقتصادنا، ج 1، ص 224).

این همان مفهومی است که روان شناسان از آن به «مسئولیت پذیری اجتماعی» یاد می کنند، که سبب می شود انسان خود را در برابر آبادانی اجتماع وضعیفان جامعه مسئول بداند. هر کجا که مسلمانان فرهنگ اسلام را با فرهنگ غربی معاوضه کرده اند، گرفتار سختی ها و مشکلات آنان شده اند. بحرانی که اکنون در کشور شاهد آن هستیم، نتیجه پیروی غلط از نظام سرمایه داری غرب است. امام(علیه السلام) در نامه خود به مالک اشتر می فرماید: «وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» (شریف رضی، نهج البلاغه، نامه 53)؛ «بر رعیت چونان حیوان درنده خو مباش که خونشان را غنیمت شماری؛ زیرا آنان دو گروهند: یا برادران دینی تواند، یا برادران نوعی تو».

### ج) الگوبخشی امام(علیه السلام) به سیره رفتاری خود

علی رغم نظریه سایر مکاتب اقتصادی بر نقش کم و بیش مذهب بر اقتصاد (دادگر، درآمدی بر روش شناسی علم اقتصاد، ص 82)، جهان بینی کلی اسلام بر درون دینی بودن اقتصاد تأکید دارد و دستوراتی نیز بر آن استوار نموده؛ الگوهای رفتاری نیز برای عینیت بخشیدن به برنامه های خود معرفی کرده و پیروی از رفتار آن ها را لازم دانسته است. اقتصاددانان، مطالعه الگوهای رفتاری را اساس علم اقتصادی می دانند. آلفرد مارشال می گوید: اقتصاد عبارت است از: مطالعه بشر در زندگی شغلی و حرفه ای، همچنین بررسی کردارهای انسان در جریان عادی زندگی یعنی کسب درآمد و تمتع از آن برای ترتیب دادن زندگی (دفتر همکاری های حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصادی اسلامی، ص 31).

تحلیل رفتار های اقتصادی افراد، مدل های موفق رفتار در حوزه اقتصاد را در اختیار برنامه ریزان این عرصه قرار می دهد. در این تعریف، بررسی دو مؤلفه کسب درآمد و بهره گیری از آن را به عنوان معیار سنجش موفقیت یا شکست الگوها برمی شمارد. آنچه از بررسی سیره اقتصادی زندگی حضرت (علیه السلام) برمی آید، این است که ایشان رفتار های تولیدی و مصرفی خود را بر پایه روایت پیامبر (صلی الله علیه و اله) که فرمودند: «المؤمن قلیل المئونه کثیر المئونه» تنظیم کرده بودند. آوردن چند نمونه از رفتار های اقتصادی امام (علیه السلام) می تواند در شناخت سیره رفتاری ایشان مفید باشد:

1. علی (علیه السلام) برای آبیاری درختان خرماي گروهی از یهودیان مدینه، با دستان خود آب می کشید، تا حدی که دستانش تاول می زد. دستمزد خود را صدقه می داد و بر شکم خود (از گرسنگی) سنگ می بست (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 22).

2. هنگامی که حضرت آب را در ینیع جاری نمود، مردم گفتند: وارثان علی را بشارت دهید! امام (علیه السلام) در پاسخ به آنان فرمود: «وارثان را بشارت ده که همه را در راه خداوند، بر نیازمندان و بینوایان و واماندگان دور و نزدیک در صلح و جنگ، وقف نمودم» (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 74؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج 9، ص 148، ح 609).

در روایتی که از سیره عملی ایشان نقل شد، دو نکته مهم قابل بررسی است: الف) به کار بردن حداکثر توان تولیدی توسط حضرت؛ ب) بهره برداری از مواهب، در حد گذراندن زندگی، علی رغم تمکن مالی که عینا منطبق با ملاک های مطرح شده پیامبر (صلی الله علیه و اله) است.

این دو مطلب با هدف اقتصادی اسلام، یعنی کسب رضای خداوند و همخوانی رفتار رهبر جامعه با سفارش پیامبر (صلی الله علیه و اله) قابل توجه است. بیشتر نویسندگان در توجیه رفتار اقتصادی امام (علیه السلام) به عنوان مظهر انسان کامل، به این مطلب اذعان دارند که متصدی عرصه تولید، دولت نیست؛ بلکه وظیفه تولید، وظیفه دینی و فردی است که شامل همه افراد، به ویژه اشخاص دین دار جامعه می شود.

یکی از دلایل سپردن این مسئولیت به افراد مؤمن، ایدئولوژی و بینش فکری آنهاست. فرد مؤمن رضای خدا را در تولید بر سایر منافع ترجیح داده، شادخواری، تکاثر و انباشت سرمایه، تولید به هر شکل و از هر راه ممکن، همچون آسیب رسانی به محیط زیست برای بهره مندی از سود بیشتر، ضعیف کشی و کم گذاردن از حق زیردستان را روا نمی دارد، چنان که امام(علیه السلام) خطاب به همام در توصیف این افراد می فرماید: «مَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ وَمَشِيَّتُهُمُ التَّوَّاضُعُ» (شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه 193)؛ لباس پارسایان اعتدال و روش آنان فروتنی است.

حضور امام(علیه السلام) در بحث تولید، الگویی است مبنی بر در دست گرفتن فرصت های اقتصادی توسط مؤمنین جامعه. با کنار نهادن عرصه تولید توسط این افراد، به ناچار افراد سودجویی که تولید برای آن ها وسیله انتفاع بیشتر و دستیابی به سود حداکثری است، حاکم می شوند. تولید مانند شریان حیات یک جامعه است. با روی کار آمدن افراد نالایق، استفاده از این شریان را آنان تعیین خواهند کرد. کاهش تولید برای بالا بردن قیمت ها، احتکار کالا، معطل گذاشتن منابع تولید یا استفاده نکردن از حداکثر ظرفیت تولید، افزایش تورم، بالا رفتن نرخ بیکاری و برکنار شدن کارگران غیررسمی از شغل، همه پیامد هایی است که با حاکم شدن جریان ضد دین بر تولید اتفاق خواهد افتاد (عبدالملکی، اقتصادی مقاومتی، ص 278-282)؛ لذا در سیره رفتاری حضرت علی(علیه السلام) می بینیم که از تولید، در هیچ شرایطی ابا نداشته، فرصت های اقتصادی را برای قرار نگرفتن در دست ناهلان، بازگشایی نموده و پس از تحمل مرارت ها و سختی ها در آباد کردن زمین های بایر، حفر قنات و چاه ها، کاشت نخلستان ها و به ثمر رساندن آنها، همه را در این نفع سهیم نموده و از معطل گذاردن منابع تولید، سخت بر حذر بودند. یکی از دلایلی که امام(علیه السلام) پس از احداث، به وقف مبادرت می نمودند، خارج کردن منابع از دست ناهلان و ثروتمندان بوده است.

یکی از معضلات کنونی جامعه، بیکاری و تن ندادن به مشاغل ساده یا با نفع اقتصادی کم است. عوامل بسیاری چون: ضعف نظام آموزشی، جایگاه پایین اجتماعی برخی

مشاغل و ... در این امر دخیل است؛ در حالی که این نوع رفتار مغایر با سیره رفتار امام (علیه السلام) است. پیشبرد اهداف جامعه یا به اصطلاح رو به جلو حرکت کردن اجتماع، رفع وابستگی ها به غیر، هدف تولیدی حضرت (علیه السلام) را شکل می دادند که برگرفته از روحیه «کثیر المعونه» بودن ایشان است. در جریان جنگ خیبر زمانی که حضرت مبتلا به چشم درد شده و قادر به دیدن نبودند، روش خدمت رسانی خود به جامعه را عوض نموده، وقتی پیامبر (صلی الله علیه و اله) از غیبت ایشان پرسیدند، به ایشان گفتند: «او در آسیاب مشغول کار است» (حاکم نیشابوری، المستدرک، ج3، ص143، ح4652؛ ابن حنبل شیبانی، فضایل الصحابه، ج2، ص683، ح1168). تحلیل رفتار آن بزرگوار نشان می دهد، با وجود این که ایشان یکی از سرداران بزرگ این جنگ بودند (چنان که در جریان فتح خیبر نشان دادند) نیاز جامعه، مانع از آن شد که بیکار بنشینند یا آسیابانی را پست و حقیر شمارد. با حاکم شدن چنین تفکری در جامعه، شاهد افزایش تولید و به موازات آن، اشتغال خواهیم بود.

امام (علیه السلام) به عنوان انسان مؤمن و توانا، کم مصرف است. این روحیه سبب شد تا به جای انباشت سرمایه، آن را در جهت رفاه حال عمومی جامعه به جریان اندازند. به بیان دیگر: سرمایه گذاری های غیر مولد که تنها سبب انباشت ثروت در شخص شده، ایجاد تورم می نماید و با دور ماندن از چرخه تولید، سبب فقر و بیکاری گروه کثیری از جامعه می شود. این وضع در رفتار اقتصادی امام (علیه السلام) جایگاهی ندارد؛ چنان که در منطق قرآن نیز مذمت شده است: {وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ} (توبه/34).

روایات های بسیاری در باب نظام تولیدی ایشان وارد شده است؛ از جمله: به محض این که آب از چاه فواره می زد، قلم و کاغذی می طلبیدند و آن را وقف می نمودند. یکی از موارد مشهور این موقوفات، چاه های «ابونیزر» و «بغیغه» است. شرح این واقعه را ابونیزر این گونه گزارش می کند:

روزی امام (علیه السلام) نزد من آمد و فرمود: آیا غذایی نزد تو هست؟ عرض کردم: بله، اما آن را برای امیرمؤمنان نمی پسندم؛ چراکه مقداری از کدوهای بوستان را با روغنی نامرغوب سرخ

کرده ام. فرمودند: آن را بیاور... سپس امام کلنگ را برداشت و به درون چاه رفتند و شروع به کندن نمودند،

اما آبی نمی جوشید... ایشان چنان ضربه های محکمی به چاه می کوبیدند که صدای همهم آن به گوش می رسید. ناگهان آب چون خون گردن شتر فواره زد. امام به سرعت از درون چاه بیرون آمده و فرمودند: خدا را شاهد می گیرم که این آب وقف است؛ کاغذ و قلمی بیاورید (زمخشری، ربیع الابرار، ج 4، ص 388، ح 389؛ مبرّد، الکامل فی الادب، ج 3، ص 1127).

در نقطه مقابل این رفتار و در باب رفتار سرمایه گذاری در غیر تولید چون: خرید ملک جهت سرمایه گذاری، خرید طلا و نقره ... هیچ گزارشی از ایشان ثبت نشده؛ بلکه به شهادت همه مورخین، با نظام لیبرالی که توسط عثمان و بر پایه سرمایه گذاری های غیرمولد بنا شده بود، سخت مبارزه کرد و آن را ویران نمود. امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «امام علی (علیه السلام) پنج سال بر مردم حکومت کرد؛ نه آجری روی آجر گذاشت، نه خشتی بر خشت نهاد، نه ملک و آبی برای خود جدا کرد و نه سفید (نقره) و نه سرخی (طلا) برجای گذاشت» (کلینی، اصول کافی، ج 8، ص 130، ح 100).

بنابراین در تئوری اقتصادی امام (علیه السلام) همه افراد جامعه در تولید و کسب درآمد نقش دارند و تنها گروه از کارافتادگان، بیوه ها و یتیمان جامعه که طبق فرهنگ آن روز توان کسب درآمد مستقلی نداشتند، از این قاعده مستثنا شده بودند. امام (علیه السلام) از کنار پیرمردی نابینا که گدایی می کرد، عبور نمود؛ فرمود: این فرد کیست؟ گفتند فردی است مسیحی. امام به اطرافیان فرمود: او را به کار گرفتید و حال که سالخورده و از کارافتاده شده، هزینه زندگی اش را پرداخت نمی کنید؟! (شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 15، ص 66).

لذا با نگاهی به حجم بالای موقوفات امام علی (علیه السلام) (ر.ک: ابن شهبه، تاریخ المدینه المنوره، ج 1، ص 219-229) که برای جهت دهی و به فعلیت رساندن قابلیت های نیروی کار ضعیف جامعه تعبیه شده بود و مقایسه آن با میزان اندک صدقاتی که حضرت آن را نیز از محل همان موقوفات تأمین می کردند، نشان می دهد تا چه اندازه تولید و کار توانسته بود



بر جامعه علوی حاکم شود و اصلاحاتی از این ناحیه به وجود آمده بود. روایتی که از اوضاع اقتصادی کوفه، مقرر حکومتی علی (علیه السلام) رسیده است، گویای این مطلب است: در کوفه کسی نیست، جز آن که از رفاه برخوردار است. پایین ترین مردمان کوفه از نظر جایگاه (اقتصادی)، چنان است که نان گندم می خورد و در سایه می نشیند و از آب فرات می نوشد. (ری شهری، گزیده دانش نامه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ص 290).

## 2. الگوی تولید

### اشاره

دو پرسش اساسی در حوزه تولید مطرح است که روش پاسخ گویی به آن ها توسط اندیشمندان عرصه اقتصاد، خط مشی اصلی هدف های تولیدی آن ها را مشخص می کند. هر یک از اقتصاددانان با توجه به ایدئولوژی های خود به این پرسش ها پاسخ داده و بر اساس آن، مبدأ و غایت فعالیت های خود را سامان بخشیده اند: چه باید تولید شود؟ و چه مقدار تولید شود؟ پاسخ گویی به این پرسش ها از دیدگاه امام علی (علیه السلام) می تواند الگوی خوبی را برای برنامه ریزان و کسانی که به اصلاحات نظام اقتصادی معتقدند، ارائه نماید (سبحانی، دغدغه ها و چشم انداز های اقتصاد اسلامی، ص 53).

در اسلام طبق آیه نفی سبیل: {وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا} (نساء/141) تولید کالاهای اساسی که تولید نکردن آن به منزله ایجاد وابستگی به غیر و مغایر با استقلال جامعه می باشد، باید در اولویت قرار گیرد (همان). انگیزه دیگر تولید، رفع فقر و ایجاد رفاه نسبی در جامعه است (صدر، اقتصادنا، ج 2، ص 333). سرنوشت برخی از کشور های جهان سومی که در فقر مطلق به سر می برند، نمونه ای از ناتوانی در یافتن پاسخی روشن و شفاف به این دو پرسش است.

### الف) بایسته های تولیدی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)

### اشاره

سیره امام (علیه السلام) در پاسخ به این پرسش ها تنها بیان نیاز های اساسی برای برنامه ریزی مسئولین در رفع آن ها نیست؛ بلکه ایشان یک الگو تعریف می کنند که در بررسی آن، علاوه بر کالای مورد تولید، چگونگی روند تولید نیز لحاظ شده است.

ص: 187

عبارت است از دو مرحله: اطلاع یافتن از عوامل مؤثر در تولید و سپس طراحی و چیدمان این عوامل در کنار یکدیگر، که سبب بهره‌وری حداکثری در تولید می‌شود. پی‌گیری سیره ایشان می‌تواند الگوی خوبی در این زمینه باشد.

هنگامی که امام(علیه السلام) فعالیت‌های اقتصادی خود را در مدینه آغاز نمودند، با توجه به نیاز اولیه یک جامعه به تأمین معیشت و مواد غذایی، برای ادامه حیات و کار و عبادت، ایشان بهره‌وری حداکثری از زمین در عرصه کشاورزی را در رأس فعالیت‌های تولیدی خویش قرار داده، با تلفیق هندسه و تلاش و پشتکار، استفاده از تجربه و دانش و تحمل سختی‌ها، توانستند منطقه ینبع که جزو زمین‌های بایر مدینه بود را به ثمر برسانند. در گزارش ابن‌شبهه در این باره آمده است:

عبدالرحمن بن سعد بن زراره انصاری منطقه ینبع را به سی هزار درهم از برادرزاده کسد الجهنی خرید؛ اما به دلیل وزش بادهای شدید و وجود سختی‌های فراوان، قصد ترک آن جا را کرد. هنگام بازگشت در نزدیکی ینبع با امام(علیه السلام) مواجه شد. ایشان پرسیدند: از کجا می‌آیی؟ جواب داد: از ینبع می‌آیم و از آن بیزار شدم. امام پرسیدند: قصد فروش آن را نداری؟ من آن را به قیمت خریدم، خریدارم. عبدالرحمن زمین را به امام فروخت و سپس امام به آن جا رفت(ابن‌شبهه، تاریخ المدینه المنوره، ج 1، ص 219).

روشن است که هرگونه کار کشاورزی، وابسته به آب است؛ لذا امام(علیه السلام) به حفر چاه در آن منطقه مبادرت نموده و همین عامل علت اصلی رونق این منطقه شد. باز در همان گزارش ابن‌شبهه آمده است: هنگامی که علی(علیه السلام) بر ینبع تسلط یافت، به کوه‌های آن نگریست و فرمود: «راستی که تو بر منبع عظیمی از آب گوارا قرار گرفته‌ای» (همان).

مهندسی امام(علیه السلام) سبب شد تا ینبع یکی از مهم‌ترین مناطق مدینه در عرصه کشاورزی شناخته شود.

بنابراین، اولین گام در عرصه تولید، مهندسی تولید در به ثمر رسیدن اقدام تولیدی می‌باشد؛ امری که بسیاری از صاحب‌نظران از آن غفلت ورزیده‌اند؛ لذا در تولید با شکست مواجه شده یا به بهره‌وری حداکثری نرسیده‌اند.

یکی از معیار های اصلی امام (علیه السلام) برای انجام کار تولیدی، در نظر گرفتن نیاز ها و ملزومات مصرفی مردم همان جامعه بوده است. تولید در عرصه مواد غذایی، رکن اصلی نظام تولیدی هر جامعه شمرده شده، جزء اولین صنایع مادر است که قوام بسیاری از کارهای تولیدی دیگر نیز بر این بخش استوار می باشد. روشن است که با ایجاد خلل در این حوزه، صنایع وابسته و تبدیلی تا چه حد آسیب خواهند دید (خلیلیان، شاخصه های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، ص 108).

وابستگی اقتصادی، خروج منابع مالی از کشور، معطل ماندن صنایع وابسته در تولید، بیکاری و فقر، از نتایج بی توجهی و خودکفا نشدن در این حوزه کلاسن است،<sup>(1)</sup> لذا امام (علیه السلام) با نگاه دوراندیش خود فرمودند: «مردمانی که زمین و آب دارند و فقر بر آن ها سایه افکنده، از رحمت الهی به دورند» (ری شهری، دانش نامه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ص 240).

به همین دلیل، نگاه حضرت به این حوزه در جهت رفع موانع و رونق بیش از پیش تولید در این صنعت بوده است. ایشان به مالک اشتر، کارگزار خود در جمع آوری خراج، به بخشیدن مالیات ها بر کشاورزی امر نموده؛ چراکه آن را مایه رونق این بخش می داند و می فرمایند: «وَلْيَكُنْ نَظْرَكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ، لِإِنَّ ذَلِكَ لَا يَذْرُؤُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ» (شریف رضی، نهج البلاغه، نامه 53)؛ «تلاش تو در آبادانی زمین، بیشتر از تلاشت در جلب خراج و مالیات باشد؛ چراکه خراج در آبادانی زمین خرج خواهد شد».

سرکشی های مرتبط امام (علیه السلام) به بازار و تأکید بر اهالی آن، مبنی بر رونق دادن به کشاورزی و ریسندگی، حوزه مؤکد دیگر امام (علیه السلام) در تولید را روشن می نماید (ری شهری،

ص: 189

---

1- . طبق آمار اعلام شده توسط گمرک، در 6 ماهه اول سال 97، واردات 11 قلم اساسی به کشور صورت گرفته که همه آن ها به صورت مستقیم در حوزه کشاورزی یا جزء محصولات وابسته به این صنعت می باشند: ذرت، برنج، دانه های روغنی، دارو، روغن های خوراکی، گوشت قرمز، کنجاله سویا، جو، کود، قند، شکر و گندم. تنها حجم واردات ذرت 4 میلیون 156 هزار تن و به ارزش 972 میلیون دلار بوده است (www.eghtesadnews.com).

سیاست نامه، ص 361). اگر نیاز های اولیه بشر را برشماریم، به ترتیب: خوراک، پوشاک و مسکن به عنوان زیربنای سایر نیازها تلقی می شود. تحلیل رفتار اقتصادی امام(علیه السلام) رسیدن به خود کفایی تولید در حوزه های اساسی را نشان می دهد. از امام علی(علیه السلام) روایت شده است: «لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِبَاسَ الْعَجَمِ وَيَطْعَمُوا أَطْعَمَةَ الْعَجَمِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ صَدَرَتْ بِهِمُ اللَّهُ بِالذُّلِّ» (برقی، المحاسن، ج 2، ص 178، ح 1504)؛ مادامی که این امت لباس بیگانه نپوشد و از غذاهای آنان استفاده نکند، در خیر خواهند بود و هنگامی که چنین کنند، خداوند آن ها را ذلیل خواهد کرد».(1)

واکاوی روایت امام(علیه السلام) از عمق فاجعه ای پرده برمی دارد که در اثر بی توجهی به تولید در این حوزه ها دامنگیر جوامع اسلامی شده است. خوراک و پوشاک، علاوه بر سیر کردن جسم و پوشاندن تن، که بعد ملموس قضیه اند، تغذیه روحی، فکری و فرهنگی جامعه مسلمین نیز، بسته به تأمین این دو کالا در داخل مرزهای اسلام، نه خارج از آن است. ناگفته روشن است که کوتاهی در این دو امر تا چه اندازه سبب اضمحلال فرهنگ خواهد شد. بررسی رویکرد رفتاری امام(علیه السلام) در تولید، حاوی دو نکته مهم است:

1. پایه تولید باید بر اساس رفع نیاز های اساسی جامعه باشد. در این نگاه، هر چه از نیاز مسلمین که فراهم نبودن آن، سبب اخلال نظام جامعه مسلمین شود، به عنوان نیاز اساسی شمرده شده و تولید آن باید در خط مقدم نظام تولیدی قرار گیرد. می توان نیاز به دارو، واکسن، خودرو و... را نیز جزو نیازهای اساسی جامعه امروز دانست. در روایتی از عبدالرحمن بن عجلان آمده است که حضرت برای تأمین برخی نیاز های پیش آمده در حوزه کشاورزی، بذر کتان، ترتیزک، زیره و سایر چیزها را میان مردم تقسیم کرد تا از این طریق، نیاز جامعه تأمین گردد(ری شهری، سیاست نامه، 391). (2)

ص: 190

- 1- طبق آمار رسمی اعلام شده، ارزش دلاری واردات پوشاک 856 میلیون و 500 هزار دلار بوده است و این به جز حجم 130 هزار تنی واردات پارچه به کشور می باشد (www.eghtesadnews.com/23/6/98).
- 2- بهره برداری از این حدیث در حوزه رفع نیاز جامعه، برداشت شخصی این جانب است.

2. نکته دیگر در بررسی رفتار امام(علیه السلام) در نظام تولید، قطع دست بیگانگان و رفع وابستگی در تولید، بر اساس قاعده «نفی سبیل» است.

## ب) اولویت دادن به تولیدات مناسب با محیط و اقلیم جغرافیایی

یکی از بحث های مهم در عرصه مدیریت منابع، موضوع بهره وری می باشد که عبارت است از: به کارگیری بهترین روش تولیدی که در آن با حداقل مصرف منابع، حداکثر نتیجه را به دست آورد. مهم ترین گام در بهره وری، شناسایی ظرفیت های اقتصادی در فضایی است که باید کار تولیدی در آن جا صورت پذیرد. وضعیت اقلیمی، منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی، ارتفاع از دریا، دسترسی به منابع آبی و ... برخی از این ظرفیت ها هستند(عبدالملکی، اقتصاد مقاومتی، ص 237-248). در نقطه مقابل، یکی از دلایل ضعف در تولید، نبود دانش فنی در بهره وری از موقعیت ها و شرایط خدادادی است (همان، ص 474).

امام(علیه السلام) در تفسیر آیه {هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا} (هود/61) می فرماید: «فَاعْلَمْنَا سِدِّ بِحَانَهُ أَنَّهُ قَدْ أَمَرَهُمْ بِالْعِمَارَةِ لِيَكُونَ ذَلِكَ سَبَبًا لِمَعَايَشِهِمْ بِمَا يَخْرُجُ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الْحَبِّ وَالثَّمَرَاتِ وَمَا شَاكَلَ ذَلِكَ مِمَّا جَعَلَهُ اللَّهُ مَعَايِشَ لِلْخَلْقِ» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 13، ص 195)؛ خداوند بنا بر این آیه به مردمان فرمان ساختن و آباد کردن زمین را داده است تا از محصولات زمین، از دانه ها و میوه ها و مانند این ها، زندگی مردمان تأمین گردد.

به گزارش منابع تاریخی پیش از امام(علیه السلام) ینبع صاحبان دیگری نیز داشته، اما به دلیل بی اطلاعی از موقعیت جغرافیایی آن و نعمت های نهفته در آن، نتوانسته بودند از این ملک منتفع شوند؛ لذا آن را واگذار نمودند. امام امیرالمؤمنین(علیه السلام) با شناسایی منابع آبی و تلاش حداکثری در بهره گیری از آن و تلفیق آب و خاک مناسب، توانستند به توسعه کشاورزی در این منطقه اقدام نمایند؛ به طوری که از گذشته تاکنون ینبع جزو حاصلخیزترین مناطق مدینه باقی مانده است (ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج 1، ص 216). علاوه بر این، هدایت های ایشان به به فعالین این عرصه در شناخت و استفاده از ظرفیت های اختصاصی

هر منطقه، مایه تقویت و گسترش تولیدات متناسب با هر اقلیم شده بود. بصره به علت ختم شدن به دریا و امکان بهره گیری از آن، چنین مورد خطاب حضرت (علیه السلام) قرار می گیرد: «يَا أَهْلَ الْبَصْرَةِ... سَخَّرَ لَكُمْ الْمَاءَ يَغْدُو عَلَيْكُمْ وَيَرْوِحُ صَلَاحًا لِمَعَاشِكُمْ وَالْبَحْرَ سَبَبًا لِكَثْرَةِ أَمْوَالِكُمْ» (مجلسی، بحار الانوار، ج 60، ص 39؛ حکیمی، الحیاه، ج 5، ص 522)؛ ای اهل بصره! (خداوند) آب را مسخر شما کرد که صبح و شام در اختیار شماست، تا معاش شما را درست کند و دریا را سب فروزی در آمد شما قرار داد.

اگر بخواهیم سیره حضرت (علیه السلام) را به عنوان یک الگوی موفق تولیدی پیروی کنیم، باید اولویت در تولید را بر تأمین کالا های ضروری و اساسی جامعه که سبب رفع وابستگی به غیر شده و ایجاد خودکفایی می کند، با در نظر گرفتن مزایا و موقعیت های جغرافیایی، منابع در دسترس جهت کار و تولید، وضعیت اقلیمی و ... به سامان رساند.

اما در پاسخ به پرسش دوم (یعنی: چه مقدار باید تولید کرد؟) در ابتدا به روایتی از امام (علیه السلام) می پردازیم که می فرماید: «إِحْتِجَ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَسِيرَهُ وَإِسْتَعْنِ عَمَّنْ شِئْتَ تَكُنْ نَظِيرَهُ» (مجلسی، بحار الانوار، ج 77، ص 420)؛ به هر کس نیازمند باشی، برده و اسیر او هستی و از هر کس که بی نیازی بجویی، همانند او خواهی بود. این روایت را می توان الگویی برای مقدار تولید در نظر گرفت. به بیان حضرت (علیه السلام) تولید باید تا رفع وابستگی کامل به غیر صورت گیرد. یکی از عرصه هایی که بیگانگان می توانند از آن در جهت آسیب رساندن به دیگر ملت ها استفاده کنند، وابسته نگاه داشتن پیوسته آن ها به خود می باشد. این وابستگی می تواند کالا، فکر، علم و فرهنگ یا هر چیز تولیدی دیگر، به ویژه وابستگی در کالاهای اساسی باشد (خلیلیان، شاخصه های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، ص 109-110). لذا در اسلام یگانه عامل تعیین کننده خط مشی تولید، رفع نیاز عمومی است. بر همین اساس، بهره وری تا بیشترین حد ممکن برای رفاه حال و ایجاد گشایش مادی در جامعه اجازه داده شده است (صدر، اقتصادنا، ج 2، ص 332).

در نگاه امام علی (علیه السلام)، کار امری مقدس است؛ کاری که ثمره آن به بهبود شرایط اقتصادی مردم جامعه کمک کند. با نگاهی به سیره رفتاری امام (علیه السلام) در بُعد اقتصادی، می توان ایشان را مصلحی اقتصادی دانست که توانستند به رونق در عرصه تولید پردازند. امام (علیه السلام) در این زمینه از دو روش استفاده کردند: اولین روش، ایدئولوژی سازی است. ایجاد فرهنگ کار در جامعه، روحیه برادری در کنار شخصیت ایشان، به عنوان الگویی کامل سبب شد تا در جامعه آن روز، افراد برای حمایت از برادران دینی خود، به تولید توجه دوچندان نموده، با ایجاد فرصت های شغلی، به حمایت از آنان به پاخیزند و در مقابل، فقر، بیکاری، افزایش قیمت ها، معطل ماندن منابع تولید به شدت کاهش یابد.

با بررسی سیره امام (علیه السلام) می توان به نکاتی کلیدی دست یافت که به عنوان الگوی رهپویان این راه مورد استفاده قرار گیرد. حضرت در پاسخ به این دو پرسش اساسی: چه چیز و به چه میزان باید تولید شود، الگویی ارائه نمودند که از به کارگیری آن بهره وری حداکثری در عرصه تولید منتج می شود. منظور از بهره وری، استفاده از کمترین توان برای بیشترین تولید است. مهندسی تولید و ترکیب دو بُعد: تولید کالا بر اساس نیاز جامعه و اولویت بخشیدن به تولید در هر منطقه بر اساس شرایط محیطی و جغرافیایی آن، علاوه بر تولید، اشتغال زایی، ایجاد درآمد و ... از ایجاد وابستگی ها به بیگانگان، خروج ارز از کشور و در قطع دست دشمنان علیه جامعه مؤثر است.





قرآن کریم، ترجمه دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و گروهی از اساتید جامعه المصطفی، قم: انتشارات المصطفی، 1388ش.

نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه محمد دشتی، قم: نشر مشهور، 1379 ش.

1. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث، 1387ق.

2. ابن حنبل شیبانی، فضائل الصحابه، تحقیق: وصی الله بن محمد عباس، مکه، جامعه ام القرى، 1403ق.

3. ابن شبه، عمر، تاریخ المدینه المنوره، تحقیق: محمد شلتوت، بیروت، دار التراث، 1410ق.

4. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، مطبعه العلمیه، 1390ق.

5. ابن فهد حلی، عده الداعی و نجاح الساعی، تحقیق: احمد موحدی، قم، انتشارات وجدانی، 1392ق.

6. احمد ابن حنبل، المسند، تحقیق: عبدالله محمد الدرویش، بیروت، دار الفکر، چاپ دوم 1414ق.

7. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1411ق.

8. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعہ، قم، مؤسسه آل البيت، 1409ق.

9. حکیم آبادی، محمدتقی گیلک، اثنی عشری، ابوالقاسم؛ احمدپور، هادی، بررسی کارآیی بانکهای تجاری در ایران مطالعات موردی صادرات مازندران، مجله جستارهای اقتصادی، دوره 3، شماره 5، بهار و تابستان 1385،

10. حکیمی، محمد، امام رضا(علیه السلام) زندگی و اقتصاد، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، 1381ش.

11. حکیمی، محمد، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، قم، بوستان کتاب، چ پنجم، 1392ش.

12. حکیمی، محمدرضا، محمد و علی، الحیاه، ترجمه: احمد آرام، قم، دلیل ما، چاپ ششم، 1387ش.

13. خالد برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم، مجمع العالمی لأهل البيت(علیه السلام)، 1416ق.

14. خلیلیان اشکذری، محمدجمال، شاخصه های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، 1390ش.

15. دادگر، یدالله، درآمدی بر روش شناسی علم اقتصاد، تهران نشر نی، 1384 ش.
16. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، 1371 ش.
17. دهشیری، محمدرضا، رسانه و فرهنگ سازی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، ش 8، 1388 ش.
18. رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی (علیه السلام)، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم، 1385 ش.
19. ری شهری، محمد، سیاست نامه، قم، دارالحدیث، 1391 ش.
20. ری شهری، محمد، گزیده دانش نامه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، تلخیص: مهدی غلامعلی، قم، دارالحدیث، 1390 ش.
21. زمخشری، محمود بن عمر، ربیع الابرار و نصوص الاخبار، تحقیق: سلیم یغمی، قم، منشورات رضی، 1410 ق.
22. سبحانی، حسن، دغدغه ها و چشم انداز های اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، 1380 ش.
23. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، بیروت، دارالتعارف، 1401 ق.
24. صدر، محمدباقر، اقتصادنا، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، 1360 ش.
25. عبدالملکی، حجت الله، اقتصاد مقاومتی، انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، 1395 ش.
26. میرد، الکامل فی الادب، تحقیق: محمد احمد الدالی، بیروت، مؤسسه الرساله، 1413 ق.
27. مقتی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الاحوال، تصحیح: صفوه السقا، بیروت، مکتبه التراث الاسلامی، 1397 ق.
28. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، چاپ دوم، 1385 ش.

## 7. نگاهی به جایگاه کار در سیره امام علی (علیه السلام)

### اشاره

زهرا حسین هاشمی (1)

ص: 197

---

1- . دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان، hashemizahra30@yahoo.com.



کار، جوهر آدمی است. با کار کردن، استعدادها و ظرفیت های وجودی انسان شکوفا می شود. تمدن های عظیم بشری نیز با همه تنوع و تفاوتشان، حاصل کار و تلاش بی امان و خستگی ناپذیر آدمیان است. در سیره امام علی (علیه السلام)، همان گونه که دانش، بیش، تقوا، ایمان، شجاعت، شهامت، مدیریت، اخلاص و مدارا جایگاه خاصی دارند، کار و تلاش نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. علی (علیه السلام)، کار کردن را از لوازم زهد و پرهیزگاری می شمارد. آن حضرت به عنوان اسوه و الگوی عملی، هیچ گاه فرصت ها را از دست نمی داد و به بهترین صورت ممکن، از اوقات عمر گران بهایش در راه رضایت الهی بهره می گرفت. کار را می توان از دو جنبه بررسی کرد: نخست، اهداف و آثار فردی کار و دیگر، از جنبه اجتماعی. براین اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی جایگاه کار و تلاش در سیره امام علی (علیه السلام)، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ گویی به این سؤال است که: اهمیت، جایگاه و ارزش کار و تلاش در سیره امام علی (علیه السلام) چیست؟ برای پاسخ گویی به سؤال فوق، این فرضیه به آزمون گذاشته شده است که: «با توجه به سخنان امام علی (علیه السلام)، کار و تلاش اقتصادی می تواند در رشد فضایل انسانی و معنویت مؤثر باشد و عامل اساسی در شکوفایی استعدادهای انسانی باشد؟». یافته های تحقیق، ضمن اثبات فرضیه فوق، گوشه های دیگری از اهمیت کار و تلاش را نشان می دهد.

کلیدواژه ها: کار، تلاش، امام علی (علیه السلام)، سیره.

کار و تلاش، رمز اصلی بقا و سرزندگی همه جوامع انسانی است. مردمی که با تکیه بر توانمندی و ذخایر ملی خویش، بر ضعف و فقر غلبه کرده اند، مایه خرسندی و اقتدار ملی خویش را فراهم ساخته اند. اگرچه نمی توان گفت که امروزه روحیه راحت طلبی بر عموم جوانان ما حاکم است، اما می توان گفت که بسیاری از نسل جوان از انجام کارهایی که مستلزم تلاش و سخت کوشی است، کراهت داشته و طالب

رفاه و راحتی با کم ترین زحمت هستند. با نگاهی به سیره امامان شیعه (علیهم السلام) در می یابیم که سخت کوشی، تلاش و پرداختن به فعالیت های تولیدی، از برجسته ترین ویژگی های این بزرگواران است. آنان با این روش خویش، درس بزرگی و عزت نفس به شیعیانشان آموختند. این مقاله نگاهی کوتاه به جنبه کار و تلاش در زندگی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) دارد.

### 1. پیشینه

در زمینه ارزش کار و اهمیت آن و نحوه برخورد اخلاقی کارگران در سیره علمی و عملی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) کتاب ها، مقالات و پایان نامه هایی نگارش یافته است که از مهم ترین این آثار می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. اخلاق کارگزاران در حکومت حضرت علی (علیه السلام)، آیهالله جوادی آملی، عبدالله، 1369، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
2. اخلاق کارگزاران، مجموعه چشم انداز امام علی (علیه السلام)، ذاکری، علی اکبر، 1387، تهران، کانون اندیشه جوان.
3. مقاله «همت و کار مضاعف از دیدگاه نهج البلاغه»، پرستگاری، سهیلا؛ فتحی، فاطمه، 1391، مجله کوثر، نیمه دوم، بهار و نیمه اول تابستان.
4. پایان نامه «جایگاه کار و تلاش در سیره علوی»، محمدصادقی، الهام، 1391، دانشگاه اصفهان.

## 2. مفهوم شناسی کار

«کار» از نظر لغوی به معنای فعل، عمل و کردار انسان است و در اصطلاح، فعالیتی است نسبتاً دائمی که به تولید کالا یا خدمات می انجامد و به آن دستمزدی تعلق می گیرد. به عقیده بعضی از صاحب نظران در تعریف کار به نوع خاصی از کار توجه نشده است؛ بلکه کار را در مفهوم عام سرچشمه انباشت ثروت و سرمایه و نهایتاً رشد و شکوفایی جوامع تلقی کرده اند. براساس این تعریف، فعالیت و کار به طور عمده از طریق هدف ها و ارزش محصولی که تولید شده معین می گردد و کار زمینه را برای تولید و افزایش خدمات ایجاد می کند. به طور کلی کار عبارت است از: مجموعه عملیاتی که انسان با استفاده از مغز، دست ها، ابزار و ماشین ها برای استفاده عملی از ماده روی آن انجام می دهد و این اعمال نیز متقابل ابر انسان اثر می گذارد و او را تغییر می دهد. پولکس فن می گوید: «مردم سرچشمه ثروت های منقول بوده و افزایش ثروت از کار و زحمت آن ها ناشی می شود.» (میک، پژوهشی در نظریه ارزش کار، ص 22). در اندیشه حضرت علی (علیه السلام) می توان به صورت استنباطی کار را چنین بیان نمود: کار عبارت است از «تلاش و کوشش انسان ها برای آماده کردن زاد و توشه آخرت در دوران زندگی در دنیای مادی.» از دیدگاه امام علی (علیه السلام) در جامعه یکی از حقوق اولیه مردم این است که همه حق دارند، شاغل باشند. کار کوچکی و بزرگی ندارد؛ مگر با توجه به کاری که انجام می دهند و هرکس اعم از مرد و زن پاداش کار خود را خواهد دید (پرستگاری و فتحی، همت و کار مضاعف از دیدگاه نهج البلاغه، ص 42).

## 3. جایگاه و ارزش کار در اسلام

یکی از معیارهای مهم برای پیشرفت و سعادت جوامع، توجه به شکل، نوع و کیفیت کار و فعالیت است. در برخی از جوامع بین اشکال کار یدی و فکری تمایزاتی وجود داشته است. کارهای یدی و فیزیکی، فاقد ارزش بود و معمولاً این فعالیت ها و کارها به اقشار پایین جامعه واگذار می شد. اسلام به کار و کارگر ارزش بسیار بالایی داده است، به گونه ای که کار کردن را جزو بزرگ ترین عبادت ها و وسیله ای برای تقرب به پروردگار شمرده است

(مجلسی، بحار الأنوار، ج 74، ص 140). در اسلام کار و تلاش برابر با جهاد در راه خدا است و از راه کسب و کار می توان به بهشت برین رسید (حکیمی، الحیاه، ج 5، ص 435). عامل اساسی در شکوفایی استعداد های انسانی کار و تلاش است. سیره تمام پیامبران الهی به همین گونه بوده است. ایشان همگی در طول زندگی خود به کار و تلاش مشغول بودند.

نقل شده است که روزی جوانی از حضور پیغمبر اکرم<sup>می</sup> گذشت، عده ای که در محضر آن حضرت بودند، دیدند که این جوان، نیروی قابل توجهی دارد. عرض کردند: «وَيْحَ هَذَا لَوْ كَانَ شَدَّابَهُ وَجَلَدَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ ای کاش که در راه خدا قدم برمی داشت. آن حضرت فرمود: «اگر این شخص حرکت کرده است تا عایله اش را از راه صحیح و حلال تأمین کند، یا می کوشد تا پدر و مادر پیر خود را از راه صحیح، حفظ و اداره کند، یا تلاش می کند تا سربار جامعه نباشد و خود را از نیازمندی به این و آن برهاند، این راه، راه خداست؛ ولی اگر می کوشد تا بر ثروت خود بیفزاید، این راه، راه شیطان است» (فیض کاشانی، محجبه البیضاء، ج 3، ص 140).

پیامبر اسلام<sup>آن</sup> گاه که ویژگی های انسان مؤمن را برای حضرت علی (علیه السلام) توصیف می کند، با اشاره به صفت پرکاری می فرماید: «ای علی! پرکاری از صفات مؤمن است.» (خسروی، اهمیت کار و حرفه از نظر اسلام، ص 35)، هم چنین آن حضرت می فرماید: «دوست دارم که شخص برای تأمین مخارج خود، از حرارت آفتاب آزار ببیند.» (همان).

پیامبر اکرم<sup>پیش</sup> از بعثت گوسفندچرانی می کرد و با مال و سرمایه خدیجه (علیها السلام) تجارت می نمود. حضرت موسی (علیه السلام) نیز گوسفندچرانی می نمود. حضرت ابراهیم (علیه السلام) به کارهای چوپانی و بنایی اشتغال داشت و حضرت ادریس (علیه السلام) خیاط و حضرت نوح (علیه السلام) نجار بوده است. (قریشی، کار و حقوق کارگر، ص 6 و 5). علاوه بر پیامبر اسلام<sup>ائم</sup>ه اطهار (علیهم السلام) هر کدام به کار و فعالیت می پرداختند. پس از رسول اکرم<sup>امام</sup> علی (علیه السلام) از همه کس متواضع تر بود. در امور خانه به همسر خویش کمک می کرد و شخصاً به کار و تلاش در مزرعه می پرداخت. با کلنگ زمین را می کند و آن را شیار زده و آبیاری می کرد و



بارهای هسته خرما را روی شانه می گذاشت و به صحرا می برد و بر زمین می فشاند و اگر یک دانه ای از آن بر زمین می افتاد، خم می شد و آن را برمی داشت (برقعی قمی، جلوه حق در سیرت مولای متقیان امام علی (علیه السلام)، ص 55).

حضرت علی (علیه السلام) در طول عمر خویش علاوه بر رسالت زمامداری و امانت به کارهای زراعت و باغبانی می پرداخت و درآمد آن را صرف فقرا و یتیمان و اقشار پایین جامعه می نمود. در مورد اهمیت و ارزش کار و تلاش می گوید: «کشیدن سنگ های گران از قله های کوه، نزد من از منت دیگران کشیدن محبوب تر است. مردم به من می گویند: کار برای تو عیب است و حال آن که عیب آن است که انسان دست سؤال نزد مردم دراز کند» (قریشی، کار و حقوق کارگر، ص 6)

در اندیشه و مرام امام علی (علیه السلام) کار از تقدس و احترام خاص برخوردار است؛ به همین رو مقرر داشت که برتری بعضی از مردم بر برخی دیگر، صرفاً براساس کار و فعالیت باشد؛ نه حسب و نسب موروثی و امتیازات قبیله ای و عشیره ای، چنان که فرمود: «پاداش هرکس در قبال هر کاری است که انجام می دهد.» و در این باره چنان سخت گرفت که معروف شد، «علی یاور هر کسی است که کار می کند و دشمن آن کسی است که گدایی می کند.» (جرداق، امام علی (علیه السلام) صدای عدالت انسانی، ج 1، ص 235). در سیره امام علی (علیه السلام)، همان گونه که دانش، بینش، تقوا، ایمان، شجاعت، شهامت، مدیریت، دادگری، اخلاص و مدارا جایگاه خاصی دارند، کار و تلاش نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. آن حضرت کار کردن را از لوازم زهد و پرهیزکاری می شمرد.

امام باقر (علیه السلام) در روایتی می فرماید: «مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا اسْتِعْفَافاً عَنِ النَّاسِ وَسَعِيّاً عَلَى أَهْلِهِ، وَتَعَطُفًا عَلَى جَارِهِ، لَقِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَوَجْهَهُ مِثْلَ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ»؛ «کسی که در راه کسب مال حلال تلاش کند و نیت او این باشد که افزون بر آن که خود و خانواده اش را از دیگران بی نیاز کند، به همسایگان خود کمک کند، روز قیامت، در حالتی خدا را ملاقات می کند که صورتش مانند ماه شب چهارده می درخشد» (حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ج 17، ص 67)

#### 4. جایگاه شغل و حرفه از دیدگاه امام علی (علیه السلام)

یکی از سنن آشکار الهی، قراردادن رزق و روزی در برابر فعالیت و کسب انسان هاست. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «آن گاه که پدیده ها با یکدیگر جفت شدند، تبلی و ناتوانی کنار هم قرار گرفتند، سپس فقر و تنگدستی را پدید آوردند.» (کلینی، الکافی، ج 5، ص 86). امام علی (علیه السلام) در جای دیگر نداشتن حرفه اقتصادی را فسادآفرین معرفی می کند و می فرماید: «اگرچه داشتن شغل مایه زحمت است، ولی بی کاری دائم فسادآفرین است.» (مجلسی، بحار الأنوار، ج 7، ص 419). امام نه تنها بی کاری، بلکه کم کاری را مذمت نموده و می فرماید: «آن که در عمل کوتاهی کند، دچار اندوه گردد.» (شریف رضی، نهج البلاغه، ص 652). در دیدگاه علی (علیه السلام) بی کاری و سستی نه تنها برای خود شخص مضر است، بلکه موجب تباهی حق خدا و سایر مردم نیز می شود.» (قمی، سفینه البحار، ج 7، ص 478؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج 73، ص 160)؛ بنابراین فقدان کار و حرفه در فرهنگ دین مذموم و مطرود بوده، تا جایی که اگر شخص بدون کار و تلاش، روزی مند باشد؛ فضیلتی برای او نیست. از این رو دارایی حاصل از بطالت، فاقد ارزش بوده و در تناقض با نقش انسان است. امام علی (علیه السلام) ذیل آیات 103 و 104 سوره کهف، درباره زیان کارترین مردمان می فرماید: «آنان راهبانی هستند که خود را در دیرها محبوس کرده اند» (سیوطی، الدر المنثور، ج 4، ص 253).

#### 5. سیره عملی امام علی (علیه السلام)

##### اشاره

سیره عملی آن حضرت اشتغال به کار مفید بود؛ بدون این که شکل کار برای او مطرح باشد. این که برخی تصور می کنند که اگر انسان برای خود کار کند، با موقعیت اجتماعی او سازگار است و اگر برای دستمزد باشد، جایگاه اجتماعی او حفظ نشده است. فرهنگ کار می طلبد که موقعیت اجتماعی افراد، کار و تلاش را این گونه طبقه بندی نکنند؛ بلکه در نگرش جامعه، موقعیت اجتماعی باید نسبت به انواع کار حساسیت منفی نداشته باشد و هرکار مفید و سازنده ای عزت و احترام اجتماعی را به دنبال داشته باشد و هیچ نوع کار

سازنده ای با موقعیت و جایگاه اجتماعی افراد، ناسازگار تلقی نگردد. روایاتی که از امام علی (علیه السلام) درباره سیره عملی آن حضرت در رابطه با کار و تلاش نقل شده است، مواردی از آن به شرح زیر بیان می شود:

### الف) تأمین نیاز خانواده

حضرت علی (علیه السلام) همیشه به استقلال و خودکفایی زنان و فرزندان خود توجه داشت. ایشان حتی قبل از شهادتش باغات سرزمین یثرب را وقف زنان و فرزندان خود می کند که آن ها بعد از او نیز زندگی آبرومندانه ای داشته باشند، نه اینکه به دیگران محتاج باشند و چشمشان به بیت المال باشد. همان گونه که در نامه 24 نهج البلاغه آمده است:

«این دستوری است که بنده خدا علی، نسبت به اموال شخصی خود، برای خشنودی خدا، داده است تا خداوند به آن بهشت درآورد و آسوده اش گرداند و همانا سرپرستی این اموال برعهده فرزندم حسن بن علی (علیه السلام) است و...» (شریف رضی، نهج البلاغه، ص 502).

### ب) کمک به همسر در کارهای منزل

حضرت در کارهای منزل و کمک به همسرش کوتاهی نمی کرد. روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرموده اند: «امام هیزم جمع می کرد و آب از چاه بالا می کشید و به جاروب خانه می پرداخت و فاطمه گندم با دستانش آرد می کرد و آن را خمیر می کرد و نان می پخت.» (کلینی، الکافی، ج 9، ص 563).

### ج) اهمیت حلال بودن کار

حضرت علی (علیه السلام) کار را موجب افتخار و سربلندی می دانست و هیچ گاه از هیچ کاری ابا نداشت. ایشان به نوع کار توجه نداشت و فقط به حلال بودن آن توجه می کرد. در سیره ایشان است که باغ احداث می کرد، چاه حفر می کرد و... و از ایشان روایت شده که: «روزی در مدینه سخت گرسنه شدم، برای پیدا کردن کار به محله های بالای مدینه رفتم. در آنجا زنی را دیدم که کلوخ هایی را جمع کرده بود و فکر کردم که می خواهد با آن ها گل درست کند.»

ص: 205

نزدیک او رفتم و با او توافق کردم که برای هر دلو آب که از چاه بکشم، یک دانه خرما به من بدهد. چون شانزده دلو کشیدم، دستم تاول زد، پس به لب آب رفتم و دستم را شستم، آن گاه به خانه آمدم و پیامبر<sup>ص</sup> را از آنچه گذشته بود آگاه کردم، پیامبر به همراه من از آن خرماها خورد.» (حکیمی، الحیاه، ج 5، ص 474).

## د) کار برای تأمین نیاز مستمندان

امام(علیه السلام) از دست رنج خود بردگان را می خرید و در راه خدا آزاد می کرد. از امام صادق(علیه السلام) روایت شده که فرمود: «امام علی(علیه السلام) بیل می زد و شخم می زد و آب از زمین بیرون می آورد و از مال و دست رنج خود هزار برده آزاد کرد.» (مجلسی، بحار الأنوار، ج 41، ص 38).

## 6. عوامل موفقیت در کار از دیدگاه علی(علیه السلام)

### الف) ایمان به کار

ایمان به کار وقتی در درون انسان به وجود می آید که او به آثار سازنده عمل در ابعاد مختلف فکری و اقتصادی و در کسب رضایت خداوند و خدمت به خلق یقین داشته باشد؛ به عبارت دیگر فرد باید قبل از

اقدام به کاری، نسبت به آن کاملاً شناخت داشته باشد. در این باره حدیثی از امام علی(علیه السلام) روایت شده که فرمود: «ای کمیل! هیچ حرکتی نیست جز این که در آن به شناختی نیازمندی.» (حکیمی، الحیاه، ج 1، ص 62). اعتقاد به ارزش کار، نه تنها علامت زنده بودن یک فرد و اجتماع است، بلکه باعث می شود که از کمترین فرصت ها، عالی ترین نتایج را به دست آورد (اصلی پور، مدیریت و رهبری با سیری در نهج البلاغه، ج 1، ص 47).

کسانی که با شک و تردید به کارها می نگرند و در درون احساس تزلزل و بی اعتقادی می کنند، نمی توانند کارهایشان را به طور مطلوب انجام دهند و گاهی کار را به طور ناقص رها می کنند، چون از ابتدا به درستی کار ایمان نداشته اند؛ بنابراین چنین افرادی همواره احساس ناراحتی و سرشکستگی دارند. امام(علیه السلام) در این باره می فرمایند: «کسی که عمل را

ترک کند، به یقین به ثواب و پاداش بر عمل خویش ندارد.» (تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص 156).

## ب) مشورت

فواید و برکاتی که از مشورت عاید انسان می شود، هرگز از تلاش های بی وقفه شخصی، امکانات مادی و تفکر فردی به دست نمی آید. کمک گرفتن از افکار دیگران، شکوفایی استعدادها، شناسایی خطاها و ایجاد تنوع و کسب راهکارهای جدید و صحیح از فوایدی است که می توان برای مشورت کردن ذکر کرد. از حضرت علی (علیه السلام) در این باره روایات فراوانی نقل شده است. علی (علیه السلام) درباره ارزش مشاوره می فرماید: «لَا غِنَى كَالْعَقْلِ وَلَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ وَلَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوَرَةِ»؛ «هیچ ثروتی چون عقل و هیچ فقری چون نادانی نیست. هیچ ارزشی چون ادب و هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست» (شریف رضی، نهج البلاغه، کلمات قصار 51).

## ج) عاقبت اندیشی و تدبیر

یکی دیگر از شرایط صحت عمل و حسن اجرای آن، توجه به مقدمات لازم و تدبیر و عاقبت اندیشی برای ورود به کار است. حضرت علی (علیه السلام) درباره ارزش تدبیر فرموده است: «هیچ عقلی همچون دوراندیشی نیست.» (دشتی، نهج البلاغه، ص 650)

از نتایج عاقبت اندیشی و تدبیر در کارها آرامش خاطر، جلوگیری از پشیمانی و رسیدن به هدف است. امام علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «تدبیر نیکو مال کم را افزایش می دهد و سوء تدبیر مال زیاد را از بین می برد.» (حکیمی، الحیاه، ج 4، ص 488).

## د) پشتکار و جدیت

اگر فرد در کاری که انجام می دهد، پشتکار و جدیت داشته باشد، از سختی کار نمی هراسد و موانعی که بر سر راهش می بیند را کنار می زند تا به هدفش برسد. تلاش زیاد پایه و اساس بسیاری از موفقیت هاست. حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «کار اندکی که بر آن

مداومت کنی، امیدبخش تر از کار بسیاری است که از آن ملول گردی.» (حکیمی، الحیاه، ج 1، ص 505).

## ه- دقت و ایمان

یکی از آفت های کار و کارگری بی دقتی در کار است. حضرت در نامه ای که به مالک اشتر می نویسد، وی را به محکم کاری و دقت در عمل سفارش می کند و می فرماید: «پس از محکم کاری و دقت در قراردادنامه، دست از بهانه جویی بردار.» (دشتی، نهج البلاغه، ص 340).

## و) برنامه ریزی، نظم و سازماندهی

برنامه ریزی جهت انجام کار و استفاده از آن جهت حداکثر بهره گیری از زمان را در انجام کارها از ضروریات است. امام علی (علیه السلام) به عنوان یک رهبر جهان اسلام، همگان را به تنظیم کارها دعوت می کند، تا هر فردی به کار خود پردازد و از دخالت در کار دیگران بپرهیزد. این دستور برای همه افراد ضروری و سودمند است و براساس آن کارها تقسیم و سمت ها تعیین می گردد؛ بنابراین کسی نمی تواند از وظیفه خود شانه خالی کند و یا به حوزه مسئولیت دیگران وارد شود و یا به مقام دیگری چشم بدوزد. همچنین با رعایت نظم باید از ورود به هر کاری قبل از موقع مناسب آن خودداری کرد و با فرارسیدن فرصت مناسب آن را به تاخیر بیندازد (جوادی آملی، اخلاق کارگزاران در حکومت حضرت علی (علیه السلام)، ص 200).

## ز) همکاری

همکاری در کارها علاوه بر این که بر سرعت انجام خود کار می افزاید، باعث توسعه و رشد اقتصادی جامعه نیز می گردد و وقتی انسان ها در کارها باهم مشارکت کنند، صمیمیت میانشان افزایش می یابد و همچنین سلامت روان افراد تضمین می گردد (اصلی پور، مدیریت و رهبری با سیری در نهج البلاغه، ج 1، ص 174).

حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ای که در جنگ صفین ایراد فرمود، ضمن بیان حقوق متقابل مردم و رهبر می فرماید:

ص: 208

«ای مردم بشتابید به سوی همکاری بر اطاعت خداوند عزوجل و برپایی عدالت الهی و وفای به عهد خداوند و میانه روی در تمام حقوق او؛ زیرا مردم به چیزی بیشتر از این موارد نیازمندتر نیستند که به آن سفارش شوند و در آن به نیکویی با یکدیگر همکاری کنند؛ در حالی که هرچند که برای کسب رضایت الهی بسیار طمع دارد و در عمل نیز بسیار تلاش گر است، واقعاً به آن چه که خداوند به او بخشیده است سزاوارتر نیست.» (کلینی، کافی، ج 15، ص 78).

### ح) نکوهش بی کاری

امام علی (علیه السلام) در نامه 31 نهج البلاغه به فرزندش امام حسن (علیه السلام) سفارش می کند که: «اگر می خواهی آزاد باشی مانند بندگان و غلامان زحمت بکش و کار کن. امید و آرزوی خود را از

مال جمیع انسان ها قطع کن و هرگز چشم طمع به مال و ثروت و اندوخته دیگران نداشته باش. اگر کار و کسبی به تو پیشنهاد شد، نگو این کار کسر شأن است و درجه و مقام مرا در جامعه پایین می آورد. بی نیازی از دیگران و عزت نفس، در ذات کار و کوشش است. کار کردن موجب می شود انسان به کمک دیگران امید نبندد و دست تکدی و نیاز به سوی این و آن دراز نکند» (محمدصادقی، جایگاه کار و تلاش در سیره علوی، ص 105).

### ط) وقت شناسی

وقت شناسی یکی از رموز موفقیت در هرکار و حرفه ای است و بدون توجه به آن تلاش فرد حبط و ضایع خواهد شد. شاهد این مدعا گفتار امام خطاب به مالک اشتر است: «کار هر روز را در همان روز انجام بده؛ زیرا که هر روزی مخصوص کار همان روز است.» (شریف رضی، نهج البلاغه، ص 584) و در جای دیگری در پاسخ به این سؤال که حزم و دوراندیشی چیست؟ می فرماید: «این که منتظر فرصت باشی و هنگامی که فرارسید شتاب ورزی.» (صدوق، معانی الأخبار، ص 380). حضرت، در این حدیث حزم را شناخت فرصت ها و غنیمت شمردن آن ها برشمرده و به این دلیل در ادامه حدیث در پاسخ به این سؤال که جهل چیست؟ بیان می دارد: «فرصت نارسیده را رسیده پنداشتن و در اقدام شتاب کردن» (همان).

کار تأثیرات مثبتی بر جسم و روح انسان دارد و موجبات پیشرفت و کمال آدمی را فراهم می آورد، از جمله این آثار عبارتند از:

### الف) کسب درآمد و تأمین نیازهای زندگی خود و خانواده

اصلی ترین انگیزه مادی هر شخصی در انجام کار، این است که به وسیله آن، نیازهای خود و خانواده اش را تأمین کند. براساس آنچه در آیات قرآن آمده است، انسان موجودی فقیر و نیازمند است. او به غذا، پوشاک، مسکن و دیگر چیزها نیاز دارد و برای تهیه آن ها باید از طبیعت بهره گیرد. از سوی دیگر محصول طبیعت اغلب آماده مصرف نیست؛ بنابراین فرد باید برای تأمین نیازهایش به کار و تلاش پردازد. در روایات ائمه (علیهم السلام) بسیار آمده است که اگر کسی برای تأمین نیاز خود و خانواده اش تلاش کند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد کرده است. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است: «کسی که برای خانواده اش تلاش و کوشش می کند، همانند جهادکننده در راه خدا است.» (کلینی، کافی، ج 9، ص 566).

حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرمایند: «آمدن شما اول صبح برای جهاد در راه خدا، از آمدن آن که برای تأمین زندگی خانواده خود تلاش می کند، بالاتر نیست.» (حکیمی، الحیاه، ج 5، ص 436).

طبق دیدگاه فقهی، کار برای تأمین معاش واجب است. انسانی که در راه کسب درآمد برای تأمین زندگی سختی می بیند، خداوند به او ثواب می دهد و پیامبر گرامی اسلام بر چنین دستی بوسه می زند. هنگامی که پیامبر از غزوه تبوک باز می گشت، سعد انصاری از او استقبال کرد، پیامبر پس از مصافحه با او، فرمود: چرا دستت این قدر زبر شده است؟ گفت: یا رسول الله! بیل می زنم و با این کار خرج عائله ام را به دست می آورم. پیامبر خدا دست او را بوسید و گفت: «این دستی است که آتش دوزخ به آن نمی رسد» (حکیمی، الحیاه، ج 5، ص 504).



## ب) فعلیت یافتن استعدادهای بالقوه افراد

اگر آدمی بخواهد که نیروهای وی رشد کند و استعدادهای او در ظرف وجودش شکوفا شود و خواسته های وی در خارج تحقق پیدا کند، ناگزیر باید از مرحله فکر تجاوز کند و در مرحله اقدام و عمل قرار بگیرد. خیر و فضیلت با تصور ذهنی و فکرکردن به آن ها و به سودمندی آن ها، تحقق پیدا نمی کند، زیرا که تصور و ادراک خیر تنها یکی از عوامل تحقق یافتن خیر است؛ و عامل اساسی چیزی جز کار کردن و کوشیدن برای رسیدن به آن نیست (حکیمی، الحیاء، ج 1، ص 589).

در این باره حدیثی از امام علی (علیه السلام) روایت شده که می فرماید: «هرکس کار کند نیرویش افزون تر می شود و هرکه در کار کردن کوتاهی کند، سستی او افزایش می یابد.» (تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ج 1، ص 589). در پرتو این نگرش دست کشیدن از کار و بلکه کاستن از آن موجب فتور و سستی بدنی و روانی خواهد شد و برعکس، پرکاری سبب آن می شود که نیروهای آدمی و توانایی های جسمی او از مرحله قوت و امکان به مرحله فعلیت و آشکارشدن درآید.

## ج) سربلندی، شخصیت و عزت در سایه کار و تلاش

از دیگر آثار کار، عزت و سربلندی فرد است. شخص با کار کردن نیازهای خود را برطرف می کند، به طوری که دیگر نیازمند کسی نباشد و نخواهد دست طلب به سوی دیگران دراز کند.

در حدیثی دیگر از امام صادق (علیه السلام) آمده است که به یکی از دوست دارانش فرمود: «ای عبدالله! عزت خود را حفظ کن. پرسید: فدایت شوم، چه چیز عزت من است؟ فرمود: به بازار رفتن در بامداد و خود را عزیز داشتن؛ و به دوست دیگری فرمود: چه شده است که رفتن به جایی را که عزت تو در آن است ترک کرده ای؟ گفت: در تشیع جنازه ای شرکت کردم. فرمود: در هر حال، رفتن در پی عزت خویش را ترک مکن» (صدرالدین شیرازی، شرح اصول کافی، ج 2، ص 219).

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که:

حال یکی از اصحاب پیامبر<sup>ص</sup> سخت شد، همسرش به او گفت: کاش نزد رسول خدا<sup>ص</sup> می رفتی و از او چیزی می خواستی. نزد پیامبر آمد، چون پیغمبر او را دید، فرمود: هرکه از ما بخواهد به او عطا کنیم و هر که نخواهد خدایش بی نیاز کند. آن مرد گفت: جز مرا قصد نکرده است، نزد همسرش بازگشت و به او اعلام کرد. همسرش گفت: رسول خدا<sup>ص</sup> نیز بشر است. برو و به او حال خود را بگو. آمد نزد آن حضرت و تا چشم رسول خدا<sup>ص</sup> به او افتاد فرمود: هرکه از ما بخواهد به او عطا کنیم و هرکه نخواهد خدایش بی نیاز کند و تا سه بار. آن مرد رفت و آمد کرد و سپس رفت تبری عاریه کرد و به کوه رفت و بالای آن برآمد و هیزمی برید و آن را به نیم مد آرد فروخت و آن را خورد. سپس فردا رفت و هیزم بیشتری آورد و فروخت و پیوسته کار کرد و جمع کرد تا تبری خرید و سپس جمع کرد تا دو شتر خرید و غلامی خرید و توانگر شد و به رفاه رسید. پس از آن نزد پیامبر آمد و به او خبر داد که چگونه آمد خواهش کند و از پیامبر<sup>ص</sup> چه شنید. باز هم پیغمبر<sup>ص</sup> فرمود: به تو گفتم: هرکه از ما بخواهد به او عطا کنم و هرکه نخواهد خدا او را بی نیاز کند (مجلسی، بحار الأنوار، ج 70، ص 177).

### (د) رشد علمی و عقلی

انسان در سایه کار و تلاش، شناخت و تجربه کسب می کند. چون چیزهایی را که قبلاً نمی دانسته از این طریق فرامی گیرد و بر رشد عقلانی و اجتماعی اش افزوده می شود، بنابراین به کشف و شناخت قوانین طبیعت می پردازد و از آن ها در راه پیشبرد اهداف خود استفاده می کند. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «رها کردن تجارت، عقل را کاهش می دهد و تجارت عقل را رشد می دهد.» (کلینی، الکافی، ج 10، ص 7).

این روایات گرچه درباره تجارت آمده است، اما به آن اختصاص ندارد. اصولاً انسان در جریان کار و عمل شکل می گیرد و بر حسب آن چه انجام داده درباره آینده تفکر می کند. اگر انسان از محیط عمل

جدا شود، مسائل جدید برای او رخ نمی دهد و نمی تواند زمینه رشد

علم را فراهم کند. انسان با کار و تلاش، در تعامل با طبیعت قرار می گیرد، قوانین آن را درک می کند و رمزهای آن را کشف می کند. این تعامل باعث رشد عقلانی بشر می شود.

کار و تلاش تأثیر به سزایی بر جسم و روح انسان می گذارد و باعث می شود جسم انسان از خمودگی و ناتوانی دور شود، ولی بی کاری نه تنها موجب افسردگی روحی می شود، بلکه باعث از بین رفتن قوای جسمی انسان می گردد.

علی (علیه السلام) فرمودند: «هر کس کار کند، توان او افزوده می شود.» و نیز فرمودند: «هر که در عمل کوتاهی کند، سستی و ناتوانی او افزوده گردد.» (حکیمی، الحیاه، ج 5، ص 446).

## ه- سلامت و آرامش روحی

تأثیر کار در وجود انسان، منحصر به جنبه جسمی نیست، بلکه از آن تجاوز می کند و از نظر روحی نیز بر انسان تأثیر به سزایی دارد؛ زیرا کار روح را تصفیه می کند و وجدان آدمی را صیقل می دهد، پس انسان تنها از لحاظ جسمی نیازمند به کار نیست، بلکه از لحاظ روح خود نیز چنین است. کار روان آدمی را می سازد و هستی معنوی وی را استحکام می بخشد و بی کاری و بطالت با آثار منفی که دارند، معنویات انسان را از بین می برند. (حکیمی، الحیاه، ج 3، ص 212).

## و) ارزش ذاتی کار

یکی از دلایلی که باعث می شود فرد به کار کردن روی آورد و از تنبلی و سستی بگریزد انگیزش درونی وی به کار است، یعنی فرد به خاطر لذتی که از کار احساس می کند کار می کند. (گنجی، روان شناسی کار، ص 78).

علامه جعفری برای کار دو ارزش فلسفی بیان می کند که یکی از آن ها ارزش موضوعی کار است. وی می نویسد:

«ارزش دوم کار ارزش موضوعی است، یعنی کار و کوشش ذاتاً و فی نفسه دارای ارزش است؛ یعنی انسان با آگاهی و هدف گیری عالی در حیات، احساس کرده است که رکود و

سکون یک حالت منفی و حرکت و کار یک حالت مثبت روان آدمی است و او با این آگاهی و هدف گیری عالی در حیات، احساس کرده است که رکود و سکون یک حالت منفی و حرکت و کار یک حالت مثبت روان آدمی است و او با این آگاهی و هدف گیری از رکود و سکون می گریزد و در هر مورد که احساس می کند زمینه ای برای کار وجود دارد، دست به کار می شود و نظری به نتیجه و سود آن ندارد. کار با این رابطه می تواند دارای ارزش موضوعی بوده باشد.» (جعفری، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج 4، ص 13).

## 8. اهداف و اثرات مادی کار در بُعد اجتماعی

### الف) بی نیاز ساختن جامعه

از مهم ترین اهداف مورد نظر اقتصاد اسلامی، بی نیاز ساختن جامعه و تامین قوام و دوام موجودیت پیش رو و پرنشاط آن است، اسلام میان این انسان و آن انسان و این محیط و آن محیط تفاوتی قائل نیست، بلکه همه انسان ها و سعادت آن ها را از هر محیط که باشند خواستار است و برای سعادت مند ساختن همه برنامه دارد و برای مصالح توده های بشری، بدون تمایز قائل شدن میان گروهی با گروه دیگر یا میان قوم و نژادی با قوم و نژاد دیگر، تلاش می کند. (حکیمی، الحیاه، ج 3، ص 192).

از امام علی (علیه السلام) نقل شده است: «از کمال سعادت آدمی این است که در راه اصلاح جامعه سعی و مجاهده نماید.» (فلسفی، الحدیث (روایات تربیتی)، ج 2، ص 139).

### ب) کمک به نیازمندان

وقتی فردی در جامعه اسلامی زندگی می کند و خود را متخلق به آداب اسلام کرده است، هنگامی که به کاری مشغول می شود که درآمد آن بیش از نیاز اوست، با توجه به دستورات اسلام درباره خمس، زکات و انفاق در راه خدا، مازاد آن را به نیازمندان می بخشد، تا آنان نیز بتوانند از نعمت های بی شمار الهی بهره مند گردند. در روایات بسیاری آمده است که امیر مؤمنان (علیه السلام) با کار خود چاه و قنات حفر و باغ احداث می کرد و آن ها را برای مردم و

کمک به نیازمندان وقف می کرد، یا آن که بردگان بسیاری را از طریق کار و تلاش و درآمد آن آزاد می کرد؛ و حضرت علی (علیه السلام) با درآمدی که از کار کردن به دست آورده بود، هزار بنده را در راه خدا آزاد کرد (حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ج 17، ص 37).

روایات متعددی درباره حقوق مؤمن بر مؤمن وارد شده است. انسان مؤمنی که در جامعه زندگی می کند، باید حقوق دیگر افراد جامعه را برآورده سازد. یکی از این حقوق، رفع نیاز مالی برادر مسلمان است.

### ج) کسب احترام اجتماعی

وقتی انسان به کار و فعالیت مشغول شد، خود را برای خود و خانواده و جامعه اش مفید می بیند و در محیط اجتماعی مورد احترام دیگران قرار می گیرد. وقتی انسان کار می کند، در نظر خویشاوندان و دوستان بی کار و مهمل نیست، بلکه جدی و کوشا و زحمت کش به شمار می آید؛ بنابراین همچون انسانی متعهد، باری بر دوش خویش نهاده است و در تامین نیازمندی ها و پیشبرد زندگی با دیگران شریک است و به هیچ روی از تلاش کنندگان و متعهدان کناره گیری نمی کند و همچون دیگران عزیز است.

### د) رشد فضائل و کاهش و مفساد در جامعه

مشکلات اقتصادی علت اصلی آسیب های اجتماعی قلمداد شده است. اقتصاددانان و برخی از جامعه شناسان با مطالعاتی که انجام داده اند، منشأ اصلی انحرافات اجتماعی را در عوامل اقتصادی اعلام کرده اند (فرجاد، آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات، ص 107).

از سوی دیگر، بی کاری منشأ بحران اخلاقی فرد و اجتماع است. زمینه تمایل به فساد در فرد بی کار فراهم است. نفس آدمی اگر مشغول کاری نشود، انسان را به خودش مشغول می کند و در پی افکار و خیالات باطل می برد.

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: «چیزها چون با هم جفت شدند، تبلی و ناتوانی نیز جفت شدند و از آن ها فقر پدید آمد.» (حکیمی، الحیاه، ج 4، ص 437).

## 9. اهداف و اثرات معنوی کار

### الف) رضای خداوند

خداوند در قرآن جزای کسی که ایمان می آورد و کارهای شایسته انجام می دهد را، علاوه بر بهشت و نعمت های آن، پاداشی بالاتر بیان کند و آن رضایت خداوند است. می فرماید: «همانا کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام داده اند، بهترین مخلوقات خداوند هستند. پاداش آن ها نزد پروردگارشان باغ های بهشت جاویدان است که نهرها از زیر درختانش همیشه در آن می مانند، خدا از آن ها خشنود است و آن ها از خدا خشنودند و این برای کسی است که از پروردگارش بترسد.» (بیتنه/7 و 8).

حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «بهترین عمل آن است که به وسیله آن راه خدا و خشنودی او خواسته شده باشد.» (تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص 155).

### ب) واجب دینی

کار و تلاش یکی از واجبات دینی است؛ بنابراین بر هر مسلمانی لازم است که برای رفع نیازهایش به کار و تلاش بپردازد. در روایات بر این نکته تصریح شده است که کار ذاتاً مستحب است و در ضرورت ها واجب می باشد. پیامبر<sup>ص</sup> می فرماید: «طلب کردن روزی حلال بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.» (حکیمی، الحیاه، ج 5، ص 430).

### ج) آموزش الهی

کار اقتصادی، شخص را از آموزش الهی بهره مند می کند. پیامبر<sup>ص</sup> فرمود: «آن که در راه کسب حلال زندگی او می گذرد، مورد مغفرت الهی است.» (مجلسی، بحار الأنوار، ج 100، ص 2).

### د) حفظ و یاری دین فرد

امام علی (علیه السلام) از آیه {وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا} (قصص/77)؛ در آنچه که خداوند به تو ارزانی داشته، سرای آخرت را بجوی و بهره خویش

را از دنیا فراموش مکن.» الهام می‌گیرد تا کار دنیا را به ثواب آخرت پیوند دهد، زیرا اگر کار انسان فقط محدود به دنیا باشد، تلاش‌های خود را صرف هیچ خواهد کرد، اما اگر هدفش از کار و تلاش، رسیدن به ثواب آخرت باشد، به هر دو دست می‌یابد (حائری، اندیشه‌های اقتصادی در نهج البلاغه، ص 42).

حضرت در این باره می‌فرمایند: «همانا دشمن‌ترین افراد نزد خدا کسی است که او را به حال خود وا گذاشته تا از راه راست منحرف گردد و بدون راهنما برود، اگر به محصولات دنیا دعوت شود، تا مرز جان تلاش کند، اما چون به آخرت و نعمت‌های گوناگونش دعوت شود، سستی ورزد. گویا آنچه برای آن کار می‌کند، بر او واجب و آنچه نسبت به آن کوتاهی و تنبلی می‌کند، از او نخواستہ اند.» (شریف رضی، نهج البلاغه، ص 190).

## نتیجه

1. مکتب دینی ما آکنده از آموزه‌های ارزشمند پیرامون شیوه صحیح زندگی، فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کار است. مریبان این دین نیز پیوسته مسلمانان را به سعی و تلاش تشویق نموده‌اند.

2. امام علی (علیه السلام) با وجود مجاهدت فراوان در عصر پیامبر<sup>ص</sup> و همچنین تلاش‌های سیاسی، اجتماعی و علمی در منصب امامت و خلافت برای گذران زندگی و تامین معاش خود و خانواده و نیز دستگیری و کمک به دیگران، کار و زحمت پیشه نموده‌اند. ایشان در شرایط گوناگون زندگی، الگوهای متفاوتی در سیره اقتصادی برای انسان‌ها برجای گذاشتند؛ آن‌سان که روایات رسیده از امام علی (علیه السلام) ما را با آموزه‌های تابناکی درباره مشاغل گوناگون و اخلاق حرفه‌ای انسان مسلمان آشنا می‌سازد.

3. برپایه روایات امام علی (علیه السلام) کار و پیشه دارای جایگاه والایی در آموزه‌های تربیتی ایشان است و مهم‌ترین عوامل موفقیت در کار از منظر ایشان عبارتند از: ایمان به کار، مشورت، عاقبت‌اندیشی و تدبیر، پشتکار و جدیت، دقت و ایمان و همکاری و ... .

4. آن چه از سیره عملی امیرالمؤمنین (علیه السلام) و همچنین روایات ایشان در موضوع کار و شغل به دست می آید، با اعتلا و ارتقای امور اقتصادی انسان و جامعه هماهنگی و هم خوانی دارد. اشتغال به فعالیت اقتصادی، علاوه بر کسب درآمد و برخورداری از رفاه مادی، آثار و فوائد دیگری نیز به همراه دارد. انجام کار به قصد غربت و بانگیزه عمل به دستورات الهی، عبادتی بزرگ به شمار می رود که بیشترین اجزای عبادت در آن قرار دارد.

5. کار، عقل معاش انسان را افزایش می دهد و به انسان درس زندگی و چگونگی آمد و شد با مردم و نحوه تعامل با ایشان را می آموزد.



- قرآن کریم، ترجمه دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و گروهی از اساتید جامعه المصطفی، قم: انتشارات المصطفی، 1388ش.
- نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه محمد دشتی، قم: نشر مشهور، 1379 ش.
1. اصلی پور، محمد، مدیریت و رهبری با سیری در نهج البلاغه، تهران: نشر شورا، 1377ش.
  2. برقعی قمی، سید علی اکبر، جلوه حق در سیرت مولای متقیان امام علی (علیه السلام)، تهران: نشر حافظ، بی تا.
  3. پرستگاری، سهیلا؛ فتحی، فاطمه، همت و کار مضاعف از دیدگاه نهج البلاغه، مجله کوثر، نیمه دوم بهار و نیمه اول تابستان، 1391ش.
  4. تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات، 1366ش.
  5. جرداق، جورج، امام علی (علیه السلام) صدای عدالت انسانی، ترجمه: سیدهادی خسرو شاهی، قم: نشر خرم، 1376ش.
  6. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1358ش.
  7. جوادی آملی، عبدالله، اخلاق کارگزاران در حکومت حضرت علی (علیه السلام)، قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء، 1369ش.
  8. حائری، سید محسن، اندیشه های اقتصادی در نهج البلاغه، ترجمه عبدالعلی آل بویه لنگرودی، تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه، 1378ش.
  9. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، 1405ق.
  10. حکیمی، محمد رضا و برادران، الحیاء، ترجمه: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1380ش.
  11. خسروی، زهره، اهمیت کار و حرفه از نظر اسلام، تهران: دفتر امور فرهنگی و معاونت فرهنگی و امور بین الملل وزارت کار و امور اجتماعی، احیاء کتاب، 1380ش.
  12. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر بالماثور، قم: منشورات مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، 1404ق.
  13. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح اصول کافی، مصحح: محمد خواجهوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1383ش.

14. صدوق، محمدبن علی، معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، 1403ق.
15. فرجاد، محمد حسین، آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات، تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، 1374ش.
16. فلسفی، محمدتقی، الحدیث (روایات تربیتی)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1368ش.
17. فیض کاشانی، ملامحسن، محجه البیضاء فی تهذیب الأحياء، تصحیح: علی اکبر غفاری، 1361ش.
18. قریشی، شریف، کار و حقوق کارگر، ترجمه: ادیب لاری و محصل یزدی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، 1366ش.
19. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، تهران: نشر فراهانی، بی تا.
20. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دارالحدیث، 1429ق.
21. گنجی، حمزه، روان شناسی کار، تهران: نشر ارسباران، 1378ش.
22. مجلسی، محمد بن باقر، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء تراث عربی، 1403ق.
23. محمدصادقی، الهام، پایان نامه جایگاه کار و تلاش در سیره علوی، دانشگاه اصفهان، 1391ش.
24. میک، رونالد، پژوهشی در نظریه ارزش کار، ترجمه: م. سوداگر، تهران: پازند، 1358ش.

## 8. مصادیق احسان و نیکوکاری در سیره امیرالمومنین (علیه السلام)

### اشاره

محمد صالح طیب نیا(1)، زهرا خورسندی(2)

ص: 221

- 
- 1- . استادیار دانشکده اهل البیت (س) دانشگاه اصفهان، Zkhorsandi6@gmail.com
- 2- . دانشجوی کارشناسی ارشد نهج البلاغه دانشگاه اصفهان، Tayebnia.saleh@yahoo.com



احسان و نیکوکاری در آموزه های دینی به معنای انجام دادن کار نیک در ارتباط تنگاتنگ میان انسان با خدا و خدمت به دیگران بدون چشمداشت است. احسان یکی از روش های پسندیده جامعه انسانی است که در جوامع به شکل های گوناگون وجود داشته و با ظهور اسلام و راهنمایی های پیامبر به خوبی در رفتار مسلمانان جای گرفته است. یکی از امور مسلم در سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام) اهتمام ایشان به رفع نیاز مستضعفان و محرومان و یتیمان است. در این پژوهش با استفاده از روش حدیثی - تحلیل تاریخی، سعی شده احسان هایی که حضرت نسبت به مردم داشتند به صورت مصداقی آورده شود.

حضرت علی (علیه السلام) در برهه های مختلف زندگی پربرکتشان بخشش های عظیمی داشتند که سبب نزول آیه هایی در مدح ایشان گردیده است. احسان های حضرت شامل: انفاق، صدقه، اطعام، آزاد کردن برده، موقوفات، تأسیس صندوق شکایات و... بوده است که این احسان ها جنبه اقتصادی، خدماتی، تبلیغی و عاطفی داشتند و حضرت با کارکردن بر روی زمین و حفر چاه و... این امور خیر را انجام می دادند و هدف ایشان علاوه بر رضای خدا و قرب الهی که در اولویت قرار داشت، برای گسترش و تبلیغ دین اسلام و تعدیل اقتصادی در جامعه بوده است و این که حضرت رسیدگی به محرومان را وظیفه رهبر جامعه می دانستند.

کلیدواژه ها: علی، احسان، بخشش، موقوفات، اطعام.

## بیان مسئله

«حُسن» یعنی هر چیز خوش آیندی که مورد رغبت باشد و «حسنة» هر نعمت

خوش آیند و شادکننده که به روح یا بدن انسان می رسد و «احسان» به دو وجه بیان شده است: یکی؛ نعمت دادن و بخشیدن به دیگری چنان که گفته می شود: به فلان شخص بخشش کرد. دیگری؛ احسان در کار و عمل به این معنی که کسی علم نیکویی را بیاموزد یا عمل نیکویی انجام دهد و بر این اساس است سخن امیرالمؤمنین (علیه السلام): «الناس ابناء ما یحسنون» (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج 1، ص 493).

احسان یکی از اصول مورد توجه همه شریعت ها و سنت ها به ویژه اسلام در طول تاریخ بوده و در آموزه های دین اسلام بسیار مورد توجه قرار گرفته و به آن سفارش شده است. بنابر آن چه از آیات قرآن کریم استفاده می شود، احسان و نیکوکاری مصادیق فراوانی داشته و در شکل های مختلف ظهور و بروز می کند، از جمله آن ها می توان ایمان به خدا، پیامبر (صلی الله علیه و آله)، قرآن کریم، معاد، تقوا، تحمل سختی ها و مشکلات، عفو و گذشت، محبت و دوستی اهل بیت (علیهم السلام)، خیرخواهی و اصلاح، اجتناب از فساد و گناهان کبیره، استغفار در سحرگاهان، پرداخت زکات، پرداخت هدیه، انفاق و بخشش در راه خدا، تأمین نیازمندان، رفتار شایسته با پدر و مادر را از مصادیق نیکوکاری برشمرد.

«در کل می توان گفت که احسان و نیکوکاری معنی وسیعی دارد که هم اطاعت خدا را شامل می شود، هم انواع نیکی ها به خلق خدا» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 1، ص 674).

یکی از امور مسلم در سیره پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین، به ویژه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، اهتمام ایشان به رفع نیاز مستضعفان و محرومان است. حضرت علی (علیه السلام) بخشنده ترین مردم بودند و پیامبر خدا در وصف علی (علیه السلام) فرمودند: «این دریای خروشان و خورشید برآمده، در بخشش، از فرات بخشنده تر است و دل گشایتر از دنیا. هر کس او را دشمن بدارد لعنت خدا بر او باد» (محمدی ری شهری، دانشنامه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج 9، ص 512).

در این مقاله به انواع نیکی ها و مصادیق گوناگون احسان و نیکوکاری امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به خلق خدا پرداخته می شود. و این که احسان های حضرت علی (علیه السلام) چه چیزهایی بود؟ آیا احسان های حضرت فقط جنبه اقتصادی داشته است؟ حضرت از چه راهی چنین بخشش هایی داشته اند؟ علت نیکوکاری های حضرت نسبت به مردم چه بود؟

### پیشینه و ضرورت تحقیق

با بررسی انجام شده مشخص شد کتاب های زیادی در مورد مناقب و فضیلت های امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نوشته شده است. به عنوان نمونه: کتاب مناقب ابن شهر آشوب و مناقب آل ابی طالب مغزلی و کتب تاریخی و حدیثی مانند: تاریخ مدینه از ابن شهبه و کتاب دانشنامه امیرالمؤمنین (علیه السلام) که در 14 جلد نوشته شده، شرح کاملی از زندگی حضرت علی (علیه السلام) است که به فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز پرداخته اند.

کتب و مقالاتی هم دیده شد که در مورد کارهای نیک حضرت امیر (علیه السلام) نوشته شده است، ولی فقط به یک مورد از آن کارها پرداخته شده است. برای نمونه: کتاب حضرت علی (علیه السلام) و بخشیدن انگشتر و یا مقاله جایگاه موقوفات امام علی (علیه السلام) از خانم عفت خشنودی. لذا به طور کلی می توان گفت آثار مذکور به شکل مستقل به مصادیق اعمال نیک حضرت علی (علیه السلام) نپرداخته اند.

در این پژوهش سعی بر آن است که مصادیق مختلف احسان های حضرت علی (علیه السلام) که نسبت به نیازمندان انجام می دادند آورده شود تا روشن گردد که احسان های آن حضرت فقط بخشیدن انگشتر و لباس نبود بلکه بخشش های گوناگونی داشته و به شکل های مختلفی به مردم کمک می کردند. مقاله حاضر به روش تحلیلی - توصیفی و با استناد به آیات و روایات به این مسئله می پردازد.

قبل از بیان مصادیق نیکوکاری امیرالمؤمنین (علیه السلام)، لازم است خیلی کوتاه به مصادیق نیکوکاری در قرآن پرداخته شود.

واژه «احسان» به معنای انجام دادن کار نیک است که خداوند متعال مردم را به انجام دادن آن تشویق می کند و غالباً در آیات قرآن از نیکوکاران با واژه «محسنین» یاد می کند: {هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ} و در ادامه به تبیین ویژگی های خاصشان می پردازد و می فرماید: {الَّذِينَ يُتِمُّونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ}؛ و عاقبت و سرانجام کار محسنین را چنین بیان می کند: {أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ} (لقمان/3-5).

همان طور که گفته شد، احسان و نیکوکاری در قرآن مصادیق بسیاری دارد. از جمله؛ تحمل سختی ها، عفو و گذشت، خیرخواهی، ایمان به خدا و معاد و نبوت، هدیه دادن، انفاق و دستگیری و یاری نیازمندان و... از مصادیق نیکوکاری است.

در آیه ذیل چند مورد از مصادیق نیکوکاری بیان شده است.

{لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوَى الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ} (بقره/177).

«برّ جنبه وصفی دارد و به معنی شخص نیکوکار است. در اصل به معنی بیابان و مکان وسیع می باشد و از آن جا که نیکوکاران، روحی وسیع و گسترده دارند این واژه بر آن ها اطلاق می شود» (مکارم، تفسیر نمونه، ج 1، ص 675).

بنابر آیات نورانی قرآن کریم نیکوکاری معنی وسیعی دارد و یکی از مصادیق نیکوکاری کمک به محرومان و نیازمندان جامعه است. حضرت علی (علیه السلام) مصداق کامل یک فرد نیکوکار و نسخه منحصر به فرد «انسان کامل» پس از پیامبر است. یگانه ای که در ایمان، تقوا، دانش، اخلاق، شجاعت، وفاداری، راست گویی، ایثار، رحمت و دستگیری از مستمندان و مهربانی با یتیمان هم تراز ندارد.

### 1- اهمیت تبعیت از سیره امیرالمؤمنین (علیه السلام)

(سیره در زبان عربی از ماده سیر است. سیر یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن. «سیره» یعنی



نوع راه رفتن. سیره بر وزن فعله و فعله در زبان عربی دلالت بر نوع می کند. سیره یعنی نوع و سبک رفتار» (مطهری، سیره نبوی، ص 39).

«یکی از منابع شناخت از نظر اسلام، سیره اولیا و پیشوایان اسلام از شخص پیامبر تا ائمه اطهار، و به عبارت دیگر؛ سیره معصومین است. گفته هاشان به جای خود، شخصیت شان یعنی سیره و روش شان منبعی برای شناخت است. سیره پیغمبر برای ما یک منبع الهام است و نیز سیره ائمه» (همان، ص 21).

طبق متون دینی، پیامبر و ائمه معصومین بهترین الگو و چراغ راهنما در تمام مراحل زندگی انسان ها و برترین سرمشق و پیشوا در احسان و نیکوکاری هستند که در قرآن کریم به مسلمانان امر شده تا از آن ها تبعیت کنند.

به تعبیر شهید مطهری «یک کار کوچک پیغمبر، یک چراغ است، یک شعله است، یک نورافکن است برای انسان که تا مسافت های بسیار دور را نشان دهد» (همان).

حضرت علی (علیه السلام) در نامه 45 نهج البلاغه در مورد اقتدا و تبعیت کردن از امام خود می فرماید: «آگاه باش! هر مأمومی امام و پیشوایی دارد که باید به او اقتدا کند و از نور دانش او بهره گیرد. بدان! امام شما از دنیایش به دو جامه کهنه و از غذایش به دو قرص نان قناعت کرده است. آگاه باش که شما نمی توانید این چنین باشید و این زندگی را تحمل کنید ولی مرا با پرهیزگاری و تلاش و عفت و پیمودن راه درست یاری دهید».

در ادامه می فرماید: «به خدا سوگند! من هرگز از ثروت های دنیای شما چیزی از طلا و نقره نیندوخته ام و از غنائم و ثروت های آن مالی ذخیره نکرده ام و برای این لباس کهنه ام بدلی مهیا نساخته ام و از اراضی این دنیا حتی یک وجب به ملک خود در نیاورده ام و از خوراک آن جز به مقدار قوت ناچیز و چهارپای مجروحی در اختیار نگرفته ام. این دنیا در چشم من بی ارزش تر و خوارتر از شیره تلخ درخت بلوط است!».

«تعبیر امام (علیه السلام) که از نهایت تواضع و زهد آن حضرت خبر می دهد، برای آن است که مخاطب یا مخاطبانش این مسئله مهم را جدی بگیرند و آلوده زندگی های پر زرق و برق

اشرفی گناه آلود نشوند و با نیازمندان و مستمندان مواسات کنند» (مکارم شیرازی، پیام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج 10، ص 188).

در فرازی دیگر از نامه 45، امام (علیه السلام) می فرماید: «اگر می خواستم می توانستم از عسل مصفی و بافته های ابریشم برای خود غذا و لباس تهیه کنم، اما هیئات که هوای نفس بر من چیره شود و حرص و طمع مرا وادار به انتخاب طعام های لذیذ نماید. در حالی که شاید در سرزمین حجاز یا یمامه کسی باشد که حتی امید به دست آوردن یک قرص نان نداشته و هرگز شکمی سیر به خود ندیده باشد. آیا من با شکمی سیر بخوابم در حالی که در اطراف من شکم های گرسنه و جگرهای تشنه باشند و یا چنان باشم که شاعر گفته است: این درد تو را بس که با شکم سیر بخوابی در حالی که در اطراف تو شکم های گرسنه ای است که آرزوی قطعه پوستی برای خوردن دارد! آیا من به همین قناعت کنم که گفته شود، من امیر مؤمنانم! اما خود با آن ها در سختی های روزگار شرکت نکنم و اسوه و مقتدایشان در ناگواری های زندگی نباشم؟» (مکارم شیرازی، ترجمه نهج البلاغه، نامه 45).

## 2- مصادیق احسان و نیکوکاری امیرالمؤمنین (علیه السلام)

### اشاره

احسان و نیکوکاری امیرالمؤمنین (علیه السلام) در حق خلق خدا به شکل های گوناگونی انجام می گرفت که بعضی جنبه خدماتی داشت، یعنی برای فرد یا افرادی خدمتی انجام می دادند. مانند: بردن مشک آب، صندوق شکایات، نان پختن. بسیاری از احسان های حضرت علی (علیه السلام) نیز جنبه اقتصادی داشتند. از جمله؛ صدقه، انفاق، موقوفات و... می توان گفت تمام احسان های آن حضرت، چه خدماتی و چه اقتصادی، جنبه عاطفی داشتند و این نشان از صفت رحمت، مهربانی و عطوفت حضرت نسبت به مردم به ویژه اقشار آسیب پذیر جامعه است. البته قابل ذکر است که تمام امور خیر حضرت علاوه بر جنبه خدماتی، اقتصادی و عاطفی، جنبه تبلیغی هم داشتند و امیرالمؤمنین (علیه السلام) از طریق انفاق و کمک به مردم، آن ها را به دین اسلام دعوت می کردند.

ص: 228

اشاره

از احسان های اقتصادی آن حضرت می توان به موارد زیر اشاره کرد:

یک - ولی صدقه دهندگان

مشهورترین احسانی که حضرت علی (علیه السلام) انجام دادند و آیه ولایت در شأن ایشان نازل شد، صدقه دادن در حال رکوع بود: {إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ} (مائده/55).

«مسلمانان اتفاق نظر دارند که این آیه، درباره علی (علیه السلام)، هنگامی که در حال رکوع صدقه داد، نازل شده است. در این باره بین مفسران اختلاف نظری وجود ندارد.» (ابن شهر آشوب، المناقب، ج3، ص2).

حضرت علی (علیه السلام) درباره اهمیت و ارزش صدقه می فرماید: «هرگاه فقیر شدید، با خداوند از طریق صدقه دادن (در راه او) تجارت (پرسود) کنید» (مکارم شیرازی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت 258).

دو - اتفاق کننده دارایی در شب و روز، نهان و آشکارا

{الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ} (بقره/274).

تفسیر عیاشی - به نقل از ابواسحاق - آورده است: علی بن ابی طالب (علیه السلام) تنها چهار درهم، و نه بیش تر، داشت که درهمی در شب و درهمی در روز، درهمی در نهان و درهمی در آشکار صدقه داد. این خبر به پیامبر رسید، حضرت فرمود: ای علی! چه چیزی تورا بر این کار وا داشت؟» علی (علیه السلام) گفت: «دست یابی به وعده خداوند» پس خداوند آیه {الَّذِينَ يُنْفِقُونَ... سِرًّا وَعَلَانِيَةً} را فرو فرستاد (العیاشی، تفسیر العیاشی، ج1، ص151).

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «هر کس با دست کوتاه ببخشد با دست بلند به او بخشیده می شود» (مکارم شیرازی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت 232).

مرحوم سید رضی می گوید: «معنای این سخن آن است که آن چه از دارایی خود در راه خیر و نیکی می بخشد هر چه اندک باشد، خدای متعال پاداش آن را بزرگ و فراوان قرار می دهد».

### سه - پیشوای صدقه دهندگان

آیه ای که جز امام علی (علیه السلام)، کسی بدان عمل نکرد، آیه 12 و 13 سوره مجادله است که شرط نجوا کردن با پیامبر را دادن صدقه به مستمندان بیان می کند: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ أَشَفَقْتُمْ أَن تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ ... }.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: در کتاب خدا آیه ای است که هیچ کس به آن عمل نکرد و پس از من کسی به آن عمل نخواهد کرد و آن آیه نجواست: «ای کسانی که ایمان آورده اید! هرگاه با پیامبر گفت و گوی محرمانه ای دارید، پیش از گفت و گوی محرمانه، صدقه ای بپردازید...». من یک دینار داشتم، آن را به ده درهم تبدیل کردم و با پیامبر نجوا نمودم و هرگاه که با پیامبر خدا نجوا کردم، پیش از نجوا، یک درهم صدقه می دادم. سپس آیه منسوخ شد و کسی به آن عمل نکرد و آیه بعدی نازل شد! «آیا ترسیدید که پیش از گفت و گوی محرمانه خود، صدقه هایی بپردازید...» (طبرسی، مجمع البیان، ج 9، ص 279).

### چهار - بخشیدن لباس

حضرت علی (علیه السلام) بسیار ایثار و از خودگذشتگی می کردند و از چیزهایی که دوست داشتند برای رضای خدا و خلق خدا بارها گذشتند. برای مرد بزرگی چون علی (علیه السلام) که در شب لیلالمبیت و در جنگ ها به خاطر اسلام، خدا و پیامبر خدا از جان خود گذشت، گذشتن از مال و غذا و لباس چیزی نبود. او علی بود که همتایی در عالم نداشت.

مجمع البیان - از ابوظفیل - نقل می کند که علی (علیه السلام) لباسی خرید و از آن خوشش آمد، آن را صدقه داد و گفت: «از پیامبر خدا شنیدم که می فرمود: «آن که دیگری را بر خویش مقدم دارد، خداوند او را در روز قیامت، به بهشت پیش می دارد، و هر کس چیزی را دوست

بدارد و آن را برای خداوند قرار دهد، خداوند متعال در روز قیامت می گوید: بندگان در کارهای شایسته ای که در بین آنان رایج است، پاداش می دهند و من امروز، بهشت را پاداش تو می سازم (همان، ج 2، ص 792).

### پنج - بخشیدن زره

«بیابان نشینی به نزد علی (علیه السلام) آمد و گفت: ای امیرمؤمنان! در خانه ام نه حیوان کرک داری هست و نه پشم داری، نه گوسفندی دارم و نه شتری! فرمود: «به خدا سوگند، در خانه بیش از قوت خود چیزی ندارم» بیابان نشین برگشت، در حالی که می گفت: به خدا سوگند، در روز قیامت، خدا از توبه به خاطر این دیدار، بازخواست خواهد کرد. علی (علیه السلام) بسیار گریست و فرمود تا او را برگردانند و از او خواست تا بار دیگر سخنش را تکرار کند و باز گریست و فرمود: «ای قنبر! آن زره مرا بیاور» و آن را به مرد بیابانی داد و فرمود: «مواظب باش کلاه سرت نرود. با آن، بسیار غم ها از چهره پیامبر زودده ام». قنبر گفت: بیست درهم برای او بس بود. فرمود: «ای قنبر! به خدا سوگند، دوست ندارم که به اندازه دنیا طلا و نقره می داشتم و آن را صدقه می دادم و خدا از من می پذیرفت، ولی از این دیدار، بازخواست می کرد» (زمخشری، ربیع الابرار، ج 2، ص 668).

### شش - بخشیدن حُلّه

تاریخ دمشق - از اصیغ بن نباته، از امام علی (علیه السلام) - نقل می کند که مردی پیش او علی (علیه السلام) آمد و گفت: ای امیرالمؤمنان! من حاجتی دارم. آن را پیش از این که با تو مطرح کنم، در درگاه الهی مطرح کرده ام، اگر تو آن را برآورده کنی، خدا را سپاس خواهم گفت و از تو تشکر خواهم کرد و اگر آن را برآورده نکنی، خدا را سپاس خواهم گفت و تو را معذور خواهم داشت. علی (علیه السلام) فرمود: «حاجت را روی زمین بنویس؛ چون من دوست ندارم ذلت سؤال را در چهره ات ببینم». وی نوشت: من محتاجم. علی (علیه السلام) فرمود: آن حُلّه را برایم بیاورید» و آن را به وی بخشید. آن مرد گرفت و پوشید و آن گاه چنین سرود:

لباسی به من پوشاندی که زیبایی هایش آشکار است و من با ثناگویی، لباس هایی بر

قامت خواهم پوشاند. اگر ثنای من شامل تو شود، به بزرگی دست خواهی یافت و در آروزی جانشینی برای ثنایم افتاد، ثنایاد صاحب ثنا را زنده می دارد چون باران که دشت و کوه را زنده می کند. دنیا را در نیکویی که انتظار داری، تنگ چشم بدان، هر کسی به خاطر آن چه انجام داده پاداش داده خواهد شد.

علی (علیه السلام) فرمود: «دینارها را برایم بیاورید». صد دینار برای وی آوردند و آن ها را به وی داد.

اصبغ می گوید: گفتم ای امیر مؤمنان! لباس و صد دینار؟! فرمود: آری. از پیامبر خدا شنیدم که می فرمود: «هر کس را جایگاه خود بشانید و این، جایگاه این شخص در نزد من است». (ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج 42 ص 523، ح 9048).

### هفت - جوان مردی و بخشیدن شمشیر

یکی از شیوه های حضرت علی (علیه السلام) برای تبلیغ و ترویج دین اسلام این بود که هیچ درخواستی را بدون پاسخ نمی گذاشتند؛ حتی اگر شخص سؤال کننده، دشمن حضرت بود و همین امر باعث می شد که طرف مقابل شرمند شود و حضرت را دیندار واقعی بداند و به اسلام ایمان آورد.

ابن شهر آشوب در المناقب می گوید: «روایت شده که علی (علیه السلام) با مردی از مشرکان می جنگید، مشرک گفت: ای پسر ابوطالب! شمشیرت را به من ببخش. علی (علیه السلام) آن را به سویش پرتاب کرد. مشرک گفت: شگفتا ای پسر ابوطالب! در چنین شرایطی شمشیرت را به من می بخشی؟! فرمود: «ای مرد! تو دست نیاز به سوی من دراز کردی و از جوان مردی نیست که درخواست کسی را رد کنی». مشرک خود را بر زمین افکند و گفت این روش دینداران است، پای علی (علیه السلام) را بوسید و اسلام آورد. (ابن شهر آشوب، المناقب، ج 2، ص 76).

### هشت - بخشیدن خانه و نزول سوره لیل

تفسیر فرات - به نقل از موسی بن عیسی انصاری - آورده است: پس از آن که نماز عصر را با پیامبر خدا به جا آوردیم، با امیر مؤمنان علی بن ابی طالب، در سایه ای نشسته بودیم که

مردی پیش او آمد و گفت: ای ابوالحسن! به خاطر کاری به پیش تو آمده ام. می خواستم با من در این خصوص، نزد صاحب کار بیایی. علی (علیه السلام) فرمود: «بگو» گفت: من در خانه کسی زندگی می کنم که در آن، درخت خرمایی است و باد، آن درخت را تکان می دهد و گاه از غوره خرما، رطب و یا خرمایی فرو می افتد و گاه، پرنده ای آن را می اندازد و من از آن می خورم و بچه ها هم می خوردند، بدون آن که با چوب آن را بکنیم و یا سنگی به طرفش پرتاب کنیم. می خواهم که (صاحب خانه) آن را برای ما حلال کند.

علی (علیه السلام) فرمود: «بلند شو». من هم با او برخاستم و پیش آن مرد رفتیم. امیر مؤمنان علی بن ابی طالب سلام کرد. آن مرد، خوش آمد گفت و شاد و مسرور گشت و پرسید: برای چه آمده ای یا ابوالحسن؟ علی (علیه السلام) فرمود: «برای کاری» مرد گفت: ان شاء الله انجام خواهد یافت. چه کاری؟ فرمود: «این مرد در خانه تو در فلان جا زندگی می کند و می گوید که آن جا درخت خرمایی است و باد، آن را حرکت می دهد و گاه از آن، غوره خرمایی، خار خرمایی، رطبی و یا خرمایی فرو می افتد و گاه پرنده چیزی از آن می افکند، بدون این که سنگی به طرف آن پرتاب کنند و یا با چوب بزنند [و از آن خورده اند] می خواهم او را حلال کنی». مرد نپذیرفت. علی (علیه السلام) بار دیگر خواست و در خواست خود اصرار کرد و مرد نپذیرفت تا آن که گفت: «خدا را گواه می گیرم و از سوی پیامبر خدا ضمانت می کنم که در مقابل این درخت خرما، باغی در بهشت از آن تو باشد» و مرد (باز هم) نپذیرفت. نزدیک غروب شد و علی (علیه السلام) به وی فرمود: «آن (خانه) را در برابر فلان باغم به من می فروشی؟». گفت: آری. خدا را و موسی بن عیسی انصاری را گواه بگیر که آن را در مقابل این خانه فروختی. علی (علیه السلام) فرمود: «باشد. خدا و موسی بن عیسی انصاری را گواه می گیرم که آن باغ را با درختان، نخل ها و میوه هایش در مقابل این خانه فروختم».

صاحب باغ گفت: آری. خدا و موسی بن عیسی را گواه می گیرم که این خانه را با آن چه در آن است، به آن باغ فروختم. علی (علیه السلام) رو به آن مرد کرد و فرمود: «برخیز و خانه را مالک شو. خدا مبارکت گرداند و خانه بر تو حلال است». وقت نماز مغرب شد و اذان بلال

به گوش رسید، همه برخاستند و نماز مغرب و عشا را با پیامبر خدا به جای آوردند و به خانه های خود رفتند. وقتی صبح شد، پیامبر خدا نماز صبح را با آنان به جای آورد و به تعقیبات نماز پرداخت و... در حال تعقیب نماز بود که جبرئیل (علیه السلام) از نزد خدا وحی آورد. پیامبر خدا به سوی یارانش برگشت و فرمود: «کدام یک از شما در شب گذشته، کاری انجام داده است. خداوند گزارش آن را فرو فرستاده است؛ یا یکی از شما جریان را بگوید و یا من خود آن را بگویم؟». امیر مؤمنان علی بن ابی طالب گفت: ای پیامبر خدا! تو خبر آن را به ما بده. پیامبر خدا فرمود: «آری. جبرئیل فرود آمد و سلام خدا را به من رساند و گفت: دیشب علی کاری کرده است. به دوستم جبرئیل گفتم: چه کاری؟ گفت: بخوان ای پیامبر خدا! گفتم چه چیز را بخوانم گفت: بخوان؛

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

{وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ... وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ} (لیل/1-21). تو - ای علی - آیا برای بهشت، صدقه ندادی و در برابر باغ، خانه را برای ساکنان آن، صدقه ندادی؟». علی (علیه السلام) گفت: چرا، ای پیامبر خدا! پیامبر فرمود: «این، سوره ای است که درباره تو نازل شده و این، برای توست». پیامبر به سوی امیر مؤمنان شتافت و بین دو چشمش را بوسید و وی را در آغوش گرفت و فرمود: «تو برادر منی و من برادر توام» (کوفی، تفسیر فرات، ص 566).

#### دُه - بخشیدن بند کفش

ابن حنبل - به نقل از زادن - چنین آورده: علی بن ابی طالب را دیدم که بند کفش هایی در دست می گرفت، در بازارها قدم می زد و به افراد (ی که بند کفش شان پاره شده بود) بند می داد، راه گم کرده را راهنمایی می کرد و باربر را در حمل بار یاری می رساند و این آیه قرآن را می خواند: {تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ} (قصص/83) و می فرمود: «این آیه درباره حاکمان و مردمان صاحب قدرت نازل شده است» (ابن شهر آشوب، المناقب، ج 2، ص 104).

ص: 234



این روایت چند عمل نیک حضرت علی (علیه السلام) را بیان می کند: دادن بند کفش، راهنمایی راه گم کرده و یاری رساندن به باربر، که هر دو جنبه اقتصادی و خدماتی را شامل می شود.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «از بخشش کم حیا مکن؛ زیرا محروم کردن، از آن هم کم تر است» (مکارم شیرازی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت 67).

### ده - مواسات علی (علیه السلام)

ثقفی از ابو مطر درباره امام علی (علیه السلام) نقل می کند: علی (علیه السلام) به بازار کرباس فروشی ها آمد و در برابر فرد خوش چهره ایستاد و فرمود: «ای مرد! دو لباس به پنج درهم داری؟» مرد فوری برخاست و گفت: آری یا امیر مؤمنان! وقتی مرد او را شناخت، علی (علیه السلام) او را رها کرد و از وی گذشت و پیش جوانی آمد و فرمود: «ای جوان! آیا دو لباس به پنج درهم داری؟». گفت: آری، دو تا لباس دارم که یکی بهتر از دیگری است؛ یکی به سه درهم و دیگری به دو درهم. علی (علیه السلام) فرمود: «آن ها را بیاور». آن گاه فرمود: «ای قنبر! آن را که سه درهم است؛ تو بردار». قنبر گفت: ای امیر مؤمنان! تو به لباس سه دره می سزاوارتری، چون به منبر می روی و برای مردم سخنرانی می کنی. فرمود: «ای قنبر! تو جوانی و نشاط جوانی داری و من از پروردگرم شرم می کنم که بر تو برتری جویم؛ چون از پیامبر خدا شنیدم که می فرمود: «از آن چه می پوشید، بپوشانید و از آن چه می خورید، بخورانید». آن گاه لباس را پوشید و دستش را درون آستین کشید و دید که آستین از انگشتانش می گذرد. فرمود: «ای جوان! این زیادی را ببر». جوان آن را برید و گفت: «ای پیرمرد! بده تا آن را بدوزم. فرمود: «همین طور رهائش کن؛ چون عمر، کوتاه تر از این است». (ابن هلال الثقفی، الغارات، ج 1، ص 106).

### یازده - آزاد کردن بردگان

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: علی (علیه السلام) هزار بنده را از دسترنج خود آزاد کرد و تا زمانی که پیش شما بود، شیرینی اش خرما و شیره، و لباسش کرباس بود (همان، ص 92).

ثقفی - از عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) - نقل می کند: علی (علیه السلام) با پینه دست هایش و عرق پیشانی اش هزار خانواده را آزاد ساخت (همان، ص 91).

حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، حکمت 254 می فرماید: «ای فرزند آدم! تو خود وصی خویشتن در اموال خود باش و (امروز) به گونه ای در آن عمل کن که می خواهی پس از تو (مطابق وصیتت) عمل کنند».

## دوازده - پرداخت بدهی

یکی دیگر از کارهای نیک حضرت علی (علیه السلام) نسبت به مردم، پرداخت بدهی آن ها بود و ضامن شدن حضرت برای کسی که دینی بر عهده اوست.

سنن الدار قطنی - به نقل از ابوسعید - آورده است: در تشیع جنازه ای که پیامبر خدا هم بود، حضور یافتیم. هنگامی که جنازه را بر زمین گذاشتند، پیامبر خدا پرسید: «آیا بدهی ای بر عهده اوست؟». گفتند: آری. از او روی برتافت و فرمود: «بر دوستان نماز بگذارید».

هنگامی که علی (علیه السلام) چنین دید، در پی پیامبر خدا رفت و گفت: ای پیامبر خدا! از او بدهی هایش رها گشت و من ضامن بدهی های اویم. پیامبر خدا بازگشت و بر او نماز گذارد و آن گاه رفت و به علی (علیه السلام) فرمود: «ای علی! خدا تو را جزای خیر دهد! خداوند در روز قیامت ذمه تو را از دین آزاد کند، چنان که تو ذمه برادر مسلمانان را از دین آزاد کردی. هیچ بنده ای بدهی برادر دینی خود را نمی دهد، جز آن که روز قیامت، خداوند ذمه او را از دین آزاد می کند (محمدی ری شهری، دانشنامه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج 9، ص 152).

## دوازده - پردازنده بدهی پیامبر

امام علی (علیه السلام) می فرماید: هنگامی که آیه «و خویشان نزدیک را هشدار ده» نازل شد... پیامبر خدا به سراغ آن ها رفت و فرمود: «کدام یک از شما وام مرا می پردازید؟». پیامبر سکوت کرد و آنان هم سکوت کردند. پیامبر خدا، دوباره سخن را تکرار کرد. من گفتم: من، ای پیامبر خدا! حضرت فرمود: «تو ای علی! تو ای علی!» (همان، ج 8، ص 78).

امام علی (علیه السلام) فرموده اند: وقتی پیامبر خدا در وصیتش به من، فرمان به پرداخت وام ها و تعهداتش داد، گفتم: ای پیامبر خدا! می دانی که من مالی ندارم. فرمود: «خداوند یاری ات خواهد کرد».

پس از آن، هرگاه خواستم بخشی از بدهی‌ها و تعهداتش را پردازم، خداوند آن را برایم آسان ساخت. بدهی‌ها و تعهداتش را پرداختم، آن را شمردم و دیدم که هشتاد هزار (سکه) شد. مقداری از آن ماند، به حسن وصیت کردم تا آن را پردازد (همان).

ابن شهر آشوب - از قتاده - نقل کرده که شنیده ایم که سه سال در هنگام حج، علی (علیه السلام) بانگ می زد: «هرکس وامی از او بر عهده پیامبر خداست، پیش ما بیاید تا وامش را پردازیم» (ابن شهر آشوب، المناقب، ج 2، ص 98).

## سیزده - اطعام

### اشاره

یکی از بهترین اعمال نیک، اطعام نیازمندان است. حضرت علی (علیه السلام) به این مسئله بسیار توجه داشتند و به کارگزاران خود هم سفارش می کردند که به نیازمندان رسیدگی کنند و گرسنگان را فراموش نکنند در نامه 67 به کارگزار خود در مکه می نویسند: «در بیت المال که نزد تو گرد آمده بنگر، و آن را برای عیالمندان و گرسنگان که نزد تو هستند مصرف کن، و به فقیران و نیازمندان برسان».

امیر مؤمنان (علیه السلام) بسیاری از مواقع ایثار و گذشت می کردند و غذای خود را به نیازمندان و محرومان می دادند که در این جا به چند مورد اشاره خواهد شد.

### اول) اطعام مستمند، یتیم و اسیر

یکی از مهم ترین ایثار ایشان، اطعام مستمند، یتیم و اسیر است که سوره ای در مورد آن نازل شده و بسیاری از مفسران شأن نزول آن را مربوط به حضرت علی (علیه السلام)، حضرت فاطمه (علیها السلام) و حسن و حسین می دانند.

خداوند در آیه هشت و نه سوره انسان می فرماید: {وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا}. در تفسیر این آیات آمده است که حضرت علی (علیه السلام) و همسر و فرزندان ایشان با این که سه روز روزه گرفته بودند و غذایی نخورده بودند غذای خود را به مسکین، یتیم و اسیر می دهند و می فرمایند ما فقط برای رضای خدا شما را اطعام کردیم و این نشان از اخلاص ایشان دارد.

## دوم) تقسیم گوشت بین مردم

حضرت علی (علیه السلام) بهترین غذاها را برای گرسنگان اختصاص می دادند و خود به قرص نانی اکتفا می کردند و معتقد بودند کسی که کارهای مردم را به دست می گیرد شایسته نیست که چیزی بهتر از غذای آنان بخورد.

«عامل آذربایجان در ماه رمضان با اموال آن جا به کوفه نزد علی (علیه السلام) آمده بود. حضرت وقتی نماز شام را با مردم خواند، با دست خویش گوشت و ترید بر بیچارگان و دیگر اهل مسجد تقسیم کرد. ایشان تا از دو نماز فارغ نمی شد و به دست خود همه غذا را تقسیم نمی کرد، به خانه نمی رفت. به عامل آذربایجان هم فرمود: بهره ای از این گوشت و ترید بردار و با آن افطار کن.

عامل گفت: من نزد امیر مؤمنان روزه می گشایم. و پیش خود می پنداشتم که غذای بهتری بهره او خواهد شد. هنگامی که علی (علیه السلام) از کار خویش بیاسود و با عامل خود به خانه برگشت،... و اندکی سویق نزدشان آوردند که بین آن دو تقسیم شد. علی (علیه السلام) به کارگزار فرمود: «بخور» و خود به خوردن پرداخت. کارگزار گفت: من گوشت شتر و ترید را به طمع چیزی بهتر گذاشته ام! حضرت فرمود: مگر نمی دانی که هر کس کارهای مردم را به دست گیرد، شایسته نیست که چیزی بهتر از خوردنی آنان بخورد؟. سپس به قنبر فرمود: برو پیش حسن و بین نزد او طعامی هست که مهمان ما را به کار آید!.

قنبر، پیش حسن (علیه السلام) رفت و دو گرده نان و اندکی ترید برای او آورد. قنبر آن را نزد کارگزار گذاشت و او از آن خورد» (طوسی، اخلاق محتشمی، ج 10، ص 445).

## سوم) خوراندن عسل به یتیمان

حضرت علی (علیه السلام) پدر یتیمان بودند؛ پدری دلسوز و مهربان که اهتمام ویژه ای به آنان داشتند.

کلینی - از حبیب بن ابی ثابت - نقل می کند که برای امیر مؤمنان از منطقه هجران و حلوان، عسل و انجیر آوردند. پس به سرشناسان قبایل دستور داد که یتیمان را بیاورند. آنان را

بالای ظرف های عسل جای داد تا عسل بخورند و خود، عسل ها را قدح قدح میان مسلمانان تقسیم می کرد. گفته شد: ای امیر مؤمنان! چرا عسل می خورند؟ فرمود: «امام، پدر یتیمان است و همانا آنان را به خوردن عسل وا داشتیم، به جای پدرانشان» (کلینی، کافی، ج 1، ص 406).

### چهارم) سیر کردن کودکان و بازی با آن ها

«گزارش شده که علی (علیه السلام) شبی بر زنی تهی دست عبور کرد که کودکانی خردسال داشت و از گرسنگی گریه می کردند. آن زن، کودکان را مشغول و سرگرم می کرد تا بخوابند، و آتشی زیر دیگی که فقط آب داشت برافروخته بود تا کودکان گمان برند که در دیگ غذایی است که برایشان می پزد. امیر مؤمنان از حال زن آگاه شد. به سوی خانه اش راه افتاد... وقتی به خانه زن رسید، اجازه ورود خواست؛ سپس مقداری برنج در دیگ ریخت با مقداری چربی. وقتی که از پختن آن فارغ شد، آن را در اختیار کودکان گذاشت و از آن ها خواست که بخورند. وقتی سیر شدند، شروع کرد به دور اتاق گشتن و صدای «بع بع» در آوردن، و آن ها می خندیدند. وقتی از خانه بیرون آمد، قنبر به وی گفت: سرورم! دیشب امری شگفت دیدم که علت بعضی از آن را دانستم و آن، بر دوش کشیدن توشه برای کسب ثواب بود، اما علت گشتن دور خانه بر دست و پا و صدای «بع بع» در آوردن را ندانستم!

حضرت فرمود: ای قنبر! من بر این کودکان وارد شدم، حال آن که از شدت گرسنگی گریه می کردند. دوست داشتم از نزد آنان بیرون روم، در حالی که با سیری می خندند و راهی جز آن چه انجام دادم، نیافتم» (محمدی ری شهری، دانشنامه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج 4، ص 154).

حضرت علی (علیه السلام) در حکمت 328 می فرماید: خدای سبحان قوت فقرا را در اموال اغنیا واجب و معین کرده است. از این رو هیچ فقیری گرسنه نمی ماند مگر به سبب بهره مندی غنی (ممانعت او از پرداخت حق فقیر) و خدای متعال (روز قیامت) در این باره از آن ها سوال و باز خواست می کند».

## پنجم) سینی در دست و کیسه ای بر پشت

حضرت علی(علیه السلام) در شکل های مختلف به مردم نیکی می کرد؛ گاه علنی و در روز و گاهی مخفی و شبانه و همه آن ها به خاطر نزدیکی به خدا و رضای او بود. و در نامه 53 به مالک می نویسد: «سپس خدا را خدا را در نظر بگیرد در حق طبقه پایین جامعه، آنان که بیچاره اند، از مساکین، نیازمندان، بینوایان و زمین گیران...». و خود حضرت به رسیدگی نیازمندان بسیار اهمیت می دادند.

ابن شهر آشوب - به نقل از محمد بن صمه، از پدرش، از عمویش - می نویسد: مردی را در مدینه دیدم که کیسه ای بر پشت و سینی ای در دست داشت و می گفت: «پروردگارا! ای دوست مؤمنان، خدای مؤمنان و پناه ده مؤمنان! امشب هدیه مرا به درگاهت بپذیر. جز آن که در سینی ام هست و آن چه پوشیده ام، چیزی را مالک نیستم و تو خود می دانی که با همه نیازم، خود را به خاطر بهره نزدیکی به تو، از آن، محروم ساختم. پروردگارا! رویم را بر زمین مزن و دعایم را رد مکن». نزدیک وی آمدم و او را شناختم. دیدم علی بن ابی طالب(علیه السلام) است. نزد مردی رفت و او را سیر کرد (ابن شهر آشوب، المناقب، ج 2، ص 76).

زمخشری از محمد بن حنفیه نقل می کند: پدرم علی(علیه السلام) شبانگاه، قنبر را صدا می زد و آرد و خرما بر دوشش می نهاد و به در خانه هایی که می شناخت، می رفت و کسی را از آن آگاه نمی کرد. به وی گفتم: پدرم! چرا این اموال را در طول روز (علنی) به آنان نمی دهی؟ فرمود: «پسرم! صدقه مخفی، خشم پروردگار را خاموش می کند» (زمخشری، ربیع الابرار، ج 2، ص 148).

## ششم - رسیدگی به خویشاوندان

امیر مؤمنان علی(علیه السلام) از دسترنج خود و کشاورزی به مردم نیازمند کمک می کردند و خویشاوندان نیازمند خود را هم فراموش نمی کردند و به آن ها نیز بخشش می کردند.

«از محمد بن حنفیه نقل شده است که هرگاه غله های پدرم از زمینش می رسید، خوراک خود، خانواده و مادران فرزندان را بر می داشت، خوراک حسن و حسین(علیه السلام) را می داد، خوراک مرا می داد و به هر کس از فرزندان که حاضر بودند، می داد، به عقیل و

پسرانش، به فرزندان جعفر، به ام هانی و فرزندان او و به همه فرزندان عبدالمطلب - اگر نیازمند بودند - می بخشید و به دیگر بنی هاشم و فرزندان مطلب بن عبدمناف، فرزندان نوفل بن عبدمناف و به گروهی از قریشیان که نیازمند به بخشش بودند و خانواده های انصار و دیگران می بخشید، به گونه ای که برای وی چیزی باقی نمی ماند. هیچ کس از او چیزی نمی خواست، جز آن که با اجابت درخواستش او را باز می گرداند (کوفی، مناقب الامام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج 2، ص 68).

حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه حکمت 425 می فرماید: «خداوند بندگان دارد که نعمت های خاصی را به آنان بخشیده تا بندگان دیگر از آن بهره گیرند، به همین دلیل مادامی که از این نعمت ها به دیگران می بخشند خدا آن را در دستشان نگه می دارد اما هنگامی که آن نعمت ها را از دیگران دریغ داشتند از آن ها می گیرد و آن را به گروهی دیگر می دهد».

## چهارده - موقوفات

### اشاره

یکی دیگر از سنت های حسنه و اعمال خیر حضرت علی (علیه السلام) که جنبه اقتصادی داشت و آن حضرت به آن اهتمام فوق العاده ای می ورزید سنت حسنه وقف است. موقوفات حضرت علی (علیه السلام) شامل چاه ها (بیش از 100 حلقه چاه)، چشمه ها، نخلستان ها، خانه ها و مساجد است که به صورت مختصر معرفی خواهد گردید.

## اول چاه ها، چشمه ها، نخلستان ها و مزارع

کتاب تاریخ المدینه - به نقل از ابوغسان - آورده است: اموال علی (علیه السلام) چشمه هایی پراکنده در منطقه ینبع بود. یکی از آن ها چشمه ای بود که به آن «چشمه بحیر» می گفتند و به دیگری «چشمه ابونیزر» و چشمه دیگری هم بود که از آن به «نوله» یاد می کردند و اکنون به نام «عور» نامیده می شود و همین چشمه، چشمه ای است که می گویند علی (علیه السلام) شخصاً در آن کار کرده است. علی (علیه السلام) هم چنین در ینبع، بغیغات را هم آباد کرد که چندین چشمه بود. از جمله آن ها چشمه ای بود که به آن «خیف (1) اراک» می گفتند و چشمه دیگری که به آن «خیف

ص: 241

---

1- . خیف، در زبان عربی به پایین دست کوه (کوه پایه) اطلاق می شود که نه درستی و سنگلاخی کوه را دارد و نه نرمی و یک دستی دشت را.

لیلی» می گفتند و چشمه دیگری که از آن به «خیف بسطاس» یاد می شد که در آن، راسته ای از نخل بود.

علی (علیه السلام) از چشمه ای به نام «حدث» در ینیع، سهم آب داشت و در آباد کردن چشمه ای موات در ینیع به نام «عصبیه» نیز مشارکت داشت. او در مدینه نیز موقوفاتی داشت: «فقیرین» در عالیه، چاه «ملک» در منطقه قنات و «ادبیه» در منطقه اضم. گفته می شود که حسن بن علی (علیه السلام) یا حسین بن علی (علیه السلام) همه آن ها را در جنگ هایشان فروختند و امروزه آن اموال در دست افراد گوناگون پراکنده است.

از جمله موقوفات علی (علیه السلام) چشمه روانی در «وادی القری» بود که به آن، «چشمه حسن» می گفتند، در وادی القری، چشمه دیگری بود که موات بود.

علی (علیه السلام) در «چشمه سکر» هم سهمی داشت، چنان که سهم آبی در چشمه ای در منطقه بیره داشت که از جمله موقوفات بود. در منطقه «حره الرجاء» از ناحیه شعب زید، وادی است به نام «احمد» که بخشی از آن در موقوفه های علی (علیه السلام) بود. وی در حره الرجاء چهار عدد چاه داشت که به آن ها «ذات کمات»، «ذوات العشاء»، «قعین»، «معید» و «رعوان» می گفتند و همه جزو موقوفه های وی بود.

در ناحیه فدک، در «زرنوق» سرزمینی سنگلاخ بود که به آن، «رعیه» می گفتند و دارای نخل بود و جریان آب ضعیفی داشت که با دلو و چرخ، خارج می شد و از جمله موقوفات بود.

وی در منطقه فدک، زمینی داشت که به آن، «اسحن» می گفتند و بنی قزاره بر آن ادعای مالکیت و سکونت داشتند و اکنون، جزو موقوفه ها و در دست متولیان موقوفات است.

وی در فدک در قسمت بالای حره الرجاء ملکی داشت که به آن «قصیه» می گفتند (ابن شبه، تاریخ المدینه، ج 1، ص 231).

## **دوم) مساجد وقفی حضرت علی (علیه السلام)**

یکی از کانون های مهم تبلیغ اسلام و رسیدگی به نیازهای مردم، مسجد است و



حضرت علی (علیه السلام) به سبب ترویج و گسترش دین اسلام مساجدی را به دست مبارک خود بنا می کردند و آن ها را وقف می نمودند. از دیگر موقوفات حضرت علی (علیه السلام) که ابن شهر آشوب در کتاب خود به آن اشاره نموده مساجدی است که حضرت خود بنا کردند و وقف نمودند که عبارتند از: مسجد الفتح، مسجد الجامع البصره، مسجدی در منطقه احد، مسجدی در میقات حج، مسجدی در کوفه و مسجدی در عبادان (خشنودی، جایگاه موقوفات امام علی (علیه السلام)، ص 243).

### **سوم) خانه موقوفه حضرت علی (علیه السلام)**

یکی از حالات وقف خاص امام، وقف خانه ای در مدینه در محله «بنی زریق» بر خاله های خود است.

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خانه ای در محله بنی زریق داشتند و بدین صورت آن را وقف کردند: «به نام خدای بخشاینده مهربان. این است آن چه علی بن ابی طالب آن را در حالی که زنده و کامل بود، صدقه کرد. وقف نمود خانه خود را که در بنی زریق قرار دارد، صدقه ای که فروخته نمی شود و هبه نمی گردد تا خدای که وارث آسمان و زمین است آن را وارث شود. و در این خانه، خاله های خود را سکونت داد مادامی که خود یا اولادشان زنده هستند و وقتی مرگ آن ها فرا رسید برای محتاجانی از مسلمانان باشد.» (محمدی ری شهری، دانشنامه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج 10، ص 356).

«درآمد سالانه حضرت علی (علیه السلام) از موقوفات خویش بالغ بر 40 هزار دینار بوده که همه صرف خدمت به جامعه اسلامی و امور خیریه و گسترش اسلام و کمک به محرومان و نیازمندان می شده است.» (خشنودی، جایگاه موقوفات امام علی (علیه السلام)، ص 246).

### **ب) احسان هایی با جنبه خدماتی**

#### **اشاره**

حضرت علی (علیه السلام) احساناتی با جنبه خدماتی نیز داشتند که مواردی از آن ها در پی می آید:

#### **یک - بنیاد نهادن صندوق شکایات**

«حضرت علی (علیه السلام) به خاطر این که مشکل عدم طرح مستقیم مظلومیت ها و دادخواهی ها حل شود، جایگاهی به نام «بیت القصص» تأسیس کرده بود تا مردمان،

مظلومان و هر آن که مسئله دارد و از طرح رویاروی آن ناتوان است، دادخواهی خود را بنویسید و بدان جا بیفکنند تا علی (علیه السلام) از آن مطلع شود. امام، خود در میان مردم ندا داد که هر کس را نیازی است و نمی خواهد واگویی اش را کسی بداند تا از شناخته شدن، مصون بماند، خواست خود را در نوشتاری بنویسد و در بیت القصص (صندوق شکایات) بیفکند. گویا این کار در تاریخ، اولین گام در جهت مرتبط ساختن مردم با هیئت حاکم است» (محمدری شهری، دانشنامه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج 3، ص 424).

«برای امیرالمؤمنین خانه ای بود. آن را بیت القصص نامید و مردم نامه های خود را در آن افکندند» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 17، ص 87).

## دو - بردن مشک آب و پخت نان

ابن شهر آشوب نقل می کند: علی (علیه السلام) زنی را دید که مشک آبی بر دوش دارد. مشک را از او گرفت و تا خانه اش برد. آن گاه از احوالش پرسید. زن گفت: علی بن ابی طالب، شوهرم را به یکی از مناطق مرزی فرستاد. او کشته شد و کودکانی یتیم برایم به جای گذاشت. چیزی ندارم و نیاز، مرا به کلفتی مردم وا داشته است. علی (علیه السلام) بازگشت و آن شب تا صبح مضطرب بود. هنگامی که صبح شد. زنبیلی غذا به دوش گرفت. برخی گفتند: بگذار به جای تو بر دوش کشیم. فرمود: «چه کسی روز قیامت، گناه مرا بر دوش می کشد؟».

سپس به در خانه آمد و در را کوبید. زن گفت: کیستی؟ فرمود: «بنده ای که دیروز مشک آبت را به دوش کشید. در را باز کن. غذایی برای کودکان، همراه من است». زن گفت: خدا از تو خشنود باشد و میان من و علی بن ابی طالب داوری کند! سپس داخل خانه شد و فرمود: «دوست می دارم ثوابی به دست آورم. تو خمیر می کنی و نان می پزی یا کودکان را سرگرم می کنی تا من نان بپزم؟».

زن گفت: من به پختن نان، آگاه تر و بر آن توانمندترم. تو با کودکان باش و آنان را سرگرم کن. زن به سوی آردها رفت و آن ها را خمیر کرد و علی (علیه السلام) به سوی گوشت رفت و آن را پخت و از خرما و گوشت و دیگر خوراکی ها لقمه به دهان کودکان می گذاشت و هرگاه

کودکان لقمه ای می خوردند، به آن ها می گفت: «فرزندم! علی بن ابی طالب را حلال کن به خاطر آن چه بر تو گذشته است». وقتی زن، آرد را خمیر کرد، گفت: ای بنده خدا! تنور را روشن کن. علی (علیه السلام) شتابان برای روشن کردنش حرکت کرد. وقتی شعله ورش ساخت و به صورتش برخورد کرد، گفت: «ای علی! بپش. این کیفر کسی است که بیوه زنان و یتیمان را رها سازد». زنی (دیگر) که علی را می شناخت، او را دید و گفت: وای بر تو ای زن! این امیر مؤمنان است. راوی گوید: زن، با شتاب می گفت: شرمنده ات هستم ای امیر مؤمنان! فرمود: «من شرمنده تو هستم، ای بنده خدا! از آن رو که درباره ات کوتاهی کرده ام» (ابن شهر آشوب، المناقب، ج 12، ص 115).

### سه - نیکی در حق زن ستمدیده

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: علی (علیه السلام) به هنگام گرمی هوا به خانه برگشت که در این هنگام، زنی را ایستاده دید که می گفت: همسرم به من ستم کرده و مرا ترسانده و بر من تعدی روا داشت و سوگند یاد کرده که مرا کتک زند. علی (علیه السلام) فرمود: «ای بنده خدا! صبر کن تا هوا خنک شود، آن گاه با تو می رویم، اگر خدا بخواهد».

زن گفت: خشم و عصبانیتش بر من بسیار خواهد شد. علی (علیه السلام) سپس سرش را پایین انداخت. آن گاه سر بلند کرد، در حالی که می گفت: «نه، به خدا سوگند، تا حق ستمدیده، بدون در ماندگی (لکنت) در گفتار، گرفته شود. خانه ات کجاست؟». به در خانه مرد رفت و ایستاد و گفت: «السلام علیکم!»

جوانی بیرون آمد. علی (علیه السلام) فرمود: «ای بنده خدا! از خدا پروا کن. تو زنت را ترسانده ای و بیرون رانده ای». جوان گفت: تو را به او چه کار؟ به خدا سوگند، به سبب این سخن تو را می سوزانم! آن گاه امیر مؤمنان فرمود: «تو را به نیکی امر می کنم و از زشتی باز می دارم. با زشتی به استقبالم می آیی و نیکی را نادیده می انگاری؟». مردم از گوشه و کنار می آمدند و می گفتند: سلام بر تو ای امیر مؤمنان! مرد، پشیمان و سرگشته گفت: ای امیر مؤمنان! از لغزشم در گذر. به خدا سوگند، (از این پس) در برابرش زمینی خواهم بود که بر من پا گذارد.

علی (علیه السلام) شمشیرش را غلاف نمود و گفت: «ای بنده خدا! وارد خانه ات شو و همسرت را به چنین کارهایی وامدار» (ابن شهر آشوب، المناقب، ج 2، ص 106).

آن چه ذکر شد مصادیق گوناگون احسان و نیکوکاری امیرالمؤمنین (علیه السلام) نسبت به خلق خدا بود که در کتب تاریخی از آن ها نام برده شده بود. حضرت امیر (علیه السلام) به زیبایی تمام در کلام خود سفارش به احسان و نیکوکاری و کمک به نیازمندان می کنند و به زیباترین شکل ممکن احسان به دیگران را در سیره، رفتار و عمل خود به نمایش می گذارند تا دیگران هم بیاموزند و به ایشان تاسی کنند و ببینند که کلام و عمل ایشان یکی است. حضرت همیشه بهترین غذا و لباس را به نیازمندان اختصاص می دادند و به کم ترین قناعت می کردند و می فرمودند:

«خداوند، مرا پیشوای بندگانش قرار داده است و بر من واجب کرده که خودم، خوردنم، نوشیدنم و پوششیم را به قدر ناتوان ترین مردم قرار دهم تا ندار به ناداری ام اقتدا کند و ثروت ثروتمند، او را سرکش

نسازد» (کلینی، کافی، ج 1، ص 410).

حضرت وظیفه رهبر جامعه را رسیدگی به نیازمندان می دانستند و به خاطر تعدیل اقتصادی، به نیازمندان کمک می کردند و سفارش به انفاق، صدقه و زکات می کردند تا ثروت در یک جا متمرکز نشود؛ زیرا انفاق پیش از آن که به حال محرومان مفید باشد به نفع سرمایه داران است و در حقیقت، تعدیل ثروت، حافظ ثروت است. حضرت می فرماید: «اموال خود را با دادن صدقه و زکات حفظ کنید» (مکارم شیرازی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت 146).

طبق آن چه در سیره حضرت علی (علیه السلام) آمده، ایشان هیچ گاه فقیر و تنگدست نبوده اند؛ بلکه همواره با تلاش و زحمت، اموال فراوانی به دست می آوردند و سهم ایشان از غنائم جنگی هم قبل از خلافت قابل ملاحظه بود ولی آن ها را در راه خدا انفاق می کرده اند و بخش مهمی از اموال خود را صرف آزاد کردن بردگان می نمودند و چیزی برای خود باقی نمی گذاشتند.

«معاویه بن ابی سفیان، دشمن کینه توز علی (علیه السلام) که در عیب جویی از او و لکه دار کردن شخصیت او تلاش می کرد، به محسن بن ابی محسن صبی در مقابل این سخن او که گفت: «از نزد بخیل ترین مردم می آیم»، گفت: وای بر تو! چه طور می گویی او بخیل ترین مردم

است؟ اگر او انباری از طلا و انباری از کاه می داشت، انبار طلایش را زودتر از انبار کاهش می بخشید» (محمدی ری شهری، دانشنامه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج 9، ص 527).

\* مصادیق احسان و نیکوکاری امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

تصویر

□

ص: 247

احسان و نیکوکاری که غالباً با واژه «محسنین» از آن یاد شده، معنی وسیعی دارد و به معنای انجام دادن هرگونه کار نیک و شایسته است و مصادیق فراوانی دارد و یکی از انواع نیکی ها، احسان و نیکی در حق خلق خداست. امیر مؤمنان علی (علیه السلام) چه در زمان خلافت و چه قبل از آن، اهتمام فوق العاده ای به احسان و نیکوکاری داشتند و به صورت مخفی و آشکارا و به طرق مختلف به مردم کمک می کردند. بسیاری از نیکی های حضرت به مردم جنبه اقتصادی داشت، از جمله؛ بخشش های حضرت (انگشتر، لباس، زره، خانه، بند کفش و...)، اطعام نیازمندان و یتیمان، آزادی بردگان، موقوفات (چاه ها، چشمه ها، نخلستان و مزارع). تمام این فعالیت های خیرخواهانه را حضرت با کار کردن بر روی زمین و حفر چاه با دست مبارک خویش و یا از غنائم جنگی که به دست می آوردند انجام می دادند. برخی از اعمال خیر حضرت جنبه خدماتی داشت مانند: حمل مشک آب، نان پختن، حمل بار، کمک به ستمدیدگان و تأسیس صندوق شکایات برای این که مردم راحت تر مشکلات خود را با وی در میان گذارند. حضرت علی (علیه السلام) برای رضای خدا و نزدیکی به او و گسترش اسلام، اعمال خیر و نیکوکارانه را انجام می دادند و هدف دیگر حضرت، توزیع عادلانه ثروت در جامعه بود و این که بارها می فرمودند: رهبر و پیشوای جامعه باید به مردم به ویژه نیازمندان رسیدگی کند و از احوال آن ها باخبر باشد.

قرآن کریم، ترجمه دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و گروهی از اساتید جامعه المصطفی، قم: انتشارات المصطفی، 1388ش.

1. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن محمد المعتزلی، شرح نهج البلاغه، دار الاحیاء التراث، بیروت، 1387ق.
2. ابن شبه، عمر بن شبه النمیری البصری، تاریخ المدینه المنوره، تحقیق فهیم محمد شلتوت، دارالتراث، بیروت، 1410ق.
3. ابن هلال الثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، انجمن آثار ملی، تهران، 1395ق.
4. خشنودی، عفت و منتظرالقائم، اصغر، جایگاه موقوفات امام علی (علیه السلام)، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه شناسی، ش 48، قم، 1393ش.
5. دمشقی، علی بن الحسن بن هبه الله دمشقی (ابن عساکر)، تاریخ دمشق، دارالفکر، بیروت، 1415ق.
6. راغب، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل (راغب اصفهانی)، المفردات، ترجمه و تحقیق غلامرضا خسروی حسینی، مرتضوی، تهران، 1383ش.
7. زمخشری، محمود بن عمر، ربیع الابرار و فصوص الاخبار، تحقیق سلیم النعیمی، منشورات الشریف الرضی، قم، 1410ق.
8. طبرسی، امین الاسلام ابن علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1425ق.
9. طوسی، محمد بن محمد (خواجه نصیر)، اخلاق محتشمی، تحقیق: محمدتقی دانش پژوه، دانشگاه تهران، تهران، 1339ش.
10. العیاشی، محمد بن مسعود السلمی المرقندی، تفسیر العیاشی، المکتبه العلمیه، تهران، 1389ق.
11. کلینی، محمد بن یعقوب کلینی الرازی، کافی، دارصعب و دارالتعارف، بیروت، طبع رابع، 1401ق.
12. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات، وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، تهران، 1411ق.
13. کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب الامام امیرالمؤمنین (علیه السلام) (مناقب کوفی)، تحقیق: محمدباقر محمودی، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، قم، 1412ق.

14. مازندرانی، محمد بن علی (ابن شهر آشوب)، مناقب آل ابی طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، المطبعه العلمیه، قم، [بی تا].
15. محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ترجمه: عبدالهادی مسعودی، دارالحدیث، قم، 1428ق.
16. مطهری، مرتضی، سیره نبوی، دبیرخانه طرح مطالعاتی پیش مطهر، تهران، 1390.
17. مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه نهج البلاغه، قم، نشر علی بن ابی طالب، 1385.
18. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1365ش.
19. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، 1390ش.
20. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، مؤسسه انتشارات علامه، 1379ق.



مهديه محمود آبادی(1)، ابوالفضل علوی(2)

ص: 251

---

1- . دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی. m.mahmoodabadi@sirjantech.ac.ir

2- . دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی a.alavi@sirjantech.ac.ir



وقف در اصطلاح به معنی رهاکردن مال و منفعت آن، از جمله میراث های ارزشمند اسلامی است که در قرآن کریم و سیره پیامبر (صلی الله علیه و اله) و امامان معصوم (علیهم السلام) وجود دارد. هدف تحقیق حاضر این است که با توجه به تاثیرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و معنوی وقف در جامعه، به اهداف امیرمؤمنان (علیه السلام) در این زمینه پرداخته شود. حضرت در طی 25 سال از حیات مبارکشان به فعالیت های اقتصادی مشغول بودند و در پایان عمرشان تمام دارایی خود را وقف نیازمندان نمودند. سؤال اصلی این پژوهش این است که اهداف اقتصادی و دینی امام علی (علیه السلام) در اهتمام به سنت حسنه وقف چه بوده است؟ روش پژوهش در این تحقیق کتابخانه ای و براساس منابع تاریخی و روایی است. یافته ها نشان می دهد که اهداف امام (علیه السلام) از عمل به امر موقوفات؛ فقرزدایی و ایجاد رفاه نسبی در جامعه، برقراری عدالت اجتماعی، توسعه فرهنگی، معنوی و کسب رضایت و خوشنودی پروردگار بوده است.

کلید واژه ها: امام علی (علیه السلام)، سنت، وقف، موقوفات.

## مقدمه

دین اسلام در راستای برآورده کردن اهداف مادی و معنوی جامعه اسلامی، تمهیداتی را سنجیده است که یکی از این موارد سنت حسنه وقف می باشد. وقف یک نهاد اسلامی برجسته است که نقش بسیار مهم و بزرگی در حمایت از تمدن و توسعه جامعه اسلامی دارد. این سنت با ظهور اسلام و با پیروی از سیره پیامبر (صلی الله علیه و اله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) تاکنون در جوامع اسلامی رواج دارد. وجود آیاتی از قرآن کریم مبنی بر صدقه، انفاق و احسان که

دلالت بر وقف می کند و هم چنین سندهای موقوفی به جا مانده از ائمه اطهار (علیهم السلام) که در منابع تاریخی آمده، ضرورت وجود این نهاد را در اسلام نشان می دهد. در بین اسناد وقفی از امامان (علیهم السلام) بیشترین موقوفات متعلق به امام علی (علیه السلام) می باشد. ایشان در طی 25 سال که از تصدی خلافت بازماندند و در دوران حکومتشان انواع فعالیت های اقتصادی اعم از صنعت، تجارت و کشاورزی را تشویق می کردند؛ در اجرای اصلاحات اقتصادی به عمران و آبادانی شهرها توجه ویژه داشته و در نامه به کارگزارانشان نیز بر این امر اصرار می ورزیدند؛ امیر مؤمنان (علیه السلام) در دوران زندگیشان عمده فعالیتشان به کشاورزی بود. چاه ها و چشمه های زیادی حفر، هم چنین مزارع، باغ ها، نخلستان ها، خانه ها و مساجدی احداث کردند که منجر به توسعه، عمران و آبادانی شهر مدینه گردید؛ و در پایان عمر مبارکشان تمام این املاک و درآمد آن ها را وقف فقرا، نیازمندان، خویشان، آزادی بردگان و ابن سبیل نمودند. موقوفات متعدد این امام بزرگوار، بیانگر آن است که ایشان در عمل به این سنت (وقف) اهدافی را مدنظر داشته اند. هدف ما در این پژوهش این است که با مراجعه به منابع روایی و تاریخی، ضمن بررسی مواردی از موقوفات ایشان؛ اهداف و سیاست های حضرت را در عمل به این امر دنبال کنیم. براین اساس سؤال اصلی ما در این پژوهش این است که سیاست های اقتصادی و دینی ایشان در انجام موقوفات چه بوده است؟ نتایج نشان می دهد که توسعه اقتصادی و ایجاد رفاه نسبی در جهت فقرزدایی موجود در جامعه، یکی از برنامه های اساسی امام علی (علیه السلام) بوده است. مکتب اسلام برای رهایی جوامع اسلامی از فقر و تبعیض و جلوگیری از تراکم ثروت و شکاف طبقاتی در جامعه، پدیده وقف را ایجاد کرد؛ بنابراین امام علی (علیه السلام) در راستای این امر و برقراری عدالت و توسعه فرهنگی در جامعه، با وقف نمودن املاک و دارایی خود، مسلمانان را تشویق به این سنت نمودند. صرف نظر از رویکرد اقتصادی وقف، حضرت با نهادینه ساختن فرهنگ کار و تلاش در جامعه، تلاش دنیوی را توشه ای در راه رسیدن به سعادت اخروی و کسب رضایت و خوشنودی پروردگار می دانند؛ تلاش ایشان بر این بود که با عمل به این سنت مقدس، هم معضلات اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی جامعه با تعاون و همکاری افراد حل شود و هم با تقویت ارزش های الهی و دینی نهفته در این سنت پسندیده و نیکو، زمینه عبودیت و تقرب به پروردگار برای بندگان فراهم گردد.

## 1. پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش های متعددی پیرامون موضوع وقف و تاثیرات آن در جامعه صورت گرفته است؛ کتاب هایی همچون «وقف از منظر آیات و روایات» تألیف علی اکبر تقی زاده، و «وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی» نوشته محمدحسن حائری یزدی، «نگاهی به وقف و آثار اقتصادی، اجتماعی آن» تألیف مصطفی سلیمی فر؛ هم چنین مقالاتی از جمله «مبانی و اهداف وقف در مکتب اقتصادی اسلام» تألیف ناصر جهانیان که به جایگاه وقف و چهره اخلاقی آن پرداخته است، «پیشینه و کارکرد وقف در اسلام و تمدن اسلامی» تألیف محمدرضا گائینی که به کارکردهای وقف در تمدن اسلامی از بُعد فرهنگی و نیت واقفان آن اشاره شده است؛ محمد اسلم جوادی مقاله ای تحت عنوان «نقش وقف در توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی» ارائه نموده و تاثیرات معنوی وقف را متذکر گردیده، هم چنین در رابطه با موقوفات امام علی (علیه السلام) مقالاتی از احمد اشکوری با نام «موقوفات امیرالمؤمنین (علیه السلام)» و «بررسی و توضیح جایگاه موقوفات امام علی (علیه السلام)» نوشته اصغر منتظرالقائم و عفت خوشنودی، «وقف در سیره پیامبر (صلی الله علیه و اله) و امامان شیعه» اثر محمدعلی چنارانی به طبع رسیده است که موقوفات حضرت را مورد مطالعه و تحقیق قرار داده اند. در این پژوهش ضمن معرفی مواردی از موقوفات حضرت، اهداف ایشان را از این عمل خداپسندانه مورد ارزیابی قرار می دهیم.

## 2. مفهوم شناسی

وقف در لغت به معنای «ایستادن یا به حالت ایستاده ماندن و آرام گرفتن است.» (ابن منظور مصری، لسان العرب، ص 395). و در اصطلاح فقهی، عقدی است که ثمره آن

ص: 255

حبس کردن اصل، و رهاکردن منفعت آن است (نوری، مستدرک الوسائل، ج 14، ص 47). در کتاب حقوق مدنی در معنی وقف آمده است: «عبارت از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود. منظور از حبس نمودن عین مال، نگاه داشتن عین مال از نقل و انتقال و هم چنین از تصرفاتی است که موجب تلف عین گردد. زیرا مقصود از وقف، انتفاع همیشگی موقوف علیهم از مال موقوفه است و بدین جهت هم آن را وقف گفته اند، چه آن که معنی کلمه وقف در فارسی، ایستادن و نگه داشتن است. منظور از تسبیل منافع، واگذاری منافع در راه خداوند و امور خیریه اجتماعی می باشد.» (امامی، حقوق مدنی، ص 68-69). در مجمع البحرین آمده است: «وقف در احادیث به معنای حبس کردن اصل مال و رهاکردن منفعت آن است. مثل این که شخصی می گوید این خانه را وقف مساکین کردم. دو نوع وقف وجود دارد: وقف خاص، که وقف بر اشخاص معین است، مانند وقف بر اولاد و وقف عام که وقف بر جهات و مصالح عمومی می باشد، مانند مساجد، مدارس و امور مشابه (به نقل از تقی زاده، وقف از منظر قرآن و روایات، ص 12 و 14) موقوفات موردنظر ما در این مقاله از نوع عام می باشد.

### 3. وقف در قرآن و سیره معصومین (علیهم السلام)

یکی از مهم ترین تمهیدات اسلام در راستای تامین منافع و مصالح مسلمین، پایه ریزی سنت حسنه وقف می باشد. مراجعه به قرآن و سیره اهل بیت (علیهم السلام) اهمیت این سنت را روشن تر می کند. قرآن کریم به منزله قانون اساسی است که کلیات را مطرح می نماید و جز در موارد ضروری وارد جزئیات نمی شود؛ در زمینه وقف نیز بیان این کتاب آسمانی کلی است (تقی زاده، وقف از منظر قرآن و روایات، ص 17). گرچه در قرآن آیه ای که بر وقف و احکام فقهی آن صراحت داشته باشد وجود ندارد، اما می توان از آیات مربوط به «احسان»، «صدقه»، «قرض الحسنه» و «تعاون» بر جواز و استحباب وقف استدلال کرد (سلیمی فر، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی، اجتماعی آن، ص 52). از جمله آیاتی که به طور عموم بر

انجام خیرات و تشویق و تحریض آنها دلالت دارد، آیه «لن تنالوا البر تنفقوا من شیء فان الله به علیم» (آل عمران/92)؛ «شما هرگز به مقام نیکوکاران و خاص خدا نخواهید رسید، مگر آن که از آن چه به دست می آورید و بسیار محبوب است در راه خدا انفاق کنید.» و نیز آیه دیگر قرآن «المال و البنون زینه الحیاه الدنیا و الباقیات و الصالحات خیر عند ربک ثواباً خیر املاً»؛ (کهف/46)

«مال و فرزندان زینت حیات دنیاست، ولیکن اعمال صالح که تا قیامت باقی است، مانند نماز، تهجد، ذکر خدا و صدقات جاری، هم چون بنای مسجد، مدرسه، موقوفات و خیرات در راه خدا نزد پروردگار بسی بهتر و نیکوتر است.»

دومین منبع از معارف اسلامی سنت است که شامل قول، فعل و تقریر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله) و نیز ائمه اطهار (علیهم السلام) می شود. در حدیث مشهوری از رسول اکرم (صلی الله علیه و اله) آمده است که می فرماید: «هرگاه فرزند آدم بمیرد، عمل او قطع شود، مگر سه چیز: 1. صدقه جاریه (وقف)، 2. عملی که از آن سود برده شود، 3. فرزند صالحی که برای او دعا کند.» (شعیری، جامع الأخبار، ص 105) عمل پسندیده وقف از زمان پیامبر (صلی الله علیه و اله) و امامان معصوم (علیهم السلام) و در زمان صحابه تا روزگار تابعین آنان ادامه داشته است؛ برای نخستین بار رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله) در سال سوم هجرت پس از جنگ احد، هفت بوستان و مزرعه آماده را به نام «بساتین سبعة» که به آن حضرت هدیه شده بود، وقف کردند (راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج 3، ص 105). عمل به وقف در رفتار پیامبر (صلی الله علیه و اله) بر صحابه او نیز اثر گذاشت، به طوری که زبیر از یاران پیامبر، خانه خود را در مکه و مصر وقف کرد. عبدالله بن عمر، سهم خود را از خانه پدری وقف

مستمندان کرد. سعد بن عباد باغ معروف خود را صدقه داد. هم چنین عثمان و طلحه خانه های خود را وقف کردند (سلیمی فر، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی، اجتماعی آن، ص 65-68) جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر (صلی الله علیه و اله) نقل می کند که فرمود: «لم یکن من أصحابه ذو مقدره إلا وقف واقفاً؛ کسی از یاران او نبود که توانایی مالی داشته باشد و مقداری از آن را وقف ننماید (حائری یزدی، وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی، ص 79) امامان شیعه نیز پس از رسول

گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله) در این سنت حسنه پشتاز بوده اند و روایات متعددی از این بزرگواران مبنی بر وقف برجا مانده است. معصومین (علیهم السلام) در راستای رفع نیاز بینویان و خویشاوندان خود، اموال و باغ هایی را در راه خدا وقف نمودند، از آن جمله حضرت زهرا (علیها السلام) از پدر و همسر بزرگوارش در این زمینه پیروی کرد. طبق نقل مشهور باغ هایی که در محله نخاوله (محله شیعه نشین مدینه) به نام «باغ صبا» و «مرجان» وجود دارد، از وقفیات امام حسن (علیه السلام) یا بنا بر قولی از امام سجاد (علیه السلام) است. امام صادق (علیه السلام) و امام موسی کاظم (علیه السلام) نیز موقوفاتی اعم از درختان خرما، زمین، قنات و... وقف نموده اند (چنارانی، وقف میراث جاویدان، ص 5-6).

اسناد وقفی به جا مانده نشان می دهد که در بین اهل بیت (علیهم السلام) امیر مؤمنان (علیه السلام) بیشترین موقوفات را داشته است. آن حضرت در مدت 25 سال که از تصدی خلافت بازماندند، به کارهای کشاورزی و باغ داری مشغول بودند و از این طریق املاک فراوانی را وقف کردند. موقوفات ایشان شامل چاه ها، چشمه ها، نخلستان ها، باغ ها، خانه ها و مساجد متعددی است که اسامی این موقوفات در وقف نامه ها ثبت شده است. در ادامه، ضمن برشمردن مواردی از موقوفات این امام همام، سیاست اقتصادی و دینی ایشان را در راستای پیاده کردن این سنت حسنه بررسی می نماییم.

#### 4. سیاست های امام علی (علیه السلام) در عمل به سنت وقف

##### اشاره

همان طور که بیان شد، از بین امامان معصوم ما امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیشترین موقوفات را به جا گذاشته اند. انگیزه ایشان در پایبندی به سنت وقف - که میراثی ارزشمند از پیامبر (صلی الله علیه و اله) می باشد - توسعه و رشد اقتصادی و ایجاد رفاه نسبی برای کلیه اقشار جامعه، استقرار عدالت اجتماعی و تحکیم ارزش های معنوی و الهی دین مبین اسلام و توسعه فرهنگی بوده است که در ذیل به این موارد پرداخته خواهد شد.

##### الف) فقرزدایی و ایجاد استقلال اقتصادی

مکتب اسلام برای رهایی انسان ها از فقر و تبعیض و استقرار نظامی بر پایه قسط و



عدل، پدیده شگرف وقف را ارائه نموده است. و افراد انسانی موظف هستند به سهم خود در رفع نیازهای نیازمندان تلاش نموده و ضمن مبارزه با فقر و نابودی تدریجی آن از تکاثر ثروت جلوگیری نمایند. بنابراین واقفان حاصل تلاش و زحمت دنیوی خود را برای حصول به سعادت در آخرت ایثار می نمایند، تا ضمن بهره وری از جنبه های اخروی این عمل خداپسندانه، گامی در تامین زندگی نیازمندان و فقرای جامعه بردارند؛ زیرا فقر عامل بسیاری از مفاسد اجتماعی، اخلاقی و باعث سستی در ارکان دین است. بنابراین بعد اجتماعی و اقتصادی وقف، ضمن حل این مشکل، امکان همزیستی مسالمت آمیز همه اقشار جامعه را در محیطی سرشار از اخوت و حسن ظن که زمینه ساز پیشرفت و تعالی جامعه خواهد شد، فراهم می کند (دادخدا، محمدی، وقف میراث جاویدان، ص 68). مطالعه تاریخ وقف این واقعیت را روشن می کند که نخستین انگیزه واقفان از اهتمام به وقف، نابودی فقر و محرومیت از جامعه مسلمین بوده است. در تاریخ آمده است که قطعه زمینی از اراضی خیبر به عمر رسید. وی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و اله) رسید و در مورد آن از ایشان کسب تکلیف کرد. پیامبر (صلی الله علیه و اله) فرمود: اصل آن را صدقه بده به گونه ای که قابل انتقال به وارث یا بخشش نباشد. عمر نیز آن را در راه فقرا، خویشاوندان و بردگان و در راه ابن سبیل قرار داد (بلاذری، أنساب الأشراف، ج 10 ص 384). در سیره امام علی (علیه السلام) نیز توجه ویژه به حال محرومان شده است، در نامه 53 نهج البلاغه آمده است: «سپس خدا را! خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره ای ندارند؛ [و عبارتند] از زمین گیران، نیازمندان، گرفتاران و دردمندان. همانا در این طبقه محروم گروهی خویشتن داری کرده، و گروهی به گدایی دست نیاز برمی دارند، پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند این طبقه معین فرموده است.» (شریف رضی، نهج البلاغه، ص 415).

بنابراین یکی از سیاست های اقتصادی امام در موقوفات، رونق تولید، رفاه بیشتر و رعایت حال فقیران می باشد. امیرمؤمنان برای کار و تولید، اهمیت فراوانی قائل بودند. یکی از مباحث بسیار ارزشمند در نهج البلاغه، طرح فرهنگ کار و تلاش است و یکی از عناصر

اصلی در ساختار فرهنگی کار، تقوای کار است. در چنین نگرشی فرد کار را نه تنها به عنوان اسبابی برای کسب درآمد و تامین معیشت می داند، بلکه آن را نوعی عبادت تلقی کرده که با انجام آن نزد پروردگار پاداش دنیوی و اخروی دارد.

امام خود سرمایه گذاری، کار و تولید می کرد و از این طریق ثروت و املاک فراوانی به دست آورد که همه را در راه خدا وقف نمود. امام باقر(علیه السلام) زندگی حضرت را هنگامی که حکومت داشت، چنین معرفی می کند: «امام علی(علیه السلام) پنج سال حکومت کرد، نه آجری بر آجری برای خود قرار داد و نه خشتی بر خشتی نهاد، نه زمینی و ملکی برای خود جدا کرد و نه درهم و دیناری را به ارث گذاشت. فقط هفتصد درهم از سهمش از بیت المال مانده بود که خواست با آن خدمت کاری برای خانواده اش فراهم کند.» (کلینی، الکافی، ج 8، ص 130). براساس این روایات و عملکرد امام علی(علیه السلام) در زمینه تلاش و فعالیت اقتصادی، ایشان معتقدند کسب تولید و درآمد حاصل از کار، علاوه بر مصارف شخصی، باید در مسیر رفع نیاز مستمندان، آزادکردن برده ها و ساختن بناهای مذهبی، عمران و آبادانی باشد.

امام(علیه السلام) در سخنانی مسکوت گذاشتن اموال را برخلاف فلسفه وجودی مال می داند، زیرا خداوند اموال را برای رفع نیازهای انسان آفرید، بنابراین اگر انسان هایی باشند که نیازمندند، شایسته نیست که آن اموال ذخیره شود، بلکه باید به جریان بیفتند تا مابقی متنفع گردند. بر همین اساس ایشان ذخیره کردن مال را در بیت المال نمی پسندد و به کارگزارانش نیز در این زمینه توصیه اکید دارد (ثقفی، الغارات، ج 1، ص 49). سیره عملی ایشان نیز مؤکد همین نظر است. امام علی(علیه السلام) گرچه تمام فعالیت های اقتصادی اعم از تجارت صنعت را تشویق می کردند، اما عمده فعالیت ایشان کشاورزی بود. زیرا مدینه شهری بود که بدلیل داشتن خاک حاصل خیز و آب و هوای مساعد، مستعد کشاورزی بود. از امام صادق(علیه السلام) نقل شده است: «مردی نزد امام علی(علیه السلام) کیسه ای از هسته خرما دید و پرسید: یا علی! این همه خرما را به چه منظور جمع کرده اید؟ حضرت پاسخ داد: همه این ها ان شاء الله درخت خرما خواهد شد. راوی می گوید: که امام آن هسته ها را کاشتند و نخلستانی ایجاد کردند و

سپس آن را بر فقرا و در راه خدا وقف نمودند.» (کلینی، الکافی، ج 7، ص 543).

قابل ذکر است که بیشتر فعالیت اقتصادی امام در منطقه «یَنْبَع» (1)

بود. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «در زمانی که رسول خدا (صلی الله علیه و اله) اراضی فیء را تقسیم کردند، زمینی هم نصیب علی (علیه السلام) گردید. ایشان در این زمین چاهی حفر کرد که آب از درون آن مانند جوشیدن خون از گردن شتر می جوشید و به همین مناسبت نام یَنْبَع را به معنای جوشیدن آب از زمین بر آن نهادند.» (کلینی، الکافی، ج 7، ص 54). در مناقب ابن شهر آشوب آمده است: «علی (علیه السلام) در یَنْبَع صد چشمه درآورد و چاه هایی نیز در راه مکه برای حاجیان خانه خدا حفر کرد.» (ابن شهر آشوب، المناقب، ج 2، ص 123). تلاش امام علی (علیه السلام) در راستای توسعه اقتصادی، بیانگر آن است که ایشان در جهت فقرزدایی و ایجاد استقلال اقتصادی، فرهنگ کار و تلاش را وجهه همت خود ساخته و با وقف این قبیل درآمدها، الگویی در جهت رسیدن به سعادت اخروی فراهم نمودند. با توجه به این که ارتباطات نقش بسیار مهمی در توسعه حیات اقتصادی و فرهنگی جوامع دارد. حفر چاه ها توسط امام (علیه السلام) در مسیر مکه و مدینه، علاوه بر آبادانی و خرمی شهر مدینه و پیدایش مزارع و باغ ها، منجر به تامین آسایش و سهولت مسافرت زائرین خدا گردید؛ چاه های نزدیک مسجد فتح، مسجد جامع بصره، و نزد قبر حضرت حمزه در احد وقف گردید، نیز به همین منظور بوده است (منتظرالقائم، خوشنودی، فصلنامه شیعه شناسی، ص 23).

## ب) استقرار عدالت اجتماعی

اساسی ترین مفهوم در حقوق بشر عدالت است. یکی از اهداف رسالت پیامبران، اقامه قسط و عدل در جامعه است: «همانا پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و بر آن ها کتاب و میزان عدل

نازل کردیم تا مردم اقامه قسط نمایند» (حدید/25). رابطه وقف و تحقق عدالت از این جا روشن می گردد که وقف با توزیع درآمد بین افراد جامعه آن را به سمت

ص: 261

---

1- . نام منطقه ای بین مکه و مدینه که دارای چشمه های گوارا و زمینی حاصل خیز است (حموی، معجم البلدان، ج 1، ص 658).

توازن اجتماعی هدایت می کند. لذا گرچه وقف و صدقه بیشتر به عنوان امور اخلاقی شناخته شده اند، ولی در عمل تاثیر به سزایی در تامین عدالت اجتماعی دارد. با این که انواع مالیات های اسلامی چون خمس و زکات نقش قابل توجهی در استقرار عدالت اجتماعی دارند، اما امتیاز برجسته وقف در این است که واقفان تنها براساس وجدان دینی خود عمل می کنند و بدون تعهد و ضمانت اجرایی در بیرون دست به این عمل مقدس می زنند (سلیمی فر، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی، اجتماعی آن، ص 169-168). امام علی (علیه السلام) معتقدند که استقرار عدالت اجتماعی، بدون عمران و آبادانی مقدور نیست. ایشان در بخش های متعددی از دستورنامه های خود، تاکید فرموده اند که اگر رفاه و آسایش نسبی برای آحاد مردم جامعه ایجاد نشود، فاصله و شکاف میان اقشار جامعه خواهد بود و هر روز بر فقر فقیر و غنای غنی افزوده می شود. حضرت در فرمان خود به مالک اشتر، هدف اصلی انتخاب مالک را به فرمانداری مصر در نامه 53 چنین بیان می فرماید: «این فرمان بنده خدا امیر مؤمنان به مالک اشتر پسر حارث است، در عهدی که با او دارد، هنگامی که او را به فرمانداری مصر برمی گزیند تا خراج آن دیار را جمع آورد و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح و شهرهای مصر را آباد سازد.» (شریف رضی، نهج البلاغه، ص 403). حضرت هم در دوران خلفا و هم در دوران حکومتشان، از اصلاحات اقتصادی که زمینه ساز برقراری عدالت اجتماعی بود، غفلت نورزیدند و از اهداف اساسی ایشان، توجه به عمران و آبادانی جامعه اسلامی بود. ایشان نه تنها این امر را به کارگزارانش گوشزد می کرد، بلکه خود نیز به توسعه کشاورزی و ایجاد مزارع و باغ ها توجه بسیار داشت. از جمله این موارد نخلستان ها، باغ ها و چشمه هایی در وادی القری (1) از توابع خیبر ایجاد نمودند و پس از آبادکردن، آن ها را برای فقرا و مساکین وقف نمودند. موقوفات دیگر امام در این منطقه، شامل چشمه موات و چشمه ناقه می باشد (ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج 1، ص 225 و 221). از دیگر موارد موقوفی امام «بغیغنه»، چاهی نزدیک رشاء در اطراف مدینه می باشد. از امام صادق (علیه السلام) از

ص: 262

---

1- . نام صحرائی از توابع خیبر در مدینه که دارای ده های بسیار بود (حموی، معجم البلدان، ج 6، ص 348).

پدرش نقل شده که چون به علی (علیه السلام) پیداشدن این چشمه را بشارت دادند. فرمود: وارث خوشنود می گردد. آن گاه فرمود: وقف بر مساکین و مسافرینی که خرجی راه ندارند و نیازمندان نزدیک است (اشکوری، میقات حج، ص 192). وجود این موقوفات کمک ارزنده ای برای رفع نیاز اقشار کم درآمد گردید تا با بهره گیری از امکانات این زمین ها، ضمن ایجاد تعادل در طبقات جامعه، فرصتی جهت اشتغال فراهم گردد. زیرا موقوفات با توزیع عادلانه سرمایه از تراکم ثروت در دست طبقه و قشر خاصی در جامعه جلوگیری می کند. این اثر از آن حضرت نقل کرده است: «من هم اکنون از گرسنگی سنگ بر شکم می بندم، درحالی که (درآمد) صدقه من چهارهزار (یا چهل هزار) دینار است.» راوی حدیث می گوید: مراد حضرت از این صدقه زکات مالش نیست، بلکه منظور وقف هایی است که به عنوان صدقه قرار داده، وگرنه حضرت مالی را ذخیره نمی کرد که به آن زکات تعلق گیرد. ربیع بن عبدالله از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است: امام علی (علیه السلام) خانه ای در محله بنی رزیق مدینه داشت که آن را وقف نمود. «به نام خدای بخشاینده مهربان، این است آن چه علی بن ابی طالب آن را درحالی که زنده و کامل بود، صدقه کرد. وقف نمود خانه خود را که در «بنی زریق» قرار دارد. صدقه ای که فروخته نمی شود و هبه نمی گردد تا خدایی که وارث آسمان و زمین است، آن را وارث شود. در این خانه، خاله های خود را سکونت داد، مادامی که خود یا اولادشان زنده هستند و وقتی مرگ آن ها رسید برای محتاجانی از مسلمانان باشد.» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 19، ص 187) از آن جا که حضرت به رعایت حال بردگان نیز توجه داشت، چشمه ای در ینبع را به نام غلامش «ابی نیزر» وقف نمود. در کافی آمده است: «به نام خداوند بخشنده مهربان. این چیزی است که بنده خدا علی، امیر مؤمنان صدقه داده است. این دو چشمه به نام های «عین ابی نیزر» و «بغیغه» را بر فقرای مدینه و در راه ماندگان وقف نمودم، تا بدین وسیله در روز قیامت چهره خود را از آتش دوزخ مصون دارم. کسی حق فروش و بخشش آن ها را ندارد، تا آن گاه (یعنی قیامت) که خدا وارث آن ها شود و خدا بهترین وارثان است، مگر آن که حسن و حسین بدان ها محتاج شوند که ملک

خالص آن‌ها خواهد بود و هیچ‌کس دیگر حقی در آن‌ها ندارد.» (کلینی، الکافی، ج 7، ص 54). هم‌چنین از عماربن یاسر نقل شده است که پیامبر (صلی الله علیه و اله) زمینی در «ذی العشیره» در ینبع به حضرت امیر بخشیدند و عمر نیز در دوران خلافتش قطعه‌ای در آن جا به ایشان بخشید و حضرت در آن جا ملکی خرید و به همراه چشمه‌هایش همه را وقف نمود. در وقف نامه آمده است که این ملک و همه اطراف آن صدقه بردگانی است که در آن جا مشغول به کار بودند، جز سه تن از آن‌ها؛ «ریاح»، «ابی نیر» و «جبیر» که آزاد می‌باشند (اشکوری، میقات حج، ص 193). کنکاش در اسناد موقوفی امام (علیه السلام)، روشن می‌نماید که بخشی از موقوفات ایشان تلاشی در راستای برقراری عدالت اجتماعی و توازن در بین طبقات جامعه بوده است.

### ج) تقویت ارزش‌های معنوی و توسعه فرهنگی

مهم‌ترین و اساسی‌ترین بعد در بحث وقف، تکامل و توسعه ارزش‌های الهی و معنوی است. رشد ارزش‌های مادی و معنوی در یک جامعه، به مثابه توسعه فرهنگ آن جامعه تلقی می‌شود؛ مهم‌ترین نقشی که وقف در توسعه فرهنگ و تمدن ایفا می‌کند، توسعه معنوی جامعه است. زیرا اگر وقف را از دیدگاه انسانی و معنوی آن نگاه کنیم، به خدمت گرفتن ارزش‌ها و امکانات مادی به نفع ارزش‌های معنوی است. در فرهنگ اسلامی بر وقف معنوی بیش از وقف مادی تاکید شده و مرجح بر وقف مادی است. وقف معنوی به وقفی تلقی می‌شود که از هرگونه مظاهر مادی تهی است و صرفاً بازده معنوی دارد. به طور خلاصه هر عمل خیری که باعث رشد ارزش‌های معنوی، اخلاقی و فکری جامعه شود، وقف معنوی نیز بر آن صدق می‌کند. زیرا معنویت در جامعه با رشد همین ارزش‌هاست که رشد و توسعه می‌یابد و فقدان این ارزش‌ها در یک جامعه، نشانه زوال آن است (ر.ک: اسلم جوادی، نقش وقف در توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی).

یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های واقفان که در روایت‌ها بر آن تاکید فراوان شده، آخرت‌خواهی است. آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که انسان‌ها را تشویق می‌نماید که بعضی از اموال خود را جهت آخرت ذخیره سازند و قبل از این که به دیار باقی بروند،

پیشاپیش بخشی از اموالشان را برای استفاده خود در عالم آخرت بفرستند، بنابراین از بهترین راه‌ها پیش فرستادن بخشی از اموال، و به کارگرفتن آن‌ها در راستای مصالح عمومی و قانون وقف است (تقی زاده، وقف از منظر قرآن و روایات، ص 22).

در سوره قصص آمده است: «وابتغ فیما آتاک الله الدار الاخره و لا تنس نصیبک من الدنیا و احسن کما احسن الله الیک ولا تبغ فی الارض ان الله لا یحب المفسدین (قصص/77)؛ در آن چه که خداوند به شما عطا کرده، آخرت را بجوید، سهم خود را از دنیا فراموش مکن و نیکی کن، همان گونه که خدا به تو نیکی کرده است.» امیرالمؤمنین (علیه السلام) در یکی از وقف نامه هایش هدف خود را از وقف چنین بیان می کند: «ابتغاء وجه الله لیدلجنی الله بالجنه و یصرفنی عن النار و یصرف النار عن وجهی یوم تبیض وجه و تسود وجه؛ به منظور جلب رضای الله، تا به سبب آن مرا داخل بهشت برین فرماید و از آتش دورم بدارد و آتش را از صورتم دور فرماید و روزی که صورت هایی سفیدند و صورت هایی سیاه» (مجلسی، بحارالانوار، ج 103، ص 183). حضرت علی (علیه السلام) در این وقف نامه به انگیزه آخرت خواهی و رسیدن به بهشت و دوری از آتش جهنم تصریح شده است (کلینی، الکافی، ج 7، ص 49). حضرت علی (علیه السلام) معصوم است و عملی انجام نمی دهد که سزاوار آتش جهنم باشد، بنابراین دعای حضرت جنبه دفعی دارد نه رفعی. و با بخشش و انفاق اموال خود از خداوند می خواهد که او را از آتش جهنم برهاند (تقی زاده، وقف از منظر قرآن و روایات، ص 55) توصیه اهل بیت (علیهم السلام) ترجیح آخرت بر دنیا است. امیرمؤمنان در خطبه 42 می فرماید: «هوشیار باشید که آخرت رو آورده است و برای هر یک از دنیا و آخرت فرزندان است؛ پس شما از فرزندان آخرت باشید نه فرزندان دنیا، چون هر فرزندی به زودی در قیامت به پدر مادر خود ملحق می شود. به راستی بدانید که امروز فقط روز عمل است، نه حساب و فردا روز حساب است، نه عمل» (شریف رضی، نهج البلاغه، ص 67). بنابراین امام (علیه السلام) با عمل به سنت و وقف در جامعه، در صدد نهادینه کردن اصول و ارزش های معنوی شریعت اسلام بودند. خداوند در تبیین هدف آفرینش انسان می فرماید: «جن و انس را آفریدم تا عبادت و بندگی مرا کنند.» بنابراین

انسان باید در زندگی دنیوی در پی کسب رضایت و خوشنودی پروردگارش باشد و یکی از راه‌هایی که موجب رضایت خداوند می‌شود وقف است. امام علی (علیه السلام) به منظور عبادت و بندگی پروردگار در دنیا و سعادت در آخرت، اموال و دارایی‌های خود را انفاق نمود تا ضمن ارائه یک الگوی عملی برای مسلمانان، از پاداش این عمل نیکو در آخرت بهره‌مند گردد. حضرت می‌فرماید: «الصدقه والحسب ذخیرتان فدعوهما لیومهما؛ صدقه و وقف برای آخرت است، پس اموالتان را برای آن روز وانهدید.» (تقی زاده، وقف از منظر قرآن و روایات، ص 31). برنامه عملی اسلام به گونه‌ای طراحی شده است که زمینه تزکیه و تهذیب نفس انسانی در این دنیا فراهم گردیده، تا با باطنی خالص راهی سرای آخرت گردد. بنابراین بُعد مادی و معنوی انسان مدنظر اسلام بوده است. امام علی (علیه السلام) در این سخن، اموال دنیوی را پشتوانه برای آخرت دانسته و توصیه می‌کند که سنت وقف توشه‌ای است برای آخرت شما. در این عمل بسیاری از فضایل اخلاقی هم چون عبودیت، تقرب به پروردگار، آخرت خواهی، خدامحوری، احسان و بخشش، گذشت و فداکاری، باقیات صالحات و هرآن چه که منجر به رستگاری و سعادت انسان می‌شود نهفته است.

نکته قابل تامل این است که در نهاد وقف دو مطلوبیت نهفته است: یکی نفس عمل بخشش، گذشت و ایثار که از استغراق انسان در تعلقات مادی و ثروت جلوگیری می‌کند و دیگری لذتی که فرد در نتیجه عمل مطلوب خود می‌بیند و اثرات آن را در فقرزدایی جامعه مشاهده می‌کند (سلیمی فر، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی، اجتماعی آن، ص 148). زیرا کسی که مبادرت به عمل وقف می‌کند حس دیگرخواهی بر خودخواهی در وجودش غلبه دارد، به عبارت دیگر؛ احسان در وجود و زندگی انسان شکل نمی‌گیرد، مگر به واسطه رهاشدن از مادیات دنیوی و توجه به ثمرات اخروی آن، لذا در سنت وقف است که این روحیه در بندگان خالص پروردگار بروز می‌کند.

یکی دیگر از ثمرات وقف برای واقف، جاودانه ساختن نام خود به نیکی است. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «بهترین مال آن است که برایت اندوخته و نام نیک بر جای نهد و سپاس و



پاداش را برای تو به دست آورد.» (تقی زاده، وقف از منظر قرآن و روایات، ص 36) و در گفتاری دیگر صدقه و وقف را از بین برنده عذاب قبر و قیامت می دانند. ایشان فرمودند: «صدقه مؤمن (که وقف نمونه آن است) سپری بزرگ و حجابی است برای او در برابر آتش. صدقه کافر، دارایی او را از تلف شدن حفظ می کند و عوض آن در همین دنیا به او داده می شود و بیماری ها را از جسم وی دور می گرداند،

اما در آخرت نصیبی ندارد.» (همان، ص 42). گرچه امام علی (علیه السلام) با ورود به مدینه با انجام فعالیت های اقتصادی هم چون کشاورزی و زراعت و احداث چاه ثروت عظیمی به دست آوردند، اما هدف ایشان از فعالیت اقتصادی، اندوختن ثروت نبود، بلکه هدف حضرت خوشنودی پروردگار و حل معضلات اجتماعی مسلمین با استفاده از ظرفیت وقف بود (همان، ص 73).

باتوجه به این که یکی از کارکردهای وقف در جامعه، کارکرد آموزشی و فرهنگی آن است، لذا بخشی از سیاست حضرت در این زمینه، توسعه فرهنگی و تعلیم و تربیت بود و مسجد به عنوان نخستین پایگاه آموزشی نقش ارزنده ای در برپایی آموزش در جهان اسلام داشته است. وقف مسجد به عنوان نخستین مؤسسه آموزشی در تمدن اسلامی که پیوندی بین دین و دانش را برقرار می سازد، بیانگر بخشی از اهداف امام علی (علیه السلام) در زمینه توسعه فرهنگی جامعه زمانش می باشد؛ حضرت براساس رسالتی که در قبال بندگان خدا داشت، لحظه ای از ارشاد و آموزش و پرورش مسلمانان کوتاهی نرزدند. در آموزه های الهی تصریح شده است که فلسفه حکومت در مکتب انبیا، آموزش و پرورش انسان ها، جهل زدایی و برانگیختن خردها است. امام علی (علیه السلام) این حقیقت را در خطبه هایش بیان نموده است و تاکید بر گسترش فرهنگ و علم و ادب را در سیره عملی خود عرضه داشتند (محمدی ری شهری، سیاست نامه امام علی (علیه السلام)، ص 46) در جامعه ای که امام علی (علیه السلام) به تصویر می کشند، توسعه فرهنگی و علم و آموزش از اهمیت بسزایی برخوردار است، ایشان در خطبه 105 می فرمایند: «در فراگرفتن دانش سخت بکوشید، پیش از آن که درخت آن بشکند و پیش از آن که به خود مشغول گردید.» (شریف رضی، نهج البلاغه، ص 137).

ابن شهر آشوب ضمن معرفی مساجد موقوفی توسط حضرت، بیان می‌دارد که نخستین زمین‌هایی که بر آن‌ها صیغه وقف جاری شد، مساجد بود. اسامی مساجد وقفی امام علی (علیه السلام) بدین شرح است: مسجد فتح در مدینه، مسجد میقات، مسجد بصره و مسجدی در کنار قبر حمزه سیدالشهدا (ابن شهر آشوب، المناقب، ج 2، ص 223).

امیر مؤمنان (علیه السلام) ضمن الگوبردن در نظر و عمل، در اصول اخلاقی و دینی به عنوان یک انسان کامل، با اجرانمودن تک تک قوانین ارزشی و الهی و فرهنگی در جامعه از جمله سنت وقف که تاکید قرآن کریم و پیامبر (صلی الله علیه و اله) می‌باشد، جامعه را به سوی معنویت هدایت و ارشاد نمودند.

## نتیجه

وقف، به عنوان یک اصل پسندیده و نیکو مورد توجه قرآن و روایات است؛ پیشوایان ما ضمن پیشتازبودن در این امر، مشوق مسلمانان نیز بوده‌اند. امیر مؤمنان (علیه السلام) در بین امامان، بیشترین موقوفات را از خود به جا گذاشته است. بی شک در پی این اقدام، حضرت اهداف ارزشمندی نهفته بوده است، از جمله: فقرزدایی از جامعه، ایجاد استقلال اقتصادی و عمران و آبادانی، به گونه‌ای که رفاه نسبی ایجاد و عدالت اجتماعی محقق گردد؛ هم چنین با وجود مصادیق اخلاقی هم چون احسان، گذشت، فداکاری، دیگرخواهی، خدامحوری و آخرت خواهی که در سنت وقف نهفته است؛ امام علی (علیه السلام) با اقدام به موقوفات، در پی نهادینه ساختن ارزش‌های الهی و معنوی و توسعه فرهنگی جامعه نیز بودند. تا ضمن تشویق مسلمانان به این عمل خدایسندانه، زمینه عبودیت و تقرب به خدا ایجاد و نهایتاً رضایت و خوشنودی پروردگار فراهم گردد. شایسته است که سبک و سیره این امام همام، سرلوحه جوامع اسلامی باشد.

شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم: نشر نوظهور، 1386 ش.

1. ابن شبه نمیری بصری، ابوزید، تاریخ المدینه المنوره، تحقیق: محمد شلتوت، بیروت: دارالتراث، جلد اول، 1410 ق.
2. ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی، المناقب، قم: انتشارات علامه، 1379 ش.
3. ابن منظور مصری، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، چاپ اول، 1300 ق.
4. اسلم جوادی، محمد، «نقش وقف در توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی»، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، کتابخانه دیجیتالی تبیان، 1387 ش.
5. اشکوری، احمد، «موقوفات امیرالمؤمنین، علی (علیه السلام)»، میقات حج، شماره 34، 1393 ش.
6. امامی، حسن، حقوق مدنی، تهران: نشر اسلامی، 1366 ش.
7. البلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، بیروت: دارالفکر، جلد دهم، چاپ اول، 1417 ق.
8. تقی زاده، علی اکبر، وقف از منظر قرآن و روایات، مشهد: انتشارات قدس رضوی، 1392 ش.
9. ثقفی، ابواسحاق ابراهیم بن هلال کوفی، الغارات، تحقیق: سید جلال الدین محدث الارموی، تهران: نشر انجمن آثار ملی، 1355 ش.
10. چنارانی، محمد علی، «وقف در سیره پیامبر (صلی الله علیه و اله) و امامان شیعه (علیه السلام)»، وقف میراث جاویدان، شماره 39 و 40، 1381 ش.
11. حائری یزدی، محمد حسن، وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ناشر دیجیتالی، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، 1380 ش.
12. حر عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البیت (علیهم السلام)، 1409 ق.
13. حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت: دارصادر، چاپ دوم، 1399 ق.
14. دادخدا، خدایار، محمدی، صدیقه، «بررسی رابطه متقابل وقف و فرهنگ انتظار در جامعه اسلامی»، وقف میراث جاویدان، سال 22، شماره 88، 1393 ش.
15. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: موسسه امیر کبیر، جلد سوم، چاپ نهم، 1375 ش.
16. سلیمی فر، مصطفی، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی، اجتماعی آن، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1370 ش.



17. شعیری، تاج الدین، جامع الأخبار، قم: انتشارات رضی، 1363 ش.

18. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، بیروت: دارصعب و دارالتعارف، چاپ چهارم، 1401 ش.

19. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار الإحياء التراث العربی، 1403 ق.

20. محمدی ری شهری، محمد، سیاست نامه امام علی (علیه السلام)، ترجمه: مهدی مهریزی، قم: دار الحدیث، 1379 ش.

21. منتظرالقائم، اصغر، خوشنودی، عفت، «بررسی و توضیح جایگاه موقوفات امام علی (علیه السلام)»، فصلنامه شیعه شناسی، سال 12، شماره 48، 1393 ش.

22. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم: موسسه آل البيت، 1408 ق.

ص: 270

## 10. تحليل موقوفات امير المؤمنين امام علي (عليه السلام)

اشاره

ناصر جهانيان(1)

ص: 271

---

1- . عضو هيئت علمي پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي،



از دیدگاه مکاتب توحیدی پذیرش ولایت انسان کامل در تمامی امور معروف از جمله بخشش مازاد وقت و ثروت نقش کلیدی در تکامل معنوی انسان و ساخت نظام شخصیت افراد دارد. از آن جا که انسان کامل تمامی این امور را با قصد قربت خالص الهی و عقلانیت کامل عمل انجام می دهد این روشی می شود تا در ساخت فردی، گروهی، نهادی، سازمانی، اجتماعی و در ساخت جامعه مدنی و نظام اجتماعی به این روح توحیدی و عقلانیت عمل توجه کرد. از این رو نهادهای خیرخواه در جوامع توحیدی از جمله نهاد وقف می توانند با چنین انگیزه و عقلانیت عملی دوباره نقش خود را در احیای تمدن اسلامی ایفا کرده و نظام حقوقی اسلام را بار دیگر سرآمد دیگر نظام های حقوقی دنیا در این زمینه بگردانند. بنابراین، لازم است سیره امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در زمینه وقف کردن با این نگاه جدید بررسی شود. این تحقیق اکتشافی است برای شناخت «انگیزه ها، رفتارها، شیوه ها و موارد مصرف اوقاف صورت گرفته توسط امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)». این پژوهش با روش تجزیه و تحلیل داده ها «تحلیلی - توصیفی» می باشد. داده های تحقیق نشان می دهد که «امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) الگوی ممتازی در وقف ارائه می کند».

کلیدواژه ها: امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، مازاد وقت، مازاد ثروت، وقف اجتماعی، وقف عبادی.

یکی از بنیادی ترین اصول پیشرفت فردی، گروهی، اجتماعی، نهادی، سازمانی و



جامعه ای در طول تاریخ پرفراز و نشیب نوع بشر خیرخواهی، نیکوکاری، دل سوزی، داوطلبی و اهل خیر و معروف بودن است. لازمه چنین پیش رفتی وجود افراد خودشکوفه، خیرخواه و دل سوز به حال بشر است. انسان هایی که مازاد وقت و ثروت خود را صرف دیگران می کنند و ناراحتی ها و رنج های آنان را کاهش و موجب خوشحالی و آسایش آنان می شوند. گاهی هم وقت و ثروت مازاد از متعارف نیست، اما ایثار و از خود گذشتگی رخ می دهد و عده ای ایثارگرانه از وقت و ثروت خود می گذرند تا دیگران در آسایش و رفاه قرار بگیرند. در نهایت، گاهی هم هست که صرف نظر از مازاد وقت و ثروت، برخی از آبرو و جان خود مایه گذاشته و با شهید کردن شخص خود یا شخصیت خود امنیت و آسایش دیگران را تأمین می کنند.

در ادبیات دینی از صرف مازاد وقت و ثروت خود برای دیگران، اعم از خدا، دین، انسان و طبیعت به «معروف» یاد می شود، و در ادبیات علوم، اعم از اقتصاد، جامعه شناسی، روان شناسی اجتماعی، و غیره به «آلتوریسم یا نوع دوستی» و در ادبیات اقتصادی از این مسئله در اقتصاد اجتماعی، اقتصاد داوطلبانه، اقتصاد بخش سوم و مانند آن بحث می شود.

هر کار خیر مستحبی، به ویژه بخشش های مالی با قصد قربت الهی معروف است (1).

و کسانی که برای خداوند متعال مازاد وقت یا ثروت خود را در اختیار دیگران در تأمین رفاه و آسایش آنان قرار دهند کار خیر و معروف انجام داده اند. از دیدگاه توحیدی تمامی مخلوقات عالم خانواده خداوند متعال و روزی خوار او هستند و سودمندترین (ر.ک: کلینی، اصول کافی، ج 4، ص 485، ح 7) و محبوب ترین افراد بشر کسانی هستند که به خانواده خداوند

ص: 274

---

1- . نهاد وقف یکی از مشهورترین و بارزترین چهره های معروف در تمدن اسلامی است. واژه «معروف» در زبان عربی به معنای مشهور است و در اصطلاح شرعی دو معنا می تواند داشته باشد: الف. معنای اعم: اسمی است برای هر عمل با قصد قربت الهی اعم از واجب یا مستحب مثل نماز، زکات، نیکوکاری و بخشیدن مازاد ثروت و دیگر کارهای کریمانه و خوب؛ ب. معنای اخص: اسمی است برای هر عمل مستحبی قربی مربوط به حقوق اموال (ر.ک: مازندرانی، شرح الکافی، ج 1، ص 347).

متعال مهربان تر و در تأمین نیازمندی هایشان کوشا تر باشند (ر.ک: کلینی، کافی، ج 3، ص 507، ح 2167). در حدیثی جامع، کوشش برای رفع انواع نیازمندی های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و خانوادگی افراد بشر سبب گشایش در قیامت، شاد شدن رسول خدا، و در ضمانت خداوند متعال قرارگرفتن می شود (ر.ک: مجلسی، آداب معاشرت، ج 1، ص 195، ح 47). و چه چیز ارزشمندتر برای تکامل روح انسان و بالا- بردن آن، بیش از شادمانی پیامبر خدا و انسان کامل می تواند مؤثر باشد؟ انسان کاملی که جانشین و خلیفه مطلق و مستقیم خداوند متعال و مسئول و متولی خدمت رسانی به جمیع مخلوقات که عیال خدا هستند می باشد. فرشتگان و انسان های متقی و نیکوکاری که مظهر برخی از اسماء الهی مانند جود و بخشش و کمک رسانی هستند جانشینان و خلیفه محدود و غیرمستقیم خداوند و جانشینان جانشین او و تحت اشراف انسان کامل به خیرخواهی و سودمندی خود ادامه فعالیت می دهند و از این دیدگاه، همه مخلوقات روزی خوار سودمندترین موجود جهان ممکنات، یعنی، انسان کامل

می باشند «يُؤْتِيهِمُ الرِّزْقَ الْوَرَى وَبِوُجُودِهِ تَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ» (جوادی آملی، تسنیم، ج 3، ص 225).

بدین ترتیب، از دیدگاه مکاتب توحیدی پذیرش ولایت انسان کامل در تمامی امور معروف از جمله بخشش مازاد وقت و ثروت از جمله نکات کلیدی است که در تکامل معنوی انسان و ساخت نظام شخصیت افراد نقش کلیدی دارد. از آن جا که انسان کامل تمامی این امور را با قصد قربت خالص الهی و عقلانیت کامل عمل انجام می دهد این روشی می شود تا در ساخت فردی، گروهی، نهادی، سازمانی، اجتماعی و در ساخت جامعه مدنی و نظام اجتماعی به این روح توحیدی و عقلانیت عمل توجه کرد. از این روست که نهادهای خیرخواه در جوامع توحیدی از جمله نهاد وقف هر چند با انگیزه های دیگر خواهانه غیرالهی می توانند مجاز باشند اما انگیزه الهی و شدت دوستی خداوند متعال دیگر انگیزه ها را تحت الشعاع خود قرار می دهد.

نهاد وقف با چنین نگرشی در نظام اقتصادی صدر اسلام نوسازی شد و گسترش یافت و به چنان بالندگی بی نظیر در تمدن قدیم اسلامی دست یافت. از این رو، ضروری است تا با بررسی سیره وقفی

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) انگیزه ها، رفتارها، شیوه ها و موارد مصرف اوقاف صورت گرفته توسط این الگوی بشریت در طول تاریخ را موشکافی کرده تا درس ها و عبرت هایی برای اصلاح نهاد وقف اتخاذ گردد.

این نوشتار اکتشافی است از «انگیزه ها، رفتارها، شیوه ها و موارد مصرف اوقاف صورت گرفته توسط امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)». نوع پژوهش بنیادی نظری، روش تحقیق کیفی (فقهی، تفسیری، تاریخی و اقتصادی)، روش گردآوری داده ها کتابخانه ای، ابزارهای گردآوری داده ها اسنادی، و با روش تجزیه و تحلیل داده ها «تحلیلی-توصیفی» نشان می دهد که «امام الگوی ممتازی در وقف ارائه می کند».

### پیشینه

در زمینه موقوفات ائمه (علیهم السلام) و به ویژه امام علی (علیه السلام) آثار ذیل به نگارش درآمده است:

- وقف در سیره پیامبر و امامان شیعه، چنارانی، محمدعلی، مجله: وقف میراث جاویدان» پاییز و زمستان 1381، شماره 39 و 40 (6) صفحه، از 26-31).

- بررسی، شرح و توضیح متن کامل وقف نامه حضرت علی (علیه السلام)، نویسنده: خوشنودی، عفت، مجله:

وقف میراث جاویدان» پاییز و زمستان 1391، شماره 79 و 80 (34 صفحه، از 165-198).

- بررسی و توضیح جایگاه موقوفات امام علی (علیه السلام)، خوشنودی، عفت؛ منتظر القائم، اصغر، مجله: شیعه شناسی» زمستان 1393، شماره 48 علمی - پژوهشی/22 (ISC صفحه، از 227-248).

### وقف و امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

امام علی (علیه السلام) آن پیرو تمام عیار پیامبر گرامی اسلام در تمامی عرصه های زندگی، بخش

ص: 276

زیادی از اموال خود را وقف کرد. با وجود این که، حضرت علی (علیه السلام) از لحاظ مصرف به شدت زاهدانه رفتار می کرد اما با تلاش تولیدی مبارک خود که در دوران خانه نشینی خود و با کار کشاورزی ثروتی ایجاد کرده بود که درآمد سالانه اش چهل هزار دینار طلا برآورد می شد (1).

بدیهی است که ایشان انگیزه خالص الهی از این کار خیرخواهانه، یعنی، وقف داشت؛ چنان که در یکی از وقف نامه هایش آمده است «ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَالدَّارِ الْآخِرَةِ» (کلینی، کافی، ج 13، ص 451، ح 13276).

ایشان دو نوع وقف را در زندگی خود انجام دادند که در این قسمت بدان می پردازیم. این دو نوع عبارتند از: 1- وقف عبادی؛ 2- وقف اجتماعی.

منظور از وقف عبادی وقف مسجد و اماکن مشابه، و مراد از وقف اجتماعی نیز وقف مال جهت رفع نیازهای دیگران، اعم از خانواده و دیگر نیازمندان است. از آن جا که ایشان تمامی کارهایشان را با اخلاص کامل و با نیت قرب الهی انجام می دادند از این رو، قصد قربت به عنوان شرط کمال در اوقافشان تجلی تام دارد و بدین ترتیب، وقف عبادی و وقف اجتماعی ایشان هر دو عبادت خالص پروردگار عالم می باشند. بنابراین، کسانی که ایشان را الگوی خیرخواهی خویش قرار می دهند طبیعی است که می بایست قصد قربت داشته باشند.

### علی (علیه السلام) و وقف عبادی

ایشان علاوه بر شرکت در ساخت مسجد النبی و مسجد قبا، مطابق نقل ابن شهر

ص: 277

1- قال فی (المناقب) عن تاریخ البلاذری وفضایل أنه كانت غلة علیّ أربعین ألف دینار فجعّلها صدقة وأنه باع سدقة و قال لو كان عندی عشاء ما بعته. روی السید ابن طاووس فی (کشف المحجّه) أنّ علیاً (علیه السلام) قال: تزوّجت فاطمة (علیها السلام) وما كان لی فراش و صدقتی الیوم لو قسمت علی بنی هاشم لوسد عنهم و قال فیہ إنه (علیه السلام) وقف أمواله و كانت غلته أربعین ألف دینار. هر دینار یک مثقال شرعی و سه چهارم مثقال صیرفی است و معادل 4.265 گرم است. اگر هر گرم طلا 400 هزار تومان باشد هر دینار 1706000 تومان می شود. از این رو، 4000 دینار معادل می شود با 6824000000 تومان که تقریباً می شود: 68 میلیارد تومان (جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، ج 3، ص 686).

آشوب، در مدینه مسجد فتح را ساخت و در مقابل قبر حمزه و میقات و کوفه مساجدی بنا کرد و هم چنین جامع بصره و عبّادان را ساخت و کارهای خیریه دیگری انجام داد (ابن شهر آشوب مازندرانی، شرح الکافی، ج 2، ص 123).

### علی (علیه السلام) و وقف اجتماعی

مظهر خیرخواهی و تنوع خدمت‌گزاری پس از رسول خدا، امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود. درباره اش گفته شد «هرگاه از جهاد فراغت می یافت، به تعلیم مردم و قضاوت در میان آن‌ها می پرداخت و پس از فراغت از این‌ها در بوستانی که داشت به کار اشتغال می ورزید و با این وجود، در همه این حالات یادآور خداوند جلّ جلاله بود» (الحلی، عده الداعی و نجاح الساعی، ص 101). ایشان در سیره و سلوک

اقتصادی خود بزرگ‌ترین مولّد اقتصادی عصر خود محسوب می شد و با کارهای تولیدی خود، هم بر ثروت جامعه می افزود و هم بستر زیادی برای شغل‌های مفید و مولّد برای دیگران فراهم می نمود و هم دیگران را از این‌ها خوان گسترده از طریق نهاد وقف، مجّانی بهره مند می کرد. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) گوشه‌ای از خیررسانی ایشان نقل شده است «آزاد کردن هزار برده، وقف صد هزار درخت خرما، وقف املاکی در خیبر، وادی القری و مزرعه‌های ابی‌نیزر، بغیغه، رباح، ارینه، رَغَد و رزین برای مؤمنین، احداث صد حلقه چاه در زمین یثرب و وقف آن برای حجاج بیت‌الله الحرام، حفر چندین حلقه چاه در راه مکه، کوفه و...» (ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب (علیه السلام)، ج 2، ص 122).

### رکان اوقاف امیر مؤمنان علی (علیه السلام)

#### اشاره

رسول خدا هرچند آغازگر و تشریح‌کننده وقف بود ولی برای مسائل سیاسی اموال خصوصی غیرمنقولش تحت اختیار حکومت وقت قرار گرفت و اگر هم اسنادی از وقف‌نامه‌هایش موجود بود مورد اعتنا قرار نگرفت و فقط در دوران خلیفه دوم بود که باغ‌های هفت‌گانه در اختیار علی (علیه السلام) قرار گرفت. از این رو، به غیر از جمله جاودانه ایشان در مورد

وقف خلیفه دوم، که «أحبس أصلها و سبّل ثمرها»<sup>(1)</sup> عبارت دقیقی از ماهیت وقف نداریم. اما پس از ایشان، به ویژه از خلیفه دوم و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، مورخین نسخه‌هایی از وقف نامه‌های بسیار دقیق و مستند به ثبت رساندند که منشأ ثبت تمامی اسناد وقفی در جهان اسلام شد (ر.ک الحجیلی، الاوقاف النبویه و اوقاف الخلفاء الراشدين، ص 103).

در این قسمت، ابتدا به نصوص صحیح وقف نامه‌های امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) اشاره می‌شود، سپس به تبیین ارکان اوقاف حضرت می‌پردازیم. این سه روایت صحیح، به ترتیب، عبارتند از:

1- امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید «تَصَدَّقْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) بِبَدَارِهِ الَّتِي فِي الْمَدِينَةِ فِي بَنِي زُرَيْقٍ» (مجلسی اول، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج 11، ص 171). این خانه در محله بنی زریق مدینه وقف خانه‌های حضرت و وارثان آنان شد و در صورت انقراض نسلشان به مسلمانان نیازمند می‌رسید.

2- امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «قَسَمَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و اله) الْفَيْءَ فَأَصَابَ عَلِيًّا أَرْضٌ فَاحْتَقَرَ فِيهَا عَيْنًا فَخَرَجَ مِنْهَا مَاءٌ يَنْبُعُ فِي السَّمَاءِ كَهَيْئَةِ عُنُقِ الْبَعِيرِ فَسَمَّاهَا عَيْنَ يَنْبُعِ فَجَاءَ الْبَشِيرُ لِيَبْشُرَهُ فَقَالَ بَشِّرِ الْوَارِثَ هِيَ صَدَقَةٌ بَتًّا بَتْلًا فِي حَجِيجِ بَيْتِ اللَّهِ وَعَابِرِ سَبِيلِهِ لَا تُبَاعُ وَلَا تُوهَبُ وَلَا تُورَثُ...» (همان، ص 172). زمین مواتی به عنوان فیه و از مسیر مالکیت دولتی و خصوصی سازی توسط رسول خدا به امیرالمؤمنین (علیه السلام) واگذار شد. ایشان چاهی در آن حفر کرده و آن را وقف حجاج خانه خدا [در مسیر حجاج مصری] وره گذران نیازمند کرد.

3- در صحیح‌ه عبد الرحمن بن الحجاج آمده است «امام کاظم (علیه السلام) وصیت نامه امیرالمؤمنین (علیه السلام) را برایم ارسال فرمود» (همان). این وصیت نامه شامل وقف تقریباً تمامی اموال ایشان و آزادسازی برخی از بردگان می‌باشد.

## رکن اول انعقاد وقف

اصل انعقاد اوقاف اموال متعدد و گوناگون حضرت علی (علیه السلام) معلوم است. وقف نامه‌ها با

ص: 279

---

1- . فی روایه النسائی قال: (أحبس أصلها و سبّل ثمرها).

«بسم الله الرحمن الرحيم» شروع شده و صیغه وقف هم چون با انگیزه خالص الهی منعقد شده با لفظ صدقه آمده که نشان گر قریبی بودن وقف است (1). بدین ترتیب، صیغه وقف با لفظ بیان شده که هر چند به تنهایی ظهور در وقف ندارد اما با قرآنی مانند «لاتباع ولا توهب ولا تورث» یا «هَذِهِ صَدَقَةٌ وَاجِبَةٌ بَتْلَهُ» (2) که در این وقف نامه های مکتوب اضافه شده این ظهور اثبات می شود. تاریخ وقف نامه خانه در محله بنی زریق معلوم نیست، ولی تاریخ وصیت نامه ای که در آن آزادسازی بردگان و اوقاف حضرت مطرح شده دهم جمادی الاولی سال سی و هفت هجری قمری می باشد (3).

مکان نوشتن هم کوفه بود در جایی به نام مسکن (4). از برخی روایات مربوط به فوران کردن چشمه های بغیغه و ابونیزر هم فهمیده می شود که وقفشان در همان زمان، یعنی، هنگام خانه نشین شدن حضرت اتفاق افتاد (5).

## رکن دوم واقف

ایشان در وقف نامه خانه در محله بنی زریق واقف را معرفی می کند «هَذَا مَا تَصَدَّقَ بِهِ عَلَيَّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ وَهُوَ حَيٌّ سَوِيٌّ» و در وصیت نامه (صحیحہ عبدالرحمن بن الحجاج) هم ذکر می کند «هَذَا مَا أُوصِي بِهِ وَقَضَى بِهِ فِي مَالِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيٌّ»؛ بدین ترتیب، واقف را بنده خدا علی بن ابی طالب معرفی می کند که در حالت صحت و سلامت و با قصد و اختیار این کارهای خیر را انجام می دهد.

ص: 280

1- . هَذِهِ صَدَقَةٌ وَاجِبَةٌ بَتْلَهُ (روایت سوم)؛ تَصَدَّقَ بِدَارِهِ الَّتِي فِي بَنِي زُرَيْقٍ صَدَقَةً لَا تُبَاعُ وَلَا تُوهَبُ وَلَا تُورَثُ حَتَّى يَرْتَهَا اللَّهُ الَّذِي يَرِثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (روایت اول).

2- . قال في القاموس: صدقه بتله منقطعه عن صاحبها.

3- . برخی سال سی و نه گفتند.

4- . هَذَا مَا قَضَى بِهِ عَلَيَّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ فِي أَمْوَالِهِ هَذِهِ، الْغَدَ مِنْ يَوْمٍ قَدِمَ مَسْكِنَ.

5- . امیر المؤمنین (علیه السلام) بعضی از املاک خود را در مدینه در اوائل وقف نمودند مانند «بغیغه» و «عین ابی نذر» که در همان سالی که چشمه ها را حفر نمود وقف نامه ها را نوشته است و بعضی را در «مسکن» در سال 37 یا 39 نوشته اند که اواخر عمر آن حضرت بود (احمدی میانجی، مالکیت خصوصی در اسلام، ص 208).

حضرت علی (علیه السلام) از یک سو، به عنوان مفسر شریعت و از سوی دیگر، به عنوان واقفی که «کالشارع فی امر وقف امواله» می باشد برای خودشان اختیاراتی را در امور اوقافشان قائلند.

ایشان تا وقتی که خودشان در قید حیات بودند، خودشان متولی اداره آن بودند و پس از آن، متولی این موقوفه ها را امام حسن (علیه السلام) (1) و پس از ایشان امام حسین (علیه السلام) (2) که فرزندان حضرت زهرا (علیها السلام) می باشند معرفی می کنند (3).

جالب این است که چون این دو بزرگوار خودشان مانند پدر بزرگوارشان مفسر دین و عالم به احکام شریعت هستند و از فرزندان زهرا اطهر، از این رو، بر آن ها شرط رعایت حقیقت وقف از سوی واقف موصی، یعنی، امیرالمؤمنین، به آن ها نمی شود. اما به دومین نفر از این دو سفارش می شود که به متولیان بعدی که امام و معصوم نیستند شرط کند که حقیقت وقف را رعایت کنند (4).

در صحیحہ عبدالرحمان بن الحجّاج، امام علی (علیه السلام) به عنوان واقف، در سه مورد به متولی اجازه می دهد بخشی از موقوفه یا درآمد موقوفه را بفروشد و تبدیل به احسن کند یک - قضای دین (5)؛ دو - هر گونه مصلحت سنجی درست (6)؛ سه - مصلحت در فروش خانه و توزیع سه ثلث درآمد بین خانواده های معین (7). مصرف اوقاف توسط ایشان کامل مشخص

ص: 281

- 1- . فَإِنَّهُ يَقُومُ عَلَى ذَلِكَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ يَأْكُلُ مِنْهُ بِالْمَعْرُوفِ وَيُنْفِقُهُ حَيْثُ يَرَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي حِلٍّ مُحَلَّلٍ لَا حَرَجَ عَلَيْهِ فِيهِ.
- 2- . وَإِنْ حَدَّثَ بِحَسَنِ حَدَّثْتُ وَحُسَيْنٍ حَتَّىٰ فَإِنَّهُ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَإِنْ حُسَيْنًا يَفْعَلُ فِيهِ مِثْلَ الَّذِي أَمَرْتُ بِهِ حَسَدًا نَأْلُهُ مِثْلَ الَّذِي كَتَبْتُ لِلْحَسَنِ وَ عَلَيْهِ مِثْلَ الَّذِي عَلَى الْحَسَنِ
- 3- . وَإِنِّي إِنَّمَا جَعَلْتُ الَّذِي جَعَلْتُ لِابْنِي فَاطِمَةَ ابْتِغَاءً وَجْهِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَتَكْرِيمَ حُرْمَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَعْظِيمَهُمَا وَتَشْرِيفَهُمَا وَرِضَاهُمَا
- 4- . وَإِنَّهُ يَشْتَرِطُ عَلَى الَّذِي يَجْعَلُهُ إِلَيْهِ أَنْ يَتْرَكَ الْمَالَ عَلَى أُصُولِهِ وَيُنْفِقَ ثَمَرَهُ حَيْثُ أَمَرْتُهُ بِهِ مِنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَوَجْهِهِ وَذَوِي الرَّحِمِ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَبَنِي الْمُطَّلِبِ وَ الْقَرِيبِ وَ الْبَعِيدِ لَا يُبَاعُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَا يُوهَبُ وَلَا يُورَثُ.
- 5- . فَإِنْ أَرَادَ أَنْ يَبِيعَ نَصِيْبًا مِنَ الْمَالِ فَيَقْضِي بِهِ الدَّيْنَ فَلْيَفْعَلْ إِنْ شَاءَ وَلَا حَرَجَ عَلَيْهِ فِيهِ. جالب تر این است که امام حسین (علیه السلام) زمانی لازم بود این مال را برای ادای دین به معاویه بفروشد اما با وجود مجاز بودن بنا بر احتیاط در رعایت انگیزه الهی پدرش آن را نفروخت.
- 6- . وَإِنْ شَاءَ جَعَلَهُ سَرِيًّا الْمَلِكِ.
- 7- . وَإِنْ كَانَتْ دَارُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ غَيْرَ دَارِ الصَّدَقَةِ فَبَدَا لَهُ أَنْ يَبِيعَهَا فَلْيَبِيعْ إِنْ شَاءَ لَا حَرَجَ عَلَيْهِ فِيهِ.



شد که در مبحث موقوف علیهم مطرح می شود. امنیت اقتصادی این موقوفات نباید توسط خویشاوندان یا غریبه های دولتی یا خصوصی مخدوش شود(1).

5 - ایشان در وقف نامه این حق را برای متولی قرار داد که به اندازه متعارف از درآمد موقوفه برای مدیریتش برداشت کند(2).

6 - برای رسمی شدن سند وقف نامه ای که به خط خودشان نوشته شده چهار نفر از یارانش به عنوان شاهد در نظر گرفته شدند(3).

## رکن سوم مال یا ثروت موقوفه

### اشاره

احادیث نشان می دهند که اموال وقفی امیرالمؤمنین (علیه السلام) حداقل عبارتند از:

### الف) موقوفات یَنبُع

### اشاره

#### یَنبُع(4)

از یک سو، بزرگ ترین درّه در حجاز شمالی(5)، و از سوی دیگر، شهرستانی است در حجاز و عربستان سعودی که امروزه شامل سه شهر یا منطقه اصلی است «ینبع النخل» [شهر کشاورزی]، «ینبع البحر» [شهر ساحلی]، و «ینبع الصناعیه» [شهر صنعتی]. کتب قدیمی و تاریخی که از ینبع نام می برند منظورشان همین «ینبع النخل» است (ر.ک شراب، فرهنگ اعلام جغرافیایی، ص 77) که 50 کیلومتر با «ینبع البحر» و 150 کیلومتر با

ص: 282

1- صحیحہ سوم: وَلَا يَحِلُّ لِأَمْرٍ مَسْلُومٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يَقُولَ فِي شَيْءٍ قَضَيْتُهُ مِنْ مَالِي وَلَا يُخَالِفَ فِيهِ أَمْرٍ مِنْ قَرِيبٍ أَوْ بَعِيدٍ؛ صحیحہ دوم: فَمَنْ بَاعَهَا أَوْ وَهَبَهَا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا.

2- يَا أَكُلُ مِنْهُ بِالْمَعْرُوفِ وَيُنْفِقُهُ حَيْثُ يَرَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي حِلٍّ مُحَلَّلٍ لَا حَرَجَ عَلَيْهِ فِيهِ.

3- شَهَدَ أَبُو شَمْرٍ بَنُ أَبِرْهَةَ وَصَعَصَعَهُ بَنُ صُوحَانَ وَ يَزِيدُ بَنُ قَيْسٍ وَ هَيَّاجُ بَنُ أَبِي هَيَّاجٍ وَ كَتَبَ عَلِيُّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ بِيَدِهِ.

4- . بالفتح ثم السكون، و الباء الموحده مضمومه، وعين مهمله، بلفظ ينبع الماء، هنگامی که کوه رضوی را در غرب مدینه به سمت دریا پایین رفتی حدود 33 کیلومتر بعد به ینبع می رسی. ینبع لبنی حسن بن علی و کان یسکنها الأنصار و جهینه ولیث، و فیها عیون عذب غزیره... ینبع حصن به نخیل و ماء و زرع و بها و قوف لعلی بن ابی طالب، رضی اللہ عنہ، یتولاها ولده (حموی بغدادی، معجم البلدان، ج 5، ص 450).

5- the delta of Wadi Yenbo, the largest valley of Northern Hejaz(T.E. Lawrence, Seven Pillars of Wisdom, .

(Gutenberg of Australia eBook 0100111h.html, 1921, p. 257

مدینه منوره فاصله دارد(1).

مطابق نقل افراد محلی، موقوفات امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جنوب «ینبع النخل» قرار دارد(2).

و جاسر می گوید هنوز هم این نام بر زمین وسیع و خالی از سکنه ای که در آنجا است، اطلاق می شود (همان، ص 77). بر طبق اسناد تاریخی، این اموال عبارتند از:

### بغیغات

امام علی (علیه السلام) در ینبع بُغیغات را به وجود آورد و آن چهار چشمه و به تبع آن، چهار مزرعه و باغ است:

اول بغیغه [ب غ ب غ] گویی کوچک نمای بغیغه باشد، که گونه ای آهنگ پرنده است. نام چاهی کم گودال است. ابن اعرابی گوید «بغیغ» آبی با گودی یک قامت یا مانند آن است (حموی بغدادی، معجم البلدان، ج 1، ص 469). ابن شبه قائل است که این اولین کاری است که از علی (علیه السلام) در ینبع ایجاد شده و بلافاصله هم آن را وقف کردند (ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج 1، ص 220).

دوم، سوم و چهارم خَیف(3).

الاراک، خیف لیلی و خیف بسطاس که در آنجا نخلستان و چشمه سارهایی است (ر.ک: همان، ج 1، ص 222).

### عین ابو نیزر

سه دیدگاه درباره ابو نیزر هست:

یک - دیدگاه ابن حَجَر، او فرزند نجاشی پادشاه حبشه بود که به حجاز آمد و اسلام آورد، و همراه پیامبر بود و ایشان مخارجش را می پرداخت. سپس با فاطمه (علیها السلام) و آن گاه با فرزندان ایشان بود. او حفاظت دو مزرعه علی (علیه السلام) در ینبع با نام های بغیغه و عین ابی نیزر را بر عهده داشت (ر.ک احمدی میانجی، مکاتیب الأئمه (علیهم السلام)، ج 2، ص 350).

دو - دیدگاه حلبی در سیره نبوی، علی (علیه السلام) او را در حالی که کودک و برده تاجری در مکه

ص: 283

1 - <http://www.yynbb.com/vb/archive/index.php/t-280.html>

2 - <http://www.yanbufuture.com/vb/t17017.html>

3 - خیف: جای فروتر از بلندی کوه و بلندتر از مسیل آب، هر نشیب (المنجد).

بود خرید و به جهت خوبی پدرش نسبت به مهاجرین مسلمان به حبشه، او را آزاد کرد. البته، او از موالی و دوست داران ایشان شد و گفته شده که حبشی ها وقتی از او اطلاعی به دست آوردند هیئتی برای پادشاه کردش فرستادند، ولی او امتناع کرد و گفت «بعد از نعمت اسلام دنبال پادشاهی نیستم». او یکی از بلندقامت ترین و زیباترین افراد بود (همان، ص 351).

سه - دیدگاه سید محسن امین جمع بین دو دیدگاه سابق آن است که علی (علیه السلام) ابونیزر را از تاجر مکی خرید و آزادش ساخت، سپس او را نزد پیامبر گرامی آورد و او مسلمان شد و نزد ایشان تا هنگام رحلتشان ماند، آن گاه به خانه علی (علیه السلام) منتقل شد و در خدمت فاطمه و فرزندان او بود، و پس از آن، مراقب بغیغه و عین ابونیزر گردید (ر.ک: امین، اعیان الشیعه، ج 1، ص 435).

ابونیزر ماجرای حفر این چشمه را چنین گزارش داده است «زمانی که من متصدی دو کشتزار عین ابی نیزر و بغیغه بودم، روزی امیر مومنان (علیه السلام) نزد من آمد... کلنگ را برداشت و به درون چاه رفت و شروع به کندن کرد؛ ولی آبی نمی جوشید. امام [در حالی که عرق از سر و رویش جاری بود برای رفع خستگی] از چاه بیرون آمد، عرق از پیشانی پاک کرد، کلنگ را برداشت و دوباره وارد چاه شد.

چنان ضربه های محکمی بر چاه می کوبید که صدای «هُمَا هِم» او به گوش می رسید. ناگهان آب مانند گردن شتر فوران کرد. [امام] به سرعت از چاه بیرون آمد و فرمود خداوند را شاهد می گیرم که این آب وقف است... مگر این که حسن و حسین بدان محتاج شوند که در این صورت، فقط برای این دو آزاد است» (ر.ک: السمهودی، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، ج 4، ص 120). در همین رابطه، ابن هشام می نویسد «حسین مدیون شد و معاویه در قبال مزرعه ابونیزر حاضر به پرداخت دوست هزار دینار شد ولی او از فروشش امتناع کرد» (همان).

## اموال دیگری

اموال دیگری که در اسناد تاریخی ذکر شده است:

از آنجا که در صحیحہ عبدالرحمن بن الحجاج آمده که «أَنَّ مَا كَانَ لِي مِنْ مَالٍ يَبْتِغِعُ يَعْرِفُ

لی فیها وما حَوْلَهَا صَدَقَهُ وَرَقِيقُهَا»، لازم است حداقل نام برخی از اموال ایشان را در این منطقه ذکر کنیم، این اموال عبارتند از عین البَحیر؛ عین نولا؛ عین الحدَث؛ وعین العصبیه (ر.ک: ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج 1، ص 221 و 223).

## ب) موقوفات وادی القرى

وادی القرى منطقه ای است میان مدینه و تبوک که چون قریه های زیادی داشته، بدین نام خوانده شده است. در صدر اسلام از بزرگ ترین شهرهای حجاز پس از مکه، مدینه و یمامه بوده و دارای نخلستان نیز بوده است (ابن حوقل، صوره الارض، ج 1، ص 31). بزرگ ترین شهر فعلی آن، شهر «الْعُلا» است که در 350 کیلومتری شمال مدینه قرار دارد. امروزه به نام «وادی الْعُلا» معروف است (ر.ک: شراب، فرهنگ اعلام جغرافیایی، ص 317). پس از خیبر و فدک، در سال هفتم هجری با جنگ از تصرف یهودیان خارج شد و خمس آن در اختیار پیامبر گرامی اسلام قرار گرفت (ر.ک: قدامه بن جعفر، الخراج و صناعه الکتابه، ص 261). احتمالاً زمین هایی در اختیار اهل بیت عصمت و طهارت قرار گرفته باشد.

در صحیح آمده «مَا كَانَ لِي بِوَادِي الْقُرَى كُلُّهُ مِنْ مَالٍ - لِيَنِي فَاطِمَةَ وَرَقِيقُهَا صَدَقَهُ»؛ سه معنا محتمل است:

یک - مالکیت این اموال برای فرزندان فاطمه بوده ولی از آن جا که حضرت اختیار اموال را داشته فقط بردگانش را وقف کرد [ما کان لی بوادی القرى كُلُّهُ مِنْ مَالٍ - لِيَنِي فَاطِمَةَ (جمله خبریه) وَرَقِيقُهَا صَدَقَهُ (جمله انشائیة)] (1).

دو - مالکیت این اموال برای حضرت بود و تمام اموال و بردگان را وقف فرزندان فاطمه به عنوان موقوف علیهم کرد [ما کان لی بوادی القرى... وَرَقِيقُهَا صَدَقَهُ (تنها جمله انشائیة)] (2).

و جمله اسمیه معترضه و خبریه «كُلُّهُ مِنْ مَالٍ - لِيَنِي فَاطِمَةَ» حال است.

سه - مالکیت این اموال برای حضرت بود ولی آن را از طریق هبه یا وقف برای فرزندان

ص: 285

1- . نسخه تهذیب الاحکام: مَا كَانَ لِي بِوَادِي الْقُرَى كُلُّهُ مَالٌ بَنِي فَاطِمَةَ وَرَقِيقُهَا صَدَقَهُ (طوسی، تهذیب الأحکام، ج 9، ص 146).

2- . در سیاق «وَمَا كَانَ لِي بِدَعَةِ وَ أَهْلِهَا صَدَقَهُ» (طوسی، تهذیب الأحکام، ج 9، ص 146).

فاطمه قرار داد و بردگان را هم وقف کرد [ما کان لی بوادی القرى کُلُّهُ مِنْ مَّالٍ - لِبْنِي فَاطِمَةَ (یک جمله انشائیه) وَرَقِيقُهَا صَدَقَهُ (جمله انشائیه دوم)].

البته، در روایت ابن شبه آمده «ثلثه مال ابني»<sup>(1)</sup>

(ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج 1، ص 226)، یعنی، «یک سوم آن اموال متعلق به دو پسر می باشند».

مطابق نقل ابن شبه، موقوفات امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در وادی القرى «عین ناقه» یا «عین حسن» و عین زمین مواتی بودند. این املاک موقوفه مدتی توسط برخی از اهالی غصب شد ولی حمزه بن حسن بن عبیدالله بن العباس بن علی توانست آن ها را به حالت وقفی برگرداند (همان، ج 1، ص 223).

### ج) موقوفات دیمه

#### اشاره

نام این مکان در روایات با اختلاف ذکر شده است. صحیحه عبدالرحمن بن الحجاج موقوفات بعدی امیرالمؤمنین را اموال و بردگان منطقه دیمه ذکر می کند «مَا كَانَ لِي بِدَيْمِهِ وَأَهْلِهَا صَدَقَةٌ». نسخه تهذیب الاحکام «دعه» دارد «وَمَا كَانَ لِي بِدَعِهِ وَأَهْلِهَا صَدَقَةٌ» (طوسی، تهذیب الأحکام، ج 9، ص 146). نسخه مشابه این حدیث که ابن شبه نقل کرده وادی ترعه است<sup>(2)</sup>

(ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج 1، ص 226).

از آن جا که این نام ها به جز ترعه تفسیر روشنی ندارند، صاحب کتاب مکاتیب الائمه درباره این مکان ها به تفسیر سمهودی به نقل از ابن شبه اعتماد کرده و در نهایت می نویسد «وَالظَّاهِرُ أَنَّ الصَّحِيحَ هُوَ

ترعه» (احمدی میانجی، مکاتیب الائمه (علیهم السلام)، ج 2، ص 363).

### اما ترعه کجاست؟

مطابق اطلاعات امروز کشور عربستان سعودی، ترعه روستایی است در شهرستان عیص، در شمال غربی استان مدینه. عیص در فاصله 250 کیلومتری مدینه منوره قرار دارد (ر.ک: ویکی پدیا عربی، ذیل واژه العیص). مطابق همین اطلاعات، ترعه نام وادی

ص: 286

1- . مَا كَانَ بِوَادِي الْقُرَى، ثُلُثُهُ مَالُ ابْنِي قَطِيعَةَ، وَرَقِيقُهَا صَدَقَةٌ [قطيعه: أى إقطاع وهبه. على سبيل الوقف أو غيره].

2- . ما كان لي (بواد) ترعه و أهلها صدقه.

[خشک رود] و کوهی است که در این شهرستان قرار دارد. این روستا در نقشه زمین گوگل نیز مشاهده می شود که در شرقش شهرک شَجَوی، و در غربش شهرک القراضه هست که این شهرک به عیص نزدیک است(1).

این اطلاعات با داده های سمهودی و ابن شبه سازگار است. سمهودی می نویسد «ترعه واد یلقى اِضَمَّ من القبله» (السمهودی، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، ج 4، ص 38). اِضَمَّ (2) مهم ترین وادی میان مدینه و دریا است. اِضَمَّ خشک رود یا وادی است که مدینه در آن واقع است. این وادی را در نزدیک مدینه قنات(3) گویند و در نزد سَدِّ، شَدَّات(4) و در پایین تا برسد به دریا اضم نامیده می شود. در سمت شمال غربی در رود بَطْحان و عقیق، در زَغابه می ریزند و زَغابه را بعد از آن اِضَمَّ نامند (احمد العلی، حجاز در صدر اسلام، ص 86).

البته، مکانی به نام دیمه نداریم، ولی دو مکان به نام «دیسه» در دو استان تبوک و مدینه

ص: 287

1- . تقع محافظة العی -ص فی شمال غرب الجزیره العربیه و تحدیداً شمال غرب المدینه المنوره علی بعد 250 کیلو متراً عن طریق تجاره قریش المتجهه إلى الشام - قديماً - والمسمى بطریق مأرب بتراء، ويحدها من الغرب مدینه أملج [أم لَج] علی بعد 100 کیلومتر، ومن الشمال مدینه العلاء علی بعد 190 کیلو متراً، ومن الجنوب الغربی مدینه ينبع علی بعد 180 کیلو متراً ومن الشرق مدینه خیبر 100 کم و تتميز بموقعها الجغرافی من حیث كونها تقع عند ملتقى مجموعه من الطرق القديمه والحديثه (ویکی پدیا).

2- . اِضَمَّ: محل اجتماع سیل های وادی های بطحان و قنات و عقیق [خشک رودها و وادی های شهرستان مدینه منوره] است که سیل واحدی به وجود می آورد و در میان دو بندر وجه و املج (أم لَج) به دریای سرخ می ریزد (ر.ک: شراب، فرهنگ اعلام جغرافیایی، ص 48).

3- . از وادی های مدینه است که از میان مدینه و احد می گذرد. از به هم پیوستن این وادی با وادی های بطحان و عقیق مدینه، وادی اضم به وجود می آید. این سه وادی شهر مدینه را از هر طرف در میان گرفته اند. وادی اضم در جنوب شهر الوجه به دریای احمر می ریزد (شراب، فرهنگ اعلام جغرافیایی، ص 321).

4- . شظاه: وادی قنات (در مدینه) بعد از سَدِّ عاقول تا روبه روی کوه اُحْد را شظاه گویند و از آنجا تا محلّ تلاقی قنات با عقیق و بطحان به نام قنات موسوم است و پس از آن را اضم می گویند. این ها نام هایی قدیمی است، اما امروزه بالای وادی قنات را وادی عاقول می گویند و بخش نزدیک به آرامگاه حضرت حمزه به نام ایشان خوانده می شود و محلّ اجتماع و تلاقی وادی های مدینه را «الخلیل» می نامند و از سد تا دریا را وادی حمض می گویند (شراب، فرهنگ اعلام جغرافیایی، ص 209).

وجود دارند. از آنجا که «دیمه» با «دیسه» در نوشتارهای عربی ممکن است مشتبه شود، از این رو، محققان حجازی جغرافیای اسلام می‌توانند در این موضوع تحقیق کنند. تحقیق ابتدایی نگارنده این است که دیسه تبوک زیباترین و خوش آب و هواترین روستای گردشگری استان تبوک است، ولی فاصله اش تا مدینه منوره بسیار زیاد است(1).

و با داده های سمهودی سازگار نیست؛ ولی دیسه عیص نام دشتی است در شهرستان عیص (ر.ک: ویکی پدیا عربی، ذیل واژه العیص یا محافظه العیص [فرمانداری عیص]).

## (د) موقوفات اذینه

موقوفات بعدی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که در صحیحہ عبدالرحمن بن الحجاج نام برده شده اذینہ است «مَا كَانَ لِي بِأَذِينِهِ وَ أَهْلِهَا صَدَقَةً». مطابق نقل حموی بغدادی، اذینہ نام وادی یا خشک رودی از وادی های قَبَلِيَّة از ناحیه فُرْع در مسیر بین مدینه منوره و ینبع است که سیلابش به ینبع غور، و به خشک رودهای مدینه قَبَلِيَّة نامیده می شود (ر.ک: احمدی میانجی، مکاتیب الأئمه (علیه السلام)، ج 2، ص 326). نام دیگر این وادی «تَيْد» است و مطابق نقل زمخشری از سیدعلی علوی نخلستان های وقفی رسول الله (صلی الله علیه و اله) در آنجا قرار دارد (حموی بغدادی، معجم البلدان، ج 2، ص 65).

امروزه اثری از نام اذینه در جغرافیای عربستان سعودی نیست ولی شهرستان فُرْع (بلدیه وادی الفُرْع) در حدود 120 کیلومتری جنوب مدینه منوره با روستای تاریخی معروفی چون الفقیر [140 کیلومتری مدینه منوره] که از موقوفات امیرالمؤمنین (علیه السلام) ممکن است باشد به عنوان بزرگ ترین روستای فُرْع وجود دارد(2). خشک رود یا وادی الفُرْع نیز هنوز در نقشه گوگل

ص: 288

1- <http://www.startimes.com/?t=28882286>.

2- قال الدكتور إبراهيم بن عبد الله آل عبد الرزاق رئيس المجلس البلدي ورئيس بلدية وادي الفرع: منطقة وادي الفرع هي جزء من منطقة المدينة المنورة ووادي الفرع يقع جنوب المدينة المنورة على طريق جده مكة المدينة السريع طريق الهجره والفرع منطقه متراميه الأطراف ومساحتها حوالي 74 ألف كيلومتر مربع وهي منطقته جبلية وبها امتدادات كثيرة من جبال السروات كما تحتوي على أودية عميقة جارفة وتتأثر كثيرا أثناء هطول الأمطار وانجراف السيول. وادي الفرع يعتبر هو عاصمه القرى المجاوره له وأكثر من 40 قرية وهجره تتبع وادي الفرع منها خمس قرى تعتبر هي أكبر القرى والمركز الإداري لوادي الفرع هو (الفقير) ثم بعد ذلك اليتمه والأكحل وأبو ضباع وأم العيال والمضيق والريان واليسيره هذه تقريبا أكبر تجمعات المنطقه. العدد الإجمالي لا يزيد عن 45 الف نسمة ولا ينقص عن 40 الف نسمة. وادي الفرع يتميز بكثره العيون الجاربه فيه وهذه العيون لها تاريخ طويل يصل لأكثر من 500 سنه وهي ما زالت تصب الماء العذب من تحت الجبال ومنها عين تقع بقرية أم العيال وممكن استثمار هذه العيون من قبل القائمين على السياحه وحسب علمي أن هناك خطه سياحيه شامله على مستوى المملكه بما فيها منطقته وادي الفرع للاستفاده من كل المعالم من عيون وخلافه (<http://www.albdarain.com/showthread.php?t=4406>).

از جنوب این شهر به سمت مدینه منوره ترسیم شده است. مطابق گزارش معجم البلدان، «الْفُرْع» قریه ای است از نواحی مدینه در سمت چپ سقیا(1)

که تا مدینه هشت برید[مرحله سفر] راه است و در مسیر مکه [مسیر قدیم مکه به مدینه] قرار دارد، و برخی نیز گفتند که چهار شب تا مدینه فاصله دارد (ر.ک: حموی بغدادی، معجم البلدان، ج 4، ص 252).

## ه- موقوفات فقیران

موقوفات بعدی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که در صحیحہ عبدالرحمن بن الحجاج نام برده شده فقیران می باشد «وَالْفُقَيْرِينَ كَمَا قَدْ عَلِمْتُمْ صَدَقَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». هر چند در نسخه های متعدد این حدیث نام های عمدتاً تصحیف شده(2) و نیست بلکه مانند «العفرتین»، «الفقرین»، «الغفرتین»، «القفیرتین»، «العفرس»، «الفقرتین»، و «الفقیرتین» وجود دارد (ر.ک: کلینی، کافی، ج 13، ص 449)، اما آن چه می توان درباره این فقره از حدیث بیان کرد این است که واژه «الفقیران» یا «الفُقیران» صحیح است؛ زیرا اولاً از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که

ص: 289

1- . سقیا تقریباً در مسیر هجرت نزدیک چشمه تعهن قرار دارد و این مسیر نزدیک وادی الفرع و به موازات آن قرار دارد (ر.ک: اطلس تاریخ شیعه، مؤسسه علمی فرهنگی اطلس تاریخ شیعه).

2- . أقول الذی ذکرته کتب الأماكن والبقاع هو الفقیر، والفقیرین، كما فی الکافی، ونقل فی البحار عنه، ولكن فی التّهذیب «القصیره»، وفی الوسائل عنه «القصیرتین»، وفی روضه المتقین «القفیزتین»، وفی تکمله المنهاج عن مرآه العقول «العفیرتین»، وعن بعض النسخ «الفقرتین»، ولم أتّحقّق هذه کلّها، وأظنّها تصحیفاً من النسخ، كما قال العلامه المجلسی رحمه الله فی البحار: الظاهر أنّ أكثر هذه الأسماء ممّا صحّفه النسخ وإنّ قاله فی أسماء صدقات النّبیّ (صلی الله علیه و آله)، ولكنّه جار هنا أيضاً (احمدی میانجی، مکاتیب الأئمّه، ج 2، ص 371).



پیامبر گرامی (صلی الله علیه و اله) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) چهار قطعه زمین به نام های فقیران [دو قطعه]، بئر قیس و شجره واگذار کرد (1).

(مجلسی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج 23، ص 83). ثانیاً جغرافیا شناسان مسلمان درباره چنین نامی اظهار نظر کرده و جایگاهش را هرچند به نحو مبهم مشخص کرده اند. یک احتمال این است که این دو موقوفه در جنوب شرقی شهر مدینه منوره، نزدیک محل اسکان یهود بنی قریظه باشد (2). حجیلی از عباسی در کتاب «عمده الاخبار» نقل می کند «فقیر متعلق به علی بن ابی طالب (علیه السلام) بود و امروزه [زمان حیات نویسنده] به بنی حسن، بیت شریف والیان مکه تعلق دارد. این موقوفه در غرب باغ سید محسن بن محمد شدقمی مدنی از شرفای بنی حسن در مدینه ... و در وسط محله عوالی قرار دارد...» (الحجیلی، الاوقاف النبویه و اوقاف الخلفاء الراشدين، ص 356). حجیلی در ادامه به نقل از سید طرابزونی، ناشر و حاشیه نویس بر کتاب فوق، می نویسد «فقیر امروزه به این نام شناخته می شود و وقف آل حماد در عالیه است» (همان).

احتمال دیگر این است که فقیر مورد بحث در حدیث، نام بزرگ ترین روستای شهرستان فُزَع از توابع استان مدینه در حدود 140 کیلومتری مدینه منوره باشد (3).

(ر.ک شراب، فرهنگ

ص: 290

1- قال البلاذری: وحدثني الحسين بن الأسود، قال حدثنا وكيع، قال: حدثنا حسن بن صالح، عن جعفر بن أبي النبي صلى الله عليه وسلم أقطع علياً الفقيرين، وبئر قيس، والشجرة. وحدثني الحسين عن يحيى بن آدم عن الحسن بن صالح، عن جعفر بن محمد مثله (البلاذري، فتوح البلدان، ص 23).

2- الفقير ضد الغنى، اسم موضعين قرب المدينة، يقال لهما: الفقيران، وعن جعفر الصادق رضي الله عنه: «أن النبي صلى الله عليه و اله) أقطع علياً» رضي الله تعالى عنه أربع أرضين: الفقيرين، وبئر قيس، والشجرة، وقيل: الفقير اسم بئر بعينها، قاله المجد، وبعاليه المدينة حديقته تعرف بالفقير بالصم تصغير الفقير بالفتح. ونقل ابن شبة في صدقه علي رضي الله عنه أن منها الفقيرين بالعالیه، وأنه ذكر أن حسناً أو حساً يباع ذلك، فتلك الأموال متفرقة في أيدي الناس، ثم حكى كتاب الصدقة نصاً، ولفظه: «والفقير لي كما قد علمتم صدقة في سبيل الله». ثم ذكر تسويغ البيع لكل من الحسن والحسين دون غيرهما، وسبق في الصدقات بمكاتبه سلمان سيده القرظي على أن يحيى له ذلك النخل بالفقير، فالظاهر: أنه المعروف اليوم بالفقير قرب بنی قریظه، وإن كان أصله مكبراً فقد صغروه كما صغروا الشجره فيقولون فيها «الشجيره» كما سبق (السمهودي، وفاء الوفاء، ج 4، ص 128).

3- الفقير: اسم موضعين قرب المدينة يقال لهما: الفقيران. وفي عاليه المدينة مكان يعرف: «الفقير»، وقال ابن شبة: إن «الفقيرين» بالعالیه من المدينة. والفقير أيضا: من قرى الفرع (شراب، المعالم الأثيره في السنه والسيره، ص 218).

اعلام جغرافیایی، ص 305). بنابراین که هم نزدیک مدینه است و هم در منطقه عالیّه. زیرا اعراب آن چه که در سمت نجد است عالیّه گویند و آن چه که در سمت تهامه [غرب حجاز و کناره ساحل دریای سرخ] است سافله گویند. به طور مثال، شهرهای مدینه و طائف از نجد و عالیّه هستند و مکه از سافله (ر. ک حموی بغدادی، معجم البلدان، ج 2، ص 137) (1). از سوی دیگر، شاهدی بر این احتمال آن است که این شهرستان شیعه زیاد دارد و برخی از روستاهای دیگر آن هم چون ام العیال از موقوفات حضرت زهرا (علیها السلام) و متعلق به اهل بیت عصمت و طهارت می باشند.

## (و) موقوفات متفرقه

محققان درباره موقوفات دیگر حضرت علی (علیه السلام) نام هایی را در شهرها و روستاهای اطراف مدینه منوره ذکر می کنند. در این قسمت، فقط به ذکر این نام ها و مکان ها اشاره کرده و خوانندگان محترم را به کتب این محققان ارجاع می دهیم.

مرحوم آیت الله احمدی میانجی در مکاتیب الاثمه این موقوفات را به ترتیب ذیل یاد می کند «سویقه» نزدیک مدینه منوره که امروزه سویق نامیده می شود؛ «بئر الملک» نزدیک وادی قنات مدینه منوره [شمال شرقی شهر]؛ «بئر قیس» (2) و «الشجره» (3)

که از اقطاع رسول الله (صلی الله علیه و اله) به علی (علیه السلام) است؛ «حرّه الرّجلی» در شمال مدینه منوره در شهرستان خیبر که

ص: 291

---

1- . البته، اگر عالیّه باقرینه شهر مدینه ذکر شود همان منطقه عوالی مدینه منوره تلقی می شود (ر. ک: شراب، المعالم الأثیره فی السنه والسیره، ص 185).

2- . ابن شبه آن را در حرّه الرجلاء می داند و بلاذری و حموی بغدادی و دیگران آن را در مدینه منوره (ر. ک: الحجیلی، الاوقاف النبویه و اوقاف الخلفاء الراشدین، ص 334).

3- . معروف به ذوالحلیفه و آبار علی: منطقه شجره از مناطق کشاورزی بوده و بی تردید علی بن ابی طالب در آنجا چاه هایی زده بود که به آبیاری مزارع بینجامد و شهرت آبار علی نمی تواند غیر از این مُستند [حدیث منقول سابق الذکر از امام صادق (علیه السلام) در مورد اقطاع]، دلیل تاریخی - جغرافیایی دیگری داشته باشد (نجفی، مدینه شناسی، ج 1، ص 266).

دو وادی حمراء [وقف مشاع] و وادی بیضاء از موقوفات ایشان است(1)؛

و «القصبیه» در فدک [شمال شرقی مدینه منوره در استان حائل] (ر.ک: احمدی میانجی، مکاتیب الأئمه (علیهم السلام)، ج 2، ص 371-372).

علاوه بر موقوفات فوق، نام های دیگری نیز از ابن شبه در تاریخ مدینه منوره ذکر شده است «الادیبه» در وادی اصم (2)؛ و «رعیه» و «الأسحن» در منطقه فدک (ر.ک: ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج 1، ص 223-225).

بدین ترتیب، امیر مؤمنان علی (علیه السلام) موقوفات متنوعی داشته که می توان آن ها را در 5 دسته مسجد، برده، خانه، زمین کشاورزی اعم از مزرعه و باغ، و چشمه یا چاه تقسیم بندی کرد.

### رکن چهارم موقوف علیهم

جهت استفاده کننده از وقف و مرتبط با مصارف یا موقوف علیهم در وقف نامه های حضرت علی (علیه السلام) به ترتیب عبارتند از:

فی سبیل الله (3)؛

فرزندان فاطمه 3؛ فرزندان علی (علیه السلام) (4)؛ خویشاوندان اعم از بنی هاشم، بنی المطلب، آل ابوطالب، و خویشاوندان دور و نزدیک (5)

(ر.ک مجلسی اول، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج 11، ص 173)؛ خاله های حضرت و فرزندان ایشان؛ فقرای مسلمین (همان، ص 171) (6)؛ حجاج خانه خدا؛ در راه ماندگان (همان، ص 172) (7).

ص: 292

1- . چشمه های وقفی حضرت در حره الرجاء عبارتند از: ذات کلمات؛ ذوات العشراء؛ قعین؛ معید؛ ورعوان (ر.ک: ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج 1، ص 224).

2- . و «الادیبه» بالإضم، فسمعت أن حسنا أو حسینا بن علی باع ذلك كله فيما كان من حربهم، فتلك الأموال اليوم متفرقة فی أیدی ناس شتی.

3- . يُنْفَقُ فِي كُلِّ نَفَقَةٍ يُتَتَعَى بِهَا وَجْهُ اللَّهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ وَجْهِهِ

4- . لبني (ابنی - خ) فاطمه من صدقه علی مثل الذی لبني علی

5- . وذوی الرحم من بنی هاشم و بنی المطلب، والقریب والباعد... فَإِنَّهُ يُسَمُّهَا ثَلَاثَةً أَثْلَاثٍ - فَيَجْعَلُ ثُلَاثًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ - وَيَجْعَلُ ثُلَاثًا فِي بَنِي هَاشِمٍ وَ بَنِي الْمُطَّلِبِ - وَيَجْعَلُ ثُلَاثًا فِي آلِ أَبِي طَالِبٍ -

6- . وَأَسْكَنَ هَذِهِ الصَّدَقَةَ خَالَاتِهِ مَا عَشَنَ وَعَاشَ عَقِيْبُهُنَّ فَإِذَا انْقَرَضُوا فَهِيَ لِذَوِي الْحَاجَةِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

7- . فِي حَجِيجِ بَيْتِ اللَّهِ وَعَابِرِي سَبِيلِ اللَّهِ.

در ادبیات دینی از صرف مازاد وقت و ثروت خود برای دیگران، اعم از خدا، دین، انسان و طبیعت به «معروف» یاد می شود.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) پیچیدگی های ابعاد وقف را به تصویر کشید.

وقف عبادی مانند وقف مساجد، مشاهد مشرفه، حسینیه ها، مهدیه ها و دیگر اماکن مذهبی:

ایشان در ساخت این اماکن مشارکت فعال داشته و سنگ بنا و جهت گیری صحیح مساجد و دیگر اماکن مقدسه را تعیین می کنند. در وقف مساجد و دیگر اماکن مقدسه باید دو شرط اساسی «پاک بودن هدف» (1)

و «پاک بودن حامیان» (2) آن ها رعایت شود.

مساجد و دیگر اماکن مقدسه کالاهایی عمومی هستند که معمولاً همه مایلند بدون زحمت و هزینه ای از آن ها استفاده کنند اما بهتر است با استفاده از الگوی علوی در این امور پیشگام بود.

وقف اجتماعی:

اگر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از تمام دارایی های معنوی و مادی خود گذشت نمی کردند هرگز پیروانشان حاضر نمی شدند مقداری از دارایی های معنوی و مادی خود را در راه خدا و پیشرفت دین و جامعه صرف کنند.

عقلانیت کامل عمل در وقف اقتضا دارد که با انگیزه خالص الهی انجام پذیرد؛ زیرا عمل صالح (حسن فعلی) و ایمان (حسن فاعلی) با همدیگر موجب محبوبیت در نزد خالق و مخلوق می شود. هر ثروت مشروعی را که اصل و فرعی دارد مجازیم وقف کنیم،

ص: 293

1- . {أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ} (توبه/ 108)

2- . {فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَّهُرُوا} (توبه/ 108)

اعم از اینکه مازاد بر نیاز ما باشد یا تشخیص بدهیم که دیگران نیازمندترند هر چند که خودمان هم نیازمندیم. بهتر است متولی وقف خود واقف یا کسی باشد که کاملاً با اهداف واقف هم سو و سازگار باشد. در چارچوب شرع، واقف هر شرطی را در راستای مصالح موقوفه، موقوف علیهم و حتی خودش مادامی که خودخواهی محسوب نشده و حقیقت وقف رعایت شود می تواند در ضمن وضع وقف جعل کند. امنیت اقتصادی موقوفات نباید توسط خویشاوندان یا غریبه های دولتی یا خصوصی مخدوش شود. این حق برای متولی هست که به اندازه متعارف از درآمد موقوفه برای مدیریتش برداشت کند.

بهتر است برای رسمی شدن وقف نامه تمامی امور لازم در قراردادهای شرعی و قانونی اعم از ذکر نام خدا، مشخصات واقف، متولی، ناظر، شاهدان، موقوفه و موقوف علیهم و طبقات آن ها و دیگر موارد لازم رعایت شود.

بهترین وقف اجتماعی وقفی است که گرایش های ذیل را رعایت کند: محبت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)

img20.png: محبت والدین فقیر؛ محبت برادران و خواهران فقیر؛ محبت خویشاوندان فقیر؛ محبت همسایگان فقیر؛ محبت دانشمندان ربّانی و خیرخواهان مؤمن؛ محبت به رفع نیازهای جامعه اسلامی (1).

متولی موظف است بعد از استثنا کردن مخارج نگه داری و درآمدزایی موقوفه، اقدام به پرداخت درآمد آن به موقوف علیهم کند.

ص: 294

---

1- . عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله): أَلَا أُنبئُكُمْ بِخَمْسَةِ دَنَائِرٍ بِأَحْسَنِ نَهْجٍ وَأَفْضَلِ لِيهَا قَالُوا بَلَى قَالَ أَفْضَلُ الْخَمْسَةِ الدِّينَارُ الَّذِي تُنْفِقُهُ عَلَى وَالِدَيْكَ وَأَفْضَلُ لُ أَلَا زَبَعَهُ الدِّينَارُ الَّذِي تُنْفِقُهُ عَلَى وَالِدِكَ وَأَفْضَلُ الثَّلَاثَةِ الدِّينَارُ الَّذِي تُنْفِقُهُ عَلَى نَفْسِكَ وَأَهْلِكَ وَأَفْضَلُ الدِّينَارَيْنِ الدِّينَارُ الَّذِي تُنْفِقُهُ عَلَى قَرَابَتِكَ وَأَحْسَنُهَا وَأَقْلَبُهَا أَجْرًا الدِّينَارُ الَّذِي تُنْفِقُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (نوری، مستدرک وسایل الشیعه ومستنبط المسائل، ج 7، ص 241، ح 8141).

1. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد بن حوقل النصیبی (بعد 367ق)، صوره الارض، 2 مجلد، بیروت: دار صادر، افسست لیدن، 1938 م.
2. ابن شبه، ابو زید عمر بن شبه النمیری البصری (262ق)، تاریخ المدینه المنوره، 4 مجلد، قم: دار الفکر، 1368 ش.
3. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام) (لابن شهر آشوب) - قم: نشر علامه، 1379 ق.
4. احمد العلی، صالح، حجاز در صدر اسلام، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: نشر مشعر، 1375 ش.
5. احمدی میانجی، علی، مالکیت خصوصی در اسلام، تهران: نشر دادگستر، 1382.
6. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الأئمه (علیهم السلام)، محقق / مصحح فرجی، مجتبی، 7 مجلد، قم: دار الحدیث، 1426 ق.
7. البلاذری، أبو الحسن أحمد بن یحیی (279ق)، فتوح البلدان، بیروت: دار و مکتبه الهلال، 1988 م.
8. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، محقق / مصحح محققان مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، 3 مجلد، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، 1426 ه ق.
9. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم تفسیر قرآن کریم، محقق عبدالکریم عابدینی، قم: نشر اسراء، چاپ دوم، زمستان 1387.
10. الحجیلی، عبدالله بن محمد بن سعد، الاوقاف النبویه و اوقاف الخلفاء الراشدین، بیروت: دارالکتب العلمیه، 2011 م.
11. الحلی، ابن فهد، عده الداعی و نجاح الساعی، قم: مکتبه الوجدانی، بی تا.
12. حموی بغدادی، یاقوت (626ق)، معجم البلدان، 7 مجلد، بیروت: دار صادر، چاپ دوم، 1995 م.
13. السمهودی، نور الدین علی بن أحمد (911ق)، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، 4 مجلد، بیروت: دار الکتب العلمیه، 2006 م.
14. شراب، محمد محمد حسن، المعالم الأثیره فی السنه و السیره، دمشق: دار القلم، 1411 ق.
15. شراب، محمد محمد حسن، فرهنگ اعلام جغرافیایی - تاریخی در حدیث و سیره نبوی، ترجمه

[المعالم الأثيره فى السنه و السيره] حميدرضا شىخى؛ تحقيق و اضافات محمدرضا نعمتى، تهران: مشعر، 1383 ش.

16. طوسى، محمد بن الحسن، تهذيب الأحكام، محقق مصحح خرسان، حسن الموسوى، 10 مجلد، تهران: دار الكتب الإسلاميه، چاپ چهارم، 1407 ق.

17. قدامه بن جعفر (328 ق)، الخراج و صناعه الكتابه، بغداد: دار الرشيد للنشر، 1981 م.

18. كلينى، محمد بن يعقوب، أصول الكافى، ترجمه كمره اى، قم: چاپ سوم، 1375 ش.

19. كلينى، محمد بن يعقوب، كافى (ط- دار الحديث)، محقق مصحح دار الحديث، 15 مجلد، قم: دار الحديث، 1429 ق.

20. مازندرانى، محمد صالح بن احمد (1081 ق)، شرح الكافى- الأصول و الروضه (للمولى صالح المازندرانى)، محقق مصحح شعرانى، ابوالحسن، 12 مجلد، تهران: المكتبه الإسلاميه، 1382 ق.

21. مجلسى اول، محمد تقى (1070 ه ق)، روضه المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، محقق مصحح سيد حسين موسى كرماني- على پناه اشتهاردى- سيد فضل الله طباطبائى، 14 مجلد، قم: مؤسسه فرهنگى اسلامى كوشانبور، چاپ دوم، 1406 ه ق.

22. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، آداب معاشرت (ترجمه جلد 71 و 72 بحار الأنوار)، مترجم كمره اى، محمد باقر، محقق مصحح بهشتى، محمد، تهران: اسلاميه، 1364 ش.

23. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، مرآه العقول فى شرح أخبار آل الرسول، محقق مصحح رسولى محلاتى، سيد هاشم، تهران: دار الكتب الإسلاميه، چاپ دوم، 1404 ق.

24. مكارم شيرازى، ناصر، تفسير نمونه، تهران: دار الكتب الاسلاميه، 1374 ش.

25. نجفى، سيد محمد باقر، مدينه شناسى، 2 جلد، تهران: نشر مشعر، چاپ دوم، پایيز 1387.

26. امين عاملى، سيد محسن، اعيان الشيعه، بيروت: دارالتعارف، 1419 ق.

27. الحموى الرومى البغدادى، شيخ الامام شهاب الدين أبى عبد الله ياقوت بن عبد الله، معجم البلدان، بيروت- لبنان: دار إحياء التراث العربى، بى تا.

28. نورى (محدث نورى)، ميرازا حسين، مستدرک وسايل الشيعه و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لاهياء التراث، 1408 ق.

29. سمهودى، وفاء الوفاء، مصر: السعاده، 1374 ق.

## 11. راهکارهای صیانت از بیت المال از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه

اشاره

عباس الهی (1)

ص: 297

---

1- . استادیار جامعه المصطفی العالمیه، abo\_zaynab202@yahoo.com





در طول تاریخ بشر، جرم، گناه، کج روی اجتماعی و عدم رعایت هنجارها و ارزش ها در سطح جامعه باعث بروز مشکلات متعددی گردیده و بشر همیشه در اندیشه صیانت و پیش گیری از وقوع جرم و گناه بوده است. از مباحث مهم، کلیدی و کاربردی درباره بیت المال و از شاخصه های اخلاق اسلامی و تقوای الهی، شناخت راهکارهای صیانت از بیت المال از منظر قرآن و نهج البلاغه است. نوشتار پیش رو در پی آن است تا به روش توصیفی - تحلیلی، تصویری کلی و نظام مند از راهکارهای موجود در قرآن و نهج البلاغه را جهت صیانت از بیت المال ارائه دهد. از یافته های تحقیق حاضر آن است که راهکارهای حفاظت از بیت المال به سه قسم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تقسیم می شود، از جمله راهکارهای فرهنگی: ارائه الگو، افزایش ایمان، تقوا و خودکنترلی و راهکارهای سیاسی: عزل و نصب متولیان امور مالی،

نظارت دقیق، پی گیری گزارش ها و راهکارهای اقتصادی: توجه به معیشت کارگزاران، برخورد قاطعانه با سارقان اموال دولتی است.

کلیدواژه ها: قرآن، امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، صیانت، بیت المال، راهکار.

## مقدمه

یکی از اصطلاحات کلیدی در فرهنگ اقتصادی اسلام، «بیت المال المسلمین» است. این موضوع در نظام اقتصادی اسلام بیش ترین مباحث را به خود اختصاص داده و از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا به نوعی ناظر به مالکیت دولتی و عمومی و فراتر از مالکیت شخصی افراد جامعه است. رعایت بیت المال، اموال عمومی و امانت داری در

اسلام مورد تأکید فراوان قرار گرفته است؛ چنان که خداوند متعال در قرآن می فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون/8)، این آیه از آیات اولیه سوره مؤمنون است و صفاتی را برای مؤمنان بیان می کند که از جمله آن ها رعایت امانت است و یکی از این امانات، اموال بیت المال است که در آن از دارایی های عمومی حراست می شود؛ و نیز خداوند متعال در آیه ای دیگر فرمان استرداد امانات به اهلش را داده است؛ چنان که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ» (نساء/58)؛ «همانا خدا به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبان آنان برگردانید».

قرآن کریم ضمن قرارداد خیانت به امانات در ردیف خیانت به خدا و رسول، آن را به هر شکل و از سوی هر فردی مذموم و ناپسند و مورد نهی قرار داده، می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ» (انفال/27)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید و در امانت نیز خیانت مورزید».

قرآن کریم هم چنین ضمن انتقاد از دانشمندان یهود که از طریق مال به انحراف کشیده شدند، می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» (توبه/34)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! بسیاری از علمای اهل کتاب و راهبانان اموال مردم را به باطل می خورند و آنان را از راه خدا بازمی دارند».

و نیز معصومین (علیهم السلام) در روایاتی چند از خیانت در بیت المال نهی کرده اند؛ چنان که علی (علیه السلام) به یکی از کارگزارانش چنین نوشت: «أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ بَلَغَنِي عَذَابُكَ أَمْرٌ إِنْ كُنْتُ فَعَلْتُهُ فَقَدْ أَسَدَّ حَظَّتْ رَبِّكَ وَعَصَيْتَ إِمَامَكَ وَأَخْرَيْتَ أَمَانَتَكَ بَلَغَنِي أَنَّكَ جَرَدْتَ الْأَرْضَ فَأَخَذْتَ مَا تَحْتَ قَدَمَيْكَ وَأَكَلْتَ مَا تَحْتَ يَدَيْكَ فَازْفَعْ إِلَيَّ حِسَابَكَ وَاعْلَمْ أَنَّ حِسَابَ اللَّهِ أَعْظَمُ مِنْ حِسَابِ النَّاسِ» (سید رضی، نهج البلاغه، نامه 40)؛ «اما بعد، درباره توبه من خبری رسیده است، اگر چنین کرده باشی، همانا که خدای خویش را به خشم آورده و از فرمان پیشوای خود سر باز زده و در امانت، کار به رسوایی کشانده ای، مرا گفته اند که (به ستم)، زمین را از بار و بر، تهی ساخته ای و چیزهای زیر پای مردمان (باغ و بستانشان) را گرفته ای و اموالشان را

خورده‌ای. اینک، حساب خود را نزد من بفرست و بدان که حساب خواهی خدا از حساب رسی آدمیان، عظیم تر است».

## پیشینه

درباره بیت المال، تحقیقاتی در ابعاد گوناگون آن صورت گرفته است از جمله آن‌ها: بیت المال در نهج البلاغه، اثر حسین نوری که در آن موضوعاتی مانند ماهیت بیت المال، خطر سوءاستفاده از بیت المال، توزیع بیت المال بر اساس مساوات، شیوه علی (علیه السلام) در تقسیم بیت المال و... مورد بررسی قرار گرفته است و نیز کتابی دیگر با همین عنوان، اثر محمد رحمانی که در آن از عناوینی مانند حساب رسی از کارگزاران، نظارت بر بیت المال و... بحث شده است، اثر دیگر مقاله ای است از سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) در بیت المال که در مجله فرهنگ کوثر سال 1380، شماره 49 به چاپ رسیده است و در آن موضوعاتی مانند سیره پیامبر (صلی الله علیه و اله) در اداره بیت المال، محافظت از بیت المال، طرد افراد نالایق از مسئولیت بیت المال و... بررسی شده است. و نیز آثار دیگری در این باره تألیف شده است؛ اما نوشتار پیش رو، تلاش دارد تا به پرسش‌های زیر پاسخ‌هایی گسترده و استوار دهد:

حقیقت و ماهیت بیت المال چیست؟ آثار بیت المال چیست؟ پی آمدهای خیانت به بیت المال چیست؟ راهکارهای صیانت از بیت المال چیست؟

## 1. مفهوم شناسی

### الف. راهکار

راهکار در لغت: این واژه مرکب از دو کلمه «راه و کار» می باشد. راه، در لغت به معنای طریق است (دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج 15، ص 25) و کار، آن چه از شخصی یا شیئی صادر شود، آن چه کرده شود، فعل، عمل، پیشه، شغل، سعی. با توجه به معنای این دو واژه، کلمه راهکار به معنای روش و طریق انجام کار و عمل می باشد (معین، فرهنگ معین، ج 1، ص 37).

ص: 301

درجایی دیگر این چنین آمده است که: راهکار به معنای شیوه و روش انجام دادن کاری است (کریمی نیا، هم زیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل، ص 29).

راهکار در اصطلاح: واژه راهکار در اصطلاح علماء و دانشمندان علوم تربیتی، طریقه و شیوه کار است که میان اصل و هدف امتداد دارد و عمل تربیتی را منظم می کند و نیز یاددهنده و تربیت کننده را در رسیدن به هدف موردنظر یاری می رساند (هوشیار، اصول آموزش و پرورش، ص 18).

فرهنگ بزرگ سخن، معنای اصطلاحی را این گونه نگاشته است: «راهکار عبارت از رهنمودهای علمی و عملی که جست و جوگر را گام به گام به سوی هدف نزدیک کند یا تعیین و یافتن یا ساختن راه و اصول آن است» (انوری، فرهنگ بزرگ سخن، لغت راهکار).

## **ب. صیانت**

صیانت در لغت: صیانت در لغت به معنای حفظ، نگه داری و بازداشتن آمده است (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج 1، ص 302).

صیانت در اصطلاح: صیانت به مجموعه اقداماتی اطلاق می شود که هدف آن حفظ سرمایه های ملی و اموال بیت المال است (معظمی، پیش گیری از وقوع جرم و نقش سازمان های مسئول در قوانین ایران، ص 46).

## **ج. بیت المال**

بیت المال در لغت: کلمه بیت المال مرکب از دو واژه «بیت» و «مال»، به معنای خانه دارایی، خزینه مال و خزانه دولت است؛ و در اصطلاح به دو معنا می آید: گاهی به معنای اموال عمومی و حکومتی و هر آن چه مردم به نحوی در آن حق دارند، استعمال می شود و گاهی به معنای مکانی که اموال عمومی در آن نگهداری می شود. معنای اول قائم به اموال و معنای دوم قائم به مکان است (بستانی، فرهنگ ابجدی؛ شرتونی، اقرب الموارد، ج 1، ص 69).

بیت المال در اصطلاح: بیت المال در اصطلاح حکومتی و فقهی به اموال عمومی و

فقهی، به اموال عمومی و مشترک میان مسلمانان اطلاق گردیده است (ماوردی، الاحکام السلطانیه، ج 2، ص 213؛ الفراء، الاحکام السلطانیه، ج 1، ص 164).

## 2. نقش بیت المال

### اشاره

امام علی (علیه السلام) پس از تقاضای کمک یکی از یارانش از بیت المال، ضمن ردّ این درخواست، ماهیت بیت المال را برای او روشن می‌کند. حضرت، بیت المال را نه مال شخصی امام می‌داند و نه مال فردی مسلمانان، بلکه از منظر آن حضرت، بیت المال از آن مسلمانان است که در اختیار امام مسلمانان گذاشته می‌شود تا به مصرف عادلانه آن‌ها برسد. ایشان در این باره چنین می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْمَالَ لَيْسَ لِي وَلَا لَكَ، وَإِنَّمَا هُوَ فِيءٌ لِلْمُسْلِمِينَ وَجَلْبُ أَسَدٍ يَأْفِيهِمْ؛ فَإِنْ شَرِكْتَهُمْ فِي حَرْبِهِمْ كَانَ لَكَ مِثْلُ حَظِّهِمْ، وَإِلَّا فَجَنَآةٌ أَيْدِيهِمْ لَا تَكُونُ لِغَيْرِ أَقْوَاهِهِمْ» (سید رضی، نهج البلاغه، خطبه 232)؛ «اموال، نه مال من و نه از آن‌هاست، بلکه غنیمتی گردآمده از مسلمانان است که با شمشیرهای خود به دست آورده‌اند. اگر تو، در جهاد، همراهشان می‌بودی، سهمی چونان سهم آنان می‌داشتی وگرنه، دسترنج آنان، خوراک دیگران نخواهد بود».

بیت المال در زندگی انسان، آثار و نقش‌هایی دارد که علی (علیه السلام) به بخشی از مهم‌ترین آن‌ها چنین اشاره کرده است:

### الف. اصلاح امور

حضرت در این رابطه می‌فرماید: «وَتَقَدُّ أَمْرَ الْخِرَاجِ بِمَا يُصَدِّ لِحْ أَهْلِهِ! فَإِنَّ فِي صَدَاحِهِ وَصَدَاحِهِمْ صِلَاحًا لِمَنْ سِوَاهُمْ وَلَا صِلَاحَ لِمَنْ سِوَاهُمْ إِلَّا بِهِمْ...» (صالح، نهج البلاغه، ص 436؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص 138)؛ خراج (بیت المال) را به گونه‌ای که وضع مالیات دهندگان را سامان دهد، واریسی کن؛ زیرا بهبودی وضع مالیات و مالیات دهندگان، سبب سامان یافتن امور دیگر اقشار جامعه است و تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود، کار دیگران نیز مرتب نخواهد شد؛ زیرا، همه مردم، نان خور مالیات و مالیات دهندگان اند».

ص: 303

امام علی (علیه السلام) در این فراز، برای بیت المال، نقش محوری قائل شده و اصلاح تمامی امور را، بسته به اصلاح وضع مالیات و مالیات دهندگان دانسته است و این، نشانه جایگاه بلند و اهمیت فوق العاده

بیت المال از نظر اسلام است. اگر دقت شود، حقیقت مطلب همین است که امام علی (علیه السلام) گفته است. بنابراین، هرچند اقتصاد، از نگاه امام علی (علیه السلام) آن گونه که مکاتب مادی گرامی گویند، اصل نیست، اما تأثیر محوری و اساسی آن در اصلاح امور و رفع نابسامانی ها مورد تأکید قرار گرفته است.

## ب. رفع نیاز مردم

از دیگر موارد نقش بیت المال، برطرف کردن نیاز مردم است. امام علی (علیه السلام) به این اثر این گونه اشاره می کند: «كُلُّهُمْ عِيَالٌ عَلَيَّ الْخَرَجِ وَأَهْلُهُ» (صالح، نهج البلاغه، ص 436)؛ «تمام مردم، نان خور مالیات و مالیات دهندگان اند».

روشن است که هیچ انسانی، به تنهایی نمی تواند نیازمندی هایش را برآورده کند، از این رو، به همیاری بیت المال نیاز دارد.

## ج. دوام حکومت

آن حضرت، اثر سوم بیت المال را در فرازی دیگر چنین بیان فرموده است: «وَلَمْ يَسْتَقِمَّ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا» (همان) حکومت، با نابودی مالیات (بیت المال)، جز اندکی، دوام نمی آورد».

این مطلب نیز، از بدیهیات است که اداره و دوام حکومت، نیازمند بودجه است و یکی از راه حل های تأمین هزینه های دولت، گرفتن مالیات به ویژه از سرمایه داران و صاحبان وسایل نقلیه گران قیمت است. پرواضح است که در فرایند اخذ مالیات باید حواس مأموران و متولیان امر متوجه مردم کم درآمد باشد تا به آنان فشار وارد نشود. جای شگفتی از کسانی است که در زمان حاضر، بحث از لزوم یا عدم لزوم گرفتن مالیات برای اداره حکومت را مطرح می کنند، در صورتی که امام علی (علیه السلام) حدود هزار و چهارصد سال پیش، بر ضرورت مالیات برای استمرار حکومت تأکید کرده است.

یادآوری این نکته لازم است که همان گونه که گرفتن همه مالیات از عوامل بقای حکومت است، به ناحق گرفتن آن و یا ظالمانه مصرف شدنش، سبب سقوط حکومت خواهد شد.

### د. اصلاح و تقویت نیروهای مسلح

آن امام همام آخرین اثر بیت المال را در فرازی دیگر به این صورت تبیین فرموده است: «ثُمَّ لَا قِوَامَ لِلْجُنُودِ إِلَّا بِمَا يُخْرِجُ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْخَرَاجِ الَّذِي يَتَوَوَّنَ بِهِ عَلَى جِهَادِ عَدُوِّهِمْ وَيَعْتَمِدُونَ عَلَيْهِ فِيمَا يُصَلِّحُهُمْ وَيَكُونُ مِنْ وَرَاءِ حَاجَتِهِمْ» (همان)؛ «سپس سپاهیان اسلام، جز به خراج و مالیات رعیت (بیت المال) که با آن برای جهاد با دشمن، تقویت گردند و برای اصلاح امور خویش، به آن تکیه کنند و نیازمندی های خود را برطرف سازند، پا نمی گیرند».

### 3. پی آمدهای خیانت به بیت المال

#### اشاره

قطع نظر از حرمت خیانت و عذاب اخروی آن، خیانت به بیت المال آثار و پی آمدهای دنیوی به دنبال دارد؛ چنان چه قرآن کریم در آیات متعدد به آثار و تبعات سوء اعمال ناشایست در این جهان اشاره کرده است: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل/112)؛ «خداوند برای آن ها که کفران نعمت می کنند، مثلی زده است: منطقه آبادی را که امن و آرام و مطمئن بوده و همواره روزیش به طور وافر از هر مکانی فرامی رسیده، اما نعمت خدا را کفران کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می دادند لباس گرسنگی و ترس را در اندامشان پوشانید».

آن چه در این رابطه قابل توجه است این که کفران نعمت، اسراف، تبذیر و هدر دادن مواد غذایی و نعمت ها، چتر ناامنی، گرسنگی و بدبختی را بر سر جامعه افکنده و فقر و فلاکت از هر سو آنان را احاطه می کند. بین خیانت و فساد رابطه مستقیمی وجود دارد. در نقطه مقابل، بین تقوا و صلاح، بین ایمان و فراوانی نعمتها و برکات ارتباط وثیقی وجود دارد. قرآن



کریم ایمان و تقوا را عامل برخورداری از الطاف الهی و نزول برکات می داند: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف/96)؛ «اگر آن ها که در شهرها و آبادی ها زندگی می کنند ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، برکات آسمان ها و زمین را به روی آن ها می گشاییم، ولی آیات ما را تکذیب کردند ما نیز آن ها را به مجازات اعمالشان گرفتیم».

خیانت به بیت المال آثار و تبعات وضعی فراوانی دارد که در این قسمت از بحث به برخی از مهم ترین آن ها از منظر امام علی (علیه السلام) اشاره می شود:

### الف. سلب برکت

امام علی (علیه السلام) در روایتی به ارتباط مستقیم بی برکتی با جنایت و خیانت اشاره کرده چنین می فرماید: «إِذَا ظَهَرَتِ الْجِنَايَاتُ اِزْتَفَعَتِ الْبَرَكَاتُ» (تمیمی آمدی، غررالحکم ودررالكلم، ج 3، ص 128)؛ هرگاه جنایت ها و خیانت ها آشکار شود، برکات برداشته می شود».

برکات جمع برکت از ریشه «برک» به معنای ثبات و استمرار چیزی است و مراد هر نعمتی است که پایدار بوده و به سرعت از بین نمی رود (راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص 119).

حضرت نوح بعد از سوارشدن بر کشتی و وقوع طوفان و سیل عظیم به خدا عرضه می دارد: «رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ» (مؤمنون/29)؛ «خدایا مرا در محلی بابرکت فرود آور که تو بهترین فرودآوردگانی».

سرزمین بابرکت جایی است که نعمت های فراوان و بادوام در آن وجود داشته باشد.

قرآن کریم باران را وسیله برکت می داند. شب قدر را شب مبارک خوانده است «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ مُبَارَكَةٍ» (دخان/3). هم چنین خود قرآن کتاب بابرکت معرفی شده است «وَهَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ» (انبیاء/50).

مال اندک بابرکت ثمره اش بیش از مال فراوان بدون برکت است. خیانت در اموال عمومی و بیت المال زمینه بی برکتی را در جامعه فراهم می آورد.

مردم، دولت را نگهبان و حافظ بیت المال می دانند و بر اساس همین اعتماد است که مالیات می پردازند. تباہ شدن اموال عمومی، اختلاس و استفاده ناروا از آن موجب سلب اعتماد مردمی شده و به جای حمایت از دولت مردان به آنان به عنوان خیانت کار می نگرند. مهم ترین سرمایه برای حکومت اسلامی پشتوانه مردمی و حمایت آنان است. زمامدارانی که به اموال عمومی خیانت کنند این پشتوانه و حمایت را از دست خواهند داد. هرگز کارگزاران نباید برای رضایت و خوشایند خواص، عموم را از خود ناراضی کنند؛ زیرا در صحنه های مختلف این عامه مردم اند که ارکان حکومت را حفظ می کنند. امام علی (علیه السلام) در نامه ای به مالک اشتر ضمن تأکید بر این نکته نوشته است: «وَلْيَكُنْ أَحَبُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَدَ طَهَاهَا فِي الْحَقِّ وَأَعَمَّهَا فِي الْعَدْلِ وَأَجْمَعَهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ فَإِنَّ سَخَطَ الْعَامَةِ يُجْحِفُ بِرِضَى الْخَاصَّةِ وَإِنْ سَخَطَ الْخَاصَّةِ يُعْتَفَرُ مَعَ رِضَى الْعَامَةِ وَلَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الرَّعِيَّةِ أَثْقَلَ عَلَى الْوَالِي مَثُونَةً فِي الرَّخَاءِ وَأَقْلَلَّ لَهُ مَعُونَةً فِي الْبَلَاءِ وَأَكْرَهَ لِلْإِنصَافِ وَأَسْأَلَ بِالْإِلْحَافِ وَأَقْلَلَّ شُكْرًا عِنْدَ الْإِعْطَاءِ وَأَبْطَأَ عُذْرًا عِنْدَ الْمُنْعِ وَأَضْعَفَ صَبْرًا عِنْدَ مِلِمَاتِ الدَّهْرِ مِنَ الْخَاصَّةِ وَإِنَّمَا عَمُودُ الدِّينِ وَجَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَالْعِدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةُ مِنَ الْأُمَّةِ فَلْيَكُنْ صَدْعُوكَ لَهُمْ وَمَيْلُكَ مَعَهُمْ» (صالح، نهج البلاغه، ص 429؛ نوری، مستدرک الوسائل، ج 13، ص 162)؛ «باید دوست داشتنی ترین کار نزد تو میانه آن ها در حق باشد و فراخ ترین آن در عدل و جامع ترین آن برای خشنودی عمومی؛ چراکه ناخشنودی عمومی، خشنودی خواص را بی اثر ساخته و خشم خواص با خشنودی همگانی بخشیده است. همانا پشتیبان دین و موجب انبوهی مسلمانان و آمادگی پیکار با دشمن، عامه مردمان اند، پس باید گرایش تو به آنان و میل تو به سوی ایشان باشد».

امام، مشروعیت سیاسی و مقبولیت مردمی را در نهج البلاغه چنین بیان کردند: «أَنْتَى لَمْ أُرِدِ النَّاسَ حَتَّى أَرَادُونِي وَ لَمْ أَبَايِعْهُمْ حَتَّى بَايَعُونِي وَ إِنِّكُمْ مِمَّنْ أَرَادُونِي وَ بَايَعُونِي» (صالح، نهج البلاغه، ص 445)؛ من قصد مردم نکردم تا این که مردم قصد من کردند و به سویم آمدند. من برای بیعت به سوی آنان دست دراز نکردم تا این که آن ها دست دراز کردند و با من بیعت نمودند».

نظام اسلامی بر اساس تربیت و رشد انسان ها به سوی تعالی شکل می گیرد، حاکمان اسلامی باید الگوی ارزش های والای مکتب اسلام باشند. در این نظام مردم محور، حاکمان و کسانی که در هرم قدرت قرار دارند اگر از وظایف خود غفلت کنند و مرتکب خیانت شوند، نه تنها حمایت مردمی را از دست خواهند داد، بلکه مانع رشد و تعالی مردم خواهند شد.

### ج. رسوایی در دنیا

خیانت به بیت المال موجب رسوا شدن خیانت کار و خواری او در دنیا می شود. خیانت کاران هر چه مخفی کاری کنند اما در نهایت دست انتقام الهی آنان را رسوا نموده و خیانتشان را آشکار می سازد. امام علی (علیه السلام) در نامه ای که - در سال 36 ق - خطاب به مأمور مالیاتی خود مخنف بن سلیم - فرماندار اصفهان - نوشته، آورده است: «وَمَنْ اسْتَهَانَ بِالْأَمَانَةِ وَرَتَعَ فِي الْخِيَانَةِ وَلَمْ يُنَزَّهْ نَفْسَهُ وَدِينَهُ عَنْهَا فَقَدْ أَحَلَّ بِنَفْسِهِ الذُّلَّ وَالْخِزْيَ فِي الدُّنْيَا (صالح، نهج البلاغه، ص 382)؛ کسی که امانت الهی بیت المال را خوار شمارد و دست به خیانت آلوده کند، خود و دین خود را پاک نساخته و درهای خواری در دنیا را به روی خود گشوده است».

### د. شورش عمومی

بی گمان مردم تا زمانی از حکومت حمایت خواهند کرد که حاکمان را امین خود بدانند. یکی از وظایف حاکم اسلامی جلب رضایت عمومی بر اساس موازین شرعی و عقلی است. امام علی (علیه السلام) در بیان اهداف حکومت اسلامی فرمود: «خدایا! تو می دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت دنیا و ثروت نبود، بلکه می خواستیم نشانه های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سرزمین های تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستمدیده ات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا شود» (همان، خطبه 131).

از مهم ترین آفاتی که مسئولان را تهدید می کند این است که از مردم فاصله گرفته و به بهانه اشتغالات، مشکلات مردم را گوش نکنند. امام علی (علیه السلام) به قثم بن عباس، فرماندار

مکه فرمود: «در میان تو و مردم نباید واسطه و سفیری جز زبانت و جز چهره ات پرده ای باشد» (همان، نامه 33).

یکی از وظایف مهم زمامدار، ایجاد امنیت اقتصادی برای مردم است. خیانت به بیت المال و ناامنی اقتصادی، نارضایتی عمومی و به تدریج شورش مردم را به دنبال خواهد داشت. یکی از دلایل اصلی شورش مردم علیه عثمان، ریخت و پاش های مالی او و بخشش های ناعادلانه به اطرافیان، خویشان و والیان بود. این شورش در نهایت منجر به قتل عثمان شد. امام علی (علیه السلام) در بیان ریشه سقوط حکومت عثمان فرمود: «وَأَنَا جَامِعٌ لَكُمْ أَمْرُهُ، اسَدٌ تَأْتُرُ فَأَسَاءَ الْأَثَرَةَ، وَجَزَعْتُمْ فَأَسَأْتُمْ الْجَزَعَ، وَلِلَّهِ حُكْمٌ وَقَعَّ فِي الْمُسْتَأْثِرِ وَالْجَانِعِ» (احمدی میانجی، مکاتیب الأئمه (علیهم السلام)، ج 1، ص 280)؛ «من جریان عثمان را برایتان خلاصه می کنم. عثمان استبداد و خودکامگی پیشه کرد و شما بی تابی کردید و از حد گذراندید؛ خدا در خودکامگی و ستم کاری و در بی تابی و تندروی حکمی دارد که تحقق خواهد یافت».

#### 4. راهکارهای حفاظت از بیت المال

##### اشاره

در طول تاریخ بشر، جرم، گناه، کج روی اجتماعی و عدم رعایت هنجارها و ارزش ها در سطح جامعه باعث بروز مشکلات متعددی گردیده و همیشه بشر در اندیشه استفاده از راه های صیانت از فرد و پیشگیری از وقوع جرم و گناه بوده است. از موارد هنجارشکنی و ارزش گیزی، تصرف غیرقانونی و بی رویه در بیت المال است که برای صیانت و پیش گیری از آن از منظر آیات و روایات و راه های نهادینه کردن آن در بین مردم راه هایی در نظر گرفته شده است که می توان آن ها را به سه قسمت تقسیم کرد:

##### الف. راهکارهای فرهنگی

##### اشاره

از راهکارهای فرهنگی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

##### یک. ارائه الگو

نمایاندن الگوی سالم به مردم نقش به سزایی در هدایت و تربیت آنان دارد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) مردم را در اقتدای به پیامبران الهی چنین تشویق فرمودند: «وَاقْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ» (صالح، نهج البلاغه، ص 163) و نیز آن حضرت خود در الگوبرداری پیش قدم شده و در سیره حکومتیش پیامبر اکرم را سرمشق خویش معرفی فرمودند: «وَمَا اسْتَنَّ النَّبِيُّ (صلى الله عليه و اله) فَاَقْتَدَيْتُهُ» (همان، ص 322، خطبه 205).

## دو. افزایش ایمان، تقوا و خودکنترلی

یکی از مؤثرترین راهکارهای جلوگیری از سرقت بیت المال، افزایش ایمان، تقویت تقوا و خودکنترلی است.

خودکنترلی به معنای نظارت و مواظبت فرد بر اعمال و رفتار خویش و در نتیجه انجام دادن وظایف به نحو مطلوب و پرهیز از انحراف، سرقت، غصب اموال عمومی و تخلف شغلی و اداری است. خودکنترلی و نظارت بر اعمال و رفتار خود، جزو آموزه های اصیل اسلامی است. در ادبیات قرآنی، مسئله خودکنترلی با عنصر «تقوا» پیوندی ناگسستنی یافته است. به عبارت دیگر؛ بیان قرآنی و اسلامی خودکنترلی، در

مفهوم ارزشی «تقوا» تجسم یافته است؛ تقوا نیروی کنترل درونی است که انسان را در برابر طغیان شهوات حفظ می کند. تقوا، از قدرت بازدارندگی و نیروی حرکتی پرتوانی برخوردار است که ماشین وجود انسان را از پرتگاه ها حفظ و از سستی ها و خطاها بازمی دارد. تقوا باعث احساس مسئولیت و به دنبال آن انجام وظایف محوله به انسان است و زیربنای آن دو چیز است: یاد خدا؛ یعنی توجه به مراقبت دائمی خداوند و حضور او در همه جا و همه حال؛ و نیز توجه به معاد و دادگاه عدل خداوند و نامه اعمالی که هیچ کار کوچک و بزرگی نیست، مگر آن که در آن ثبت و به آن با دقت تمام رسیدگی می شود. توجه به این دو اصل مبدأ و معاد، سرلوحه برنامه های تربیتی امامان معصوم از جمله امام علی (علیه السلام) و اولیای الهی بوده و تأثیر آن در پاک سازی فرد و اجتماع، کاملاً چشم گیر است؛ چنان چه علی (علیه السلام) در نامه های متعددی کارگزاران و خراج بگيران حکومتش را مخاطب قرار داده و دقت در این دو اصل مهم را

یادآوری نموده است: «أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي سَرَائِرِ أَمْرِهِ وَخَفِيَّاتِ عَمَلِهِ» (همان، ص 382).

حضرت در نامه ای دیگر چنین نگاشته است: «فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَسِّرُ إِلَيْكُمْ مَعِشَرَ عِبَادِهِ عَنِ الصَّغِيرِ مِنْ أَعْمَالِكُمْ وَالْكَبِيرِ وَالظَّاهِرِ وَالْمُسْتُورِ» (همان، ص 383، نامه 27).

## ب. راهکارهای سیاسی

### یک. عزل و نصب متولیان امور مالی

علی (علیه السلام) در نخستین روزهای به دست گرفتن امور حکومتی از تغییر و تحول اساسی و قطعی در بیانی صریح و بدون ملاحظه چنین با مردم سخن گفتند: «وَإِنَّ بَلِيَّتَكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهَيْئَتِهَا يَوْمَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّهُ (صلی الله علیه و اله) وَالَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لَتُبْلَبُنَّ بِلَبَلَةٍ وَتُعْرَبُنَّ عُرْبَلَةً وَتَسَاطُنَ سَوَاطِنَ الْقُدْرِ حَتَّى يَعُودَ أَسَدُ فُلُوكُمْ أَعْلَاكُمْ وَأَعْلَاكُمْ أَسَدُ فُلُوكُمْ وَ لَيْسَ بَيْنَ سَابِقُونَ كَانُوا قَصْرُوا وَ لِيَقْصُرَنَّ سَابِقُونَ كَانُوا سَبَقُوا (همان، ص 57، خطبه 16)؛ به خدایی که او را به حق فرستاد، هرآینه همه درهم ریخته می شوید و هرآینه غربال می گردید و همچون محتوای دیگ جوشان در هم و بر هم گشته تا آن جا که ذلیل شما گرامی و بالانشینتان پست شود. واپس مانده ها که کوتاهی کردند پیش افتند و پیش افتاده های گذشته پس مانند».

### دو. نظارت دقیق و پی گیری گزارش ها

از عوامل تأثیرگذار بر حفظ و حراست از بیت المال، نظارت و بازرسی دقیق و مستمر حاکم اسلامی بر عمل کرد کارگزاران امور مالی جامعه اسلامی است؛ به همین روی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، نظارت دقیق، جدی، صریح، بی پرده و گسترده ای را اعمال می نمودند. حضرت در این رابطه به شیوه هایی چون بازرسی آشکار و نهان عمل می کردند (علی اکبری، سیاست های مالی امام علی (علیه السلام)، ص 180-183).

امام (علیه السلام) برای بازرسی پنهانی از کارگزارانش به مالک اشتر در گماردن بازرس های مخفی فرمان داد و فلسفه آن را چنین بیان داشت: «ثُمَّ تَقَدُّ أَعْمَالُهُمْ وَابْعَثِ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَدَوَةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرُّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ وَتَحَفُّظِ مَنْ

الأَعْوَان» (صالح، نهج البلاغه، ص 435، نامه 53)؛ «سپس با فرستادن مأموران مخفی راست گو و باوفا، کارهای آنان را زیر نظر بگیر! زیرا بازرسی نهانی در کارشان، آنان را به رعایت امانت و نرمی با توده مردم و ادار می سازد. با دقت بسیار، مراقب اعوان و انصار خود باش».

نظارت بر اجرای قانون و عمل کرد کارگزاران، هنگامی ضامن اجرای صحیح قانون و درستی رفتار و کردار کارگزاران است که حاکم، حق پی گیری و برخورد قانونی داشته باشد و هم اعمال اختیار کند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) علاوه بر نظارت بر متولیان امور و اعزام بازرسان آشکار و پنهان، به گزارش های آنان توجه و اهتمام خاصی نشان داده و آن ها را به دقت بررسی می کرد و به کار می گرفت (علی اکبری، سیاست های مالی امام علی (علیه السلام)، ص 184)، چنان که در نامه به مالک اشتر، وی را به پی گیری گزارش ناظران سفارش می کند.

### سه. بستن روزه های فساد

یکی از راه های فساد، هدیه گرفتن از ارباب رجوع است. اگر راه هدیه باز شود به تدریج تبدیل به رشوه خواری میشود. درباره این راهکار هم سیره عملی امام علی (علیه السلام) درس آموز است: «عَنِ الْأَصْبَغِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) قَالَ: أَيُّمَا وَالٍ احْتَجَبَ عَنْ حَوَائِجِ النَّاسِ احْتَجَبَ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَنْ حَوَائِجِهِ وَإِنْ أَخَذَ هَدِيَّةً كَانَ غُلُولًا وَإِنْ أَخَذَ رِشْوَةً فَهُوَ مُشْرِكٌ» (صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص 261؛ ری شهری، موسوعه الامام علی بن ابی طالب، ج 4، ص 155)؛ اصبع از علی (علیه السلام) نقل می کند که حضرت فرمود: هر والی که خود را پنهان داشته باشد از حاجت های رعیت، پنهان دارد حق تعالی (عنایت) خود را روز قیامت از حاجت های او، پس اگر هدیه بگیرد، مثل آن باشد که دزدی نموده باشد و اگر رشوه بگیرد، مثل آن است که شریک برای خداوند آورده باشد».

### یک. توجه به معیشت کارگزاران

یکی از عوامل مهمی که باعث می شود انسان ها به ورطه فساد و تباهی کشیده شوند، احتیاج و نیازمندی است. طبیعت آدمی به گونه ای است که احتیاج و نیاز، او را به رفع آن نیازمندی ها تحریک می کند و هرچه این نیاز بیش تر باشد، قدرت تحریکی آن نیز بیش تر خواهد بود. به همین رو، فقر و نداری در آموزه های دینی همسایه دیوار به دیوار کفر معرفی شده است؛ چنان که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) می فرماید: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (کلینی، اصول کافی، ج 2، ص 307)؛ نزدیک است که فقر به کفر انجامد».

اگر از کارکنان و مدیران سطوح مختلف نظام انتظار می رود وظایف خود را به شکل مطلوب و دور از هرگونه کم کاری، خیانت و سرقت، انجام دهند، باید آن ها را از لحاظ زندگی مادی تأمین کرد؛ اگر میزان دریافتی کارکنان با مخارج زندگی متوسط آن ها برابری نداشته و پایین تر از آن باشد، کارکنان با دل سردی به انجام کارشان مبادرت خواهند ورزید؛ کار را با اتقان و استحکام انجام نخواهند داد و کم کاری، خیانت و تعدی به اموال عمومی را پیشه خود خواهند ساخت.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) مسئله تأمین زندگی و بهبود وضعیت معیشتی کارکنان را از وظایف سازمان می داند و به مدیران گوشزد می کند که به طور جدی به این امر توجه کنند. حضرت امیرالمؤمنین خطاب به مالک اشتر می فرماید: «ثُمَّ أَسْبَغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْوَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَغِنَى لَهُمْ عَنْ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ وَحُجَّةٌ عَلَيْهِمْ إِنْ خَالَفُوا أَمْرَكَ أَوْ تَلَمَّوْا أَمَانَتَكَ» (صالح، نهج البلاغه، ص 435)؛ «پس روزی کارکنانت را فراخ دار! که فراخی روزی نیرویشان دهد تا در پی اصلاح خود برآیند و بی نیازشان ساز تا به مالی که در اختیار دارند دست نگشایند و حجتی بود بر آنان اگر فرمانت را نپذیرفتند، یا در امانت خیانت ورزیدند».



امام(علیه السلام) تأمین نیاز و معیشت کارمندان را در نگهداری بیت المال و پیش گیری از تعدی آنان به اموال عمومی و اختلاس آن تأثیرگذار دانسته است و مالک اشتر را به آن فرمان داده و اشاره کرده است که در فرض اجرای آن، بازخواست و مؤاخذه چپاولگران و خائنان آسان است و در این صورت هیچ گونه توجیهی نخواهند داشت؛ زیرا وسعت در رزق، موجب توانمندی بر رفع کاستی ها می گردد و خلأ نیاز به اموال دگران را پر می کند و بدین سان، بهانه ها، عذرها و توجیه گری ها را از خطاکاران می ستاند (علی اکبری، سیاست های مالی امام علی(علیه السلام)، ص 217-218)

## **دو. برخورد قاطعانه با سارقان اموال دولتی**

یکی از عوامل کاهش اختلاس اموال عمومی، برخورد شدید و قاطعانه با اختلاس کنندگان و سارقان اموال دولتی و عمومی و بازگرداندن آن ها به بیت المال است. برای پیش گیری از اختلاس و سرقت لازم است در انتخاب مدیران و مسئولان دولتی دقت کافی صورت گیرد تا افرادی امین، پاک دست، باتقوا و صادق انتخاب شوند و در پی آن، جامعه شاهد کم تر شدن فساد اداری به ویژه سرقت اموال عمومی باشد.

مبارزه با سرقت اموال عمومی و فساد، یکی از اصول و اهداف اساسی دین مبین اسلام است. بر این اساس، آموزه های دینی، سرشار از راهکارها و راه حل های پیش گیری از بروز سرقت و فساد در جامعه و مبارزه با آن می باشد. در همین رابطه حضرت علی(علیه السلام) مصمم بود تا اموال غارت شده در دوره خلیفه پیشین را به بیت المال مسلمین بازگرداند، به همین روی، مأموران و متصدیان حکومتی خویش را زیر نظر داشت تا احياناً تخلفی صورت نگیرد؛ و در صورت تخلف و یغماگری، به شدت با آنان برخورد می نمود؛ در این ارتباط بر پایه گزارشی که درباره برداشت عبدالله بن عباس از بیت المال به حضرت رسید، پس از اثبات صحت آن، در نامه ای از وی خواست تا اموال را برگرداند، پس از امتناع، امام(علیه السلام) نامه دیگری به او نوشت تا در بازپس گرداندن اموال تأکید و اصرار ورزد؛ حضرت چنین نگاشته

است: «فَاتَّقِ اللَّهَ وَارْزُقْ إِلَى هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ أَمْوَالَهُمْ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ ثُمَّ أَمْكَنَّاكَ اللَّهُ مِنْكَ لَأَعْذِرَنَّ إِلَى اللَّهِ فِيكَ وَ لَأَضْرِبَنَّكَ بِسَيفِي الَّذِي مَا صَرَبْتُ بِهِ أَحَدًا إِلَّا دَخَلَ النَّارَ» (صالح، نهج البلاغه، ص 414)؛ «از خدا پروا کن، به این قوم اموالشان را برگردان، اگر بر نگردانی آن گاه که خداوند به من قدرت دست یابی به تو را بدهد چنانکه عقوبت کنم که عذرخواهم نزد حق باشد و با شمشیرم گردنت را بزنم شمشیری که احدی را با آن نزد من جز این که وارد جهنم شد».

## نتیجه

از مجموع مطالب گذشته می توان چنین نتیجه گرفت:

با مدیریت صحیح بیت المال می توان امور زندگی مردم را اصلاح و نیازهای زندگی آنان را تأمین کرد

و هم چنین به وسیله آن می توان نیروهای نظامی و انتظامی را اصلاح و تقویت نمود و در نهایت موجبات دوام حکومت را فراهم کرد.

خیانت به بیت المال آثار و تبعات وضعی فراوانی دارد که از جمله آن ها می توان به سلب برکت، فروریختن اعتماد مردم، رسوایی در دنیا، شورش عمومی مردم اشاره نمود.

در آموزه های دینی، به حفظ بیت المال و اموال و دارایی های مردم اهمیت بسیاری داده شده و راهکارهایی را برای آن ارائه داده است؛ از جمله: راهکارهای فرهنگی مانند معرفی اسوه، ازدیاد تقوا و خودنگهداری و نیز راهکارهای سیاسی مانند نظارت دقیق، پی گیری گزارش ها، بستن منافذ فساد و هم چنین راهکارهای اقتصادی مانند توجه به معیشت کارگزاران، برخورد قاطعانه با سارقان اموال دولتی می باشد.

ص: 315

قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و گروهی از اساتید جامعه المصطفی، قم، انتشارات المصطفی، 1388 ش.

صالح، صبحی، نهج البلاغه، قم، هجرت، 1414 ق.

1. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، چاپ سوم، 1404 ق.

2. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، 1404 ق.

3. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الأئمه (علیهم السلام)، تحقیق/تصحیح: فرجی، مجتبی، قم، دار الحدیث، 1419 ق.

4. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، لغت راهکار، تهران، انتشارات سخن، 1381 ش.

5. بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی، تهران، اسلامی، 1375 ش.

6. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غررالحکم ودررالكلم آمدی، مترجم و شارح: هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1378 ش.

7. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، 1377 ش.

8. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، 1412 ق.

9. ری شهری، محمد محمدی، موسوعه الامام علی بن ابی طالب (علیهما السلام) فی الكتاب و السنه و التاريخ؛ قم، دار الحدیث، 1421 ق.

10. شرتونی، سعید، اقرب الموارد، تهران، دارالاسوه، 1416 ق.

11. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دار الشریف الرضی للنشر، 1404 ق.

12. علی اکبری، محمدحسین، سیاست های مالی امام علی (علیه السلام)، قم، بوستان کتاب، 1390 ش.

13. الفراء، ابویعلی محمدبن حسین، الاحکام السلطانیه، بیروت، دارالفکر، 1414 ق.

14. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1415 ق.

15. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، 1407 ق.

16. کریمی نیا، محمد مهدی، هم زیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل، قم، انتشارات



مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، 1386 ش.

17. ماوردی، علی بن محمد، الاحکام السلطانیه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1406 ق.

18. معظمی، شهلا؛ ایرانشاهی، حمید، پیش گیری از وقوع جرم و نقش سازمان های مسئول در قوانین ایران، تهران، انتشارات جاودانه جنگل، 1389 ش.

19. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر، چاپ دهم، 1375 ش.

20. نوری، میرزا حسین بن محمد، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق/تصحیح: مؤسسه آل البيت(علیهم السلام)، قم، مؤسسه آل البيت(علیهم السلام)، 1408 ق.

21. هوشیار، محمداقبر، اصول آموزش و پرورش، تهران، دانشگاه تهران، 1335 ش.

ص: 317

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

